

صفحه ویژه اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی!

(بروزشده بتاريخ دوم آذرماه 1395)

لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی نه!

تغییر قانون کار بنفع کارگران آری!

اخبار و گزارشات کارگری-10 آبان 1395:

* با ارسال اخبار، گزارشات، پیشنهادات و انتقادات شما در تکمیل کردن این صفحه و بروزکردنش باهم همراه شویم.

* باپخش این صفحه برای اطلاع رسانی و گسترش اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان و... نسبت به لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی با هم همکاری کنیم.

1- اخبار:

29 آبان: اخبار لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی و پشت پرده اش را باهوشیاری دنبال کنیم!

29 آبان-آناج: رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس: تا دولت نخواهد نمی توانیم لایحه اصلاحیه قانون کار را عودت دهیم.

خدادادی گفت: ما نمی توانیم لایحه اصلاحیه قانون کار را به دولت عودت دهیم اما این اجازه را داریم صفر تا صد آن را تغییر و یا لایحه را در وهلهی رأی گیری رد کنیم.

وی افزود، این لایحه هنوز به وهلهی رأی گیری نرسیده است.

27 آبان-مهر: عودت لایحه اصلاح قانون کار به صلاح نیست

یک مقام مسئول در وزارت کار از تشکیل جلسه مشورتی تشکلهای کارگری و کارفرمایی با حضور وزیر کار در آینده نزدیک خبر داد و توضیحاتی درباره انتقاد به لایحه جنجالی قانون کار ارائه داد.

اسماعیل ظریفی آزاد در برنامه چهارشنبه شب «تیترا امشب» شبکه خبر با موضوع لایحه اصلاح قانون کار گفت: روز سه شنبه شورای مشاوره سه جانبه ملی در محل وزارت کار تشکیل جلسه داد و نظرات دو گروه کارگری و کارفرمایی استماع شد.

وی با بیان اینکه این شورا، یک نشست مشورتی برای اجماع نظر است و خروجی این شورا صرفا ارائه پیشنهادات خواهد بود نه مصوبات، گفت: نتایج این شوراها به هیچ وجه منتج به تصمیمات نهایی نمی شود بلکه تصمیمات نهایی باید به تصویب هیأت دولت برسد.

مدیر کل دفتر تنظیم روابط کار و نظامهای جبران خدمت وزارت کار ادامه داد: در جلسه اخیر نظرات نمایندگان تشکلهای کارگری و کارفرمایی مطرح و پیشنهاداتی مطرح شد که در همین راستا شورای مشاوره سه جانبه ملی با حضور وزیر کار تشکیل جلسه خواهد داد و احتمالا خروجی آن جلسه منجر به ارائه پیشنهاداتی به دولت می شود.

وی با اشاره به اینکه این جلسه احتمالا هفته آینده برگزار شود گفت: مدت ها است که در خصوص لایحه اصلاح قانون کار و زیر سوال رفتن حقوق بنیادین کار بحث می شود اما این ادعاها مصداق ندارد. البته این به معنای دفاع تمام قد از لایحه نیست بلکه ما هم با بخش هایی از آن مخالفت داریم.

این مقام مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از آمادگی برای بررسی «بند-بند» لایحه اصلاح قانون کار و مقایسه آن با قانون فعلی خبر داد و گفت: آمادگی داریم تا با بررسی جزئیات لایحه در رسانه ملی مشاهده کنیم کدام بخش لایحه اصلاح قانون کار حقوق بنیادین کارگران را نادیده گرفته است؟

ظریفی آزاد با تاکید بر اینکه سه جانبه گرایی یعنی مشورت با تشکلهای نه دخالت آنها در تدوین لایحه گفت: تشکلهای کارگری و کارفرمایی می توانند نظرات خود را ارائه دهند و در صورت صلاحدید در لایحه پیشنهاد شود اما نمی توانند مستقیا برای تدوین لایحه تصمیم گیری کنند و این دخالتها فقط در قوانین داخلی ما است. تنظیم لوایح یک امر حاکمیتی است و ضمن اینکه حاکمیت باید گوش شنوا داشته باشد اما باید در تصمیمات نهایی مستقل عمل کند.

مدیر کل تنظیم روابط کار وزارت کار همچنین در واکنش به درخواست تشکلهای کارگری برای بازگشت لایحه به دولت و بررسی مجدد آن گفت: مگر مجلس شورای اسلامی اختیار مطلق برای تغییر مفاد لایحه ندارد؟ مجلس می تواند تمام مفاد لایحه را تغییر دهد بنابراین بازگشت آن به دولت لزومی ندارد.

اصغر آهنی ها نیز در این برنامه گفت: شورای مشاوره سه جانبه ملی سه شنبه در وزارت کار تشکیل و دو پیشنهاد از سوی معاون روابط کار وزیر درباره لایحه اصلاح قانون کار مطرح شد.

وی ادامه داد: پیشنهاد نخست این بود که نمایندگان تشکلهای کار، درخواست بازگشت لایحه را به دولت بدهند و پیشنهاد دیگر نیز این بود که تشکلهای درخواست توقف موقت لایحه را به کمیسیون اجتماعی مجلس ارائه دهند و این لایحه به پس از رسیدگی با حضور شرکای اجتماعی مجدد در دستور کار کمیسیون قرار گیرد.

آهنی‌ها ضمن مخالفت تلویحی با بازگشت لایحه اصلاح قانون کار به دولت ادامه داد: زمانی که لایحه در دستور کار کمیسیون اجتماعی قرار گرفت از دولت درخواست کردیم بررسی آن در مجلس فعلا متوقف شود اما از دستور کار خارج نشود تا پس از بررسی مجدد با حضور شرکای اجتماعی در شورای عالی کار، مجدد در دستور کار کمیسیون قرار گیرد چراکه با برگشت لایحه ممکن است ارسال مجدد آن به مجلس سال‌های متمادی به طول بیانجامد.

25*آبان-مهر: لایحه اصلاح قانون کار به وزارت کار ارجاع شد!

نائب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از ارجاع لایحه اصلاح قانون کار به وزارت کار برای بررسی در کارگروهی ویژه با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت خبرداد.

علی رستمیان با اشاره به آخرین وضعیت ادامه بررسی لایحه اصلاح قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: این لایحه از حدود یکماه پیش در دستور کار این کمیسیون قرار گرفت و از نمایندگان شرکای اجتماعی نیز در جلسه دعوت شد.

وی ادامه داد: پس از بررسی لایحه در کمیسیون اجتماعی، نمایندگان تشکلهای کارگری و کارفرمایی نسبت به مواد لایحه اصلاح قانون کار انتقاد داشتند و خواستار بازگشت آن به دولت شدند.

نائب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: در حالی که طبق ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه دولت مکلف است قانون را با حضور شرکای اجتماعی و رعایت اصل سه جانبه‌گرایی تهیه کند اما تشکلهای کارگری معتقدند این لایحه بدون مشورت با آنها در دولت قبل تهیه شده است بنابراین برای اینکه این لایحه مورد بررسی قرار گیرد از سوی کمیسیون اجتماعی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارجاع داده شده تا در کارگروهی ویژه با رعایت اصل سه جانبه‌گرایی مورد بررسی قرار گیرد.

رستمیان گفت: لایحه اصلاح قانون کار پس از بررسی با حضور نمایندگان تشکلهای کارگری، کارفرمایی و دولت در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مجدد در دستور کار کمیسیون اجتماعی قرار می‌گیرد.

بر اساس این گزارش، لایحه اصلاح قانون کار در دولت قبل تهیه و به مجلس ارائه شده است اما به دلیل اعتراض تشکلهای کارگری مبنی بر عدم مشارکت آنها در فرآیند بررسی آن به دولت بازگشت داده شده بود؛ اما تشکلهای کارگری مدعی هستند این لایحه با وجود اینکه به دولت بازگشت داده شده بود اما دولت یازدهم مجدداً این لایحه را بدون رعایت اصل سه جانبه‌گرایی به مجلس ارسال کرده است.

25 آبان: لایحه اصلاح قانون کار به وزارت کار ارجاع شد!

نائب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از ارجاع لایحه اصلاح قانون کار به وزارت کار برای بررسی در کارگروهی ویژه با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت خبرداد.

به گزارش 25 آبان مهر، علی رستمیان با اشاره به آخرین وضعیت ادامه بررسی لایحه اصلاح قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: این لایحه از حدود یکماه پیش در دستور کار این کمیسیون قرار گرفت و از نمایندگان شرکای اجتماعی نیز در جلسه دعوت شد.

وی ادامه داد: پس از بررسی لایحه در کمیسیون اجتماعی، نمایندگان تشکلهای کارگری و کارفرمایی نسبت به مواد لایحه اصلاح قانون کار انتقاد داشتند و خواستار بازگشت آن به دولت شدند.

نائب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: در حالی که طبق ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه دولت مکلف است قانون را با حضور شرکای اجتماعی و رعایت اصل سه جانبه‌گرایی تهیه کند اما تشکلهای کارگری معتقدند این لایحه بدون مشورت با آنها در دولت قبل تهیه شده است بنابراین برای اینکه این لایحه مورد بررسی قرار گیرد از سوی کمیسیون اجتماعی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارجاع داده شده تا در کارگروهی ویژه با رعایت اصل سه جانبه‌گرایی مورد بررسی قرار گیرد.

رستمیان گفت: لایحه اصلاح قانون کار پس از بررسی با حضور نمایندگان تشکلهای کارگری، کارفرمایی و دولت در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مجدد در دستور کار کمیسیون اجتماعی قرار می‌گیرد.

بر اساس این گزارش، لایحه اصلاح قانون کار در دولت قبل تهیه و به مجلس ارائه شده است اما به دلیل اعتراض تشکلهای کارگری مبنی بر عدم مشارکت آنها در فرآیند بررسی آن به دولت بازگشت داده شده بود؛ اما تشکلهای کارگری مدعی هستند این لایحه با وجود اینکه به دولت بازگشت داده شده بود اما دولت یازدهم مجدداً این لایحه را بدون رعایت اصل سه جانبه‌گرایی به مجلس ارسال کرده است.

16 آبان: از بررسی لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی در مجلس چه خبر؟

خبرکوتاه: فارس طی گزارشی بتاريخ 16 آبان از زمزمه‌هایی درباره تغییر بررسی لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی از کمیسیون اجتماعی به کمیسیون اقتصادی مجلس خبرداد.

4 آبان: آخرین خبرها درباره لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی!

کمیسیون اجتماعی مجلس هفته آینده وارد اصلاح قانون خدمات کشوری می‌شود!

*امکان تغییر و عدم تغییر همه ی مفاد قانون کار وجود دارد!

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: در ۸ مورد از لایحه ی اصلاح قانون کار بین دولت، کارفرمایان و کارگران اختلاف نظر وجود دارد. امکان تغییر و عدم تغییر همه ی مفاد وجود دارد.

به گزارش 4آبان خبرگزاری مجلس، سلمان خدادادی در گفتگوی تلفنی برنامه ی سؤال رادیو گفت: قانون کاری که بصورت لایحه توسط دولت به مجلس ارائه شده مربوط به دولت دهم است.

ریاست کمیسیون اجتماعی مجلس ضمن اشاره به جلسات متعدد همکارانش در مجلس نهم و ادامه ی این جلسات تصریح کرد: من از ۱۵ نفر از تشکل های کارگری (بخوان تشکل های دست ساز حکومتی) و نیز اعضای دولت و ۳ نفر از کارگران معترض (که جلوی مجلس تحصن کرده بودند) برای حضور در این جلسات دعوت کردم.

وی در ادامه اضافه کرد: طی این جلسات معلوم شد در ۸ مورد از لایحه ی اصلاح قانون کار بین دولت، کارفرمایان و کارگران اختلاف نظر وجود دارد.

خدادادی با تأکید بر اینکه تا جایی که بتوانم این جلسات را ادامه خواهم داد اذعان کرد: امکان تغییر و عدم تغییر همه ی مفاد لایحه وجود دارد.

*لایحه اصلاحی دولت درباره قانون کار تصویب نمی شود!

کمیسیون اجتماعی مجلس هفته آینده وارد اصلاح قانون خدمات کشوری می شود!

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس درباره لایحه پیشنهادی دولت به مجلس گفت: لایحه اصلاح قانون کار که دولت به مجلس تقدیم کرده تنها در حد یک طرح است که بررسی می شود و مطمئناً تصویب نخواهد شد.

به گزارش 3آبان تسنیم، سلمان خدادادی با اشاره به اصلاح قانون خدمات کشوری در کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: کمیسیون اجتماعی مجلس هفته آینده وارد اصلاح قانون خدمات کشوری می شود و همه نواقص بیمه ای، مقطعی و نظارت بر حقوق و اضافه دریافتی ها شفاف سازی می شود و مصمم هستیم جلوی همه این تخلفات گرفته شود.

28مهر: آخرین خبرها درباره لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد-روحانی!

جهت اطلاع-تلاش دولت، کارفرمایان خصوصی، تشکل های دست ساز حکومتی و مجلسیان برای خاک پاشاندن به چشم کارگران و جانداختن لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد-روحانی:

مهر-28مهر: نخستین جلسه بررسی لایحه اصلاح قانون کار، پس از حرف و حدیث های متعدد سرانجام دیروز در کمیسیون اجتماعی مجلس با حضور شرکای اجتماعی؟! برگزار شد.

نوبت بررسی لایحه اصلاح قانون کار از سوی دولت پس گرفته نشد و بررسی آن در کمیسیون اجتماعی مجلس از دیروز حور شرکای اجتماعی آغاز شد.

در همین رابطه سلمان خدادادی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس درباره جزئیات نخستین جلسه بررسی لایحه اصلاح قانون کار در این کمیسیون گفت: طبق برنامه زمان بندی رسیدگی به طرح ها و لوایح، سرانجام بررسی لایحه اصلاح قانون کار از دیروز با دعوت از نمایندگان تشکل های کارگری (بخوان تشکل های دست ساز حکومتی)، کارفرمایی، اتاق صنعت و معدن، نماینده مرکز پژوهش های مجلس، معاون پارلمانی و معاون روابط کار وزیر کار در دستور کار کمیسیون اجتماعی قرار گرفت.

خدادادی گفت: دولت در صدر لایحه اصلاح قانون کار به تهیه این لایحه با استناد به ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه اشاره کرده است و مجلس باید بر اساس آئین نامه حاکم بر طرح ها و لوایح، این لایحه را نیز در دستور کار قرار می داد.

وی ادامه داد: در نشست دیروز کلیات لایحه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نمایندگان تشکل های کارگری؟! و کارفرمایی نظرات خود را در خصوص کلیات لایحه اعلام کردند.

تسنیم-28مهر: رئیس انجمن های صنفی کارفرمایی ایران با بیان اینکه پیشنهاد دادیم توافق های قبلی جایگزین قانون فعلی شود گفت: در ۷ مورد اختلاف نظر داشتیم که مقرر شد این چند ماده را در جلسه ای مشترک با شرکای اجتماعی؟! بررسی کنیم.

مجد عطاردیان درباره جلسه کمیسیون اجتماعی و اصلاح لایحه قانون کار گفت: روز گذشته این جلسه با حضور تشکل های کارگری؟! و کارفرمایی برگزار شد.

وی ادامه داد: قانون کار در گذشته بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان مورد بررسی قرار گرفت و 14 صورتجلسه با رضایت کارگران و کارفرمایان مورد اصلاح قرار گرفت، در 7 زمینه اختلاف نظر بین کارگران؟! و کارفرمایان وجود داشت که می بایست در جلسه ای دیگر مورد بررسی قرار می گرفت.

عطاردیان تأکید کرد: به کمیسیون اجتماعی مجلس پیشنهاد دادیم تا آن 14 صورتجلسه قبلی که به صورت سه جانبه از اصلاح قانون کار تهیه شده بود را بررسی و در صورت صلاح دید جایگزین قانون فعلی کنند تا رضایت کارگران؟! هم جلب شود و اختلاف نظر در 7 ماده نیز در کمیسیون اجتماعی یا جلسه ای دیگر از شورای عالی کار مورد بررسی قرار گیرد.

نایب رئیس قانون انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران افزود: در مورد 7 بخش که مورد اختلاف نظر بین کارگران؟! و کارفرمایان بود هم می‌توان در شورای عالی کار یا کمیسیون اجتماعی مجلس تصمیم‌گیری کرد. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس پیشنهاد بررسی 14 صورتجلسه در کمیسیون را پذیرفت و قرار شد این موضوعات در جلسات آینده مورد بررسی قرار گیرد.

وی تأکید کرد: کارفرمایان و کارگران شرکای اجتماعی دولت هستند، بنابراین دولت نباید بدون مشورت با این دو گروه کاری در زمینه اصلاح قانون کار انجام دهد و این قوانین باید با نظر دو گروه کارگری؟! و کارفرمایی تنظیم و ابلاغ شود.

فارس-28 مهر: رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر که علاوه بر حضور 15 نماینده کارگری؟! در نشست بررسی لایحه اصلاحیه قانون کار، سایر شرکا از جمله دولت و کارفرمایان نیز نظرات خود را اعلام کردند، گفت: امکان رد لایحه وجود دارد اما معتقد به بررسی تمام جوانب اصلاحیه هستیم.

سلمان خدادادی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه 15 نماینده مخالف کارگری؟! از تشکلهای مختلف؟! با حضور در کمیسیون اجتماعی در جریان بررسی لایحه اصلاحیه قانون کار، نظرات خود را به طور کامل و مفصل بیان کردند اظهار داشت: این جلسه بیش از 3 ساعت به طول انجامید و سایر نمایندگان دولت و کارفرمایی و همچنین نماینده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز به ارائه پیشنهادات پرداختند.

وی افزود: کلیات لایحه اصلاحیه قانون کار به زمان رأی‌گیری نرسید و به نظر می‌رسد باید فرصت بیشتری برای بررسی ابعاد مختلف آن به وجود آید. بنابراین هنوز درباره کلیات این لایحه جمع‌بندی صورت نگرفته است.

خدادادی افزود: نشست بعدی بررسی لایحه اصلاحیه قانون کار در کمیسیون اجتماعی، تا دو هفته بعد برگزار می‌شود.

27 مهر: تصمیم امروز کمیسیون اجتماعی مجلس درباره لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد-روحانی!

جهت اطلاع: سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس در تشریح جلسه امروز کمیسیون متبوع خود، گفت: در این جلسه لایحه اصلاح قانون کار با حضور نمایندگان از جامعه کارگری، دولت و کارفرمایان مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش 27 مهر خبرگزاری مجلس، جلیل مختار در تشریح جلسه امروز (سه شنبه 27 مهر) کمیسیون اجتماعی مجلس، گفت: در این جلسه لایحه اصلاح قانون کار با حضور نمایندگان از دولت، کارگران، و کارفرمایان بررسی شده و بحث‌ها و گفت‌وگوهای بسیاری در این خصوص به عمل آمد.

وی با اشاره به اینکه نمایندگان کارگری، کارفرما و دولت در خصوص نقاط مبهمی در این لایحه اختلاف نظر دارند، افزود: این اختلاف‌ها بیشتر در خصوص چندین ماده مهم و اساسی بود و مقرر گردید یک کمیته تخصصی 3 گانه با حضور نمایندگان هر 3 طرف تحت نظارت کمیسیون اجتماعی برای بررسی بیشتر لایحه تشکیل شود.

وی با بیان اینکه در جلسات کمیته 3 گانه باید عدالت محوری رعایت شود، تصریح کرد: امیدواریم که در جلسات مذکور اختلاف‌نظرها میان نمایندگان کارگری، کارفرمایان و دولت رفع و لایحه اصلاح قانون کار با اکثریت آراء در مجلس به نفع جامعه کارگری تصویب شود.

سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، گفت: به طور حتم از اعضاء کمیسیون در این جلسات حضور دارند و نظارت بر تصمیمات این جلسات توسط کمیسیون اجتماعی انجام می‌شود، البته نمی‌توان پیش‌بینی کرد که جمع‌بندی لایحه در چه زمانی صورت می‌گیرد.

24 مهر: گل آلود کردن آب برای ماهیگیری دولت یازدهم در رابطه با لایحه پیشنهادی اصلاح قانون کار!

اخبار و گزارشات کارگری: وزارت کار، سردمداران تشکلهای کارگری دست ساز حکومتی و اعضاء کمیسیون اجتماعی مجلس با گل آلود کردن آب زمینه را برای ماهیگیری دولت یازدهم در رابطه با لایحه اصلاح قانون کار آماده می‌کنند.

فارس-24 مهر: لایحه اصلاح قانون کار در دستور کار این هفته کمیسیون اجتماعی مجلس:

لایحه جنجالی اصلاحیه قانون کار پس از کش و قوس‌های فراوان بالاخره این هفته در دستورکار کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.

اختلاف‌نظرها درباره بررسی و عدم بررسی لایحه اصلاحیه قانون کار در مجلس شورای اسلامی همچنان پابرجاست و با این وجود کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، این لایحه را این هفته در دستورکار خود قرار داده است.

براساس این گزارش، در روز سه‌شنبه برای مدت یک ساعت از ساعت 14 بعدازظهر لایحه قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس بررسی می‌شود و پس از آن سایر دستورکارها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

ایلنا-24 مهر: بررسی لایحه اصلاح قانون کار از روز سه‌شنبه آغاز می‌شود

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه رسیدگی به لایحه اصلاح قانون کار از روز سه‌شنبه آغاز می‌شود، تأکید دارد: دولت می‌تواند با ارسال یک نامه تقاضای استرداد لایحه اصلاح قانون کار را ارائه دهد تا بلافاصله بررسی آن از دستور کار خارج شود.

سلمان خدادادی با اعلام این مطلب اظهار داشت: بررسی لایحه اصلاح قانون کار از روز سه‌شنبه (27 مهر) در کمیسیون اجتماعی مجلس آغاز می‌شود.

خدادادی تاکید دارد؛ دولت می‌تواند با ارسال یک نامه تقاضای استرداد لایحه را ارائه دهد تا بلافاصله بررسی آن از دستور کار خارج شود.

خدادادی در خصوص نحوه بررسی این لایحه در کمیسیون اجتماعی مجلس، تصریح کرد: در کمیسیون اجتماعی مجلس نمایندگان جامعه کارگری (بخوان نمایندگان تشکل های کارگری دست سازحکومتی) حضور دارند و می‌توانند به خوبی از حقوق کارگران در این خصوص دفاع کنند!؟.

وی افزود: پس از تصویب کلیات لایحه، آن را به کمیسیون‌های تخصصی می‌فرستیم که در آنجا شرکای اجتماعی دولت می‌توانند در این خصوص با رعایت سه جانبه‌گرایی گفت‌وگو کنند و لایحه را نقد کنند.

ایلنا 24مهر: برگزاری جلسه مشترک برای بازپس‌گیری لایحه اصلاح قانون کار

یک عضو کارگری شورای عالی کار از برگزاری جلسه‌ای مشترک برای بازپس‌گیری لایحه اصلاح قانون کار خبر می‌دهد.

علی خدایی با اعلام این خبر گفت: این جلسه قرار است به زودی با حضور اعضای سه گروه دولتی، کارفرمایی و کارگری شورای عالی کار و اعضای از کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی برگزار شود.

وی بایان اینکه مسئولیت هماهنگی، اطلاع‌رسانی و برگزاری جلسه یاده شده قرار است برعهده معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد.

خدایی افزود موضوع بررسی لایحه اصلاح قانون کار موقتا از دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس خارج شده است.

خدایی اصرار دولت بر تصویب لایحه اصلاح قانون کار را نکته تاریکی در کارنامه دولت یازدهم دانست و افزود: حتی اگر این لایحه در مجلس بررسی نشده باشد بازهم به جرات می‌توان گفت به جریان انداختن لایحه ضد کارگری دولت قبل منجر به آشفتگی روانی و برهم خوردن آرامش جامعه کارگری شده است.

عضو کارگری شورای عالی کار با تاکید بر اینکه استدلال‌های دولت در زمینه بازپس‌گیری لایحه اصلاح قانون کار غیر حقوقی است، افزود: دولت یازدهم تمامی لوایح دولت قبل را خلاف مصالح و منافع ملی می‌دانست از مجلس پس گرفت اما لایحه اصلاح قانون کار را که کلیتی ضد کار و کارگری دارد را از مجلس پس نگرفته است.

خدایی در پایان افزود: دولت این بهانه را می‌آورد که چون لایحه اصلاح قانون کار در دولت قبل به مجلس ارسال شده نمی‌توان آن را پس گرفت اما این استدلال غیر حقوقی است و از اعتماد شرکای اجتماعی کاسته است.

مهر 24مهر: علی خدایی با انتقاد از بررسی لایحه اصلاح قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: با توجه به روند طی شده برای اصلاح این قانون و مخالفت‌های گسترده با آن، رفتار دولت در بی‌توجهی به شرکای اجتماعی تداعی کننده یک دهن‌کجی است.

عضو هیأت رئیسه کانون شوراهای اسلامی کار کشور با بیان اینکه پیگیریها برای مجاب‌کردن دولت مبنی بر عودت لایحه اصلاح قانون کار ادامه دارد، به برگزاری جلسه شورای مشاوره سه جانبه ملی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی حدود دو هفته اخیر اشاره کرد و گفت: مواضع مشترک کارگران و کارفرمایان در این جلسه، ایرادات ساختاری در لایحه بود که انتظار داشتیم دولت حداقل برای بررسی مجدد و احترام به جامعه کارگری و کارفرمایی، این لایحه را پس بگیرد.

عضو هیأت رئیسه کانون شوراهای اسلامی کار افزود: کمیسیون اجتماعی مجلس در همان جلسات اولیه بررسی لایحه اصلاح قانون کار، مغایرت کلیات این لایحه با ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه را تشخیص خواهد داد.

خدایی در مورد ادعای دولت مبنی بر اینکه لایحه اصلاح قانون کار در دولت گذشته به مجلس تسلیم شده است نیز گفت: ما می‌پذیریم که این لایحه در دولت گذشته نوشته شده است اما یکبار در همان دولت مسکوت ماند و در دولت فعلی همان لایحه مجدد و بدون نظرخواهی از جامعه کارگری و کارفرمایی به مجلس ارسال شده است که ۱۴ تیرماه امسال به هیأت رئیسه مجلس اعلام وصول و ۲ مرداد در کمیسیون اجتماعی و کمیسیون‌های فرعی توزیع شده است.

نماینده کارگری شورای عالی کار اضافه کرد: شنیده‌های ما حاکی از آن است که در دولت گذشته همراه با لایحه اصلاح قانون کار، لایحه بیمه بیکاری نیز ارسال شده اما در ارسال مجدد آن توسط دولت یازدهم، فقط لایحه اصلاح قانون کار به مجلس تقدیم شده است.

این فعال کارگری با بیان اینکه با تصویب این لایحه مرگ روابط کار را پیش می‌کنیم، گفت: قانون کار پس از ۲۶ سال در مرحله اصلاح قرار دارد اما لایحه فعلی تمام حقوق بنیادین کارگران را از بین برده است.

تسنیم 24مهر: عضو کارگری شورای عالی کار گفت: علیرغم اینکه قرار بود جلسه‌ای مشترک برای بازپس‌گیری لایحه اصلاح قانون کار برگزار شود اما خبر می‌رسد بررسی لایحه اصلاح قانون کار از سه شنبه در کمیسیون اجتماعی آغاز می‌شود که با این حساب باید فاتحه کار و تولید را خواند.

علی خدایی گفت: علیرغم اینکه بیان شده بود این جلسه با حضور کارگران و کارفرمایان است اما تا کنون خبری از دعوت از شرکای اجتماعی نیست.

23مهر: ادامه خیمه شب بازی درباره لایحه اصلاح قانون کارپیشنهادی دولت یازدهم!

اخبار و گزارشات کارگری: خیمه شب بازی دولت، سردمداران تشکل های کارگری دست ساز حکومتی و کمیسیون اجتماعی مجلس درباره لایحه اصلاح قانون کارپیشنهادی دولت یازدهم ادامه دارد.

به گزارش 23 مهر فارس، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی از عدم بررسی لایحه اصلاحیه قانون کار در نشست هفته گذشته کمیسیون خبر داد و گفت: با توجه به آیین نامه داخلی مجلس، لایحه اصلاحیه در دولت فعلی به مجلس تقدیم شده و اعلام وصول شد.

رضا شیران خراسانی در پاسخ به این سوال که آیا طبق اعلام قبلی، لایحه اصلاح قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس بررسی شد، یا خیر اظهار داشت: هفته گذشته لایحه اصلاحیه مطرح نبود و در دستور کار هفته آتی نیز بررسی لایحه اصلاحیه وجود ندارد.

وی افزود: تاکنون بحثی درباره این اصلاحیه در مجلس نشده است و درباره رد یا تایید آن توسط نمایندگان نمی توان اظهار نظر کرد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه لایحه اصلاحیه در دولت فعلی باید به مجلس شورای اسلامی ارسال شده باشد، گفت: طبق آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تمام طرح ها و لوایح در مجلس قبلی مسکوت می ماند و به جریان افتادن لوایح دولت باید به تایید مسئولان دولتی برسد.

وی گفت: طرح های مجلس نیز باید با تغییر مجلس برای به جریان افتادن به امضای 25 نفر از نمایندگان برسد. بنابراین اظهار نظر دولت درباره تقدیم لایحه اصلاحیه قانون کار در دولت قبلی به مجلس به اعلام وصول آن که به نظر دولت قبلی صحیح نیست، چرا که باید طبق آیین نامه در دولت جدید مورد تایید قرار بگیرد.

به گزارش امروز مهر در همین رابطه، معاون وزیر کار از تصمیم جدید برای لایحه اصلاح قانون کار خبر داد و گفت: به زودی جلسه ای بین نمایندگان تشکل های کارگری (بخوان نمایندگان تشکل های کارگری دست ساز حکومتی) و کارفرمایی عضو شورا عالی کار با رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس برگزار می شود.

بنا به همین گزارش مجدداً هفده تن، درباره آخرین وضعیت رسیدگی به درخواست جامعه کارگری و کارفرمایی مبنی بر عودت لایحه اصلاح قانون کار به دولت به دلیل اعتراض به برخی مواد آن گفت: این موضوع اخیراً در شورای مشاوره سه جانبه ملی با حضور نمایندگان تشکل های عالی کارگری و کارفرمایی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

وی ادامه داد: در این شورا مسائل مربوط به حوزه روابط کار بررسی می شود که در جلسه اخیر موضوع لایحه اصلاح قانون کار با اولویت بررسی شد.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه در جلسه مذکور تشکل های کارگری (بخوان تشکل های کارگری دست ساز حکومتی) و کارفرمایی نظرات خود را در خصوص لایحه اصلاح قانون کار ارائه دادند افزود: این لایحه توسط دولت گذشته به مجلس تقدیم شد و دولت یازدهم نمی تواند نسبت به عودت آن اقدام کند.

هفده تن گفت: به دلیل اعتراض تشکل های کارگری و کارفرمایی به لایحه اصلاح قانون کار، مقرر شد در آینده نزدیک جلسه مشترکی بین اعضای تشکل های عالی کارگری و کارفرمایی در شورا عالی کار با رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس برگزار شود تا طرفین بدون دخالت دولت تصمیمات لازم را بگیرند و هر تصمیمی که در این جلسه اعم از پس دادن لایحه یا ادامه بررسی گرفته شود، ما تبعیت خواهیم کرد.

وی تاکید کرد: با توجه به اینکه دولت یازدهم نمی تواند لایحه ارسالی در دولت گذشته را پس بگیرد بنابراین اگر نتیجه جلسه نمایندگان تشکل های کارگری و کارفرمایی در شورا عالی کار با رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، عودت لایحه بود باید از طرف مجلس برگشت داده شود.

11 مهر: بررسی لایحه اصلاح قانون کار در جلسه هفته آینده کمیسیون اجتماعی مجلس!

علیرغم خیمه شب بازی روزهای گذشته وزارت کار، کمیسیون اجتماعی مجلس و تشکل های کارگری دست ساز حکومتی، لایحه اصلاح قانون کاری که از طرف دولت احمدی نژاد به مجلس داده شده بود و برای باردیگر از طرف دولت روحانی به مجلس ارسال و در تاریخ سیزدهم تیرماه در هیأت رئیسه مجلس اعلام وصول شده در جلسه هفته آینده کمیسیون اجتماعی مجلس مورد بحث قرار خواهد گرفت.

به گزارش 11 مهر خبرگزاری مجلس، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از بررسی کلیات اصلاح قانون کار در جلسات هفته آینده کمیسیون متبوع خود خبر داد.

سلمان خدادادی افزود: تا زمانی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به طور رسمی درخواست خود مبنی بر استرداد این لایحه را به مجلس اعلام نکرده کمیسیون اجتماعی باید بررسی آن را در دستور کار قرار دهد.

به گزارش امروز مهر در همین رابطه، علی ربیعی امروز در مصاحبه ای رسماً اعلام کرد: اصلاحیه قانون کار که در دولت قبل به مجلس داده شده بود در کمیسیون اجتماعی مجلس اصلاح و بازنگری خواهد شد.

بدین ترتیب علیرغم خیمه شب بازی روزهای گذشته وزارت کار، کمیسیون اجتماعی مجلس و تشکل های کارگری دست ساز حکومتی، لایحه اصلاح قانون کاری که از طرف دولت احمدی نژاد به مجلس داده شده بود و برای باردیگر از طرف دولت روحانی

به مجلس ارسال و در تاریخ سیزدهم تیرماه در هیأت رئیسه مجلس اعلام وصول شده در جلسه هفته آینده کمیسیون اجتماعی مجلس مورد بحث قرار خواهد گرفت.

2- بررسی مواد لایحه اصلاح قانون کار:

19 آبان: طرح 86 ماده ای دولت، در قالب "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" / بخش ششم

پیشنهاد اصلاحی: در تبصره ماده (22) عبارت «توسط سازمان تأمین اجتماعی، این سازمان» به عبارت «صندوق بیمه ای ذی ربط» اصلاح می شود. تبصره: تا تعیین تکلیف وراث قانونی و انجام مراحل اداری و برقراری مستمری، توسط سازمان تأمین اجتماعی، این سازمان موظف است نسبت به پرداخت حقوق متوفی به میزان آخرین حقوق دریافتی به طور علی الحساب و به مدت سه ماه به عائله تحت تکفل وی اقدام نماید.

اصل ماده 22 قانون کار - در پایان کار، کلیه مطالباتی که ناشی از قرارداد کار و مربوط به دوره اشتغال کارگر در موارد فوق است، به کارگر و در صورت فوت او به وراث قانونی وی پرداخت خواهد شد.

توضیحات ما: مالکین واقعی سازمان تأمین اجتماعی در واقع خود کارگران هستند و این سازمان در حقیقت با حق بیمه ای کارگران و حاصل سال ها دسترنج آنان شکل گرفته است. لذا به طور طبیعی باید در خدمت آن ها باشد. اما کارگران در طول عمر این سازمان همواره شاهد تهیه و تنظیم آئین نامه ها، بخشنامه ها و دستورالعمل هایی بوده اند که به بهانه های مختلف و تا آن جا که ممکن است از دادن امکانات به کارگران جلوگیری نموده و پیوسته راه گریزی برای عدم پاسخگویی به خواست ها و مطالبات آنان و حتی المقدور اجرا نکردن قوانین و مقررات این سازمان باز کرده است. ساختار اداره این "سازمان" نیز همیشه به گونه ای بوده است که کارگران به مثابه متولیان و صاحبان اصلی این نهاد، هیچ نقشی در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های آن نداشته و همواره این باندهای قدرت بوده اند که این "سازمان" را در کنترل خود داشته و سرمایه های آن را جا به جا می کرده اند.

"پیش نویس اصلاحیه قانون کار" اما بر حسب ماهیت ضدکارگری خود و البته در راستای حمایت از سرمایه و سرمایه داران، نه تنها از معضلات و گرفتاری های موجود کارگران در این زمینه کم نمی کند و نسبت به آن ها بی تفاوت است، بلکه حتی به نوبه خود موانع و محدودیت های تازه ای نیز بر سر راه احقاق حقوق آنان و به طور مشخص اجرای مفاد ماده 22 قانون کار ایجاد می کند. بدین نحو که: وظایف و مسئولیت هایی را که به طور مشخص و به موجب نص صریح ماده (23) "قانون کار" فعلی، برعهده این "سازمان" گذاشته شده است را از روی دوش آن برداشته و آن ها را تماماً به "صندوق های بیمه ای ذی ربط"، که هیچ چیز جز شرکت های بیمه ای خصوصی از آن مستفاد نمی شود، حواله می دهد.

قابل توجه این که تهیه کنندگان "پیش نویس اصلاحیه قانون کار"، عیناً همین منظور را - منتها به شکل دیگری - در پیشنهاد شماره 59 خود که ناظر بر ماده (148) قانون کار است مطرح نموده، می نویسند: "کارفرمایان کارگاه های مشمول این قانون مکلفند نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود نزد صندوق تأمین اجتماعی یا سایر صندوق های بیمه ای، براساس ضوابط مربوطه اقدام نمایند". و حال آنکه ماده 148 "قانون کار" موجود صراحتاً تأکید دارد که: "کارفرمایان کارگاه های مشمول این قانون مکلفند براساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند".

از پیش معلوم است که در صورت چنین اتفاقی - که منجر به شانه خالی کردن "سازمان تأمین اجتماعی" از تعهدات خود و واگذاری آن ها به شرکت ها و "صندوق های بیمه ای" خصوصی خواهد شد - چه مشکلاتی پیش روی کارگران قرار خواهد گرفت و چه بلبشویی در روابط کار میان کارگران و کارفرمایان - به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران - ایجاد خواهد شد. که از نمونه های آشکار آن می توان به "بیمه های تکمیلی درمانی" اشاره نمود که نتیجه ای جز تحمیل بار مالی اضافی به کارگران، کاهش تعهدات "سازمان تأمین اجتماعی" و درگیر شدن کارگر در جنبه بوروکراسی شرکت های خصوصی بیمه ای - که هرلحظه ممکن است به هر دلیلی منحل شده یا قراردادهایشان تغییر کند - نداشته است. بدیهی است که جایگزینی این قبیل "صندوق های بیمه ای" با "سازمان تأمین اجتماعی"، ضمن تحمیل بار مالی اضافی به کارگران و خانواده های شان و تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی آنان، یکایک آحاد این طبقه را به لحاظ پی گیری سوابق کاری برای دریافت حقوق بازنشستگی، از کارافتادگی و . . . دچار مشکل خواهد کرد. چرا که تا همین جای کار نیز کارگران به هنگام مراجعه به شعب مختلف سازمان تأمین اجتماعی، جهت جمع آوری سوابق و مدارک مورد نیاز و پیگیری حقوق و مطالبات خود، دچار مشکل بوده و تنگناهای بسیاری را تحمل می کنند. می شود تصور کرد که آن زمان که چنین "لایحه"ی ضدکارگری و سرمایه پسندی تصویب شود و سر و کار کارگر با شرکت ها و "صندوق های بیمه ای" مختلف و البته خصوصی، با قوانین و مقررات متفاوت بیفتد! چه اوضاع و شرایط سختی بر کارگران خواهد گذشت و چگونه مشکلات و معضلات آنان گسترده تر و حاد تر خواهد شد.

بگذریم از این که چنین پیشنهادی (پیشنهاد شماره 6 "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار"، ناظر بر ماده 22 این قانون) عملاً در تضاد با مفاد ماده (23) و (31) "قانون" کار فعلی بوده که: "کارگر را از لحاظ دریافت حقوق یا مستمری های ناشی از فوت، بیماری، بازنشستگی، بیکاری، تعلیق، از کار افتادگی کلی و جزئی و یا مقررات حمایتی و شرایط مربوط به آن ها، تابع "قانون تأمین اجتماعی" می داند."

ادامه دارد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

9آبان: طرح 86 ماده ای دولت، در قالب "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" / بخش پنجم

پیشنهاد اصلاحی: "بندهای «ز» و «ح» ماده (21) به شرح زیر اصلاح و متون زیر به عنوان بند «ط» و تبصره (2) به ماده یاد شده اضافه و به عنوان تبصره ماده مذکور به تبصره (1) اصلاح می شود.

ز - توافق بین کارگر و کارفرما.

ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزام قوانین و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا لزوم تغییرات گسترده در فناوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار شود.

ط - فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه.

تبصره 2 - موارد مذکور در بند «ز» در کارگاه های با بیش از پنجاه نفر کارگر باید به تأیید اکثریت هیأتی مرکب از استاندار یا معاون وی، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیر کل دستگاه صادر کننده مجوز کارگاه، رئیس کل دادگستری، نماینده تشکل های کارگری حائز اکثریت استان، نماینده تشکل کارفرمایی استان، نماینده کارگران کارگاه و کارفرما یا نماینده تام الاختیار وی برسد. چنانچه به تشخیص هیأت مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود، به همان نسبت مشمول مقررات بیمه بیکاری می شود.

اصل ماده: (ماده 21) - قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می یابد:

الف- فوت کارگر. ب - بازنشستگی کارگر. ج - از کار افتادگی کلی کارگر. د - انقضاء مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن. ه - پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است. و - استعفا کارگر.

ز (الحاقی 8/5/1386) - فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد پیش بینی گردیده است.

ح (الحاقی 7/5/1386) - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن آوری مطابق با مفاد ماده (9) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور.

توضیحات ما: همان گونه که مشاهده می شود، تهیه کنندگان "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" - آن طور که وعده داده اند - در جهت حمایت از به اصطلاح "کارآفرینان" و "سرمایه گذاران" (طبقه سرمایه دار) مفاد بندهای «ز» و «ح» را در ارتباط با شرایط "خاتمه قرارداد کار" - تغییر داده و بند «ط» را نیز که از "فسخ قرارداد کار با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه" سخن به میان می آورد همراه با یک تبصره به ماده (21) قانون کار اضافه نموده اند، که به شکل آشکاری آن را در خدمت کارفرمایان و صاحبان سرمایه قرار می دهد.

"پیش نویس اصلاحیه" در واقع با این عمل و افزودن موارد و مفاهیم مبهم و ناروشنی چون: "کاهش تولید و تغییرات ساختاری ناشی از الزامات قانون و مقررات" (!!!؟) ویا بد تر از آن "شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی" (!!!؟) و همچنین "لزوم تغییرات گسترده در فن آوری منجر به تعطیلی تمام یا بخشی از کار" (بند ح) که محاسبه و اثبات صحت و سقم آن - به دلیل عدم دسترسی به آمار و ارقام مورد نیاز کارگران - در شرایط موجود توازن قوای سیاسی، به هیچ وجه مقدور نمی باشد، در حقیقت دست کارفرمایان را برای اخراج و بیکارسازی کارگران - لافل در کارگاه های زیر 50 نفر کارگر - باز گذاشته و شرایط "خاتمه قرارداد کار" را در این نوع کارگاه ها، در بست در اختیار کارفرمایان قرار می دهد. به عبارت دیگر با وجود چنین بندی (بند ح ماده 21 قانون کار) عملاً به صاحبان سرمایه و کارفرمایان این حق قانونی و این اختیار داده می شود که به عنوان مثال به بهانه "کاهش تولید" و یا عجیب تر و مضحک تر از آن، "شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی" و ... "قرارداد کار" با کارگران را خاتمه یافته تلقی کرده، آن را به شکل یک طرفه ای فسخ نمایند.

حال با توجه به وضعیت نابسامان و بحران زده اقتصادی و با توجه به این که بسیاری از کارخانه ها و مراکز کار و تولید، به دلایل مختلف، از جمله رکود و کم کاری ناشی از سال ها تحریم، در زیر ظرفیت واقعی خود کار و تولید می کنند، کاملاً قابل تصور خواهد بود که در صورت تصویب نهایی این "لایحه" و این بند از ماده (21) قانون کار، چه پیامدهای نگران کننده و فاجعه باری دامن کارگران را خواهد گرفت و چه به روزگار آنان خواهد آورد. بگذریم از اینکه اثبات صحت و سقم موارد مذکور در بند (ح) نه تنها برای کارگران، بلکه حتی برای آن هیئت - که در تبصره پیشنهادی این ماده با آن تنوع و گستردگی از آن ها نام برده شده است - به سختی امکان پذیر خواهد بود. چرا که برای صاحبان سرمایه و کارفرمایان، خیلی دشوار نخواهد بود که از راه های مختلف و با استفاده از سند سازی هایی که همواره چاشنی کارشان بوده و هست، هیئت مذکور را - تازه اگر دست خود آن ها در کار نباشد - فریفته و گمراه نمایند.

وانگهی در دوره ای که سرمایه بیش از پیش و با همه وجود برای سلطه بر طبقه کارگر بسیج شده است و دولت از هر سو سنگ حمایت از "کارآفرینان" و "سرمایه گذاران" را به سینه می زند و به آنان چراغ سبز نشان می دهد و ... چه کسانی و یا کدام نهاد و مرجعی پا پیش گذاشته و به خود اجازه خواهند داد که در مقام دفاع از کارگران و حق و حقوق آنان، در مقابله با صاحبان سرمایه (اعم از بخش خصوصی و دولتی)، ادعاها و سند سازی های احتمالی و آمار و ارقام فرضاً جعلی برخی از کارفرمایان، مبنی بر "کاهش تولید" به خاطر "شرایط بد اقتصادی یا اجتماعی و یا سیاسی" را که منتج به اخراج تمام یا بخش هایی از کارگران شده است، با اطمینان به نادرستی آن ها، مردود اعلام کرده و به عنوان مثال به مدیران و صاحبان شرکت هایی چون نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، چوکا، کاشی خزر، لوله سازی کارون و بسیاری دیگر از کارخانه ها و شرکت های

موجود در نقاط مختلف کشور، قاطعانه بگویند که، حضرات کارفرما و صاحبان سرمایه دارند در ارتباط با ادعای ضرر دهی کارخانه و شرکت های تابعه دروغ می گویند و در واقع اهداف منفعت طلبانه دیگری را در این میان دنبال می کنند و ... ؟

این قبیل بازی ها که تبصره پیشنهادی "اصلاحیه قانون کار" از آن ها یاد می کند در واقع جز انداختن کارگران به میان دالان های پر پیچ و خم دعاوی بی سر و تهی که بدون تردید بازنده نهایی آن کارگران خواهند بود، هیچ چیز دیگری نصیب طبقه کارگر ایران نخواهد کرد.

تهیه کنندگان "لایحه" ضدکارگری "اصلاح قانون کار" همچنین در راستای حمایت از سرمایه و سرمایه داران، بند (ط) را نیز که حاکی از "فسخ قرارداد کار با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه" و درواقع اخراج کارگر با تصمیم این "کمیته" است، به بندهای هشت گانه این ماده (ماده 21 قانون کار) افزودند، که در صورت تصویب حتی حق اعتراض به اخراج خود را نیز عملاً از کارگران سلب می نماید. چرا که در هیچ کجای "اصلاحیه قانون کار"، هیچ مرجعی برای اعتراض به تصمیمات "کمیته انضباطی" در نظر گرفته نشده است.

قابل توجه اینکه "کمیته انضباطی کار" براساس ضوابط و مقررات "آئین نامه ای" خود که در جلسه مورخ 24/1/1370 "شورای عالی کار" تهیه و در تاریخ 8/2/1380 به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است، "تعیین موارد قصور و نقص دستورالعمل ها و آییننامه های انضباطی کار در کارگاهها"، (موضوع تبصره 2 ماده 27 قانون کار) را تعیین کرده و در ماده 9 این آئین نامه می گوید: "تصمیمات کمیته انضباط کار در کلیه موارد با اکثریت آرا معتبر است مگر در زمینه اخراج کارگران، که در این مورد مقررات ماده 27 قانون کار لازم الرعایه خواهد بود." در همین زمینه، دیگر ضوابط و مقررات این "کمیته" (کمیته انضباطی کار) نیز "تخلفات آئین نامه ای" کارگران را این گونه تعریف می کند: "تخلفات در آئین نامه عبارتند از: 1- قصور پرسنل، که جنبه جزائی نداشته و حکم آن در ماده 27 قانون کار داده می شود. و 2 - قصور و تخلفاتی که جرائم ناشی از آن جنبه جزائی داشته و رسیدگی به آن به مراجع قضایی احاله می گردد." همین "آئین نامه انضباطی" مجازات تخلفات در بخش اول (قصور پرسنل، که جنبه جزائی نداشته باشد) را برای نوبت اول: "اخطار شفاهی"؛ برای نوبت دوم: "اخطار کتبی با درج در پرونده"؛ برای نوبت سوم: "اخطار کتبی با درج در پرونده با تعهد کتبی" و سرانجام برای نوبت چهارم و پایانی: "ضمن ارائه نظرات و دلایل مبنی بر اخراج کارگر، موضوع را کتباً به "شورای اسلامی کار" جهت اظهار نظر طبق ماده 27 قانون کار اعلام می نماید." و ماده 27 قانون کار نیز می گوید: "کارفرمایان نمی توانند مستقیماً کارگران را اخراج نمایند و در صورتی که کارگر مرتکب اشتباه "یا قصور در انجام وظایف محوله گردد و یا آیین نامه های انضباطی را پس از تذکرات کتبی نقض نماید، کارفرما حق دارد تا در صورت اعلام نظر مثبت "شورای اسلامی کار" و در واحدهایی که فاقد شورای اسلامی کار است، با نظر مثبت "انجمن صنفی"، علاوه بر پرداخت مطالبات و حقوق معوقه کارگر، به نسبت هر سال سابقه کار، معادل یک ماه آخرین حقوق وی را به عنوان حق سنوات، به او پرداخت کرده و قرارداد کار را فسخ نماید." همین ماده قانونی (ماده 27) تصریح دارد که: "در هر مورد از موارد یادشده اگر مسأله با توافق حل نشد، به "هیئت تشخیص" ارجاع و در صورت عدم حل اختلاف، از طریق "هیأت حل اختلاف" رسیدگی و اقدام خواهد شد."

حال با توجه به مراتب فوق که "کمیته های انضباطی کارگاه"، خود، تخلفات مربوط به فسخ قرارداد کار و یا در واقع اخراج کارگر را به ماده (27) قانون کار و مراحل ترتیب اثر این ماده و تبصره های آن ارجاع می دهند، معلوم نیست که این رد و بدل کردن ها برای چه انجام می شود و تهیه کنندگان "لایحه اصلاح قانون کار" چرا و به چه منظوری بند (ط) را نیز به ماده (27) قانون کار اضافه نموده و "فسخ قرارداد کار" را از جمله به "تصمیم کمیته انضباطی کارگاه" محول کرده اند. تا آن جا که فکر ما قد می دهد می توان حدس زد که کارگزاران دولت و تهیه کنندگان "پیش نویس اصلاح قانون کار" قصد دارند تا بازم در جهت حمایت از صاحبان سرمایه و کارفرمایان، مراتب و مراحل رسیدگی به "فسخ قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان"، یا همان اخراج کارگران را از طریق سپردن هرچه بیش تر این وظیفه به "کمیته های انضباطی کارگاه" کاهش داده و حتی المقدر این "کمیته ها" را جایگزین "هیئت های تشخیص" و حل اختلاف" در کارگاه ها و کارخانه ها بنمایند. به ویژه اینکه "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" در پیشنهاد 12 خود که ناظر بر ماده (27) قانون کار فعلی و تنها تبصره آن است می گوید: "ماده (27) به شرح زیر اصلاح می شود:

"ماده 27 - تخلفات کارگران در کمیته انضباطی کارگاه مطرح و در مورد آن تصمیم گیری خواهد شد. در صورتی که کارگاه فاقد کمیته انضباطی باشد، موضوع مستقیماً در مراجع حل اختلاف مطرح و رسیدگی خواهد شد." که با این وضع، کافی است کمیته انضباطی کارگاه تصمیم بگیرد که قرارداد فلان یا بهمان کارگر فسخ شود و کارگر مربوطه اخراج گردد و این تصمیم را به مرحله اجرا بگذارد.

تهیه کنندگان "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" همچنین با اضافه کردن بند (ز) به ماده (21) "قانون کار"، با مضمون "توافق بین کارگر و کارفرما"، در واقع تزویر و دورویی خود را به نمایش گذاشته اند. چرا که آنان به خوبی می دانند که "توافق" میان کارگری که جز نیروی کار خویش چیز دیگری برای گذران زندگی خود و خانواده اش در اختیار ندارد، با کارفرمایی که ابزار تولید و درواقع نبض روابط کار میان کارگر و کارفرما را در اختیار خود گرفته و بیش از پیش با اتکا به همین "لایحه اصلاح قانون کار"، هر زمان که بخواهد و اراده کند "قرارداد را فسخ" و کارگر را اخراج می کند و او را به روز سیاه می نشاند، چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد؟

ما البته مختصراً در "مورد مضحکه" توافق بین کارگر کارفرما" در رابطه با "خاتمه قراردادهای کار"؟! در ماده پیشنهادی شماره (1) "لایحه اصلاح قانون کار (ناظر بر ماده 7 این "قانون") مختصراً توضیح داده ایم. در اینجا صرفاً به تذکر این نکته اکتفا می کنیم که در مجموع به دلیل تضادهای طبقاتی و نابرابری در توازن قوای میان دو طبقه کارگر و کارفرما، و در این رابطه

سلطه همه جانبه سیاسی و اقتصادی سرمایه داران بر شرایط کار و زندگی کارگران، در عالم واقع، توافقی میان کارگر و سرمایه دار - نه تنها در ارتباط با شرایط "خاتمه قرارداد کار"، بلکه در هیچ مورد دیگری نیز - در کار نبوده و معنی و مفهومی نخواهد داشت. چرا که در این قبیل موارد همواره یک طرف این معامله و به اصطلاح "توافق"، (کارفرما) - به ویژه در قراردادهای فردی میان دو طرف این معامله - صرفاً شرایط خود را به طرف مقابل دیکته می کند و طرف دیگر (کارگر) نیز مجبور است (اجبار اقتصادی) که آن ها را بپذیرد و در واقع به آن ها تن در دهد. چرا که در غیر این صورت باید سر بر بالین گذاشته، جان به جان آفرین تسلیم نماید.

لذا صرف گنجاندن بندی دیگر تحت عنوان (بند ز) به ماده (21) قانون کار، با مضمون "توافق بین کارگر و کارفرما"، صرفاً یک عبارت پردازی عوام فریبانه و توخالی و در بهترین حالت یک تعارف بی مصرف و خشک و خالی بیش نبوده و نخواهد بود. چرا که در شرایطی که کارگر از هیچ گونه حق و حقوقی برخوردار نیست و از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل و طبقاتی خویش محروم می باشد، این گونه عبارات - آن هم عباراتی که از "توافق میان کارگر و کارفرما" در خصوص "خاتمه قراردادهای کار" سخن به میان می آورد به چه درد کارگر می خورد و کدام مشکل از فراوان مشکلات و مصائب این طبقه را حل و فصل می نماید؟ کارگران آگاه سال هاست که با این قبیل عبارات و حرف و حدیث هایی از این دست آشنایی دارند و با آن ها عجین و درگیرند. تهیه کنندگان "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" باید راه دیگری را برای پیش برد اهداف مورد نظر خویش که چیزی جز حمایت از سرمایه و سرمایه داران نبوده و نیست انتخاب نمایند و حرف های دیگری بزنند. این راه ها و این قبیل حرف ها بیش از حد شناخته شده و نخ نما شده اند.

ادامه دارد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - 9/8/1395

5آبان: طرح 86 ماده ای دولت، در قالب "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" / بخش چهارم

پیشنهاد اصلاحی: "متن زیر به عنوان تبصره به ماده (17) اضافه می شود:

تبصره - چنانچه توقیف کارگر منجر به مجازات سه ماه حبس و یا بیش تر شود، کارفرما می تواند قرارداد کار کارگر را با پرداخت حق سنوات به ازای هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق، فسخ نماید.

اصل ماده: (ماده 17) - قرارداد کارگری که توقیف می گردد و توقیف وی منتهی به حکم محکومیت نمی شود، در مدت توقیف به حال تعلیق در می آید و کارگر پس از رفع توقیف به کار خود باز می گردد.

توضیحات ما: پیشنهاد اضافه کردن متنی تحت عنوان "تبصره" به ماده (17) قانون کار و تغییر مفاد آن - به شکلی که در "متن" مورد نظر مشاهده می شود - در واقع به وضوح ماهیت سرمایه دارانه و ضدکارگری تهیه کنندگان "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" را آشکار می سازد. واضح است که این تغییر برای چه صورت می گیرد. می خواهند کارگر را بترسانند تا از پیگیری مطالبات و حقوق حقه خویش دست بردارد و در قبال فشارها و تهاجمات سرمایه، حتی به سفره خالی وی، سکوت اختیار نماید و دم بر نیآورد. می خواهند کارگر را مرعوب کنند، تا دنبال حق و حقوق خود نباشد، اعتراض و اعتصاب نکند و به آنچه که برایش در نظر گرفته می شود رضایت دهد.

شرایط بسیار سخت و غیرقابل تحملی را به کارگران تحمیل می کنند؛ هر سال و در فصل تعیین دستمزد کارگران از طریق ایادی و کارگزاران خویش دستمزدهای به مراتب زیر خط فقر را برای این طبقه تعیین می نمایند؛ قراردادهای موقت و سفید امضا را که نشان از بربریت قرون وسطایی و ظلمی آشکار علیه این طبقه دارد، به او پیشکش می کنند؛ به بهانه های واهی و دروغین و البته کاملاً منفعت طلبانه، کارگران را از کارخانه ها و مراکز کار و تولید اخراج می نمایند و هستی و زندگی آنان را به بازی می گیرند؛ حق ایجاد تشکل مستقل کارگری و حق اعتصاب و هرگونه اعتراضی را از او سلب می کنند و . . . و وقتی هم که کارگر در مقابله با اینهمه بی حقوقی و بی عدالتی لب به اعتراض می گشاید و حق و حقوقش را طلب می کند، با تهدید و ارباب پاسخش را می دهند و به زندانش می افکنند و در قانون کارش نیز به او گوشزد می کنند که: چنانچه توقیف شوی و مدت توقیف و بازداشت تو به سه ماه حبس یا بیش تر منجر شود، کارفرما می تواند قرارداد کار با تو (کارگر) را فسخ نماید".

آری "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" در صدد است تا در راستای حمایت از صاحبان سرمایه و کارفرمایان، کارگران را با تهدید به اخراج و بیکارسازی از طریق فسخ قراردادهای کار توسط کارفرمایان، به سکوت و خاموشی در مقابل انواع بی حقوقی ها و بی حرمتی بکشاند و حتی المقدور از پیگیری حقوق و مطالبات شان منصرف نماید. این "لایحه" قصد دارد تا در صورت تصویب، به کارفرمایان این اجازه - و در واقع این حق "قانونی" - را بدهد که چنانچه کارگر به دلیل عدم تمکین به بی حقوقی مفرط خویش صدای اعتراض خود را بلند کرد و به زندان افتاد، چنانچه دوران حبس وی بیش از سه ماه طول کشید، او را اخراج کند و "سنوات وی را به ازای هر سال سابقه کار یک ماه آخرین حقوق پرداخت نماید. درواقع با این تغییر چنانچه کارگری بخواهد پس از اتمام دوران حبس (سه ماهه یا بیش تر خود) رأی بازگشت به کار بگیرد، کارفرما می تواند بدون در نظر گرفتن تمامی این مسائل، از جمله رأی صادره، صرفاً بر اساس تبصره ماده (17) قانون کار او را اخراج نموده و از بازگشت به کار وی جلوگیری نماید.

می بینیم که سخن آقای وزیر و دیگر کارگزاران سرمایه، مبنی بر "رفع موانع تولید، در جهت حمایت از کارآفرینان" و "سرمایه گذاران"، در کجا و در چه مواردی مصداق پیدا می کند و از چه راه هایی به سرمایه و سرمایه داران خدمت می نماید. پیشنهاد "اصلاح" این ماده از "قانون کار" (ماده 17 این "قانون") با این شکل و این هیئت، همچنین آشکار می کند که تغییر مواد و بندهایی از این "قانون" در واقع به چه منظوری تهیه شده و در راستای رسیدن به کدام اهداف و برنامه ها بوده است!

اصلاحیه همچنین تأکید می کند که: "در صورت مجازات کم تر از میزان فوق یا سایر مجازات ها، کارگر بدون دریافت "حق السعی" ("کلیه دریافت های قانونی کارگر، اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله مندی، هزینه های مسکن، خواربار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آن ها" - موضوع ماده 34 قانون کار -) به کار سابق خود باز می گردد !!! و حال آن که به موجب ماده 17 قانون کار موجود، "قرارداد کارگری که توقیف می گردد، چنانچه توقیف وی منتهی به حکم محکومیت نشود، در مدت توقیف به حال تعلیق در می آید و پس از رفع توقیف به کار خود باز می گردد".

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

آبان: طرح 86 ماده ای دولت، در قالب "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" / بخش سوم

ماده پیشنهادی: "ماده (13) به شرح زیر اصلاح و در تبصره (1) ماده یاد شده عبارت «مراجع قانونی» به عبارت «مراجع حل اختلاف» و واژه «منجمده» به عبارت «و در صورت عدم تکافوی مطالبات از محل» اصلاح می شود. اصل ماده: (ماده 13) - در مواردی که کار از طریق مقاطعه انجام می یابد، مقاطعه دهنده مکلف است قرارداد خود را با مقاطعه کار به نحوی منعقد نماید که در آن، مقاطعه کار متعهد گردد که تمامی مقررات این قانون را در مورد کارکنان خود اعمال نماید.

پیشنهاد اصلاحی برای ماده (13): در مواردی که کار از طریق پیمان انجام می یابد، پیمان دهنده مکلف است صرفاً با پیمانکاران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرارداد منعقد و در قرارداد پیمانکار را متعهد به اجرای این قانون و سایر مقررات مرتبط در مورد کارگران خود بنماید. صلاحیت پیمانکاران از حیث رعایت این قانون و مقررات تبعی آن طبق ضوابطی که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می رسد، بررسی می شود.

توضیحات ما: کارگزاران دولت و ارائه دهندگان "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" در این "ماده پیشنهادی"، با پُر محکم کاری بیش تر در انعقاد "پیمان"ها (در مواردی که کار از طریق پیمان انجام می شود) میان برخی از شرکت ها، مؤسسات و مراکز کار، به عنوان "پیمان دهنده"، با "پیمانکاران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مثلاً می خواهند بگویند که در "لایحه اصلاحی" مورد نظر، در کنار "حمایت همه جانبه و اشکار از سرمایه داران یا به قول خودشان "کارآفرینان"، گوشه چشمی هم به کارگران دارند و نسبت به "اجرای این قانون (قانون کار) و سایر مقررات مرتبط در مورد کارگران" بی تفاوت نیستند!!! و حال آن که تهیه کنندگان این "پیش نویس" - که اکثریت قریب به اتفاق آنان را همان پیمانکاران، یا ایادی و همدستان آن ها تشکیل می دهند می خواهند با طرح این پیشنهاد و گنجاندن این مسئله در "لایحه اصلاح قانون کار"، به شرکت های پیمانکاری و واسطه ای، به مثابه یکی از ابزارهای تشدید استثمار و بهره کشی از طبقه ی کارگر، وجهه ی رسمی و قانونی بخشیده، این شرکت ها را بیش از پیش وارد شرایط کار و زندگی کارگران بنمایند.

کارگزاران دولت و طراحان "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" به خوبی می دانند که این قبیل شرکت ها چه به روزگار کارگران، به ویژه نیروی کار جوان این مملکت می آورند و چگونه آنان را در مراکز مختلف کار و تولید به شدید ترین وجه ممکن استثمار می کنند. اما - همان گونه که اشاره شد - از آن جا که خود در ردیف مدیران و "کارچاق کنان" همین شرکت ها، برای تهیه و تنظیم این قبیل "پیمان"ها و پیمان نامه ها هستند، در واقع تلاش می کنند تا به شکل بسیار حساب شده و نقشه مندی، طرح تثبیت شرکت های پیمانکاری را در "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" و در صورت تصویب در قانون کار کشور بگنجانند و حتی المقدور آن را رسمی و قانونی کنند.

طُرْفه اینکه ارائه دهندگان این "پیش نویس"، درست در شرایطی در صدد جا انداختن و رسمی کردن این قبیل شرکت های پیمانکاری و واسطه ای ("پیمان کاران مورد تأیید وزارت کار و امور اجتماعی" ؟!!!) در قانون کار کشور هستند که در سال های اخیر دقیقاً به خاطر وخامت اوضاع کاری کارگران و سلطه بیش از پیش این شرکت ها بر شرایط کار و زندگی آنان، اعتراضات کارگری متعددی، به ویژه از جانب کارگران قرارداد موقت و پیمانی، در بعضی از شهرها، از جمله عسلویه، ماهشهر، بندرامام، آبادان، تبریز و برخی از شهرهای دیگر ایران علیه این نوع شرکت های واسطه ای و استثماری به وقوع پیوسته و گاه حتی به اعتراض و اعتصاب علیه این ابزار دست سرمایه داران، منجر شده است.

از دیگر موارد و در واقع ترفندهای این "لایحه" پیشنهادی، همانا جایگزینی و یا آن طور که خود تنظیم کنندگان این "پیش نویس" می گویند "اصلاح" عبارت "مراجع قانونی" با "مراجع حل اختلاف" در تبصره 1 ماده 13 است، که در واقع هیچ معنایی جز کاهش هرچه بیش تر مراتب و مراجع رسیدگی به اختلافات کارگران با کارفرمایان و پیمانکاران ندارد. چرا که در صورت بروز اختلاف میان کارگروکارفرما، در خصوص پرداخت دیون و مطالبات کارگران - که بر اساس نص صریح تبصره 1 این ماده، جزء دیون ممتاز به شمار می رود - مفهوم عبارت اول ("مراجع قانونی") نسبت به عبارت دوم ("مراجع حل اختلاف") از قطعیت و ضمانت اجرایی بیش تری برای پیگیری خواست ها و مطالبات کارگران برخوردار می باشد. با این توضیح که "هیئت حل اختلاف" استان، به اصطلاح از سه نفر نماینده کارگران؛ سه نفر نماینده کارفرمایان؛ و سه نفر نماینده دولت . . . تشکیل می شود که به خاطر ساختار و ماهیت سرمایه دارانه خود، علی العموم به نفع کارفرمایان (اعم از دولتی و خصوصی) عمل می کند تا کارگر.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - 1395 / 8 / 5

29مهر: طرح 86 ماده ای دولت، در قالب "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" / بخش دوم

ماده پیشنهادی اصلاحیه قانون کار: 2 - بند (ج) ماده 10 حذف می شود.

اصل بند (ج) ماده 10 قانون کار: (الحاقی 7/5/1386) شرایط و نحوه فسخ قرارداد

بند (ج) ماده (10) قانون کار البته در هنگام تصویب نهایی این قانون در آبان ماه سال 1369 - همچون بندهای (الف) تا (ز) آن، به این ماده از قانون کار پیوست نبوده - و در واقع از تاریخ 7/5/1386 به صورت "الحاقی" به دیگر بندهای ماده 10 این "قانون" اضافه شده است. این بند (بند ج) در واقع - همان گونه که مشاهده می کنیم - ناظر بر "شرایط و نحوه فسخ قرارداد" های کار میان کارگران و کارفرمایان بوده که بر اساس نص صریح تنها تبصره این ماده، "در مواردی که کتبی باشد، می بایست در چهار نسخه، تنظیم شده و در اختیار "کارگر، کارفرما، اداره کار محل و شورای اسلامی کار و در کارگاه های فاقد شورا، نماینده کارگران قرار گیرد.

ارائه دهندگان "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" و کارگزاران دولت که آشکارا هدف خود را "رفع موانع تولید و کسب و کار، جهت حمایت از سرمایه داران (یا به قول طراحان این پیش نویس "کارآفرینان") و تأمین منافع و رضایت خاطر آنان" ذکر می کنند و به ویژه در شرایط به اصطلاح "پسا برجام" درصدد پهن کردن فرش قرمز برای ورود سرمایه گذاران خارجی، جهت سرمایه گذاری و استفاده از منابع، بازارهای فروش و مهم تر از همه، نیروی کار فوق العاده ارزان کارگران در کشور هستند، به طور طبیعی دیگر نباید هیچ گونه علاقه و رغبتی به بند (ج) ماده 10 قانون کار و مفاد آن داشته باشند که از "شرایط و نحوه فسخ قرارداد" های کار میان کارگران و سرمایه داران سخن به میان می آورد و در مواقع و مواردی (به عنوان مثال به هنگام بروز اختلاف میان کارگران و کارفرمایان) حتی پای یکسری مراجع و ارگان ها، مثل "هیئت های تشخیص" و "حل اختلاف" و ... را نیز به میان می کشد. لذا درصدد بر می آیند تا با حذف این بند، از ماده 10 قانون کار، صاحبان صنایع و سرمایه داران را به کلی از قید و بند "شرایط و نحوه فسخ قرارداد" های کار و پیامدهای آن خلاصی بخشیده و آن را درست در اختیار کارفرمایان قرار دهند. چرا که با حذف این بند و سپردن شرایط و نحوه فسخ قراردادها به طور کامل به دست صاحبان سرمایه و کارفرمایان، این "حضرات" دیگر مکلف نیستند که به تعهدات خویش در قبال کارگران پایبندی نشان داده و از جمله پاسخ گوی مطالبات و اعتراضات آنان به هنگام فسخ قراردادها باشند.

بد نیست یادآوری کنیم که در همین ماده 10، علاوه بر "مشخصات دقیق طرفین" و مواردی چون "نوع کار یا حرفه...؛ حقوق یا مزد مبنا و ...؛ ساعات کار، تعطیلات و مرخصی ها؛ محل انجام کار؛ تاریخ انعقاد قرارداد؛ مدت قرارداد، برای کارهای مدت دار" که می بایست در متن قراردادهای کار قید شده باشند، تا صحت آن ها را تحکیم و تضمین نمایند، بندی هم وجود دارد تحت عنوان بند (ز)، که مسئله ای بسیار مبهم و در واقع بی سر و ته همچون: "موارد دیگری که عرف و عادت شغل یا محل ایجاب نماید" را مطرح می کند، تا به نوبه خود، مغری باشد برای صاحبان سرمایه و به اصطلاح "کارآفرینان"، که هر زمان که بخواهند و اراده کنند، با توسل به این بند و در واقع این حربه که: ما به محل ها و مراکز دیگر کاری نداریم. عرف و عادت کارخانه، کارگاه و شغل محل ما چنین ایجاب می کند و ... صحت قراردادهای کار و شرایط اساسی انعقاد آن" (موضوع ماده 9 و 10 این "قانون") را به زیر سنوال برده و از پرداخت مطالبات و "مزایای قانونی پایان کار" کارگران و پاسخ گویی به پرسش ها و اعتراضات آنان سرباز زنند.

طراحان "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" و کارگزاران دولت با این بند از ماده 10 (بند ز آن) هیچ کاری ندارند و به راحتی از کنار آن می گذرند، اما بند (ج) این ماده از قانون کار را که به نحوی از انحاء به پایبندی کارفرمایان به تعهدات خویش به هنگام فسخ قراردادها و "شرایط و نحوه فسخ آن ها" اشاره دارد، به زیر سنوال می برند و در صدد حذف آن بر می آیند!!!.

آری حذف بند (ج) از ماده 10 قانون کار، همراه با ابقای بند (ز) این ماده، صرفاً به تضییع و پایمال نمودن خواست ها و مطالبات کارگران منجر نخواهد شد، بلکه به سهم خود راه هرگونه اعتراض و شکایتی را نیز به هنگام بروز احتمالی اختلاف میان دو طرف این قرارداد از بین برده و امنیت شغلی کارگران را بیش از پیش کاهش می دهد.

واضح است که حضرات تنظیم کننده "پیش نویس اصلاح قانون کار" قصد دارند که با حذف این بند از ماده 10، شرایط فسخ قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان را به گونه ای سمت و سو دهند که همان گونه که وعده داده اند: "به تأمین منافع سرمایه داران" یاری رسانده و موجبات خوشنودی و "رضایت خاطر" آنان را فراهم نماید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - 1395 / 7 / 29

28مهر: "لایحه"ی پیشنهادی دولت برای "اصلاح قانون کار"، اصل مواد قانون کار فعلی و توضیحات ما / بخش اول

تبصره های (1)، (3) و (4) ماده (7) حذف و عنوان تبصره (2) به «تبصره» اصلاح می شود.

اصل ماده 7 قانون کار: قرارداد کار عبارتست از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی، کاری را برای مدت موقت یا مدت غیر موقت برای کارفرما انجام می دهد.

تبصره 1- حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره 2- در کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می شود.

تبصره 3 (الحاقی 7/5/1386) - قراردادهای با بیش از سی روز باید به صورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چهار چوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار می گیرد، باشد.

تبصره 4 (الحاقی 7/5/1386) - کارفرمایان موظفند به کارگران با قرارداد موقت، به نسبت مدت کارکرد، مزایای قانونی پایان کار، به مأخذ هرسال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند.

توضیحات ما: با دقت نظر در مفاد این ماده از "قانون کار" (ماده 7 آن) و تبصره هایش متوجه می شویم که: اولاً، قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان در صورتی می توانند شفاهی باشند که حداکثر از سی روز کاری تجاوز نکنند و ثانیاً در کارهایی که طبیعت آن ها جنبه مستمر دارد، مثل کار در کارگاه ها و کارخانه ها و بسیاری از شرکت ها و مؤسسات و . . . اگر مدتی در قرارداد ذکر نشود، قراردادهای کار دائمی تلقی شده و باید به صورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چهار چوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار گرفته باشد، تنظیم شوند. ضمن اینکه تبصره (4) این ماده، کارفرمایان را مکلف به پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت کرده و تبصره (1) آن نیز، تهیه و تصویب "حداکثر مدت موقت کار، برای کارهایی که طبیعت آن ها جنبه غیر مستمر دارد" را به ترتیب برعهده "وزارت کار . . ." و "هیئت وزیران" می گذارد.

"پیش نویس اصلاحیه قانون کار" اما با حذف تبصره های (1) و (3) و (4) این ماده در واقع بر روی تمامی این موارد و مسائل خط بطلان می کشد و برخلاف ادعاهای دروغین طراحان و ارائه دهندگان این "اصلاحیه" که از جمله اهداف آن را « حمایت از نیروی کار» و « تامین امنیت شغلی کارگران» !!! قلمداد کرده اند، آن ها را یکی بعد از دیگری به نفع صاحبان سرمایه و در حمایت از کارفرمایان به باد فراموشی می سپارد. این "پیش نویس" در واقع با حذف تبصره های یاد شده در صدر برمی آید تا در اولین مورد از موارد پیشنهادی خود، قراردادهای شفاهی کار میان کارگران و کارفرمایان را رواج داده و با این کار، عملاً مفاد ماده (10) قانون کار را که بر روی "مشخصات دقیق طرفین قرارداد" و مواردی چون: "الف - نوع کار یا حرفه یا وظیفه ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد. ب - حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن. ج - ساعات کار، تعطیلات و مرخصی ها. د - محل انجام کار. ه - تاریخ انعقاد قرارداد. و - مدت قرارداد، چنان چه کار برای مدت معین باشد. ز - موارد دیگری که عرف و عادت شغل یا محل ایجاب نماید. ح (الحاقی) - شرایط و نحوه فسخ قرارداد." تأکید و صراحت دارد، منتهی نموده و تصمیم گیری در مورد تمامی این موارد را صرفاً به کارفرمایان بسپارد. کارگزاران سرمایه و طراحان این "پیش نویس" همچنین در نظر دارند تا به طور مشخص با حذف تبصره های (1) و (4) این ماده از قانون کار و جایگزین کردن عنوان « تبصره 2 » با « تبصره » - آن هم در شرایطی که بنا به ادعای رسمی وزارت کار دولت روحانی، امروزه بیش از 93 درصد کارگران با قراردادهای مدت دار و موقت کار می کنند - اولاً تفاوت میان کارهایی با طبیعت مستمر و غیر مستمر (کارهای فصلی، ساختمانی و . . .) و از این طریق دائم و موقت را مخدوش نموده، قراردادهای موقت را بیش از پیش و به طور کامل (تا صد در صد قراردادهای) رواج دهند و در یک کلام خیال صاحبان سرمایه و کارفرمایان را از این بابت راحت نمایند و ثانیاً "مزایای قانونی پایان کار کارگران قرارداد موقت را" (موضوع تبصره 4 ماده 7 را) از کارگران گرفته، تماماً به جیب سرمایه داران بریزند.

کارگزاران سرمایه در واقع با ردیف کردن همه ی این کارها، تنها در اولین ماده از "لایحه" ی پیشنهادی خود، می خواهند با "یک تیر چند نشان بزنند"، تا کارفرمایان و صاحبان صنایع راحت تر از همیشه و با فراغ بال بیش تری تصمیمات خود را در راستای تأمین منافع طبقاتی خویش به مرحله اجرا بگذارند و شرایط خود را - به ویژه به هنگام بستن قراردادهای کار - به کارگران تحمیل نمایند.

بنا براین همان گونه که مشاهده می کنیم پیشنهاد دولت و طراحان این "پیش نویس" در مورد "حذف" و "تغییر" تبصره های ماده (7) قانون کار، نه تنها در راستای "تبدیل قراردادهای موقت کار به دائم"، - آن گونه که "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" ادعا می کند - نبوده، بلکه دقیقاً در جهت ادامه ی روند تنظیم "قراردادهای موقت کار" و قانونی کردن آن ها، و اگر شده حتی حذف به طور کلی هر نوع قرارداد کاری؛ !!! تقلیل نهادهای کنترلی بر "حداکثر مدت زمان کار، برای کارهایی با جنبه غیر مستمر، و در یک کلام سپردن همه و همه چیز از جمله "فسخ قراردادهای کار به دست کارفرمایان" می باشد.

توجه به این نکته البته در این جا ضروری است که به هنگام عقد قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان، علی رغم اینکه هر دو طرف این معامله (کارگر به عنوان فروشنده نیروی کار و کارفرما - اعم از دولتی یا خصوصی - به مثابه خریدار آن) به اصطلاح "تابع اراده آزاد خود هستند" و "درپیشگاه قانون و حقوق شهروندی ("حقوق بشر") هم پایه و برابرند" !!! اما به دلیل یک سری از واقعیت های انکار ناپذیر طبقاتی و تضادهای عمیق سیاسی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی - از جمله اجبار کارگر، برای فروش نیروی کار خویش، جهت زنده ماندن خود و اعضای خانواده اش و وجود لشکر عظیم بیکاران و کارگران آماده به کار، در بازار کار جوامع سرمایه داری و در پشت در کارگاه ها و کارخانه ها و مهم تر از همه، توازن قوای سیاسی و طبقاتی موجود و در این رابطه، سلطه طبقه سرمایه دار بر ارگان های تصمیم گیری و اداره جامعه - صاحب پول و سرمایه، همواره به هنگام عقد قرارداد - به ویژه قراردادهای انفرادی میان کارگر و سرمایه دار - با خیالی آسوده و " با گام های بلند، در حالی که خودپسندانه، لبخندی بر لب دارد، پیشاپیش راه می رود و آن دیگری، به عنوان مالک نیروی کار و کارگر، خجول و مردد، به دنبال او روان است و انتظاری غیر از این ندارد که پوست از تنش جدا کنند" و حق و حقوقش را پایمال نمایند.

لذا در چنین جوامعی (با ویژگی های کشوری چون کشور ما ایران) قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان - از جمله به دلایلی که فوقاً بدان ها اشاره شد - در خوشبینانه ترین شرایط، همواره به ضرر کارگران و به نفع سرمایه داران تمام شده و به چیزی جز فقر و بی حقوقی بیش تر منجر نخواهد شد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - 1395 / 7 / 28

23مهر: تغییر در ماده 111 / مراکز کارآموزی به بخش خصوصی واگذار می شود

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، مراکز کارآموزی به بخش خصوصی واگذار شده است.

به گزارش 23مهر اپلنا، در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، ماده 111 در جهت واگذاری بیش از پیش خدمات به بخش خصوصی، تغییر بنیادین کرده است.

در این تغییرات، آموزشگاه‌های مهارت و فناوری آزاد جایگزینی مراکز کارآموزی وزارت کار شده‌اند و این به معنای برون‌سپاری خدمات آموزشی و کاهش سطح ارائه تسهیلات رایگان و ارزان به کارگران است.

متن ماده ۱۱۱ قانون کار به این شرح است:

ماده ۱۱۱ - علاوه بر تشکیل مراکز کارآموزی توسط وزارت کار و امور اجتماعی، آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد نیز به منظور آموزش صنعت یا حرفه معین، به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی با کسب پروانه از وزارت کار و امور اجتماعی تاسیس می‌شود.

براساس لایحه پیشنهادی دولت، این ماده قانونی به صورت زیر تغییر می‌کند:

آموزشگاه‌های مهارت و فناوری آزاد به منظور آموزش صنعت یا حرفه معین به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی با کسب پروانه از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاسیس می‌شود.

همانطور که مشخص است در این لایحه پیشنهادی، مراکز کارآموزی دولتی به طور کامل حذف شده‌اند و با این حساب، براساس تصمیم یکجانبه دولت برای اصلاح قانون کار، آموزش فنون تخصصی و شغلی باید توسط «آموزشگاه‌های آزاد» و در بخش خصوصی انجام شود.

بدون تردید می‌توان گفت یکی از مهمترین محورها در این لایحه پیشنهادی، تلاش برای کاهش سطح خدمات رفاهی و حذف هرچه بیشتر حمایت‌های حداقلی است و بر همین اساس است که پای بخش خصوصی به عرصه حقوق بنیادین کارگران باز می‌شود و جای تعجبی ندارد اگر دولت می‌خواهد وظیفه کارآموزی را نیز از دوش دولت بردارد و آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

18مهر: پیشنهاد دولت برای اصلاح ماده ۱۰۷ قانون کار:

خصوصی شدن آموزش‌های ضمن خدمت

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، تغییراتی در ماده ۱۰۷ اعمال شده که الزام قانون اساسی برای آموزش رایگان ضمن خدمت را زیر سوال برده است.

به گزارش 18مهر ایلنا، در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، ماده ۱۰۷ قانون کار دچار تغییراتی شده است. در این تغییرات، لفظ «قانون اساسی» از این ماده قانونی حذف شده و در عوض در این ماده آمده است که دولت می‌تواند برای آموزش نیروی کار از مشارکت بخش غیر دولتی استفاده کند.

متن ماده ۱۰۷ قانون کار به این شرح است:

ماده ۱۰۷-۱ در اجرای اهداف قانون اساسی و به منظور اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار و نیز بالابردن دانش فنی کارگران، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است امکانات آموزشی لازم را فراهم سازد.

براساس لایحه پیشنهادی اصلاح قانون کار، ظاهراً این ماده قانونی قرار است توسط دولت و مجلس به صورت زیر تغییر کند:

دولت مکلف است به منظور توانمندسازی نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار و دسترسی برابر و آسان برای همه اقشار از طریق انسجام و تمرکز در سیاستگذاری و مدیریت آموزش‌های مهارتی برای استقرار نظام جامع آموزش مهارت و فناوری (نظام آموزش، نظام اشتغال و نظام صلاحیت حرفه‌ای) نیروی انسانی با مشارکت بخش غیردولتی اقدام نماید.

همانطور که در این تغییرات مشخص است، اجرای اهداف قانون اساسی به دست فراموشی سپرده شده و عامدانه از متن قانون حذف شده است. اشاره ماده ۱۰۷ به اهداف قانون اساسی مربوط به تأکید این سند قانونی در ماده ۲۹ و ۳۰ بر فراهم آوردن امکانات شغلی مناسب برای همه و آموزش رایگان همگانی است.

جای تعجب ندارد که قانون اساسی را از ماده ۱۰۷ حذف کرده‌اند، چرا که به جای آن، مشارکت بخش غیردولتی را نشانده‌اند. قانون اساسی، مداخله بخش غیردولتی در وظایف دولت از جمله آموزش را مجاز نمی‌داند و اگر قرار است آموزش‌های ضمن خدمت کارگران پولی شود، طبیعی است که قانون اساسی پایمال خواهد شد.

کارگرانی که فاقد امنیت شغلی و امید به آینده هستند، فرار است هزینه‌های آموزش‌های ضمن خدمت را از جیب خالی خود بردارند. هم اکنون نیز مواردی از این دست دیده می‌شود، حال دولتی‌ها می‌خواهند به این اجحاف، جامه قانونی بپوشانند.

14مهر: تغییر حذفی در ماده 86 / وزارت نفت از شورای عالی حفاظت فنی خط خورده است

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، وزارت نفت از اعضای شورای عالی حفاظت فنی خط خورده است و این حذف، احتمالاتی را به ذهن متبادر می‌کند.

به گزارش 14مهر ایلنا، در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، وزارت نفت از ترکیب اعضای شورای عالی حفاظت فنی حذف شده است.

در حالیکه وزیر کار و معاونت وزارتخانه‌های مربوطه دیگر از جمله وزارت بهداشت و وزارت صنعت، معدن و تجارت در اعضای این شورا آمده‌اند از این جمع فقط نماینده وزارت نفت خط خورده است.

این خط خوردگی، احتمالاتی را به ذهن متبادر می‌کند؛ اول آنکه در خوشبینانه‌ترین حالت، این حذف غیرعامدانه و سهوی انجام شده که با این حال مدرکی قاطع برای اثبات بی‌دقتی و عملکرد غیر حرفه‌ای، تنظیم‌کنندگان این لایحه پیشنهادی است.

در خصوص احتمال دوم نیز طرح و یادآوری چند نکته حائز اهمیت است؛ اول این که این حذف، می‌تواند نشان دهنده بی‌توجهی نویسندگان لایحه به حوادث بیشمار در حوزه نفت باشد. از آنجا که شورای عالی حفاظت فنی و ایمنی مسئول تهیه موازین و آیین‌نامه‌های حفاظت فنی است و در حال حاضر، حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، یکی از پرخطرترین واحدهای صنعتی کشور هستند، حذف نقش وزارت نفت از این شورا، بدون شک می‌تواند نشان دهنده نادیده‌گرفتن حوادث این حوزه باشد.

این سیاست نعل وارونه زدن جای تعجب دارد. در شرایطی که در مردادماه و متعاقب رخ دادن حوادث بیشمار در حوزه‌های نفتی، بخشنامه ارتقاء بازرسی و ایمنی کار توسط وزیر کار ابلاغ شد، حال می‌بینیم، در حرکتی ناباورانه از سوی مسئولان این وزارت خانه، جایگاه قدیمی نماینده وزارت نفت از ترکیب شورای عالی حفاظت فنی خط خورده است.

و اما نکته دیگری نیز وجود دارد. سالهاست که حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، از قانون کار مستثنا شده‌اند و تحت عنوان مقررات ویژه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای آنها مقررات اشتغال و استخدامی جداگانه‌ای تعریف شده است، براین اساس این حذف و خط خوردگی در لایحه را نیز می‌توان در همین راستا تحلیل کرد. در سالهای اخیر علیرغم اعتراضات کارگران، دولت‌های متوالی سعی کرده‌اند به این مستثناسازی وجاهت ببخشند و احتمال آن هست که حذف وزارت نفت از ترکیب اعضای شورای عالی حفاظت فنی در ادامه همین روند باشد.

شاید قرار است حوزه‌های نفتی به طور کامل از زیر چتر قوانین حمایتی خارج شوند و با این وصف، دیگر وزارت نفت و زیر مجموعه‌هایش هیچ جایی در قانون کار نخواهند داشت.

13مهر: لایحه اصلاح قانون کار ایجاد ابهام بیشتر در شرایط کاری زنان کارگرمی کند!

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، تغییراتی در مواد 77 و 78 قانون کار اضافه شده که این تغییرات، موجب ابهام بیشتر در شرایط شغلی زنان کارگر می‌شود.

به گزارش 13مهر ایلنا، شرایط کار زنان و موضوع اشتغال زنان کارگر در ماهها و سالهای اخیر محل مناقشات بسیار بوده است. از بخشنامه‌ها و توصیه‌نامه‌هایی مبنی بر افزایش مرخصی بارداری و زایمان گرفته تا تلاش‌ها برای کاهش ساعات کار زنان متاهل، همه و همه به این بحث و جدل‌ها دامن زده است.

حال، دولت در لایحه‌ای که تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس ارائه کرده، تغییراتی در مواد قانونی مربوط به اشتغال زنان کارگر به وجود آورده است که این تغییرات بر نگرانی فعالین کارگری و کنشگران حقوق زنان دامن زده است.

در این لایحه، در مواد 77 و 78 که متن کنونی آن به شرح ذیل است، تغییراتی اعمال شده که بر ابهام در شرایط شغلی زنان کارگر می‌افزایند.

ماده 77 - در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردارخطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، بدون کسر حق‌السعی کار مناسبتر و سبکتری به او ارجاع می‌نماید.

ماده 78 - در کارگاههایی که دارای کارگر زن هستند کارفرمامکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیردادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان ویا در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهدکودک و...) را ایجاد نماید.

تبصره - آئین نامه اجرایی، ضوابط تاسیس و اداره شیرخوارگاه و مهدکودک توسط سازمان بهزیستی کل کشور تهیه و پس از تصویب وزیر کار و اموراجتماعی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود

برابر متن لایحه اصلاحیه قانون کار، در ماده 77 یک تبصره به شرح زیر افزوده است:

در دوره بارداری، اخراج زنان کارگر تحت هر شرایطی ممنوع است.

و در ماده 78 نیز متن زیر اضافه شده است و این ماده را مکرر کرده است:

ماده 78 مکرر- زنان سرپرست خانوار با توافق کارفرما می‌توانند تمامی ساعات کار هفتگی یا قسمتی از آن را به صورت دورکاری انجام دهند.

بدیهی است که ممنوعیت اخراج کارگر در شرایطی که 95 درصد قراردادها موقت است، هیچ ضمانت اجرایی و وجه الزامی پیدا نمی‌کند، چرا که اتمام قراردادهای موقت یک ماهه و سه ماهه و تسویه حساب‌های متعدد بعد از خاتمه این قراردادها، مدتهاست که لفظ محکمه پسند و کارفرماپسند «تعدیل» را به جای لفظ نامیمون «اخراج» قرار داده است. در عین حال، این ممنوعیت اخراج می‌تواند در زمینه استخدام زنان مشکل ایجاد کند.

از طرف دیگر آن چه بیش از این مورد نگرانی است، قراردادن امکان دورکاری برای زنان سرپرست خانوار است. قراردادن دورکاری به معنای ایجاد فرصت برای کارفرماست تا از بسیاری از تعهدات قانونی خود فرار کند. در تبصره ماده 78، کارفرما

موظف به ایجاد و اداره شیرخوارگاه و مهدکودک در شرایط خاص شده است و اگر قرار باشد امکان دورکاری فراهم شود، بعید است که این الزامات قانونی و تکالیف کارفرما اجرایی شود.

از طرف دیگر، اگر این تغییرات را در محور روح کلی این لایحه، کنار تغییراتی که در لایحه پیشنهادی در ماده 45 اعمال شده است، قرار دهیم، این دورکاری می‌تواند براساس یک توافقنامه کتبی میان کارگر و کارفرما انجام شود و درنهایت، به کسر از دستمزد کارگران زن بیانجامد.

همه اینها مواردی است که در شرایط فعلی به طور یقین، به فضای ضد اشتغال زنان دامن خواهد زد و کارگران زن و علی‌الخصوص زنان سرپرست خانوار را بیش از پیش در تنگناهای معیشتی قرار خواهد داد.

8مهر: سه پرسش از جعفر عظیم زاده پیرامون لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار – قسمت سوم

2-دستمزد

در مواد مربوط به دستمزد، دولت در لایحه اصلاحیه اش با ایجاد تغییرات عمده ای در ماده 41 و در تکمیل آن با ایجاد تغییراتی در مواد 47 و 48 قانون کار تلاش کرده است هم دستمزد چندین برابر زیر خط فقر را با عمق و دامنه بیشتری صورت قانونی بدهد و هم قادر به انجماد کامل حداقل مزد به بهانه شرایط اقتصادی کشور بشود. این ماده از قانون کار جزو معدود مواد این قانون است که در صورت اجرا میتواند حداقلی از یک زندگی بخور و نمیر را برای کارگران تامین کند. اما دولتهای مختلف در طول 27 ساله که از تصویب قانون کار میگذرد با اتکا به سرکوب و مسلط کردن تشکلهای دست ساز در محیطهای کار و ممانعت از ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، موفق به عدم اجرای چنین بندهایی از قانون کار و اجرای بی کم و کاست مواد ضد کارگری آن شده اند بطوریکه هیچگاه این مواد و بویژه ماده 41 قانون کار را اجرا نکرده اند و حال از طریق لایحه اصلاحیه در صد قانونی و نهادینه کردن تمامی آن چیزهایی هستند که در نتیجه اعمال سیاست سرکوب و غارت دسترنج ما کارگران موفق به پیاده کردن آنها شده اند. به همین دلیل در لایحه اصلاحیه تمامی قانون شکنی های خود در دور زدن ماده 41 قانون کار را لحاظ کرده اند و علاوه بر آن شرایطی را رقم زده اند که تعیین حداقل مزد کارگران تحت هیچ ضابطه ای، الا منافع مطلق و عزم و اراده دولت و کارفرمایان قرار نگیرد. نگاهی به ماده 41 قانون کار و لایحه اصلاحیه دولت بر روی این ماده بی هیچ استدلال خاصی موبد این نکات است.

ماده 41

ماده 41 قانون کار: شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید: 1- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود. 2- حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده ، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تامین نماید . تبصره- کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت ننمایند و در صورت تخلف ضامن تادیه مابه التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می باشند.

لایحه اصلاحیه دولت: ماده 41 به شرح زیر اصلاح و متن زیر به عنوان تبصره 2 به ماده مذکور اضافه و عنوان تبصره یاد شده به تبصره یک اصلاح میشود: الف- میزان حداقل مزد کارگران و تغییرات سایر سطوح مزدی با توجه به شرایط و معیارهای ذیل: 1- درصد تورم اعلامی از سوی مرجع ذی صلاح قانونی 2- تامین حداقل معیشت یک خانواده که تعداد متوسط اعضای آن توسط مراجع رسمی ذی صلاح اعلام میشود 3- شرایط اقتصادی کشور

ب- حداقل مزد کار آموزان موضوع بند (ب) ماده (112) این قانون

ج- حداقل کمک هزینه کارورزان فارغ التحصیل مراکز آموزش عالی

تبصره 2- حداقل مزد کارگران با قرارداد موقت تا ده درصد بیشتر از حداقل مزد کارگران دارای قرارداد دائم حسب مورد می باشد.

بند (الف) لایحه اصلاحیه دولت: قید "تغییرات سایر سطوح مزدی" در این بند به این معناست که همچون سالیان گذشته، مثلاً اگر حداقل مزد را به قول خودشان برای حداقل بگیران 20 درصد افزایش میدهند قادر به افزایش کمتری از مزد برای آندسته از کارگرانی بشوند که دریافتی شان کم و بیش بالاتر از حداقل مزد می باشد. معنای عملی چنین رویکردی در تعیین مزد، رانده شدن بیش از پیش دریافت کنندگان بالای حداقل مزد به صف دریافت کنندگان حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر است.

بند (الف - 1) لایحه اصلاحیه دولت: در این بند آن مرجع ذی صلاحی را که قرار است درصد تورم سالیانه را اعلام کند قلم گرفته اند تا در تعیین حداقل مزد بر اساس تورم سالیانه قادر به استناد به آمار "مرجعی" بشوند که مطابق میل دولت و کارفرمایان اقدام به تعیین میزان تورم سالیانه میکند. این در حالی است که در بند 1 ماده 41 قانون کار این مرجع از همان اول بانک مرکزی اعلام شده است.

بند (الف - 2) لایحه اصلاحیه دولت: در این بند، جمله زیر از بند 2 ماده 41 قانون کار حذف شده است: حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك

خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تامین نماید" و به جای آن، این جمله نشسته است: "تامین حداقل معیشت یک خانواده که تعداد متوسط اعضای آن توسط مراجع رسمی ذی صلاح اعلام میشود"

همانطوریکه در بند (الف - 2) لایحه اصلاحیه دولت مشاهده میشود قید بسیار مهم "باید" که معطوف به تاکید بر تامین زندگی یک خانواده کارگری می باشد و همچنین این نکته که حداقل مزد می بایست بدون توجه به مشخصات روحی و جسمی کارگر و ویژگی کار محول شده تعیین بشود از بند 2 ماده 41 قانون کار حذف شده اند. حذف این دو نکته از بند 2 ماده 41، از یک طرف تاکید و اجباری را که در کلمه "باید" آن نهفته است از روی دوش دولت برای تعیین حداقل مزدی که زندگی یک خانواده کارگری را تامین کند بر میدارد و از سوی دیگر حذف "تعیین حداقل مزد بدون توجه به مشخصات روحی و جسمی کارگر و ویژگی کار محول شده"، عملاً ضرورت تعیین حداقل مزد به عنوان یک ضابطه و قانونمندی برای تامین حداقلی از معاش را برای عموم کارگران از موضوعیت میاندازد. لذا با توجه به نکات دیگری نیز که مثلاً در تغییرات ماده 47 در مورد گره زدن مزد به میزان بهره وری کارگر وجود دارد و همچنین در تغییرات ماده 48 که ضرورت این تغییرات معطوف به "استقرار مناسبات صحیح در زمینه مزد" اعلام شده است، میتوان بی هیچ ابهامی دریافت که دولت با هدف سپردن اختیار مطلق تعیین حداقل مزد به میل و اراده تک تک کارفرمایان، دست به تغییراتی اساسی در مواد مربوط به دستمزد کارگران زده است و از سوی دیگر با آوردن بند (الف - 3) تحت عنوان "شرایط اقتصادی کشور" میخ آخر را بر تابوت طبقه کارگر ایران کوبیده است.

بند (الف-3) لایحه اصلاحیه دولت: اگر بند (الف - 2) را مد نظر قرار بدهیم از بند (الف - 3) یعنی "شرایط اقتصادی کشور" این نتیجه حاصل میشود که علیرغم اینکه با توجه به بند (الف-2)، اختیار تعیین مزد آنهم به صورت چندین برابر زیر خط فقر در دست دولت و کارفرمایان قرار میگردد، آنان در عین حال میتوانند در شرایط ویژه و بحران اقتصادی، حتی از پرداخت این دستمزد چند برابر زیر خط فقر نیز شانه خالی کنند و با استناد به "شرایط اقتصادی کشور" هر مبلغی را که اقتضاء منافع غارتگرانه شان بود به کارگران بدهند یا ندهند. به معنای دیگری بند (الف-2) در لایحه اصلاحیه دولت ناظر بر تثبیت و تحمیل بیش از پیش دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و سپردن اختیار تعیین مزد بدست میل و اراده تک تک کارفرمایان است و بند (الف-3) ناظر بر انجماد کامل حداقل مزد و حتی پایین آوردن همین دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر به بهانه بحران اقتصادی می باشد.

بندهای (ب)، (ج) و تبصره 2 لایحه اصلاحیه دولت: این بندها بشدت مغشوش هستند و معلوم نیست حداقل مزد کار آموزان و حداقل کمک هزینه کارورزان فارغ التحصیل مراکز آموزش عالی چگونه تعیین خواهد شد چرا که هیچ صحبتی از چگونگی تعیین آنها نکرده است. همچنین تبصره 2 که ناظر بر ده درصد دستمزد بیشتر برای کارگران قرارداد موقت در برابر کارگران قرارداد دائم می باشد یک فراقکنی برای تحمیل کارگران قرارداد موقت و به عبارتی 95 درصد کارگران ایران است.

یک جمعبندی خلاصه از سرنوشت تعیین حداقل مزد در لایحه اصلاحیه دولت:

1- دولت با برداشتن قید "باید" و حذف "تعیین حداقل مزد بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی و ویژگی کار محول شده به کارگر"، از بند 2 ماده 41 قانون کار، در صدد حذف سید هزینه به عنوان معیاری برای تعیین حداقل مزد است.

2- لایحه اصلاحیه، حذف "تعیین حداقل مزد بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی و ویژگی کار محول شده به کارگر"، بیانگر عزم دولت برای امحا تعیین حداقل مزد و سپردن آن به میل و اراده تک تک کارفرمایان می باشد چرا که ماهیت وجودی مقوله ای به نام "تعیین حداقل مزد از طریق به اصطلاح شرکای اجتماعی!!؟؟" در شورایعالی کار، اساساً به خاطر پرداخت حداقل یکسانی از مزد به عموم کارگران است تا هر کارگری فارغ از مشخصات جسمی و روحی و ویژگی کار محول شده بتواند با دریافت این حداقل، از یک معاش نسبی و حداقلی برخوردار بشود. به این معنا حذف "تعیین حداقل مزد بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی و ویژگی کار محول شده به کارگر" عملاً تعیین حداقل مزد سالیانه و ضرورت وجودی آنرا از موضوعیت می اندازد و شرایط لازم را برای تعیین حداقل مزد بر اساس میل و اراده تک تک کارفرمایان مهیا میکند.

3- اضافه کردن شرایط اقتصادی کشور به ماده 41 قانون کار، پا را از اضمحلال تعیین حداقل مزد و اجبار دولت و کارفرمایان به تامین حداقلی از معیشت برای کارگران فراتر میگذارد و با وارد کردن "شرایط اقتصادی کشور" به تعیین مزدی که به میل و اراده کارفرمایان سپرده شده است دستورالعمل لازم را برای سر ریز کردن بار هر گونه بحران اقتصادی بر دوش طبقه کارگر صادر میکند. به عبارتی در صورت تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی ماده 41، کارفرمایان از یک سودر شرایط عادی اقتصادی در ابعادی بسیار فراتر از آنچه که تاکنون موفق به تحمیل دستمزد زیر خط فقر بر کارگران شده اند قادر به تحمیل مزد مورد نظر خود به آنان خواهند شد و از طرف دیگر در دوره های بحران اقتصادی خواهند توانست از طریق انجماد و یا کاهش مزد، به شکلی کاملاً قانونی هزینه های ناشی از بحران را، نه از اندوخته های میلیاردی خود بلکه از سفره های خالی و فقیرانه کارگران تامین بکنند.

4- تغییرات ایجاد شده در ماده 47 که آشکارا به تعیین در آمد کارگران بر مبنای بهره وری می پردازد و همچنین تغییرات ایجاد شده در ماده 48 که بطور صریحی به "استقرار مناسبات صحیح در زمینه مزد" تاکید دارد اساساً بدیل هایی هستند در مقابل تعیین حداقل مزد بر اساس ماده 41 قانون کار. به عبارت دیگری، دولت از آنجا که خود به خوبی میداند با تغییراتی که در ماده 41 داده است عملاً تعیین حداقل مزد به شکل تاکنونی بر چیده خواهد شد لذا بدیل آنرا از طریق متکی کردن در آمد کارگران به بهره وری و نظام ارزیابی - که به زعم تبصره یک ماده 48 لایحه اصلاحیه، متضمن تعیین مزد مشاغل مختلف خواهد بود- در لایحه اصلاحیه گنجانده است.

ادامه دارد

7مهر: **در ماده 48 لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار «بهره وری» جایگزین «حلوگیری از بهره کشی» شده است!**

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، در ماده 48 برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، هدف به جای جلوگیری از بهره‌کشی، بهره‌وری عنوان شده است.

به گزارش 7 مهر ایلنا، در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار؛ چرایی اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل دچار تغییر بنیادین شده است و به نظر می‌رسد این تغییر نیز در ادامه همان مهندسی قوانین کار براساس بهره‌وری انجام شده است.

متن ماده 48 به شرح زیر است:

ماده 48- به منظور جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نظام ارزیابی و طبقه بندی مشاغل را با استفاده از استاندارد مشاغل و عرف مشاغل کارگری در کشور تهیه نماید و به مرحله اجرا دریاورد.

در ماده فوق تنها دلیلی که برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل ذکر شده، جلوگیری از بهره‌کشی از کارگر است و این مساله جدا از این که یک استدلال کاملاً منطقی و براساس ضوابط عقلی و عرفی است، نشان‌دهنده روح حمایتی قانون کار نیز هست.

اما در لایحه پیشنهادی دولت این ماده تغییر کرده و پس از این تغییر، ردپایی از بهره‌کشی در متن ماده قانونی نمی‌بینیم و به جای آن معیار مورد علاقه دولت و کارفرمایان یا همان بهره‌وری نشسته است.

متن اصلاحی از این قرار است:

ماده 48- به منظور استقرار مناسبات صحیح در زمینه مزد و مشخص بودن شرح وظایف و دامنه مسئولیت مشاغل مختلف در کارگاه و مرتبط ساختن درآمد کارگران به بهره‌وری نیروی کار، دستورالعمل‌های مربوط به نظام‌های جبران خدمت شامل نظام ارزیابی و طبقه‌بندی مشاغل و طبقه‌بندی شاغلین و نظام ارزیابی عملکرد کارگران توسط شورای عالی کار تدوین و به تصویب وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی می‌رسد.

همانطور که مشخص است، در این متن اصلاحی از یک طرف درآمد کارگران را به بهره‌وری نیروی کار مرتبط ساخته و از طرف دیگر، به دنبال نظامی برای ارزیابی عملکرد کارگر است. در واقع باید گفت این اصلاحیه، با قلب صد درصدی ماهیت فلسفه طبقه‌بندی مشاغل که قاعدتاً بایستی براساس ضوابط غیرفردی شکل گیرد، به دنبال مشروط نمودن درآمد کارگر است و ارزان سازی نیروی کار به بهانه افزایش بهره‌وری را سرلوحه قرار داده است.

در این اصلاحیه چند تبصره نیز به ماده 48 افزوده شده است.

در یکی از این تبصره‌ها، به صورت زیر، مجوز مرتبط ساختن مزد با مهارت، عملکرد و کارایی کارگر را صادر می‌کند:

تبصره 2- به منظور مرتبط ساختن درآمد با بهره‌وری نیروی کار، کارفرمایان می‌توانند با اجرای طرح ارزیابی و طبقه‌بندی شاغلین و طرح ارزیابی عملکرد، بخشی از مزد کارگران را که در طرح طبقه‌بندی مشاغل تعیین می‌شود، با مهارت، عملکرد و کارایی آنان مرتبط سازند.

به نظر می‌رسد هدف از اصلاح ماده 48 باز هم به کرسی نشاندن مهندسی قوانین براساس بهره‌وری و مشروط نمودن دستمزد کارگران است. این تغییرات با فلسفه ایجاد طرح طبقه‌بندی مشاغل و دسته بندی حرف و تخصص‌ها در تعارض آشکار است.

6مهر: تغییر ماده 47 قانون کار / مهندسی مقررات باهدف جایگزینی بهره‌وری به جای حمایت از کارگر

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، قرارداد افزایش بهره‌وری جایگزین قرارداد دریافت و پرداخت پاداش افزایش تولید شده است.

به گزارش 6مهر ایلنا، در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، تغییری نگران‌کننده رخ داده است.

در این تغییر، که به نظر می‌رسد براساس مهندسی جدید قانون کار بر مبنای خواسته مطروحه دولت و کارفرمایان یا همان "افزایش بهره‌وری تولید" انجام شده، قرارداد دریافت و پرداخت افزایش تولید، حذف و به جای آن قرارداد افزایش بهره‌وری جایگزین شده است.

متن ماده 47 قانون کار به این شرح است:

ماده 47- به منظور ایجاد انگیزه برای تولید بیشتر و کیفیت بهتر و تقلیل ضایعات و افزایش علاقه مندی و بالابردن سطح درآمد کارگران؛ طرفین، قرارداد دریافت و پرداخت افزایش تولید را مطابق آئین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی تعیین می‌شود، منعقد می‌نمایند.

حال در اصلاحیه پیشنهادی دولت، عنوان «دریافت و پرداخت افزایش تولید» به عنوان «قرارداد افزایش بهره‌وری» تبدیل شده است.

در این تغییر پیشنهادی، خبری از پاداش افزایش تولید نیست و بدیهی است که عقد قرارداد افزایش بهره‌وری بدون در نظر گرفتن پاداش افزایش تولید می‌تواند بر دیون و تعهدات کارگر بیفزاید و براساس آنچه در تغییرات پیشنهادی ماده 45 هم آمده؛ نه تنها به بالارفتن سطح درآمد کارگر کمک نکند، بلکه باعث کسر از دستمزد پایه شود.

صرف نظر از اینکه اکنون چند سالی می‌شود که مسئولان مختلف دولتی در مواجهه با مطالبات کارگران از گفتمان تازه‌ای به نام بهره‌وری استفاده می‌کنند؛ به نظر می‌رسد تلاش‌های چندماهه اخیر دولت و کارفرمایان برای اصالت بخشی به این مساله که خروج از رکود اقتصادی نیازمند افزایش بهره‌وری است وارد فاز جدی‌تری شده است بدین ترتیب که مسئله افزایش بهره‌وری هم فقط با کاستن از دستمزد کارگر و ارزان‌سازی کارگران به نتیجه می‌رسد؛ و این امر، در جای جای این لایحه پیشنهادی نمود عینی پیدا کرده است. مهمترین تبلور آن هم در همین تغییرات اعمال شده در ماده 47 است و البته تغییرات اعمالی در ماده 41 هم در همین راستاست، تغییراتی که تعیین حداقل دستمزد را به شرایط اقتصادی کشور گره زده است.

5مهر: تغییر ماده 45 به نفع کارفرما/ برداشت از مزد کارگر تسهیل می‌شود

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار با افزودن یک بند به ماده 45، برداشت از مزد کارگر تسهیل شده است. به گزارش 5مهر ایلنا، در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار یک بند جدید به ماده 45 افزوده شده که این بند، در صورت موافقت کتبی کارگر اجازه برداشت از مزد را به کارفرما می‌دهد.

در متن ماده 45 قانون کار، کارفرما در مواردی می‌تواند اقدام به برداشت از مزد کارگر نماید. شرایط برداشت، به موارد زیر محدود شده است:

الف- مواردیکه قانون صراحتاً اجازه داده باشد.

ب- هنگامیکه کارفرما به عنوان مساعده وجهی به کارگر داده باشد.

ج- اقساط وامهایی که کارفرما به کارگر داده است طبق ضوابط مربوطه.

د- چنانچه در اثر اشتباه محاسبه مبلغی اضافه پرداخت شده باشد.

ه- مال الاجاره خانه سازمانی (که میزان آن با توافق طرفین تعیین گردیده است) در صورتیکه اجاره‌ای باشد با توافق طرفین تعیین می‌گردد.

در لایحه پیشنهادی، یک بند جدید تحت عنوان بند ز به ماده فوق افزوده شده است:

ز- اعلام موافقت کتبی کارگر به کارفرما برای کسر حقوق در قبال سایر دیون و تعهدات کارگر.

روشن است که این بند پیشنهادی با هدف تسهیل برداشت مزد کارگر افزوده شده و از آنجا که در قرارداد کاری، کارگر همیشه تحت فشار بیکاری و ترس از اخراج، دست پایین را دارد، هر نوع درخواست و شرطی چه معقول و چه نامعقول، می‌تواند به عنوان دیون و تعهدات کارگر در قرارداد گنجانده شود و سپس به بهانه همین قرارداد مکتوب یک طرفه، کسر از دستمزد به راحتی انجام شود.

افزودن عبارت نامفهوم "سایر دیون و تعهدات کارگر" در ماده قانونی و اجازه دادن به کارفرما برای برداشت از دستمزد در صورت برآورده نشدن این دیون و تعهدات، افزودن بندی جدید است بر دست و پای کارگر که می‌تواند مشکلات فعلی کارگران قرارداد موقت را چندین برابر کند.

3مهر: تغییر شرایط کارآموزی با تغییر ماده 112/ تلاش برای احیای قانونی طرح استاد-شاگردی

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، شرایط سنی کارآموزی حذف شده است و این به معنای تلاش برای زیرپا گذاشتن حداقل حقوق مندرج در قانون کار برای گروه زیادی از کارگران است.

به گزارش 3مهر ایلنا، در لایحه ای که دولت برای اصلاح قانون کار به مجلس ارائه کرده است، ماده 112 که مربوط به شروط کارآموزی است، دچار تغییر شده است.

این تغییر از آن جهت نگران‌کننده است که شرایط سنی کارآموزی حذف و هر کارگری با هر شرایط سنی می‌تواند کارآموز تلقی شود.

یادآوری می‌شود که در دولت گذشته نیز با مشارکت مسئولان وقت معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت کار و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سازمان تامین اجتماعی، مشابه چنین اقدامی تحت عنوان شیوه شیوه نامه استاد-شاگردی به اجرا درآمد که موجب واکنش منفی گروه‌های مختلف کارگری و حتی کارفرمایی در قالب کارزاری مشترک شد.

تغییر پیشنهادی چیست؟

بند ب ماده 112 به تشریح شرایط کارآموز می‌پردازد.

این شرایط در قانون کار فعلی به این شرح است:

ب- افرادی که به موجب قرارداد کارآموزی به منظور فرا گرفتن حرفه‌ای خاص برای مدت معین که زاید بر سه سال نباشد، در کارگاهی معین به کارآموزی توأم با کار اشتغال دارند؛ مشروط بر آنکه سن آنها از 15 سال کمتر نبوده و از 18 سال تمام بیشتر نباشد.

اما در لایحه پیشنهادی دولت این بند به این شکل تغییر یافته است:

ب- افرادی که به موجب قرارداد کارآموزی به منظور فراگرفتن حرفه خاص برای مدت معین و در کارگاهی معین به کارآموزی به صورت استاد و شاگردی اشتغال دارند.

در این تغییرات پیشنهادی، شرایط سنی کارآموز حذف شده و به نظر می‌رسد دولت تلاش دارد طرح استاد-شاگردی را بار دیگر به صورت قانونی احیا کند. این طرح که پیش از این در برخی از استانها اجرایی شد، همواره با مخالفت وسیع کارگران روبرو شده است.

بدون شک حذف شرایط سنی از شرایط کارآموزی و احیای استاد-شاگردی راهی است به سمت اجحاف هرچه بیشتر در حق کارگران، چرا که اگر این تغییرات ضد کارگری تصویب شود، کارفرمایان پس از این که سه سال هر کارگر را با شرایط نامناسب کارآموزی به کارگماشتند و کمتر از حداقل دستمزد مصوب پرداخت کردند، از کار بیکار می‌کنند و به دنبال یک قرارداد کارآموزی جدید می‌روند.

31 شهریور: ماده 41 دستخوش تغییر می‌شود/ تهدید مزد با قید «شرایط اقتصادی کشور»

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، چگونگی شرایط اقتصادی کشور به عنوان یکی از شروط تعیین دستمزد اعلام شده است که افزودن این شرط، به شدت نگران کننده است.

در کل باید گفت تغییرات پیشنهادی دولت در ماده 41 صد درصد به زیان کارگران و براساس خواسته‌های کارفرمایان تدوین شده، کارفرمایانی که از لزوم رعایت حداقل دستمزد ابراز ناراحتی کرده‌اند و می‌کنند، در صورتی که این لایحه تصویب شود به خواسته های خود خواهند رسید.

به گزارش 31 شهریور ایلنا، در لایحه ای که تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس ارائه شده، ماده 41 قانون کار که یکی از اصولی‌ترین و زیرساختی‌ترین مواد این سند قانونی است و تعیین کننده یکی از مهمترین دغدغه‌های کارگران یعنی حداقل دستمزد است، دچار تغییرات اساسی شده است.

یکی از مهمترین این تغییرات افزودن شرط "شرایط اقتصادی کشور" به عنوان یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد است.

در متن فعلی ماده 41، دو شرط میزان تورم اعلام شده و سبد معاش خانوار به عنوان معیارهای تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفته شده است که باید گفت شرط دوم یعنی محاسبه سبد معیشت خانوار و تعیین حداقل دستمزد براساس آن، حداقل در دو دهه گذشته هرگز اجرایی نشده است و حالا افزودن شرط جدید یا همان شرایط اقتصادی کشور بر نگرانی کارگران افزوده است چرا که این معیار افزوده شده، به راحتی می‌تواند دو معیار پیشین را نقض کند و مفردی قانونی برای فراکنی و قانون‌گریزی‌های دولت و کارفرمایان بگشاید.

به نظر می‌رسد در شرایطی که یکی از مهمترین مطالبات کارگران و فعالان جامعه کارگری در سالهای گذشته، درخواست اجرای بند دوم ماده 41 یا همان محاسبه سبد معیشت خانوار و کاهش شکاف تاریخی هزینه- دستمزد است، افزودن شرط شرایط اقتصادی، تلاش برای به کرسی نشاندن اظهاراتی است که در ماهها و هفته های اخیر در ارتباط با لزوم تخطی از حداقل دستمزد به بهانه افزایش بهره‌وری به گوش می‌رسد و این یعنی مقامات در تلاشند کارفرمایان شاکای از بالا بودن هزینه دستمزد را گرچه این شکایت هیچ مبنای محاسباتی و عقلانی معتبری ندارد، به هر قیمت ممکن راضی نگه دارند.

مساله بعد، افزودن بند تعیین حداقل مزد کارآموزان موضوع بند (ب) ماده 112 قانون کار به ماده 41 است و این در حالیست که ماده 112 و شرایط کارآموزی نیز در لایحه پیشنهادی دچار تغییر شده به گونه‌ای که این تغییر ماده 41 به همراه تغییرات بند (ب) ماده 112، به معنای به رسمیت شناختن شمول از قانون کار به نام کارآموزی یا احیای قانونی طرح استاد شاگردی است که این تغییرات پیشنهادی در ماده 112 خود جای بحث جداگانه دارد.

در نهایت، تبصره دومی به ماده 41 افزوده شده که متن آن به شرح زیر است:

تبصره 2- حداقل مزد کارگران با قرارداد موقت تا ده درصد بیشتر از حداقل مزد کارگران دارای قرارداد دائم حسب مورد می‌باشد.

این تبصره در شرایطی که حداقل 95 درصد کارگران فاقد قرارداد دائم هستند، قابلیت اجرایی چندانی نخواهد داشت، علاوه بر این، افزودن "حسب مورد" این تبصره را از الزام اجرا خارج می‌کند و دست کارفرمایان را برای اجرایی نکردن آن باز می‌گذارد.

در کل باید گفت تغییرات پیشنهادی دولت در ماده 41 صد درصد به زیان کارگران و براساس خواسته‌های کارفرمایان تدوین شده، کارفرمایانی که از لزوم رعایت حداقل دستمزد ابراز ناراحتی کرده‌اند و می‌کنند، در صورتی که این لایحه تصویب شود به خواسته های خود خواهند رسید.

طبیعی است که با تصویب این لایحه، پس از این در مذاکرات مزدی درصد افزایش حداقل دستمزد بسیار پایین تر از آنچه که باید، تعیین خواهد شد، چرا که دولت و کارفرمایان می‌توانند به راحتی استدلال کنند که شرایط اقتصادی کشور بد است و توان پرداخت وجود ندارد. این استدلال باطل پیش از این وجود داشت، اما هرگز مهمل قانونی نداشت که حالا با ارائه این لایحه می‌خواهند، مهملی بیابند تا این استدلال فراقکنانه و غیرمنطقی را به کرسی بنشانند.

از طرف دیگر با تغییر ماده 112 و تعیین حداقل دستمزد برای کارورزان، راه برای بیگاری سه ساله نیروی کار باز می‌شود که این خود حدیث مفصلی است که جای بحث بسیار دارد...

30 شهریور: سه پرسش از جعفر عظیم زاده پیرامون ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار - قسمت دوم

توضیح: از آنجا که قرار بود جعفر عظیم زاده در قالب سه سوال به مسائل مربوط به تغییر قانون کار پاسخ دهد و این پاسخها بدلیل اهمیت موضوع، طولانی می باشند لذا جواب این سوالات در قسمتهای بیشتری منتشر خواهد شد. همینجا از همگان میخواهیم چنانچه بدلیل طولانی بودن این قسمت و یا هر دلیل دیگری، امکان مطالعه همه متن را پیدا نمیکند حتما بخش مربوط به ماده 21 را بخوانند. سایت اتحاد

پرسش دوم: تحلیل شما از مواد تغییر داده شده در قانون کار چیست؟

به نظر من قرارداد کار و امنیت شغلی، دستمزد، تامین اجتماعی و وجود یا عدم وجود تشکلهای مستقل کارگری محور اصلی هر قانون کاری است و بر اساس آنهاست که موقعیت و سهم کارگر از تولید ثروت شکل میگیرد. حال اگر مواد مربوط به این مسائل اساسی در هر قانون کاری به ضرر یا به نفع یک زندگی انسانی برای کارگران تنظیم بشوند اطمینان داشته باشید مواد دیگر نیز تحت تاثیر آنها رقم خواهند خورد. به معنای دیگری روح حاکم بر یک قانون کار، اساسا خود را در این چهار محور اصلی متبلور میکند و از اینجا به سایر مواد نیز کشیده میشود. به همین دلیل من تمرکز را در مورد لایحه اصلاحیه دولت، بر روی این چهار محور و مواد مربوط به آنها خواهم گذاشت.

1-قرارداد، خاتمه قرارداد و امنیت شغلی

همانطور که میدانید در قانون کار موجود مواد مربوط به قرارداد و امنیت شغلی به شدت به ضرر کارگران تنظیم شده است بطوریکه پس از گذشت 27 سال از تصویب قانون کار، هم اکنون نزدیک به صد درصد کارگران با قراردادهای موقت یکماهه، دو-سه ماهه و سفید امضا مشغول به کار هستند و عملا میلیونها کارگر و مزد بگیر، دارای کمترین درجه از امنیت شغلی نیز نمی باشند. اما اینکه چرا علیرغم این وضعیت، هم دولتهای قبلی و هم دولت روحانی در صدد حذف یا اضافه کردن بندهایی به این دسته از مواد قانون کار بوده اند و هستند و این تغییرات را با کدام اهداف انجام میدهند بحثی است که پس از بررسی یک به یک تغییرات ایجاد شده در لایحه اصلاحیه دولت روشن خواهد شد. در لایحه اصلاحیه دولت در رابطه با قرارداد، خاتمه قرارداد و امنیت شغلی، از 33 ماده مربوط به این بخش در قانون کار، در 15 ماده آن تغییرات جزئی و کلی ایجاد شده است. اما عمده ترین تغییرات در مواد 7 - 10 - 21 - 27 و 28 داده شده است که به ترتیب به آنها می پردازم.

ماده 7

متن تبصره های ماده 7 قانون کار: تبصره 1 - حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره 2 - درکارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می شود. تبصره 3- قرار دادهای با بیش از سی روز باید به صورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چهار چوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار می گیرد، باشد. تبصره 4- کارفرمایان موظفند به کارگران با قراردادموقت به نسبت مدت کارکرد مزایای قانونی پایان کار به ماخذ هرسال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند.

متن بند 1 لایحه اصلاحیه دولت: " تبصره های 1 - 3 و 4 ماده 7 حذف و عنوان تبصره 2 به تبصره اصلاح میشود."

تبصره 1: این تبصره در در سال 1368 در زمان تصویب قانون کار که هنوز قراردادهای موقت به شکل غالب قرارداد کار تبدیل نشده بودند ناظر بر این بود که کارفرمایان مثلا حداکثر تا سه ماه میتوانند با کارگران، قرارداد موقت منعقد بکنند اما پس از این مدت حداکثری هر کارفرمایی می بایست نسبت به انعقاد قراردادموقت با کارگر اقدام میکرد. اما هم زمان با این تبصره، تهیه کنندگان قانون کار در آزمون تبصره 2 را نیز با هدف موقتی کردن قراردادهای طراحی کردند. بطوریکه در نتیجه ی آن، امروزه نزدیک به صد درصد کارگران با قرارداد موقت مشغول بکار هستند. به همین دلیل در شرایط حاضر که دیگر همه قراردادهای موقتی شده اند و این تبصره معطوف به تعیین مدت حداقلی برای این نوع قراردادهای نمی باشد و دست کارفرمایان را برای به حداقل رساندن مدت قرارداد باز گذاشته است، بود و نبود آن تاثیری به حال ما کارگران ندارد. اما حذف این تبصره در شرایط حاضر در صدد از بین بردن هر گونه موضوعیت دهی به مدت قراردادهاست که همیشه محل کشمکش کارگران از یک سو و دولت و کارفرمایان از سوی دیگر بوده است.

تبصره 3: هر چند که خود ماده 7 قانون کار با تعریفی که از قرارداد کار ارائه کرده، هم قرارداد کتبی و هم قرارداد شفاهی را رسمیت داده است، با اینحال در طول 27 سالی که از تصویب قانون کار میگذرد قرارداد شفاهی در مقابل قرارداد کتبی نتوانسته است همچون گسترش قرارداد موقت در مقابل قرارداد دائمی، به شکل اصلی قرارداد تبدیل بشود. به همین دلیل دولت در سال 1386 (از طریق تصویب "قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی") با اضافه کردن تبصره 3 به ماده 7 و تقسیم بندی قراردادهای به سی روزه و بالای سی روزه، تلاش کرد در قدم اول در مراکز که قراردادهای سی روزه رواج پیدا کرده بود شفاهی سازی قراردادهای را بی هیچ ابهامی رسمیت دهد و از آنطرف از طریق تقسیم بندی در مدت قراردادهای و رسمیت دهی به مدت قرارداد سی روزه در قانون کار و به این معنا عمومیت دهی به آن، پروژه شفاهی سازی قراردادهای را در یک بعد کلان به پیش برد. حال این پروژه ریاکارانه پس از گذشت چندین سال با مقاومت کارگران و نهادهای نشدن قراردادهای سی روزه در جای جای مراکز تولیدی و صنعتی کشور و از این منظر عدم موفقیت در رسمیت دهی گسترده به قراردادهای شفاهی، نه تنها به اهداف خود نرسیده است بلکه به مانعی جدی در برابر شفاهی سازی قراردادهای تبدیل شده است به همین دلیل دولت با حذف تبصره 3 ماده 7 در صدد

است تا مانعی شفاف و محکم را از پروژه شفاهی سازی قراردادهای کار بر دارد.

در این رابطه لازم است بگویم حذف تبصره 3 ماده 7 و هر اقدام دیگری برای شفاهی سازی قراردادهای، فقط یک تغییر شکل و تغییر رویه از کتبی شدن به شفاهی شدن قراردادهای نیست بلکه چنین رویکردی اساسا ماده 10 قانون کار و هر گونه رابطه قانونمند را نشانه رفته است چرا که با شفاهی شدن قراردادهای، ماده 10 قانون کار که معطوف به بخشی از قرارداد و در مورد

قید مشخصات کار از قبیل ساعات کار، مرخصی ها، تعطیلات، مزد مینا و... می باشد موضوعیت خود را از دست خواهد داد به عبارت دیگر، با شفاهی شدن قراردادها عملاً نوشته مکتوب و سندی وجود نخواهد داشت تا قید مشخصات کار در آن منظور بشود بدین معنا باید بگویم حذف این تبصره که با هدف برداشتن یک مانع جدی در برابر شفاهی سازی قراردادهای سی روز به بالا صورت میگیرد، اساساً نابودی هر نوع قانونمندی در ساعات کار، تعطیلات، مرخصی ها، مزد و دیگر شرایط کار کارگران و سپردن آنها بدست میل و اراده تک تک کارفرمایان را مد نظر دارد.

تبصره 4: با وجود اینکه ماده 24 قانون کار ناظر بر پرداخت مزایای پایان کار به کارگران با قرارداد کار معین یا مدت موقت می باشد اما علیرغم آن، کارفرمایان در بسیاری از موارد در طول دهه های گذشته از پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت بویژه در کارهای پروژه ای خودداری میکردند. به همین دلیل افزودن تبصره 4 به ماده 7 قانون کار صراحت و قاطعیت بیشتری در مکلف کردن کارفرمایان جهت پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت ایجاد کرد. حال حذف این تبصره، هم باعث برداشتن تأکید بیشتر از روی مکلف کردن کارفرمایان برای پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت خواهد شد و هم، مهم تر اینکه، حذف این تبصره بیانگر رویکرد دولت در تلاش برای تضعیف و حذف پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت می باشد. اهمیت ایجاد هر گونه خلل و ابهام در پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت که حذف تبصره 4 ماده 7 بیانگر آن است زمانی روشن میشود که توجه کنیم هم اکنون نزدیک به صد درصد کارگران ایران با قراردادهای موقت مشغول بکارند و معدود قرارداد های دائمی باقی مانده در محیطهای کار با بازنشسته شدن این کارگران در سالهای آینده محو خواهد شد و دیری نخواهد پائید که حتی یک کارگر قرارداد دائم در این مملکت وجود داشته باشد. به این معنا، حذف این تبصره که معطوف به اجبار کارفرمایان برای پرداخت سنوات به کارگران قرارداد موقت می باشد عملاً شرایط و زمینه های مساعد و لازم را برای عدم پرداخت مزایای پایان کار به همه کارگران ایران ایجاد خواهد کرد.

ماده 10

متن بند ح ماده 10 قانون کار: "شرایط و نحوه فسخ قرارداد"

متن بند 2 لایحه اصلاحیه دولت: "بند ح ماده 10 حذف میشود"

حذف بند ح از مفاد ماده 10 قانون کار به این معناست که از این پس کارفرمایان مکلف به قید شرایط و نحوه فسخ قرارداد در قراردادهای کار نمی باشند. با حذف این بند از مشخصات قرارداد کار، کارفرمایان عملاً قادر خواهند شد شرایط و چگونگی فسخ قرارداد را به میل و دلخواه خود به کارگران تحمیل کنند.

ماده 21 - خاتمه قرار داد کارگر

متن بندهای (ح) و (ز) ماده 21 قانون کار، در قانون کار چاپ سال 1395: ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن آوری مطابق با مفاد ماده (9) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور. ز - فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد پیش بینی گردیده است.

متن بند 5 لایحه اصلاحیه دولت: بندهای (ز) و (ح) ماده 21 به شرح زیر اصلاح و متون زیر به عنوان بند (ط) و تبصره 2 به ماده یاد شده اضافه و عنوان تبصره ماده مذکور به تبصره 1 اصلاح میشود: ز- توافق بین کارگر و کارفرما ح- کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزام قوانین یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا لزوم تغییرات گسترده در فناوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار بشود. ط- فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه - تبصره 2: موارد مذکور در بند ز در کارگاههای بیش از 50 نفر کارگر باید به تایید هیاتی مرکب از استاندار یا معاون وی، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیر کل دستگاه صادر کننده مجوز کارگاه، نماینده صندوق بیمه ای ذریبط، رئیس کل دادگستری، نماینده تشکل کارگری حائز اکثریت استان، نماینده تشکل کارفرمایی استان، نماینده کارگران کارگاه و کارفرما یا نماینده تام الاختیار وی برسد. چنانچه به تشخیص هیات مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود به همان نسبت مشمول بیمه بیکاری میشود.

در این لایحه برای اولین بار، وجود بندهای (ز) و (ح) در ماده 21 قانون کار فرض گرفته شده است و لایحه طوری تنظیم شده است که گویا این بندها، جزو بندهای ماده 21 می باشند و حال دولت اصلاحیه ای را بر آنها وارد کرده است. به همین دلیل من تعمداً روی نقد لایحه اصلاحیه دولت در مورد این بندها نمیروم چرا که وجود آنها در ماده 21 قانون کار را به دلایل زیر، سند سازی و یک جعل دغلكارانه از سوی دولت میدانم: 1- این بندها در "قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی" با استناد به "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور" در سال 1386 مصوب و قرار بود به ماده 21 قانون کار اضافه شود اما با اعتراضاتی که از سوی کارگران در آن تاریخ انجام شد این بندها به ماده 21 قانون کار اضافه نشدند 2- شاهد این مدعا لایحه اصلاحیه دولت احمدی نژاد* بر روی قانون کار در شهریور ماه سال 1390 است که در آن پیشنهاد اضافه شدن بندهای (ح) و (ز) به ماده 21 قانون کار را داده است. به این معنا که اگر این بندها در سال 1386 مصوب و به قانون کار وارد شده اند اساساً این چه حکمتی است که دولت احمدی نژاد در لایحه اصلاحیه اش در شهریور ماه 1390 پیشنهاد اضافه شدن آنها به ماده 21 قانون کار را مطرح میکند. 3- این بندها در چاپهای قانون کار تا پایان سال گذشته وجود ندارد و فقط در چاپ امسال در ماده 21 قید شده و در پانوشته آن آمده است: "1 و 2 الحاقی 1386/5/7 در قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی". حال سوال این است چنانچه این بندها 9 سال پیش مصوب شده اند پس چرا در این 9 سال در چاپهای قانون کار نیامده اند 4- مهم تر اینکه، اگر این بندها از 9 سال پیش به ماده 21 قانون کار اضافه شده اند پس چرا حتی یک مورد استناد به آنها در هیئتهای تشخیص و حل اختلاف و یا دیوان عدالت اداری وجود ندارد و پرونده اخراج هیچ کارگری و یا کارگرانی در هیچ جای ایران با استناد به این بندها در مراجع قانونی مورد رسیدگی قرار نگرفته است. این در حالی است که در طول این 9 سال هزاران اعتراض و شکایت در مورد اخراج کارگران بدلیل اعلام کاهش تولید و تغییرات ساختاری مرتبط با شرایط اقتصادی و سیاسی و.. از سوی کارفرمایان رخ داده است اما هیچیک از این شکایتها و اعتراضات با استناد به این بندها مورد رسیدگی قرار نگرفته اند. 5- گذشته از همه اینها، در مقدمه "قانون رفع برخی از موانع تولید و

سرمایه گذاری صنعتی" آمده است: "مجلس با اجرای آزمایشی این قانون به مدت پنج سال موافقت کرده است" و از آنجا که مدت این پنج سال از سال 1391 به این سو به اتمام رسیده است و مصوبه ای نیز از سوی مجلس برای دائمی شدن "قانون رفع برخی موانع تولید سرمایه گذاری صنعتی" وجود ندارد لذا فرض گرفتن وجود بندهای (ح) و (ز) در ماده 21 قانون کار در لایحه اصلاحیه دولت یک تقلب آشکار و جعل سند برای جا انداختن این بندهای به غایت ضد کارگری در قانون کار است. 6- جالب است بدانیم علاوه بر اینکه چهار سال است زمان اجرای آزمایشی "قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری" به پایان رسیده و مجلس نیز اقدامی برای دائمی کردن آن انجام نداده است استنادی هم که در این قانون برای تدوین بند (ح) صورت گرفته، مستند به ماده 9 قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور به شرح زیر شده است: "ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن آوری مطابق با مفاد ماده (9) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور". لازم است بدانیم ماده 9 "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور" می گوید: این قانون تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی قابلیت اجرایی دارد. حال دولت روحانی میخواهد بندهایی را که هیچگاه به قانون کار وارد نشده اند و عمر مستندات شان نیز از قبیل "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور" و "قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری" سالهاست به پایان رسیده است به عنوان بخشی از بندهای موجود!!؟؟ در ماده 21 قانون کار به خورد ما کارگران بدهد تا آنها را با این حقه بازی در قانون کار نهادینه بکند.

بنا بر این کاملا واضح است که این بندها علیرغم تصویب آن در "قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی"، (ضمن اینکه تاریخ اجرای خود این قانون نیز به اتمام رسیده است) هیچگاه در قانون کار اعمال نشده اند و لذا باید بگویم دولت روحانی در یک سناریوی از پیش طراحی شده از طریق خوانش این دو بند به عنوان بندهای موجود در قانون کار، در صدد است تا آنها را در ماده 21 جا بیاندازد. اینان خود به خوبی میدانند که تصویب و عملی شدن لایحه اصلاحیه دولت، کار چندان راحتی نیست و چه بسا که به احتمال قریب به یقین، همچون دولت احمدی نژاد ناچار به عقب نشینی از آن خواهند شد. به همین دلیل با توسل به جعل و سناریویی از پیش طراحی شده، در صددند چنانچه موفق به تصویب لایحه اصلاحیه قانون کار نشدند این بندها را به شکل دغل کارانه ای وارد ماده 21 بکنند. به نظر من کل داستان هشتاد و چهار ماده قانون کار که در لایحه اصلاحیه دولت مورد تغییرات جزئی و کلی واقع شده اند و خودشان نیز نیک میدانند که قابل تصویب و اجرا نیست، این است که این دو بند را بی سر و صدا و به عنوان اصل بندهای موجود در ماده 21 قانون کار جا بیاندازند. البته این بحث به این معنا نیست که ما در مقابل کل لایحه اصلاحیه دست به افشاگری و مبارزه نزنیم، ما با تمام توان اینکار را خواهیم کرد و خوب، قابل پیش بینی نیز هست که دولت نسبت به لایحه اصلاحیه ناچار به عقب نشینی خواهد شد. لذا ما کارگران باید همزمان با تلاش و مبارزه برای وادار کردن دولت به عقب نشینی در مورد لایحه اصلاحیه، فریادمان را در مورد دغل کاری اش برای جا انداختن این دو بند در ماده 21 قانون کار که همیشه مورد اعتراض مان بوده و از سال 1386 به این سو کسی جرات وارد کردن آنها به قانون کار را به خود نداده است بالا ببریم و اجازه ندهیم این بار با یک سناریوی از پیش طراحی شده براحته این دو بند را وارد ماده 21 قانون کار بکنند. در این راستا باید به هر شکل ممکن، سندسازی دولت از طریق آوردن این بندها در چاپ امسال قانون کار و در لایحه اصلاحیه را افشا و آن را بشدت مورد اعتراض قرار داد و خواهان جمع آوری چاپ امسال قانون کار از بازار شد.

مواد 27 و 28

در لایحه اصلاحیه دولت، ماده 27 معطوف به رسیدگی به تخلفات کارگران و تایید اخراج آنها توسط کمیته انضباطی است در حالی که در ماده 27 قانون کار مسئولیت رسیدگی به اینگونه مسائل و اخراج کارگران از این منظر بر عهده تشکل موجود می باشد. در ماده 28 نیز در قانون کار در مورد اخراج نماینده های کارگران به موضوع "قرارداد کار" اشاره ای نشده است و ایندسته از کارگران بدون رای هیئتهای تشخیص و حل اختلاف نمیتوانند توسط کارفرما اخراج بشوند. اما در لایحه اصلاحیه دولت اخراج این قبیل کارگران به "مدت قرارداد" آنها گره زده شده است. به این معنا که کارفرما میتواند نماینده های کارگران را به محض اتمام قرارداد و بدون مراجعه به آرا هیئتهای تشخیص و حل اختلاف اخراج بکند.

پایان قسمت دوم - ادامه دارد

*متن ماده 4 لایحه اصلاحیه دولت احمدی نژاد به نقل از خبرگزاری فارس - سرویس اقتصادی - 17 شهریور ماه 1390 - کد خبر 189271

4-متون زیر به عنوان بندهای ز، ح، و ط به ماده 21 اضافه و شماره تبصره ماده مذکور به تبصره 1 اصلاح و تبصره 2 به شرح زیر اضافه می شود:

ز - کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزامات قانون و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا لزوم تغییرات گسترده در فن آوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار شود.

ح - توافق بین کارگر و کارفرما

ط - فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه

تبصره 2 - موارد مذکور در بند ز در کارگاه های بیش از 50 نفر کارگر باید به تأیید اکثریت هیاتی مرکب از استنادار یا معاون وی، مدیر کل کار و امور اجتماعی، مدیرکل دستگاه صادر کننده مجوز اصلی کارگاه، مدیرکل تامین اجتماعی، رییس کل دادگستری، نماینده تشکل کارگری حائز اکثریت استان، نماینده تشکل کارفرمایی استان، نماینده کارگران کارگاه و کارفرما یا نماینده تام الاختیار وی برسد. چنانچه به تشخیص هیات مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود به همان نسبت مشمول خاتمه کار و مقررات بیمه بیکاری می شود.

29 شهریور: اصلاحیه ماده 148 قانون کار جایگاه تامین اجتماعی را تضعیف می‌کند

یک کارشناس تامین اجتماعی نسبت به تضعیف جایگاه سازمان تامین اجتماعی به وسیله اصلاحیه ماده 148 قانون کار هشدار داد.

به گزارش 29 شهریور اینستا، وی با اعلام این مطلب اظهار داشت: اصلاحیه ماده 148 جایگاه سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک سازمان بیمه‌ای فراگیر برای اقبال محروم را تضعیف می‌کند.

وی افزود: به صورت کلی تامین اجتماعی براساس اصل 29 قانون اساسی حقی همگانی است که اقبال محروم را زیر چتر حمایتی خود می‌برد. سازمان تامین اجتماعی هم به عنوان یک سازمان عمومی غیردولتی در همین راستا تشکیل شد.

اصلاحیه ماده 148 قانون کار تکلیف کرده است که کارفرمایان کارگران تحت شمول قانون کار را علاوه بر سازمان تامین اجتماعی نزد «سایر صندوق‌های بیمه‌ای» بیمه کنند که همین نگرانی از ورود سرمایه‌گذاران خصوصی بیمه‌گر به حیطه روابط کار و بیمه کارگران را افزایش داده است.

این کارشناس تامین اجتماعی در عین حال تاکید کرد که سایر سازمان‌های بیمه‌گر دولتی و خصوصی می‌توانند با هم در بازار عرضه و تقاضای شرکت‌های بیمه‌ای رقابت کنند اما این امر نباید در حیطه خدمات اجتماعی شرکت‌های بیمه‌ای پایه که چتر اصلی حمایتی بر سر اقبال محروم است اختلال ایجاد کند.

وی ورود «سایر صندوق‌های بیمه‌ای» به حیطه روابط کار و بیمه کارگران را موجب کاهش ورودی‌های صندوق سازمان تامین دانست و افزود: همین حالا هم بین تعداد بیمه‌پردازان و بازنشستگان در صندوق سازمان تامین اجتماعی تعادل معناداری برقرار نیست که این در آینده به بحرانی بزرگ برای کارگران و بازنشستگان این سازمان تبدیل خواهد شد.

23 شهریور: سه پرسش از جعفر عظیم زاده پیرامون لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار

سایت اتحاد: بدنبال ارسال لایحه اصلاحیه دولت به مجلس شورای اسلامی در مورد قانون کار در تیر ماه سال جاری و مخفی سازی آن از سوی دولت و نهادهای دست ساز کارگری، اتحادیه آزاد کارگران در 12 شهریور ماه آنرا بر روی سایت اتحاد منتشر کرد. در پی انتشار این لایحه از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، خبرگزاری ایلنا نیز آنرا در 14 شهریور ماه منتشر نمود و بدنبال آن نهادهای کارگری دست ساز دولتی و مسئولین آنها سعی در بزرگنمایی مسائلی فرعی و منطبق با منافع خود در نقد لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار کردند. این نکته که چرا علیرغم اینکه لایحه اصلاحیه قانون کار همزمان با انتشار آن در مجلس شورای اسلامی در سوم مرداد ماه بدست سران خانه کارگر (محجوب و جلودار زاده) به عنوان نماینده در مجلس رسیده بود و اینان تا زمان انتشار این لایحه از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران سکوت اختیار کردند، بعلاوه دلایل تغییر قانون کار، تحلیل از مواد تغییر یافته آن، تبعات آنها و چگونگی مقابله کارگران با ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار، مجموعه مسائلی هستند که سایت اتحاد آنها را در قالب سه پرسش با جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران در میان گذاشته است که در دو قسمت مجزا منتشر خواهد شد.

پرسش اول: در حال حاضر میلیونها کارگر و معلم و پرستار و دیگر مزد بگیران زحمتکش، چه به لحاظ شرایط کار و چه به لحاظ معیشتی در وضعیت بسیار سخت و مشقت باری قرار دارند، با این حال لایحه اصلاحیه ای که دولت در رابطه با قانون کار به مجلس داده است محدود حداقلهای قانونی موجود در این قانون را به طور کامل از بین برده است. به نظر شما دلیل این امر چیست؟ مگر مصائبی که امروزه کارگران ایران با آن مواجه هستند کم است که حال دولت در صدد ایجاد تغییراتی ضد کارگری تر در قانون کار است؟

ببینید، نه الان بلکه در دولتهای گذشته نیز که بحث ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار مطرح بوده است ضرورت ایجاد این تغییرات عمدتاً در رابطه با تولید و اشتغال زایی مطرح شده است. همین دوهفته پیش بود که در این راستا معاون وزیر کار در حوزه اشتغال از پروژه ارزن سازی نیروی کار صحبت کرد و در ادامه ی فضا سازی برای تغییر قانون کار، مجدداً پورا بر ایمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس از قانون کار موجود به عنوان سخت ترین قانون کار دنیا که به زعم ایشان اصلی ترین مانع تولید و اشتغال است، نام برد!؟

در مقدمه خود لایحه اصلاحیه نیز اعلام شده است، دولت با رویکرد حمایت از تولید، سه جانبه گرایی؟! و مسائلی از این دست اقدام به ارائه این لایحه کرده است. این مقدمه و بحثهایی که حول وجود موانع در قانون کار برای اشتغال زایی و حمایت از تولید مطرح میشود، در حالی است که در نتیجه سیاستهای ضد کارگری چند دهه گذشته و تحمیل دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر بر کارگران و دیگر مزد بگیران زحمتکش، خود این مسئله یعنی دستمزدهای زیر خط فقر (جدای از مسائل پایه ای تر سیاسی و اقتصادی که حول اشتغال و تولید میتواند مطرح باشد) به مانعی در تولید و اشتغال تبدیل شده است. به این معنا که وقتی اکثریت عظیم آحاد یک جامعه دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر باشد قدرت خرید نیز در آن جامعه بشدت رو به کاهش میگردد و بازار مصرف تحت تاثیر آن از رونق میافتد و طبیعی است که وقتی بازار مصرف به چنین وضعیتی دچار بشود کاهش تولید را در پی خود ایجاد میکند و کاهش تولید، تعطیلی کارخانجات و مراکز تولیدی را، تولید زمانی معنا پیدا میکند که برای تولید کننده بازار مصرفی نیز وجود داشته باشد وگرنه هیچ کارفرمایی دست به تولید نمی زند که صرفاً تولیدی صورت داده باشد بلکه تولید میکند که بفروشد و تا میتواند سودش را ببرد. این اساس روی آوری به تولید در سیستم سرمایه داری است و لاغیر.

اگر دقت بکنید همه کارخانه داران و صاحبان سرمایه دلیل اخراج کارگران و خواباندن تولید و تعطیلی کارخانه ها را در کلام واحدی یک چیز اعلام میکنند: نبود نقدینگی. نقدینگی که از آسمان به جیب کسی سرازیر نمیشود که حال ما فکر بکنیم آسمان طوفانی و ابری شده است و نقدینگی برای ادامه تولید و اشتغال زایی به دست دولت و کارفرمایان نمی رسد. محل

تامین نقدینگی یک کارفرما و هر تولید کننده ای، فروش محصولات تولید شده اش در بازار و بازگشت همراه با سود سرمایه اش است که او را قادر به خرید دوباره مواد اولیه و استخدام نیروی کار و ادامه تولید میکند.

جدای از این مسئله، یعنی تاثیر مستقیم دستمزد زیر خط فقر در کاهش شدید قدرت خرید اکثریت عظیم آحاد جامعه که منجر به افت بازار مصرف و فروش محصولات تولیدی و در نتیجه کاهش نقدینگی صاحبان سرمایه برای از سر گیری چرخه تولید میشود، دستمزد چند برابر زیر خط فقر به شکل دیگری نیز، یکی از عوامل اصلی بیکاری میلیونها کارگر و جوان جویای کار است. به این معنا که وقتی دستمزد آنقدر پایین است که من کارگر ناچارم به جای 8 ساعت کار روزانه قانونی، 12 الی 16 ساعت کار بکنم و من معلم و پرستار و... ناچارم برای گذران زندگی شغل دوم و سومی نیز داشته باشم و یا من بازنشسته بدلیل حقوق بسیار پایین مجبورم تا آخرین نفسهایم در بازار کار باقی بمانم، طبیعی است که فرصت اشتغال از میلیونها کارگر بیکار و جوان جویای کار گرفته میشود. علاوه بر اینها یکی دیگر از علل بی میلی جوانان به اشتغال (در صورت وجود!)، باز هم، همین دستمزد ناچیز و بی افقی در داشتن شغلی با ثبات است که باعث میشود جوانان بیکار رغبتی به داشتن شغل نداشته باشند و با خانه نشینی، بطور گسترده ای به نومیدی و اعتیاد به الکل و مواد مخدر کشانده شوند. برای اینکه می بینند مزدی که میدهند کفاف خرج توی جیبی ماهیانه شان را نیز به عنوان یک جوان نمیدهد کجا که بتوانند با این دستمزدها صاحب خانواده و زندگی و مسکن بشوند.

بنا بر این باید بگویم فریاد و تولید و وا اشتغالا از سوی برخی مقامات رسمی در رابطه با موضوعیت دهی به ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار، اراجیف نازلی بیش نیستند. اینان طی 38 سال گذشته، نه توانسته اند و نه خواسته اند تولید را به موازات پیشرفتهای تکنولوژیک دنیا ارتقا دهند و نه دغدغه شان اشتغال زایی و زندگی و معیشت کارگران و معلمان و دیگر مزد بگیران زحمتکش بوده است. طوریکه امروزه با فرار گرفتن مزد میلیونها کارگر و حقوق بگیر زحمتکش در منتهی الیه مزدی که به یک کارگر در برده وارترین شرایط میتواند پرداخت شود، کل چرخه بازار مصرف و تولید و بازگشت نقدینگی صاحبان سرمایه برای ادامه تولید در بن بستنی لاعلاج گرفتار آمده است. به همین دلیل و دلایل پایه ای تر دیگری، اینک اقتصاد یکی از معدود کشورهای بسیار ثروتمند دنیا، در چنان مرحله ای از رکود و فروپاشی قرار گرفته است که دولت روحانی از یک سو با عجز و التماس بی سابقه به سرمایه جهانی برای سرمایه گذاری در ایران و از دیگر سو با گسترش مناطق آزاد و تلاش برای سازماندهی بالاترین درجه از بردگی کارگران (از طریق تغییر قانون کار)، درصدد ایجاد بهشت برینی برای سرمایه داران داخلی و خارجی است تا فرجی برای نجات و تدایم چپاولگری چپاولگرانی پیدا بشود که هست و نیست ما کارگران را در 38 سال گذشته به یغما برده اند. بماند که اینروزها به یمن ایستادگی و ابراز تنفر اکثریت عظیم مردم ایران از وضعیت مصیبت بار موجود، ابعاد کوچکی از این غارتگریهای بی سابقه در تاریخ معاصر ایران و جهان در حال روشن شدن است.

پایان قسمت اول

23 شهریور: توقف بیمه فراگیر اجتماعی کارگران / سنوات پایان کار بلوکه می شود

تلاش برای اصلاح مواد ۲۲ و ۲۴ قانون کار

دولت در نظر دارد با ایجاد تغییراتی در مواد ۲۲ و ۲۴ قانون کنونی، از یکسو به الزامی بودن برخورداری تمامی کارگران از حمایت های سازمان تامین اجتماعی خاتمه داده و از سوی دیگر محدودیت های جدیدی در خصوص حق دسترسی کارگران به مزایای قانونی سنوات پایان کار وضع کند.

به گزارش 23 شهریورایلنا، نویسندگان لایحه پیشنهادی اصلاح قانون کار در تبصره های 7، 8 و 9 این لایحه به صورت زنجیره ای مجموعه تغییراتی را برای مواد 23 (موضوع الزام کارفرمایان به تشکیل پرونده بیمه اجباری برای کارگران) و 24 (قانون کنونی و نحوه محاسبه و پرداخت سنوات پایان کار کارگران) در نظر گرفته اند.

اگرچه مطابق حقوق کار، مفاد مواد یاد شده به صورت غیرمرتبط و مجزا از هم تلقی می شود اما ساختار متن پیشنهادی لایحه اصلاح قانون کار در مورد این دو ماده به نحوی است که امکان بررسی مجزا و جدا از هم آنها وجود ندارد.

در متن ماده 23 قانون کنونی کار که به موضوع حق برخورداری همه کارگران از پوشش چتر خدمات بیمه های اجباری سازمان تامین اجتماعی اشاره دارد؛ آمده است؛ کارگر از لحاظ دریافت حقوق یا مستمری های ناشی از فوت، بیماری، بازنشستگی، بیکاری تعلیق، از کارافتادگی کلی و جزئی و یا مقررات حمایتی و شرایط مربوط به آنها تابع قانون تامین اجتماعی خواهد بود.

از طرف دیگر در متن ماده 24 همین قانون که به صورت مجزا به موضوع نحوه محاسبه و پرداخت حق سنوات پایان کار کارگران مربوط می شود؛ آمده است؛ در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا مدت موقت، کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد، یکسال یا بیشتر، به کار اشتغال داشته است برای هر سال سابقه اعم از متوالی یا متناوب براساس آخرین حقوق مبلغی معادل یکماه حقوق به عنوان مزایای پایان کار به وی پرداخت نماید.

اما شرایط شگفت انگیزی که از سوی نویسندگان دولتی لایحه اصلاح قانون کار در قالب سه تبصره 7، 8 و 9 برای تغییر متن مواد 23 و 24 پیشنهاد شده به صورت زیر است:

7- ماده (23) به شرح ذیل اصلاح می شود:

ماده 23 - در صورت خاتمه قرارداد کار به علت توافق بین کارگر و کارفرما و یا فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر به نسبت کارکرد به ازای هر سال سابقه کار حق سنوات به میزان سی روز مزد به کارگر پرداخت نماید.

8-در ماده (24) عبارت «به کارگیری که مطابق قرارداد، یک سال یا بیشتر به کار اشتغال داشته است» به عبارت «به نسبت مدت کارکرد» و واژه «وی» به واژه «کارگر» و عبارت «معادل یک ماه حقوق» به عبارت «معادل یک ماه مزد» اصلاح می‌شود.

9-متن زیر به عنوان ماده (24) مکرر اضافه می‌شود:

ماده 24 مکرر - کارفرمایان موظفند حق سنوات کارگران دارای قرارداد موقت یا غیرموقت (دائم) را به حساب‌های سپرده بلندمدت که نزد بانک‌ها یا موسسات مالی و اعتباری مورد تأیید شورای عالی کار به نام کارگر افتتاح می‌شود واریز کنند. کارفرما می‌تواند حق سنوات را به صورت ماهانه، فصلی یا سالانه یا در پایان کار واریز نماید. کارگر جز در موارد پیش‌بینی شده در آیین‌نامه اجرایی این ماده صرفاً در زمان بازنشستگی یا از کارافتادگی کلی مجاز به برداشت از این حساب خواهد بود. آیین‌نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواهد رسید.

با این تغییر چه بلایی بر سر حقوق کارگران خواهد آمد؟

اول:

در لایحه مورد نظر دیگر هیچ اثری از الزامی بودن پوشش بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی برای کارگران وجود ندارد، البته نویسندگان دولتی لایحه اصلاح قانون کار پیشتر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب پیشنهادهایی که برای اصلاح مواد 21 و 22 قانون کنونی کار راجع به این موضوع صحبت کرده بودند.

به صورت مختصر می‌توان نتیجه و تاثیر اعمال این تغییر بر زندگی خانواده‌های کارگران مشمول قانون کار چنین ارزیابی کرد:

الف: در راستای اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری احتمالاً به شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات بیمه‌های خصوصی اجازه داده خواهد شد تا به مزدگیران خدماتی مشابه سازمان تامین اجتماعی ارائه دهند، با این توضیح که از یکسو سازمان تامین اجتماعی در حال حاضر فراگیرترین و قدرتمندترین سازمان ارائه خدمات بیمه‌های اجتماعی در کشور محسوب می‌شود و از سوی مقابل دولت در چند سال گذشته درصد بوده است به دلیل تشدید مشکلات مالی سایر صندوق‌های ارائه دهنده خدمات بیمه‌های اجتماعی، آنها در سازمان تامین اجتماعی ادغام کند.

ب: در شرایطی که مطابق اصل 29 قانون اساسی برخورداری از مزایای بیمه‌های اجتماعی حق اولیه و قانونی همه شهروندان است، با ورود شرکت‌های بیمه‌خصوصی به حوزه فعالیت بیمه‌های اجتماعی نگرش مالی -بازرگانی بر رویکرد حمایتی -اجتماعی چیره خواهد شد و در نتیجه استمرار ارائه خدمات بیمه‌های اجتماعی هرچه بیشتر تحت تاثیر محاسبات سود و زیان مالکان خصوصی این بیمه‌ها کمرنگ و بی‌اثر خواهد شد؛ شاید یادآوری این نکته که تنها نوسانات ارزی سال 91 تا چه اندازه باعث شد تا کارگران بازنشسته از بدحسابی شرکت‌های خصوصی ارائه‌کننده خدمات بیمه مکمل درمانی به ستوه آمدند؟

دوم:

همانطور که در بالا گفته شد؛ موضوع ماده 24 قانون کار یعنی محاسبه سنوات پایان کار موضوعی متفاوت و مجزا از محتوای ماده 23 است اما چون دولت ظاهراً به عمد درصد حذف الزامی بودن پوشش بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی است؛ در لایحه پیشنهادی خود بعد از حذف متن کنونی ماده 23، موضوع محاسبه سنوات پایان کار را در صورت خاتمه کار، توافق کارگر و کارفرما، فسخ و یا اخراج کارگر را مطرح می‌کند.

نویسندگان لایحه مورد نظر در ادامه برای حفظ ترتیب و توالی شماره‌های مواد قانون کار درصد اعمال تغییراتی در ترکیب جملات ماده 24 قانون کنونی برآمده تا بلکه بتوانند در کنار حفظ ترتیب شماره مواد قانون کار، از نظر محتوای حقوقی نیز ماده 24 را مرتبط و وابسته به محتوای ماده 23 (ماده قبلی) نمایند.

البته این باید در نظر داشت که در همین جایجایی کلمات قرار است به پیشنهاد دولت عبارت «معادل یک ماه حقوق» به عبارت «معادل یک ماه مزد» تغییر کند و از آنجا که هیچ بعید نیست که در صورت تصویب کارفرمایان در محاسبات سنوات کارگران رویه کم‌فروشی را اتخاذ نکنند، بازهم نمی‌توان نسبت به این مسئله خوش‌بین بود.

سوم:

ظاهراً به پیشنهاد دولت قرار است متن جدیدی در قالب «ماده مکرر» به متن ماده 24 قانون کنونی اضافه شود که به موجب آن از یکسو کارفرمایان مجاز خواهند شد تا از این پس حق سنوات را به هر صورت ممکن (ماهانه، فصلی، سالانه یا پایان کار) به حساب بانکی کارگر پرداخت کنند و از سوی دیگر کارگران نیز تا قبل از رسیدن به شرایط ترک کار (بازنشستگی یا از کارافتادگی کلی) مجاز به استفاده از این حق قانونی خود نیستند.

در توضیح تبعات تصویب این تغییر باید گفت که اگر چه قرار است آیین نامه مربوطه به این ماده به تصویب شورای عالی کار برسد، اما باید گفت که در حال حاضر چون بیشتر کارگران به صورت قرارداد موقت و پیمانکاری مشغول کارند در نتیجه سنوات پایان کار خود را غالباً به نرخ روز و بصورت ماهانه و در بهترین حالت سالانه دریافت می‌کنند و از آنجایی که عموم این افراد با مشکل پایین بودن درآمدهای مزدی و سرسام آور بودن روند افزایش هزینه‌های زندگی مواجه هستند در عمل از روی ناچاری مزایای سنوات پایان کار را صرف هزینه‌های جاری خود می‌کنند و طبیعی است مادامی که مجموعه کارفرمایان دولتی و خصوصی حق افزایش واقعی دستمزدها را نپذیرند اعمال تغییراتی به افزایش مشکلات اقتصادی کارگران منجر خواهد شد.

از سوی دیگر معلوم نیست که تا زمان رسیدن کارگران به شرایط ترک کار قرار است چه بر سر اندوخته مزایای سنوات پایان کار آنها بیاید؛ ممکن است در مقیاس خرد و انفرادی مزایای حق سنوات پایان کار یک کارگر رقم چشمگیری تلقی نشود اما با در نظر گرفتن اینکه در شرایط جدید ممکن است مزایای سنوات پایان کار شمار انبوهی از کارگران به صورت تصاعدی برای مدت طولانی بلوکه و مسدود شود می توان تصور کرد که در نتیجه گردش مالی به وجود آمده چه حجم عظیمی از ثروت با قابلیت بازتولید مجدد سرمایه در بازارهای پولی و مالی خواهد شد.

شاید بتوان نمونه چنین وضعیتی را در چرخه ایجاد و انباشت سرمایه مالی عظیمی سراغ گرفت که از سالهای دور و به صورت بین النسلی با جمع آوری بخشی از مزد کارگران تحت پوشش خدمات بیمه ای سازمان تامین اجتماعی صورت گرفته است اما از آنجا که در سالهای گذشته با انتشار بخش های از عملکرد مالی مدیران این صندوق ها دیگر خوش بینی کافی نسبت به مدیریت های حاکم بر این سازمان وجود ندارد بنابراین بازهم نمی توان نسبت به تصمیم نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار در خصوص بلوکه کردن مزایای سنوات پایان کار کارگران خوش بین بود.

17 شهریور: تلاش برای ایجاد ابهام در ماده 22 / احتمال ورود بیمه های خصوصی به حیطه روابط کار

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، «سازمان تامین اجتماعی» از متن ماده 22 قانون کار حذف شده است. این حذف عامدانه بسیار نگران کننده است.

به گزارش 17 شهریور ایلنا، در لایحه ای که تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس ارائه شده، ماده 22 که به بخشی از وظایف سازمان تامین اجتماعی در هنگام فوت کارگر اشاره دارد، دستخوش تغییری نگران کننده شده است. در این تغییر، از سازمان تامین اجتماعی به عنوان تنها سازمان بیمه گر کارگران به نوعی سلب تکلیف اجتماعی شده است و احتمال دارد خواسته دولت، بازکردن پای سرمایه گذاران خصوصی بیمه گر به حیطه روابط کار و بیمه کارگران باشد.

متن ماده 22 قانون کار از قرار زیر است:

در پایان کار، کلیه مطالباتی که ناشی از قرارداد کار و مربوط به دوره اشتغال کارگر در موارد فوق است، به کارگر و در صورت فوت او به وارث قانونی وی پرداخت خواهد شد.

تبصره - تا تعیین تکلیف وراثت قانونی و انجام مراحل اداری و برقراری مستمری توسط سازمان تامین اجتماعی، این سازمان موظف است نسبت به پرداخت حقوق متوفی به میزان آخرین حقوق دریافتی به طور علی الحساب و به مدت سه ماه به عائله تحت تکفل وی اقدام نماید.

این ماده قانونی به بخشی از تکلیف قانونی سازمان تامین اجتماعی اشاره دارد که همان پرداخت حقوق متوفی به عائله تحت تکفل وی است.

اما در لایحه پیشنهادی دولت، سازمان تامین اجتماعی از متن ماده، عامدانه حذف شده است. متن تغییرات پیشنهادی از این قرار است:

در تبصره ماده 22 عبارت «توسط سازمان تامین اجتماعی، این سازمان»، به عبارت «صندوق بیمه ای ذی ربط» اصلاح می شود.

صرف نظر از اینکه به موجب اصل 29 قانون اساسی برخورداری از بیمه های اجتماعی حقی همگانی است که دولت ملزم به فراهم کردن آن است؛ این تغییر پیشنهادی نویسندگان لایحه قانون کار بسیار نگران کننده است. گویی دولت با حذف سازمان تامین اجتماعی از یک ماده قانونی که به بخشی از وظایف این سازمان در قبال کارگران اشاره دارد، از گوشه ای از تصمیمات پنهان خود رونمایی کرده است.

اگر قرار باشد سازمان تامین اجتماعی در متن قانون به صندوق بیمه ای ذی ربط تغییر یابد، معنایی که به ذهن خطور می کند جز این نیست که قرار است پای سوداگران بخش خصوصی به بیمه و بازنشستگی کارگران نیز باز شود و عن قریب بیمه کارگران هم با استنادی مغشوش و مغلوط از اصل 44 به صندوق های خصوصی واگذار شود.

در حالیکه در شرایط فعلی، فعالان و تشکل های کارگری از عدم پایداری سازمان عریض و طویل تامین اجتماعی به تعهدات قانونی خود انتقادها دارند، تلاش برای حذف این سازمان از روی کاغذ قانون، مسیری را می گشاید که انتهایش عدم برخورداری کارگران از همین حق و حقوق نصفه و نیمه بیکاری، بازنشستگی و از کارافتادگی است.

16 شهریور: تلاش برای تغییر ماده ۲۱ قانون کار / قرارداد به سود کارفرما خاتمه می یابد

دولت در لایحه پیشنهادی خود برای اصلاح قانون کار قصد دارد تا از طریق تغییر متن دو بند موجود و افزودن یک بند و تبصره جدید به ماده ۲۱ این قانون، شرایط فعلی خاتمه دادن به قراردادهای کار را تغییر دهد.

به گزارش 16 شهریور ایلنا، نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار در لایحه پیشنهادی خود قصد دارند در راستای آنچه که می توان تسهیل شرایط تعدیل نیروی انسانی نامید، در متن ماده ۲۱ قانون کار که موضوع آن به شرایط خاتمه یافتن قراردادهای کار مربوط می شود؛ تغییراتی را اعمال کنند.

متن کنونی ماده ۲۱ قانون کار مشتمل بر ۶ بند (الف، ب، ج، د، ه، و) و یک تبصره است که متن کامل آن به شرح ذیل است: «قرارداد کار به یکی از طریق زیر خاتمه می یابد:

الف - فوت کارگر

ب - بازنشستگی کارگر

ج - از کارافتادگی کلی کارگر

د - انقضاء مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن.

ه - پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است.

و - استعفای کارگر

ز - فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد پیش بینی گردیده است.

ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن آوری مطابق با مفاد ماده (9) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور*.

تبصره - کارگری که استعفاء می کند موظف است یکماه به کار خود ادامه داده و بدو "استعفای خود را کتبا" به کارفرما اطلاع دهد و در صورتی که حداکثر ظرف مدت 15 روز انصراف خود را کتبا" به کارفرما اعلام نماید استعفای وی منتفی تلقی می شود و کارگرموظف است رونوشت استعفاء و انصراف از آن را به شورای اسلامی کارگاه و یا انجمن صنفی ویانماینده کارگران تحویل دهد.»

اما چنانچه تغییرات مورد نظر نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار در مجلس شورای اسلامی تصویب شود؛ این ماده قانونی به سود کارفرمایان از طریق تغییر متن بندهای «ز» و «ح» و اضافه شدن بند و تبصره جدیدی تحت عنوان بند «ط» و تبصره 2 مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

البته در متن پیشنهادی به صورت غیر مستقیم به موضوع نادیده گرفته شدن قانون الزامی بودن پوشش بیمه های اجتماعی سازمان تامین اجتماعی برای کارگران مشمول قانون کار اشاره شده است که می تواند به عنوان یک مسئله حائز اهمیت صنفی برای جامعه کارگری حکم به صدا درآوردن زنگ خطر را داشته باشد.

متن پیشنهادی لایحه دولت در مورد اصلاح ماده ۲۱ به شرح ذیل است:

بندهای «ز» و «ح» ماده 21 به شرح زیر اصلاح و متون زیر به عنوان بند «ط» و تبصره 2 به ماده یاد شده اضافه و عنوان تبصره ماده مذکور به تصره یک اصلاح می شود:

ز - توافق بین کارگر و کارفرما

ت - کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزام قوانین و مقررات یا شرایط اقتصادی اجتماعی سیاسی و یا لزوم تغییرات گسترده در فناوری منجر به تعطیلی تمام یا بخشی از کار شود.

ط - فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه

تبصره 2 - موارد مذکور در بند ز در کارگاه های بیش از 50 نفر کارگر باید به تأیید اکثریت هیئتی مرکب از استاندار یا معاون وی ، مدیر کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی ، مدیر کل دستگاه صادر کننده مجوز کارگاه ، نماینده صندوق بیمه ای ذریبط ، رئیس کل دادگستری ، نماینده تشکل کارگری حائز اکثریت استان ، نماینده تشکل کارفرمایی استان ، نماینده کارگران کارگاه و کارفرما یا نماینده تام الاختیار وی برسد. چنانچه به تشخیص هیئت مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود به همان نسبت مشمول مقررات بیمه بیکاری می شود.

و اما چه اتفاقی با این تغییر خواهد افتاد؟

اول:

چنانچه متن بند «ز» ماده ۲۱ به شیوه پیشنهادی نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار، تغییر کند، در بهترین حالت هیچ تغییر جدیدی در شرایط کار کارگران ایجاد نخواهد شد چرا که از نظر معنی هیچ تفاوتی میان مفهوم متن کنونی با متن پیشنهادی بند «ز» وجود ندارد.

توضیح اینکه بند «ز» نخستین بار در سال ۸۶ و از طریق تصویب قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری به ماده ۲۱ قانون کار اضافه شد و اتفاقاً از همان ابتدا این الحاق مورد مخالفت جدی کارگرانی قرار گرفت که معتقد بودند به دلیل برتری نسبی کارفرمایان بر روابط کار، همواره شرایط فسخ قرار داد به سود صاحبان سرمایه و به زیان کارگران تعیین خواهد شد.

در این خصوص چون محتوای تبصره دوم نیز در ارتباط با تغییرات همین بند قانونی است، باید گفت که هرچند نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار تلاش کرده اند تا از طریق درگیر کردن متولیان دستگاه های مختلف دولتی و نهادهای صنفی کارگری و کارفرمایی و واگذار کردن مسئولیت تعیین شرایط فسخ قرارداد کار در کارگاه های بزرگ به آنها، در ظاهر صورت سه جانبه گرایی را حفظ کنند اما در عمل کارگران با شناختی که از چرخش مواضع دولت به سود مجموعه های کارفرمایی دارند (در موضوعاتی مانند تعیین مزد، توسعه مناطق آزاد و پیشنهاد ارزان سازی نیروی انسانی) نمی توانند نسبت به این موضوع خوشبین باشند.

دوم: چنانچه بازهم متن بند «ح» ماده ۲۱ به شیوه پیشنهادی نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار، تغییر کند، این بار کارگران باید انتظار سخت‌تر شدن شرایط تامین امنیت شغلی خود را داشته باشند.

با این مقدمه که بند «ح» نیز درست مانند بند قبلی، نخستین بار در سال ۸۶ و از طریق تصویب قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه‌گذاری به ماده ۲۱ قانون کار اضافه شده است در خصوص تأثیرات مخرب آن بر امنیت شغلی کارگران باید گفت: دست بر قضا از همان سال تصویب تاکنون در نظر کارگران این بند به عنوان بهانه‌ای قلمداد شده است که کارفرمایان می‌توانند با تمسک به آن در هر زمان و در هر لحظه، خواستار قطع همکاری و فسخ قرارداد کار بشوند اما نکته حائز اهمیت در اصلاحیه اصرار و تأکیدی است که از سوی نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار بر استفاده از عبارت «الزامات قوانین و مقررات» به عنوان یکی از شرایط فسخ قرارداد کار داشته اند.

به بیان دیگر حتی اگر بتوان مدعی شد که در متن کنونی بند «ح» ماده ۲۱ قانون کار، شرایط فسخ قرار داد کار به وقوع اتفاقات غیر ارادی منوط شده باشد، شکی وجود ندارد که نویسندگان لایحه کنونی اصلاح قانون کار قصد دارند تا از طریق بازنگری متن کنونی این امکان را به وضعیت وقوع اتفاقات ارادی، آگاهانه و حتی قابل پیش بینی برای کارفرمایان تعمیم و تسری دهند.

سوم: بفرض اینکه متن تبصره «ط» ماده ۲۱ نیز طبق پیشنهاد نویسندگان لایحه به تصویب مجلس برسد، باید گفت که در این صورت امکان هرگونه پیگیری حقوقی در مراجع تشخیص و حل اختلاف از کارگران اخراجی که معتقدند کمیته انضباطی در رسیدگی به پرونده اتهامی آنها به هردلیل دچار خطا شده است سلب خواهد شد؛ قطع یقین نمونه و مشابه نزدیک این وضعیت موقعیتی باشد که تا اکنون برای کارگرانی اتفاق افتاده است که اخراج آنها به استناد ماده ۲۷ قانون کار مورد موافقت نهاد صنفی حاکم در کارگاه قرار گرفته و بدین وسیله امکان پیگیری حقوقی از آنها سلب شده است.

چهارم: اما نکته مستتر و پنهان این متن پیشنهادی آنجایی است که در متن تبصره ۲ و در تشریح اعضای هیات بررسی کننده شرایط فسخ قرارداد کارگاه‌های بزرگ به جای استفاده از عبارت «نماینده سازمان تامین اجتماعی» از عبارت «نماینده صندوق بیمه‌ای ذریع» استفاده شده است، با این توضیح که برابر ماده ۲۳ قانون کنونی کار تمامی کارگران باید تحت پوشش خدمات بیمه اجباری سازمان تامین اجتماعی قرار بگیرند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ممکن است نویسندگان لایحه اصلاح قانون کار بخواهند در ادامه راهی که آغاز کرده‌اند زمینه فعالیت شرکت‌های خصوصی بیمه را به مناسبات بازار کار بازکنند و از این طریق حمایت‌های اجتماعی از کارگران را بیش از پیش تضعیف کنند؟

* اخبار و گزارشات کارگری: بندهای «ز» و «ح» در متن قانون کار مصوب ۲۹ آبان ۱۳۶۹ نیست و بعداً به آن اضافه شده است.

15 شهریور: تلاش برای افزودن یک تبصره به ماده 17 قانون کار جهت آسانتر کردن اخراج کارگران معترض!

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، یک تبصره به ماده 17 افزوده شده است. این تبصره با تسهیل فسخ قرارداد، مسیر اخراج کارگران معترض را هموارتر می‌سازد.

به گزارش 15 شهریور ایلنا، در لایحه ای که تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس ارائه شده، ماده 17 که به نوعی سند حمایت از کارگران معترض محسوب می‌شود، با افزودن یک تبصره دستخوش تغییرات بنیادین می‌شود.

این تغییرات، از یک طرف فرصت عمل اعتراض را با قراردادن محدودیت‌ها و موانع از کارگران سلب و از طرف دیگر، با دادن مجوز فسخ قرارداد به کارفرمایان، روند اخراج کارگران معترض را تسهیل می‌کند.

متن ماده 17 قانون کار که قرار است تبصره‌ای به آن افزوده شود، از این قرار است: « قرارداد کارگری که توقیف می‌گردد و توقیف وی منتهی به حکم محکومیت نمی‌شود در مدت توقیف به حال تعلیق در می‌آید و کارگر پس از رفع توقیف به کار خود بازمی‌گردد.»

این ماده به درستی، وضعیت شغلی کارگری که به هر علت توقیف شده را منوط به حکم دادگاه می‌داند و تا زمانی که این توقیف، منجر به محکومیت کارگر نشود، قرارداد معلق می‌ماند و پس از رفع توقیف، کارگر می‌تواند به راحتی به کار خود بازگردد.

و اما تبصره افزودنی چیست؟

تبصره‌ای که دولت در لایحه پیشنهادی خود، برای افزودن به ماده 17 در نظر گرفته به این شرح است:

چنانچه توقیف کارگر منجر به مجازات سه ماه حبس یا بیشتر شود، کارفرما می‌تواند قرارداد کار کارگر را با پرداخت حق سنوات به ازای هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق، فسخ نماید. در صورت مجازات کمتر از میزان فوق یا سایر مجازات‌ها، کارگر بدون دریافت حق‌السعی به کار سابق باز می‌گردد.

همانطور که مشخص است، این تبصره دست کارگران را برای اعتراض بیش از پیش می‌بندد. کافیسیت نگاهی به جریان اعتراضات کارگری در هفته‌ها و ماه‌های گذشته بیان‌دازیم. اگر قرار باشد، پس از هر شکایت احتمالی کارفرما و توقیف کارگر، قرارداد شغلی به سادگی در معرض خطر "فسخ" قرار بگیرد، کارگران اهمی برای دفاع از حقوق خود نخواهند داشت.

این تبصره، برای بررسی قرارداد شغلی کارگر و فسخ آن، منتظر حکم نهایی دادگاه نمی‌ماند. اگر کارگری سه ماه یا بیشتر در توقیف باشد، پس از بازگشت، بیکار است و حتی اگر مدت توقیف از سه ماه کمتر باشد، براساس این تبصره از "حق‌السعی" یا همان دستمزد خبری نیست.

بدیهی است که جمعیت عظیم کارگران قرارداد موقت و پیمانکاری که در شرایط حاضر نیز در نگرانی هرروزه از اتمام مدت قرارداد و تعدیل به سر می برند، با تصویب این تبصره مجبور می‌شوند شرایط تحمیلی کارفرما را بپذیرند و دست به اعتراض هم نزنند، چرا که اعتراض و توقیف همان و فسخ یک طرفه قرارداد همان.

14 شهریور: دولت قصد اصلاح «ماده 7» را دارد/ گرفتاری بیشتر برای کارگران موقت

در لایحه پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون کار، سه تبصره ماده 7 حذف شده‌اند و این به معنای هرج و مرج بیشتر در قراردادهای موقت است.

به گزارش 14 شهریور ایلنا، در لایحه ای که تحت عنوان اصلاح قانون کار به مجلس ارائه شده، ماده 7 قانون کار دچار تغییرات اساسی می‌شود. براساس این لایحه، تبصره های 1، 3 و 4 ماده 7 قانون کار حذف می‌شوند.

و اما متن ماده 7 قانون کار که تبصره‌های سوم و چهارم آن در تاریخ پنجم بهمن ماه سال 93 و در جریان تصویب لایحه «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» اضافه شد، از این قرار است:

ماده 7 - قرارداد کار عبارتست از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیر موقت برای کارفرما انجام می‌دهد.

تبصره 1 - حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره 2 - درکارهائی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد ، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود ، قرارداد دائمی تلقی می‌شود.

تبصره 3- قرار دادهای با بیش از سی روز باید به صورت کتبی ودر فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چهار چوب قوانین ومقررات تهیه ودر اختیار طرفین قرار می‌گیرد، باشد.

تبصره 4- کارفرمایان موظفند به کارگران با قرارداد موقت به نسبت مدت کارکرد مزایای قانونی پایان کاربه ماخذ هرسال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند.

تغییرات پیشنهادی دولت چیست؟

حذف تبصره یک به معنای این است که قرارداد موقت، محدودیت زمانی ندارد و حداکثر مدت برای آن تعیین نمی‌شود. حذف محدودیت حداکثر مدت قرارداد موقت، برداشتن سدی از پیش پای سودخواهی سرمایه و به معنای بازگذاشتن دست کارفرمایان برای موقتی سازی هرچه بیشتر روابط کار است.

حذف تبصره سه، اصولاً وجود قرارداد نوشته و مکتوب را زیر سوال می‌برد و این به نابسامانی و هرج و مرج بیشتر خواهد انجامید. در واقع به جای تلاش برای اصولمند کردن بیشتر قراردادها و تسهیل نظارت، با حذف این تبصره، قرارداد نوشته و قانونی در کل، محلی از اعراب نخواهد داشت.

و در نهایت، حذف تبصره چهار ماده 7 قانون کار، با حذف الزام پرداخت پایان کار، اخراج کارگران موقت یعنی بیش از 95 درصد جمعیت کارگری فعلی ایران را تسهیل می‌کند.

در پایان باید گفت، در شرایطی که اعتراضات جامعه کارگری به رواج قراردادهای موقت، حجمی و پیمانکاری در سالها و ماههای اخیر به شدت افزایش یافته و به دلیل تسلط روزافزون بی قانونی در فضای روابط کار، جامعه کارگری هم از جنبه مادی و تامین معاش و هم از لحاظ معیارهای سلامت روانی متضرر شده، تلاش دولت برای اصلاح ماده 7 قانون کار، تلاش برای ترویج بیش از پیش بی‌قانونی و به حراج گذاشتن تنه امنیت شغلی به تاراج رفته کارگران است.

3-اعتراضات کارگران و نهادهای کارگری:

29آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضاکننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصطلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحات 19، 20 و 21)

صفحه بوزده اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام نام خانوادگی	شماره	نام نام خانوادگی	شماره	نام نام خانوادگی
1	جعفر محبت نوبست	21	رضا سرآبادانی	41	سیروس محمد پور
2	ابوالفضل رهگزار	22	سید عباس شفیعی	42	حسن نجفی
3	سید حسین معصوم خواه	23	مرتضی نیکو زاد	43	سلیم مرزبان لکی
4	حیدر علی جعفری	24	اکبر زالی	44	یوسف فیروز آبادی
5	صفر علی بیات	25	علی اوسط طهماسبی زاده	45	شعب ثمری
6	اردشیر حسینی	26	محمد رضا اسکندری	46	رسول سلطانی
7	ابوالفضل موسوی	27	جعفر خرمایی	47	جعفر سعادت
8	نادر جوادی	28	حسن کریمی	48	امیر حمزه
9	قاسم قاضی	29	حسین قطب النین	49	داریوش طالبیان
10	حمید رضا نوری	30	محمود قلغنجیان	50	غلامرضا آریانی
11	صادق صیادی	31	علیرضا امیری	51	جعفر مهدوی کیا
12	یوسف مرادی	32	محمد خاکپور	52	هادی اسلامی
13	صفر علی خلجی	33	ابوب مظفری	53	ناصر شاهین
14	علی حسین جهانی	34	محمد رضا نبی	54	شهرام علی یار
15	حاجی فریاد قنبریان	35	عباس ملایی	55	فریدعلی لاری
16	فریدون غیاثوند	36	منصور میرگد بیات	56	علی محمدی
17	کیامرث حق	37	حمید رضا باشتاد	57	عباس
18	رحیم فرجی	38	فرامرز پور صغری	58	علی اکبر یزدانی
19	شاهرخ رحمتی	39	محمود محمد حسینی	59	حجت اله
20	سعید قنبری	40	حمید رضا مولا بیگی	60	بهرام رهبری

صفحه بیست اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام نام خانوادگی	شماره	نام نام خانوادگی	شماره	نام نام خانوادگی
1	اکبر چراکار	21	علی علی چلی	41	حمید رضا رحمتی
2	ناصر بهزادی	22	علی قاری	42	محمد پناهی
3	محسن مودیان	23	علی اکبر مرادی	43	عبداله
4	حمید رضا واعضی	24	بهرام کرملی	44	ابوتر فلاح
5	علی قره داغی	25	سید جعفر درخشان	45	علی خضری
6	ابوالفضل صرامی	26	محسن مشکیان	46	علی رحیمی
7	محسن حاجی زاده	27	محمد رضا پیشه ور	47	حسین نصیری
8	مادک کملی	28	غلام علی امامی	48	اکبر خواستار
9	اصغر عینی	29	امیر رحمتی	49	احمد خلیج امیر حسینی
10	ندی	30	ستیمان زمانی	50	کامیاب برهام
11	علی صحرایی	31	فرزاد انبیشی	51	سعید مافی
12	ابوالفضل صالحی	32	محمد دهقان	52	عباس فتح اله زاده
13	مهدی شمس	33	احمد بهرامی	53	موسی صیوخلی
14	علی بیانی	34	غلامرضا چراغی	54	اکبر امرار
15	علی طهماسب پور	35	مجید زارعی	55	ابوالفضل محمدی
16	محمد رضا	36	محمد هاشمی	56	پیروز اسمانی
17	رضا سنیمی	37	محمد حسن انعامی	57	مهرداد رضایی
18	کیومرث لفتی	38	امیر سامان رضایی زاده	58	موروش صفا منش
19	بهروز میرکی	39	مهران کریمی	59	حسین عباسیان
20	سعید آفرخته	40	یوسف محمودی	60	شاپور خوشه چین

صفحه بیست و یک اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام نام خانوادگی	شماره	نام نام خانوادگی	شماره	نام نام خانوادگی
1	محسن صفر محمدی	21	حسین هاشمی	41	محمد گودرزی
2	ابرج معینی	22	حمید رضایی	42	محمد عطایی
3	کیومرث باحقی	23	محسن یارچلی	43	حسین خلیل ارجندی
4	ابوب اسماعیلیان	24	پرویز خزایی	44	امیر مولایی
5	محمد رضا اسفندیاری	25	رضا صبحالی	45	سعید خدائیان
6	داود حمدالهی	26	رضا مرادی	46	محمد رضا بهنام فرد
7	علی صابری فرد	27	محمد رضا زنوری	47	علی جعفر رحمتی
8	فرهاد اوسطی	28	فرهاد محمودی	48	سعید طاهری
9	طهماسب خورشیدوند	29	حمیدرضا	49	علی چوبین
10	علیرضا سلمتی	30	مهدی شجایی	50	ابوالفضل محسنی
11	یهمن شامی	31	محمد رضا خورسند جون	51	سعید گل محمدی
12	غلامرضا بهمنی	32	حمید کشاورز	52	حمید رضا پارسون
13	نصراله برقانی نژاد	33	علیرضا مهربان	53	حسین تات
14	ابوالفضل ملکی	34	فریدون اکبری	54	غلامرضا
15	مهدی خطا نسب	35	مهدی جوادی	55	سید مرتضی رضوی
16	حسن لزانگ	36	فرشید قربانی	56	جواد ابو حمزه
17	علی اند نژاد	37	داود محمد یارلو	57	علی حاجی لو
18	علی اصغر محمدی	38	غلامرضا حسین ریگا	58	مجید عابدینی
19	سید علی فاضل نیا	39	حمید رضا احسان نژاد	59	جواد جلیلیان
20	فاطمه فتوحی	40	فرخ سبلی	60	عباس پورعلی

انتشار اسامی امضا کننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحات 15، 16، 17 و 18)

صفحه پانزده اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانون کار»

شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی
شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی
روزنامه نگار	اردوان تراکمه	41	ساناز ستاره زاده	21	دانشجو
	کیوان جعفری کاسب	42	مسعود سلیم پور	22	سمانه مرادی
	سینا درویش عمران	43	ابوطالب باقری	23	عباسی حکمتی زاده
دانشجوی فوق لیستس	پریسا شاهین	44	فرحناز گل احضار	24	میر هادی حسینی کوکمری
شرکت تولیدی مواد شوینده	حمید سعادت	45	طالب باقری	25	حدیث اسدی
کارمند بخش خصوصی	پویان کریمی ریاضی	46	فرح گل احضار	26	پیمان مرزبان
وکیل دادگستری	مصطفی احمدیان	47	معلم	27	شکیبا عسگر پور
مهندس IT	علیرضا مهری	48	معلم	28	شقایق معتمدی
	حمید جهرمی	49	کارگر	29	امیر هواسی
	مهديس محمدی	50	خانه دار	30	سیاوش نیکفر
	سردار اندیشه	51	خانه دار	31	حسن رحمانی
پژوهشگر مترجم	نرگس خالصی مقدم	52	خانه دار	32	حسن علامی
سینماگر	علی سینا آری	53	روزنامه نگار	33	غزاله پختیاری
	آریا فرهنگ	54		34	شادی عصاره پور
	سحر صاحبی	55	روزنامه نگار	35	پوریا سیروسیان
دارو ساز	افشین سینزاد	56	مترجم، روزنامه نگار	36	عبدالرحیم مرادی
معلم و اهنگساز	سیاوش قلیچ خانی	57	نویسنده	37	ایمان شمس خانی
	رضا اسلامی	58		38	پیمان خان محمدی
کارشناس IT	آرمان براری	59		39	حسین مجدیدی
دانشجو	مریم روستا	60	ابراهیم شریفی چروکاتی	40	حمید شعبانلو

صفحه شانزده اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانون کار»

شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی
شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی
ژورنالیست	بیژن صباغ	41	روح الله سپیدارند	21	مهرنوش فطرت
دانشجو	بهمن عزیز پوریان	42	کارشناس پژوهشی نیرو	22	سیده طیبه حسینی
مهندسی برق مخابرات	علی اخوندی	43	روزنامه نگار	23	سارا به فروتن
	ناهید مزینانی	44	روزنامه نگار	24	سپیده صابونچی رضا پور
حسابدار	عبدالکریم نبی زاده کفشگر	45		25	پریسا امیری انبیا
بازنویس	اسماعیل صادقی	46	کارشناس کشاورزی	26	سارا صیادی
معلم	نعمه یزدان پناه	47		27	کیارش فروهرنیا
	محراب پور فرج	48	معلم	28	مرتضی مصحح
دانشجو	مرضیه مفرد کرمانی	49		29	سماء خسروی اوریاد
پژوهشگر	فرشید مقدم سلیمی	50	مهندس برق	30	نرگس ایمانی
	زهرا عبادی	51		31	وحید صالحی قمی
دانشجو	مینا زارع	52		32	رضا مظاهری
	اعظم السادات راستی	53	مترجم	33	اسماعیل ایزدی
دندانپزشک	علیرضا صالحی	54	کارشناس نرم افزار	34	نیلوفر ابطحی
	نوید قاجار نیا	55	مهندس شیمی	35	یاسر همتی
	سپا کتھر	56	حسابداری مالیاتی	36	سارا دهقان
	سینا سالمی سرمست	57		37	تایماز افسری
نقاش	میلا موسوی	58		38	ویدا محمد خانی
معلم	غزل یزدان پناه	59	دانشجو	39	مرجان نمازی
	احسان زمان	60		40	آرمان احمدی

صفحه هفده اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل
1 مرتضی سامان پور		21 طناز کارده	دارو ساز	41 فرید لطف آبادی	شغل
2 فاطمه ز هتاب		22 علی معظمی	ویراستار و مدرس	42 امیر عباس آزر وند	
3 معصومه زمانی		23 سعید اسدی		43 میثم گندم آبادی	
4 محمد مهدی غلامی		24 سارا حسینی	دانشگاهی	44 مهدی توپچی	
5 سعید بهجو	کارمند	25 مهشید نادری	دانشجو	45 ابراهیم خلیل توپچی	
6 سجاد مرادی	دانشجوی دکتری ارتباطات	26 بهروز جوشنی		46 بهار فاختری	
7 کاوه مظفری		27 صدف پیروزی	دانشجو	47 حسن سجادی	
8 جلوه جواهری		28 شیمیا سیف الهی		48 مرتضی محمد زاده	
9 ستاره هاشمی		29 یوسف اسد زاده	کارشناس فناوری اطلاعات	49 ناکو پاکزاد	
10 مریم کاویانی		30 تاح سلیمانی		50 علی مقصودی	بازنشسته لوله سازی خوزستان
11 بنفشه جمالی		31 مصطفی مدرسی		51 مصطفی شوکت	بازنشسته صنایع فولاد اهواز
12 فروغ عزیزی		32 عباس هاشم پور		52 گیتی بهرامی	دانشجو
13 رزینا خسروی	حسابدار	33 رحمان ابراهیم زاده		53 مینا سمیز	بیکار
14 ریحانه عطاری	دانشجو کارشناسی نرم افزار	34 رحیم خضرم سوری		54 سهیلا ادیب	بیکار
15 مسعود قره باغی	تصویر گر نقاش	35 امیر مصباحی		55 صدیقه نظری	کشاورز
16 کسری زاهدی		36 پیشکو فاتحی		56 طاهره سمیز	کارگر اخراجی و بیکار
17 شقایق بهرامی	معلم	37 حسن یعقوبی		57 میترا معینی	دبیر بازنشسته
18 رمضان بخشیان کلاریجانی		38 جمیل خوانچه زر		58 محمد هنر دوست	تعمیرکار ماشین
19 محمد محمدپور		39 آزاد خوانچه زر		59 مرتضی ایزدیان	
20 سارا سودانی		40 پیشکو فتحی		60 هادی صفری زنجانی	

صفحه هیجده اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل
1 محمد رضا قربانی		21 پریسا مختاباد		41 امین باقری	
2 حسن صالحی		22 جواد لاثوی		42 سلمان پناهی	مهندس
3 مسعود جواهری		23 حسین مجیدی	ایران خودرو دیزل	43 امید شمس	
4 ارش فرهنگی		24 محمد جعفر زاده		44 حمید نوافذر	دانشجوی مهندسی عمران
5 سجاد منصوری		25 بهرام آهن ساز		45 امیر بار بیگی	دانشجو
6 قاسم عبدالهی		26 حسین مرادی	کارگر	46 شروین طاهری	
7 مهدی حسین زاده		27 مرتضی عیوضی سرابی	ایران خودرو	47 مریم اسدالهی	
8 علی محبوب		28 شهروز پور اسماعیل	ایران خودرو	48 سید محمد رضا حسینی	
9 قاسم مدد زاده		29 مهدی داود آبادی		49 اوات پور هیدانهی	
10 رضا اسکندری	مترجم	30 ضیا ابراهیمی		50 فرید نطف آبادی	
11 حجت اله جعفری		31 مازیار مهرپور		51 امیر فارسیجانی	معلم
12 کوروش امیری		32 فریدون روحانی	تکنسین برق	52 شهرزاد ملکیان	هنرمند
13 محمد امین زاهد نیا		33 جاسم باقری	بیمارستان روزیه	53 فرزانه اکبری	معلم
14 محمد پرمصباحی		34 کیوان مهدی	آموزگار زبان	54 محمد عباسپور قادی	مهندس عمران
15 مصطفی عباسی		35 یگانه خوبی	دانشجوی کارشناسی ارشد	55 امید کشت کار	
16 علی یگانه		36 فریدون تیموری		56 شهرزاد ایران نژاد	
17 سید جواد مکی آبادی		37 علی عزیزی		57 میثم گندم آبادی	
18 رضا میرزایی فشمی		38 یاسر اخوان		58 سید مهدی امام جمعه	دانشجو
19 سید محمد ابراهیمی		39 همایون حاجی خانی		59 بختیار پیر خضری	
20 بیژن رحمانی		40 سیده زهرا هاشمی		60 مرتضی چلیلی پور	مهندس برق

27آبان: بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در باره لایحه ی اصلاحیه قانون کار!

ایستادگی در برابر این یورش به حقوق قانونی کارگران باید بصورت سراسری صورت پذیرد.

دولت لایحه ی اصلاحیه که به مجلس شورای اسلامی ارجاء داده است همان اصلاحیه ی قانون کار در دولت احمدی نژاد است که با مقاومت کارگران مسکوت ماند ، حال دولت تدبیر و امید در ادامه سیاست های خود همان لایحه را در سکوت کامل خبری به کمیسیون اجتماعی مجلس بعنوان کمیسیون اصلی و تعداد دیگری از کمیسیونهای فرعی ارجا داده است مهمترین تغییرات در این لایحه اصلاحیه مربوط به مواد 7_10_21_23_27 و 41 و بر خی دیگر از مواد قانون کار میباشد که در صورت تصویب و اجرا شرایط بغایت برده واری را برای طبقه کارگر ایران بهمراه خواهد آورد.

قانون کار موجود به نوبه خود قانون کاری است که پس از گذشت 27 سال از تصویب آن شرایط کار و زیست مشقت باری را برای طبقه کارگر ایران رقم زده است و حال در تداوم سیاست های ضد کارگری بر بستر تحمیل شرایط سخت بر طبقه کارگر ایران که از طریق عدم اجرای مواد 7_10_21_41 در قانون کار موجود و اجرای کامل بندهای ضد کارگری آن در سالهای گذشته محقق شده است این درحالیست که با قانونی کردن این شرایط نیروی کار و هست و نیست مارا در اختیار کارفرمایان و مافیای ثروت و قدرت قرار میدهد.

ایستادگی در برابر این یورش به حقوق قانونی کارگران باید بصورت سراسری صورت پذیرد.

سندیکای کارگران نیشکر 7تپه با محکوم کردن اصلاحیه قانون کار اعلام میدارد هرگونه تغییر در قانون کار موجود را محکوم میکند.

26 آبان: ما خواهان اصلاح و تغییر قانون کار برای پایان دادن به شرایط مشقت بار موجود هستیم

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون بازگشت لایحه اصلاحیه قانون کار از مجلس شورای اسلامی

پس از گذشت دو ماه و نیم از مخالفت گسترده و مبارزه ما کارگران بر علیه لایحه اصلاحیه دولت در مورد قانون کار، دیروز و در پی دومین تجمع کارگری در مقابل مجلس، این لایحه از دستور کار کمیسیون اجتماعی خارج و اعلام شد لایحه ی مذکور پس از دریافت نظرات کار گروه سه جانبه ملی تحت عنوان "کمیته سه جانبه ملی کارگران، کارفرمایان و دولت" در طول یک ماه تا 40 روز آینده برای دومین بار در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار خواهد کرد.

بار دیگر قرار است نهادها و تشکلهایی با نام ما کارگران در پشت میز توافق بر سر اصلاح قانون کار بنشینند که سرانشان علیرغم انتشار لایحه اصلاحیه دولت در سوم مرداد ماه در مجلس شورای اسلامی و اطلاع کامل از وجود این لایحه، تا دوازدهم شهریور ماه که اتحادیه آزاد کارگران ایران آن را منتشر و افشا نمود سکوت کرده بودند.

جدا از نقش همه دولتها در سراسر جهان به عنوان بازوی اقتدار صاحبان سرمایه، از طرف دیگر از آنجا که دولت و نهادهای شبه دولتی در ایران خود بزرگترین کارفرما هستند پیشاپیش روشن است که هر گونه تمایل دولت برای اصلاح قانون کار مطلقاً نمیتواند با هدف بهبود شرایط کار و زیست ما کارگران صورت بگیرد. لذا کمیته سه جانبه ملی تحت عنوان "کمیته سه جانبه ملی کارگران، کارفرمایان و دولت"، آنهم با حضور سران نهادهای دست ساز کارگری که همواره بر علیه منافع ما کارگران عمل کرده اند، نمی تواند چیزی جز تلاشی دوباره از سوی دولت برای وارد کردن اصلاحاتی ضد کارگری به قانون کار باشد.

ثمره قانون کار موجود برای ما کارگران در مدت 27 سالی که از تصویب آن میگذرد قراردادهای موقت، گسترش و نهادینه شدن شرکتها، پیمانکاری، از بین رفتن کامل امنیت شغلی، ممنوعیت برپائی تشکلهای مستقل کارگری، دستمزد چندین برابر زیر خط فقر و بر این بستر سلب هرگونه قدرتی از ما کارگران برای دفاع از حقوق انسانی مان بوده است. بطوریکه در نتیجه چنین وضعیتی، در طول نزدیک به سه دهه گذشته، بردگی و بی حقوقی بسیار فراتر از قوانین ضد کارگری موجود بر طبقه کارگر ایران تحمیل شده است و اینک دولت و صاحبان سرمایه با دست بردن به قانون کار در صدد قانونی کردن این بردگی و گسترش عمق و دامنه آن هستند.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

همه ما در مراکز تولیدی خدماتی و فعالین و تشکلهای مستقل کارگری در صفی واحد و یکپارچه از طریق افشاگری، بیانیه، مصاحبه، تهیه طومارهای اعتراضی و تجمع در مقابل مجلس تا بدینجا موفق شدیم طرح دولت را برای وارد کردن اصلاحات ضد کارگری تر به قانون کار عقیم بگذاریم.

اعتراض و قدرت متحدانه ی ما برای بازگشت لایحه اصلاحیه دولت از مجلس شورای اسلامی نتیجه داد، اما این پایان کار تلاش دولت برای اصلاح قانون کار با رویکردی ضد کارگری نیست. هم اکنون قرار است این لایحه بار دیگر مورد بازبینی و برای تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار بگیرد. لذا باید مسائلی را که در کمیته بازبینی لایحه اصلاحیه دولت در وزارت کار میگذرد با درایت و تیز بینی دنبال کنیم و با خواست علنی کردن هر گونه مذاکره و یا سندی در باره این لایحه، در صفی متحد و یکپارچه خواهان اصلاح قانون کار در راستای برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکتها، پیمانکاری، حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، قرار گرفتن بلا استثنای عموم کارگران در زیر چتر قانون کار، افزایش دستمزدها و اجرای مقابله نامه های 87 و 98 سازمان جهانی کار بشویم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران – 26 آبانماه 1395

25 آبان: گزارش تجمع و راهپیمایی بیست و پنجم آبان کارگران در مقابل مجلس در اعتراض با لایحه ضد کارگری باصطلاح «اصلاح قانون کار» و طرح ادغام بخش درمان تامین اجتماعی با بیمه سلامت

امروز بیست و پنجم آبان ماه بنا بر دعوت سندیکا از رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برای اعتراض به لایحه ی ضدکارگری «اصلاح قانون کار» و ادغام بخش درمان سازمان تامین اجتماعی با بیمه سلامت در مقابل مجلس، تجمع اعتراضی برگزار کردند. گروه های کارگری، بازنشستگان و گروه هایی از دانشجویان نیز حضور داشتند، این تجمع از ساعت ده صبح شروع شد و کارگران با سردادن شعارهای اعتراضی بارها صحبت های سخنران را قطع کردند. کارگران اعتراض خود را نسبت به اصلاحیه قانون کار که تمام دست آورده های حداقلی کارگران را نشانه گرفته فریاد می زدند و همچنین نسبت به تجمیع بیمه ها شعارهایی سر دادند.

در ساعت یازده با افزایش شعارهای اعتراضی کارگران به تغییرات ضد کارگری در قانون کار، کانون شوراهای اسلامی کار تهران محل تجمع را ترک کردند. کارگران و رانندگان شرکت واحد که حضور چشمگیری در این تجمع داشتند در پیاده روی مابین درب شمال شرقی و شمالی مجلس شروع به راه پیمایی کردند که دیگر کارگران و گروه هایی از دانشجویان در این راه پیمایی همراه شدند و شعارهایی چون کارگر اتحاد اتحاد، وزیر کارفرمایی نمی خوایم، وزیر کارفرمایی استعفا استعفا، کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد، کارگر اخراجی شاغل باید گردد، معیشت منزلت اشتغال حق مسلم ماست، قرارداد موقت ملغی باید گردد، توقف اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار، شرکت های پیمانکاری ملغی باید گردد را فریاد زدند و در ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه بیانیه سندیکا در اعتراض به تغییرات ضد کارگری در قانون کار توسط عضو سندیکای کارگران شرکت واحد وحید فریدونی قرائت شد و تجمع خاتمه یافت کارگران و رانندگان شرکت واحد و دانشجویان هنگام ترک محل تا متروی بهارستان را دسته جمعی پیمودند. حضور پلیس و نیروهای امنیتی در این تجمع چشمگیر بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه





25 آبان: صدها کارگر تهرانی با تجمع و راهپیمایی در مقابل مجلس خواهان بازپس گیری لایحه اصلاحیه قانون کار شدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران: ساعت ده صبح امروز بیش از هفتصد کارگر تهرانی از کارخانه ها و مراکز کارگری مختلف در اعتراض به لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند و بارها در محوطه ضلع شمالی آن اقدام به راهپیمایی نمودند.

در این تجمع کارگری که اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و اتحادیه آزاد کارگران ایران حضوری چشمگیر داشتند شعارهای مختلفی در مخالفت با لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار و شعارهایی در مخالفت با قراردادهای موقت،

شرکتهای پیمانکاری و حق برپائی تشکلهای مستقل کارگری از آغاز تا پایان تجمع سر داده شد. همچنین جمعهایی از دانشجویان دوشادوش کارگران در این تجمع شرکت کرده بودند. نیروهای امنیتی و انتظامی نیز که در محل حضور داشتند اقدام به دستگیری دو نفر از دانشجویان شرکت کننده در تجمع کردند اما با سر دادن شعار "دانشجو را رها کن، فکری به حال ما کن" از سوی تجمع کنندگان ناچار به آزادی آنان شدند. در جایگاه سخنرانی این تجمع که مسئولین شوراهای اسلامی قرار داشتند با اصرار و خواست تجمع کنندگان جعفر عظیم زاده و پروین مجدی نیز حضور پیدا کردند و هر کدام برای دقایقی اقدام به سخنرانی نمودند و در ادامه پنهانی از اتحادیه آزاد کارگران ایران و سندیکای کارگران شرکت واحد در جایگاه سخنرانی در دست فعالین این تشکلهای گرفته شد.

عمده ترین شعارهای این تجمع کارگری عبارت بودند از: قرارداد موقت بردگی کارگر - قرار داد دائمی احیا باید گردد - کارگر معلم اتحاد اتحاد - کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد - لایحه این دولت تضمین این بردگیست - معیشت منزلت حق مسلم ماست - اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار - کارگران ایران اتحاد اتحاد- اعتصاب تجمع تشکل حق مسلم ماست - به خواست فوری ما افزایش دستمزده - وزیر کارفرمایی خجالت خجالت - کمیسیون اجتماعی لایحه را پس بده - کارگر زندانی آزاد باید گردد - شرکت پیمانکاری بردگی کارگر و...

در این تجمع وحید فریدونی بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد تهران را در مورد لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار قرائت و جعفر عظیم زاده و پروین مجدی در سخنرانی خود با تاکید بر بازپس گیری فوری لایحه اصلاحیه دولت اعلام کردند: شرایط برده وار موجود که بر کارگران ایران تحمیل شده است حاصل و نتیجه قانون کار فعلی است و در ادامه خواهان تغییر قانون کار فعلی در راستای برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری، احیا قراردادهای دائمی و مستقیم و حق برپائی تشکلهای مستقل کارگری در تمامی مراکز تولیدی صنعتی و خدماتی شدند.

با برگزاری این تجمع کارگری، مسئولین مجلس شورای اسلامی اعلام کردند بعد از ظهر امروز کمیته ای تخصصی تکلیف نهایی لایحه اصلاحیه دولت را بر روی قانون کار مشخص خواهد کرد. کارگران تجمع کننده نیز اعلام کردند که چنانچه لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار همچنان در دستور کار مجلس شورای اسلامی بماند طی هفته های آینده اعتراضات خود را تشدید و اقدام به تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی خواهند کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 25 آبانماه







1395

25 آبان: تجمع کارگران در اعتراض به اصلاح قانون کار و توسعه مناطق آزاد

تجمع گروه‌های کارگری در اعتراض به تصمیم مشترک دولت و مجلس برای اصلاح قانون کار، توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ادغام درمان سازمان تامین اجتماعی صبح امروز در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

به گزارش 25 آبان ایلنا، این اجتماعی اعتراضی از ساعت 10 صبح امروز از به هم پیوستن کارگران شاغل و بازنشسته خصوصاً کارگران حمل و نقل در مقابل درب شمالی ساختمان مجلس شورای اسلامی برپا شده است.

تا این لحظه شمار حاضران در این اجتماع اعتراضی دست‌کم تا چند صد نفر برآورد می‌شود.

معترضان در راستای دلایل و اهداف برپایی این اجتماع اعتراضی کارگری پلاکارت‌ها و تابلو نوشته‌هایی همراه خود دارند و در عین حال در راستای مطالبات خود شعارهایی را سر می‌دهند.

«قرار داد موقت بردگی کارگر»، «توقف اصلاح قانون کار به سرمایه دار»، «کارگر اخراجی شاغل باید گردد»، «شرکت پیمانکاری ملغی باید گردد» و «معیشت، منزلت حق مسلم ماست» از جمله شعارهایی است که تا این لحظه توسط کارگران حاضر در این تجمع اعتراضی مطرح شده است.

برپایه این گزارش، این تجمع اعتراضی با آرامش در حال برگزاری است و انتظامات حاضر در مقابل درب ورودی مجلس، برگزاری این تجمع را تحت نظر قرار دادند.



25 آبان: بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی مقابل مجلس تجمع کردند

تعدادی از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به طرح تجمیع بیمه‌ها مقابل درب مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش 25 آبان ایلنا، جمعی از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی صبح امروز در اعتراض به طرح تجمیع بیمه‌ها که به منظور تامین بودجه طرح تحول سلامت از سوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و با حمایت وزارت بهداشت به مجلس پیشنهاد شده، مقابل درب مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

درحالی که تجمع صبح امروز مقابل مجلس شورای اسلامی با آرامش در حال برگزاری است، نیروهای امنیتی با حضور مقابل درب ورودی مجلس برگزاری این تجمع را تحت نظر قرار دادند.

23 آبان: تهاجم به زحمتکشان از دو جبهه

بررسی نابودی قانون کار در مجلس که با مخالفت سندیکاهای کارگری و واحدهای تولیدی با امضای تومارهای گوناگون به مجلس ارایه شده و حتی باعث اعتراض انجمن های صنفی و شوراهای فرمایشی و خانه کارگر نیز شده است، کماکان ادامه دارد و نمایندگان به اصطلاح منتخب مردم در مجلس به این اعتراضات انتخاب کنندگان خود توجهی ندارند. آنچه در مجلس صورت می گیرد و دولت نیز چه در زمان دولت قبلی و چه در زمان دولت فعلی به آن گردن نهاده است دستور صندوق بین المللی پول برای ارزان سازی دستمزد ها ، از بین بردن بیمه تامین اجتماعی، بازنشستگی است.

پیام سرمایه داری به زحمتکشان ایران در این بررسی نابودی قانون کار خلاصه نمی شود. احضار و محکومیت های دوباره و چند باره و به زندان فرستادن کوشندگان موثر کارگری از جمله ابراهیم مددی، داود رضوی، رضا شهابی اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و جعفر عظیم زاده و شاپوراحسانی راد اعضای هیات مدیره اتحادیه کارگران آزاد ایران و دستگیری 3 تن از کارگران پارس خودرو هنگام مراجعه به کارخانه دستوری است که باید اجرایی گردد تا توان جنبش کارگری گرفته شود.

درهمین راستا دستگیری دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران آقای اسماعیل عبیدی و احضار و روانه کردن به زندان بهشتی لنگرودی دیگر عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، ابراهیم مددی، داود رضوی، رضا شهابی، جعفر عظیم زاده، شاپوراحسانی راد کوشندگان کارگری نیز در دستور کار است.

چرا عبدی شبانه دستگیر و روانه زندان می شود؟ چرا کوشندگان کارگری همچون جعفر عظیم زاده از اتحادیه آزاد کارگران ایران و مازیار گیلانی نژاد از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هم شبانه دستگیر شدند؟ این شبانه دستگیر کردن کوشندگان صنفی چه معنایی دارد؟ آن هم زمانی که آیین دادرسی کیفری تاکید دارد که « جلب متهم در روز باید به عمل آید به استثنای موارد فوری ». از ترساندن خانواده های کوشندگان صنفی چه نتیجه ای حاصل خواهد شد؟

واقعا چه فوریتی در دستگیری های شبانه اسماعیل عبدی، و دیگر کوشندگان کارگری وجود دارد؟ آیا اسماعیل عبدی پولهای صندوق ذخیره فرهنگیان را با خود داشت؟ آیا کوشندگان کارگری دست به سرقت از اندوخته تامین اجتماعی زده بودند؟ اسماعیل عبدی چهره ای شناخته شده و فرهنگی است، کوشندگان کارگری سندیکایی بیش از 10 سال است که برای قوه قضاییه و ضابطانش شناخته شده هستند و نشان داده اند که جز بهروزی مردم و خواسته های به حق و قانونی آرمان دیگری نداشته و در خانه و کاشانه هر شب به سر می برند.

این همدست شدن مجلس برای بررسی نابودی قانون کار در مجلس با دستگیری ها و احضارها و احکام سنگین زندان از سوی قوه قضاییه چه رابطه ای دارد؟ آیا جز این است که سرمایه داری برده هابی آرام و سربه زیر می خواهد و با این حرکات می خواهد جنبش اعتراضی را خاموش سازد؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک همگام با همه زحمتکشان ایران خواستار توقف نابودی قانون کار در مجلس و لغو کلیه احکام علیه کوشندگان کارگری و صنفی و آزادی زندانیان صنفی به ویژه اسماعیل عبدی می باشد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

23 آبان 95

23 آبان: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران:

کارزار و مبارزه علیه لایحه تغییر قانون کار را تقویت کنیم و گسترش دهیم

لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار همچنان در دستور کار مجلس است و همه شواهد حاکی است که دولت حسن روحانی و بطور کلی رژیم جمهوری اسلامی در صورتی که با مخالفت ها و مبارزات گسترده کارگران روبرو نشود، با تصویب این لایحه و تغییر قانون کار، اندک حمایت ها از حقوق کارگران را نیز از این قانون حذف خواهد کرد و شرایط کار و زندگی را هر چه بیشتر به زیان کارگران و به نفع سرمایه و سرمایه داران تغییر خواهد داد.

قانون کار فعلی جمهوری اسلامی قانونی ضدکارگری است و بسیاری از حقوق ابتدایی کارگری از جمله حق تشکیل مستقل و حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسد؛ هم اکنون نیز ارزش نیروی کار در ایران در پایین ترین رده جدول جهانی قرار دارد و کارگران ایران از کمترین حقوق قانونی بر خوردارند. علاوه بر کارگران با سرکوب مداوم از سوی رژیمی روبرو بوده و هستند که کارنامه سیاه و خونینش در نقض بدیهی ترین حقوق کارگری و انسانی، شهرت جهانی دارد. با این وجود رژیم اسلامی در صدد است با تغییر قانون کار فعلی، نیروی کار را باز هم ارزان تر کند و در کنار آن بی حقوقی باز هم بیشتری را بر طبقه کارگر تحمیل و قانونی کند. با تصویب لایحه اصلاح قانون کار، کارگران ایران از لحاظ شرایط کار، زندگی و حقوق قانونی در همان موقعیت برده واری قرار خواهند گرفت که کارگران کشورهای سرمایه داری غرب در نخستین دهه های قرن نوزدهم در آن قرار داشتند؛ یعنی زمانی که حمایت قانونی از کارگر مفهوم نداشت، ساعات کار و شدت آن به حدی بود که موجب فرسودگی و مرگ زودرس کارگران می شد، سطح دستمزد به توافق بین کارگر و کارفرما واگذار شده بود، و ادامه کار و یا اخراج کارگر حق پلامنازع کارفرما بود. لایحه اصلاح قانون کار، چنین شرایط سخت و خفت باری را برای کارگران از لحاظ حقوقی، بطور دقیق، ماده بندی و تبصره بندی کرده است.

حدود یک ماه پیش ما در اطلاعیه ای در مورد این لایحه نوشتیم که " در صورت تصویب این لایحه، شرط سنی 15 سال برای کار، حذف خواهد شد و کارکودکان جنبه رسمی خواهد یافت. امنیت شغلی کارگران بطور کلی از میان خواهد رفت و قراردادهای موقت و یا کار بدون قرارداد، عمومیت می یابد، اخراج کارگران آسان تر خواهد شد و اساسا به اراده کارفرما بستگی خواهد داشت، تعیین دستمزد ها به توافق کارگر منفرد و کارفرما واگذار خواهد شد و با تغییر ماده 41 قانون کار، تعیین حداقل دستمزد از جمله با "توجه به شرایط اقتصادی" تعیین خواهد شد (یعنی دولت و کارفرمایان با استناد به این معیار سنجش ناپذیر، می توانند حتی برای کاهش دستمزد ها نیز توجیه قانونی داشته باشند)، و طرح استاد شاگردی تدوین شده توسط دولت احمدی نژاد، جزئی از قانون کار خواهد بود و بنابراین بیگاری جویندگان کار رسمیت خواهد یافت ". راحت سازی اخراج و فشار به کارگران معترض و سازمانده از مفاد دیگر این لایحه ضد کارگری هستند.

در آن اطلاعیه ما به نوبه خود از همه تشکل ها و فعالین کارگری و بطور کلی از کارگران خواستیم به هر گونه که می توانند، از تهیه طومار گرفته تا برگزاری تجمع اعتراضی در محل کار و یا در مقابل اداره های کار تا تجمع در برابر مجلس، علیه این لایحه کارگری اعتراض کنند.

در طی این مدت خوشبختانه شاهد اعتراضات متنوعی بوده ایم؛ تجمعی اعتراضی در مقابل مجلس علیه این لایحه به ابتکار اتحادیه آزاد کارگران برگزار شد و کارزار این تشکل کارگری علیه لایحه ضد کارگری همچنان ادامه دارد. همزمان سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، کارزاری را به شکل تهیه طومار اعتراضی نسبت به این لایحه در دستور کار خود قرار داده که تا کنون با پشتیبانی و استقبال قابل توجه ای روبرو بوده است. افزون بر این شاهد جمع آوری طومارهای اعتراضی توسط بخش های دیگر کارگری هستیم، از جمله می توان به طومار کارگران بیمارستان به آفرین، طومار هزاران نفری کارگران چادرملو و اعتراض رسانه ای کارگران ایران خودرو اشاره کرد.

این حرکت ها و کارزارها با توجه به شرایط موجود خوب پیش رفته و در تداوم و گسترش خود می تواند به مبارزه ای گسترده علیه این لایحه بدل شود و در گام اول تلاش رژیم برای تصویب این لایحه ضد کارگری را به شکست بکشاند.

ما از این اقدامات و کارزارها حمایت می کنیم، دست فعالین این کارزارها را به گرمی می فشاریم و در این مسیر به سهم خویش در جلب حمایت های بین المللی از این کارزارها تلاش خواهیم کرد.

ضروری است اما که این تلاش ها، مبارزات و کارزارها هر چه بیشتر تقویت و گسترش یابد. لایحه اصلاح قانون کار، تنها معطوف به کارگران پدی شاغل در بخش های تولیدی و خدماتی نیست بلکه وضعیت و شرایط کار و زندگی بخش های مختلف طبقه کارگر را هدف قرار داده است؛ با تصویب این لایحه، معلمان آموزشگاه های خصوصی، پرستاران شاغل در بیمارستانها و مراکز درمان خصوصی و بطور کلی همه کارگران شاغل در بخش های خدمات متعلق به بخش خصوصی و یا نیمه دولتی، کلیه بازنشستگان تامین اجتماعی و دانشجویانی که در آینده وارد بازار کار می شوند، در وضعیت و شرایط کاری بدتری قرار خواهند گرفت. بنابراین لازم است که ضمن روشننگری در این مورد تلاش شود تا بخش های هر چه بیشتری از طبقه کارگر و نیروها و افراد مترقی که حامی رفاه و بهبود زندگی مردم هستند، به این مبارزه و کارزارها بپیوندند.

در طی این مدت، تشکلات به اصطلاح کارگری اما وابسته به حکومت، نظیر شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر، انجمن های صنفی و مجمع نمایندگان کارگران با استفاده از امکانات وسیع حکومتی که در اختیار دارند، همچنان تلاش کرده اند و می کنند که خود را سردمدار حرکت اعتراضی علیه این لایحه نشان دهند. حضور و فعالیت این مزدوران در این عرصه و سر و صداهایی که علیه اصلاح قانون کار به راه انداخته اند، به اندازه خود این لایحه به زیان کارگران است. اینان که در تاریخ موجودیت خود، سرکوب تشکل های مستقل کارگری و جاسوسی و دسیسه با هدف به زندان فرستادن، قتل و اعدام فعالین کارگری، برهم زدن مجامع عمومی کارگران و درهم شکستن اعتصاب های کارگری را در پرونده دارند، خود را طرفدار بخشهای حمایتی قانون کار" فعلی معرفی می کنند و ادعا دارند که از زوایه منافع کارگران با این لایحه مخالفت. اما مخالفت خوانی های این تشکلات دولتی با لایحه اصلاح قانون کار، اساسا به دو دلیل است: نخست اینکه مفاد لایحه اصلاح قانون کار، تحمیل چنان بی حقوقی ای به کارگران را ترسیم می کند که لزوم حضور و وجود همین تشکل ها را در بسیاری از مسایل مربوط به روابط کار منتهی می سازد (برای مثال وقتی که طبق این لایحه، کارفرما می تواند بدون بستن هیچ قراردادی کارگر را به کار بگمارد، به خودی خود دیگر نقشی برای شورای اسلامی کار در تأیید مثلا اخراج همان کارگر توسط کارفرما باقی نمی ماند؛ زیرا اخراج کارگر بنا به این لایحه، حق بی چون و چرای کارفرما است). و دوم اینکه این تشکل ها به عنوان وابستگان رژیم و دل سوز به منافع دراز مدت آن، نگرانند که با توجه به وضعیت اقتصادی بحران زده و نارضایتی گسترده کارگران از این شرایط، اعتراض به این لایحه چنان ابعادی به خود بگیرد که از کنترل رژیم خارج شود؛ و بنا براین می کوشند که با حضور در این عرصه، اعتراض ها را تحت کنترل قرار دهند.

به هر رو سابقه تشکل های به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم نشان می دهد که آنها در این مورد نیز مانند همه موارد پیشین با گرفتن اندک امتیازی برای خود یا حتی بدون کسب هیچ امتیازی، دست آخر، به تغییر قانون کار بنا به خواست رژیم رضایت خواهند داد. اعلام تظاهرات اعتراضی نسبت به لایحه اصلاحی توسط این تشکل های حکومتی در برابر مجلس در 25 آبان و حرکت های احتمالی دیگر از جانب آنها، هیچ تغییری در اهدافی که این تشکل ها به دنبالش هستند، نمی دهد. به بیان دیگر گرد و خاک بلند کردن ها و جیغ و دادهای کارگر پناهی این تشکل ها می تواند تا مدت ها ادامه یابد اما در پایان این گروه های مزدور تلاش خواهند کرد که نتیجه را به زیان کارگران و به نفع دولت و کارفرمایان خاتمه دهند.

آنچه که اکنون جنبش کارگری نیاز دارد، تعمیق، گسترش و قدرتمند ساختن کارزارها و مبارزاتی است که علیه تصویب لایحه ضد کارگری شروع شده است. باید از هر فرصت مناسبی برای اعتراض به این لایحه ضد کارگری و برای تغییر قانون کار فعلی بنفع کارگران بهره گرفت. تشکل ها و فعالین کارگری مستقل، صرف نظر از تفاوت در دیدگاه ها و اختلاف نظرات موجود که در هر جنبش بزرگ اجتماعی امری طبیعی است، می توانند بطور هماهنگ علیه این لایحه دست به مبارزه بزنند. نباید گذاشت که رژیم با تصویب این لایحه، زندگی برده وارتر و بی حقوقی مطلق را بر کارگران و خانواده آنان یعنی بر اکثریت بزرگ مردم تحمیل کند، به آن جنبه قانونی بیخشد و سپس با چماق و سلاح قانون هر اعتراض به حق توسط کارگران را سرکوب نماید.

ما همه بخش های طبقه کارگر، از کارگران واحدهای تولیدی و خدماتی گرفته تا معلمان و پرستاران و کارگران باز نشسته و دانشجویان را فرا می خوانیم که به کارزارهای اعتراضی و مبارزه علیه لایحه تغییر قانون کار بپیوند و از این مبارزات حمایت کنند. همزمان ما از دانشجویان، روشنفکران، روزنامه نگاران مستقل و نیروهای مترقی می خواهیم که به این کارزارها و مبارزات یاری رسانند و به فقر گسترده تر، استثمار شدیدتر و تباهی و فلاکت عمیقی که نتیجه بلافصل تصویب این لایحه ضد کارگری است، اعتراض کنند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۳ نوامبر ۲۰۱۶

info@workers-iran.org

<http://etehadbinalmelali.com/ak>

23 آبان: کنون مدافعان حقوق کارگر:

تعرض بر سفره خالی کارگران تا کجا؟

به مناسبت اعتراضات سراسری کارگران و زحمتکشان به تغییرات در قانون کار

سرمایه‌داران و نظام سراسر بن بست آنان که هر روز ناتوانی‌های خود را بیشتر نشان می‌دهد، گمان میکنند که با تعرض به معیشت کارگران و زحمتکشان می‌توانند به مشکلات این نظام فائق آیند. اکنون نظام سرمایه‌داری و مناسبات استثمارگرانه نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان با بن بست‌های هر روزه مواجه می‌شود و مدافعان و تئوریسین‌های این نظام با ترفندهای مختلف تلاش میکنند تا راه چاره و فرارهایی را از این بن بست‌ها بیابند و هر گاه که دیگر همه تیرهای ترکششان به سنگ می‌خورد به فکر تعرضی جدید به سفره خالی کارگران و زحمتکشان می‌افتند.

هنوز چند صبحی از اختلاس و غارت سازمان تامین اجتماعی نگذشته، سازمانی که از دسترنج کارگران و زحمتکشان ساخته شده است و هنوز پرونده آن به نتیجه نرسیده که بار دیگر آهنگ تغییر قانون کار، این بار هم به ضرر کارگران و زحمتکشان و به سود سرمایه‌داران ساز شده است و دولت و مجلس به نمایندگی از کارفرمایان و در راس آنان سرمایه‌های اختصاصی شده به تلاش آمده اند تا با تغییر موادی از قانون کار باز هم کمبود سودهای سرمایه‌داران را جبران کنند. همزمان طرح ادغام بخش درمان بیمه تامین اجتماعی با بیمه سلامت را نیز در دستور کار قرار می‌دهند تا صندوق درمان تامین اجتماعی را هم بار دیگر به یغما دهند.

در این تغییرات پیشنهادی که خواهان رسمیت دادن به شرکت‌های پیمانکاری و قراردادهای موقت در همه زمین‌ها و آسان تر کردن اخراج کارگران بدون هیچ حق و حقوقی است، همان چند بندی از قانون کار را مورد تعرض قرار داده اند که به نفع کارگران بوده و پس از سرنگونی شاه با مبارزات کارگران به دست آمده بود تا دیگر کارگران هیچ گونه حقی برای اعتراض به اخراج خود نداشته باشند و سرمایه‌داران با خیال راحت هر گاه که بخواهند از نیروی کار زحمتکشان استفاده کرده و هر زمان که میلشان بکشد با آنان قطع رابطه کنند.

این هجمه به قانون کار آن چنان سخیف و غیرقابل تحمل است که صدای اعتراض نهادهای کارگری دستساز حکومتیان هم در آمده است. آنان هم سعی میکنند که خود را طرفدار حقوق کارگران قلمداد کنند. اما کارگران و زحمتکشان و تشکلهای مستقل آنان که به خوبی میدانند این نهادهای زرد دولتی ساخته هیچ گاه به فکر حقوق کارگران و زحمتکشان نبوده‌اند و در این باتلاق خود ساخته می‌خواهند از آب گلآلود برای خود و جبهه کسب کنند، مستقلانه نه تنها به این تعرض واکنش نشان داده، بلکه از اساس نیز با این نظم سرمایه‌دارانه به مقابله بر خواهند خواست.

به طور قطع کارگران و زحمتکشان این تعرضها به حقوقشان که سالها است ادامه دارد بیپاسخ نخواهند گذارد و همچنان که شاهد هستیم هر روزه در سراسر محیط‌های کار و زندگی اعتراضات گسترده‌ای در برابر تعرض به حقوق مردم ادامه دارد، بار دیگر اعتراضات به این هجمه‌های جدید فراگیرتر خواهد شد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

23 آبان 95

23 آبان: اسماعیل مجدولی: چرا مجبوریم به تغییر قانون کار اعتراض کنیم؟

دولت روحانی این روزها مشغول سنجش واکنش‌هاست. از ترکیب مجلس و پی‌گیری‌های دولت می‌توان فهمید قانون کار در ۲۵ سال گذشته هیچ زمانی به اندازه امروز در معرض نابودی کامل قرار نگرفته بود. تغییر این قانون اگرچه در زندگی تمامی کسانی که به هر ترتیبی برای کارفرما کار می‌کنند، فارغ از نوع شغلشان، تاثیرگذار است، اما مهمترین تاثیر را بر زندگی کارگران قانونی و زیرزمینی حداقل‌بگیر می‌گذارد. آنچنان که گفته شد، هدف دولت کاهش حمایت‌های قانون کار نیست - این کار ۲۵ سال پیش در دولت هاشمی انجام شد. دولت و همراهانش در لایحه اخیر قصد نابودی کامل قانون کار، فروپاشی روابط کارگری کارفرمایی و سپس برقراری نظمی ابتدایی مبتنی بر اراده استاد و امربری شاگرد را دارند (که پیش از تصویب اولین قانون کار ایران در سال ۱۳۲۵ در روابط کار حاکم بود). با عزمی که از جانب دولت مشاهده می‌شود این روزها آخرین فرصت ما برای بیان مسالمت‌آمیز اعتراضمان به دولت است.

این متن طولانی است. در صورت کمبود وقت پیشنهاد می‌کنم از سومین بند شروع به خواندن کنید.

۱

حدود دوسال پیش ماجرای را برای وزیر کار تعریف کردم و امیدوار بودم کاری انجام دهد.

جریان این بود که اول اسفند ۹۲، در معدن چشمه‌پودنه (اطراف کوهبنان) انفجاری اتفاق افتاد و سه کارگر کشته شدند. در آن زمان نماینده رسمی کارگران معدن در مصاحبه‌ای با همکارم در گروه کارگری ایلنا ماجرای عجیبی را تعریف کرد. جزئیاتی درباره نبود بعضی امکانات ایمنی گفت که حادثه را قابل انتظار می‌کرد. معنی نبودن تنها یک وسیله، گازسنج، در عمق ۲۵۰۰ متری زمین کاملاً روشن است. انفجار تصادفاً زودتر اتفاق نیافتاده بود.

نماینده کارگران چشمه‌پودنه می‌گفت قبل از انفجار به ادارات مرتبط رفته و این حادثه را برایشان پیش‌بینی کرده اما هیچ‌کدام «جدی‌اش نگرفته بودند». ۲۴ روز بعد از انفجار حکم بازرسی و دادگاه هم که آمد معلوم شد دلیل اصلی حادثه نقص ایمنی بوده. چند نفر از بهره‌برداران بخش خصوصی معدن هم محکوم شدند. تا اینجا هنوز اتفاق چندان عجیبی نیافتاده. اما انتظار نمی‌رفت این کارگر به جرم افزایش دلایل حادثه‌ای قابل تکرار، کارش را از دست بدهد. یک ماه و نیم بعد از این مصاحبه، قرارداد سالانه‌اش تمدید نشد. این بخش از مصاحبه کارفرما، بی‌آنکه بخواهد، دلیل اخراج نماینده کارگران را روشن می‌کند: «این کارگر به دلیل بزرگ‌نمایی بیش از حد مشکلات معدن از سوی همکارانش مجبور به استعفا شده است و در این رابطه مدیریت معدن کوچکترین نقشی نداشته است.»

بر خلاف آنچه احتمالا تا به حال تصور می‌کردید، در ۲۵ سال گذشته قانون کار در ایران اجرا نمی‌شده است. منتقدان قانون کار به درستی آن را حمایتی می‌دانند. اما منظور از کارگر در قانون کار فعلی، کارگر دائمی است. نوعی قرارداد که از بیست و پنج سال گذشته با کلکی حقوقی (تفسیری از یکی از تبصره‌های یکی از ۲۰۲ ماده قانون کار) در بازار کار ایران به تدریج منقرض شد و جایش را انواع دیگری از قرارداد که همگی با نام موقت شناخته می‌شوند، گرفت. وقتی از قانون کار دفاع می‌کنیم ابتدا درباره آن موادی حرف نمی‌زنیم که کارفرمایان می‌گویند حمایتی است. ما از پس‌مانده‌هایی که در موارد نادری شامل حال کارگران موقت هم می‌شود دفاع می‌کنیم. چیزی حدود ۱۵ ماده از مجموع ۲۰۲ ماده قانون کار، کارفرمایان (دولت بزرگترین کارفرمای کشور است) در تبلیغاتشان از قانون کاری موهوم حرف می‌زنند. آنها برای عوام‌فریبی از تغییر قانون کاری تخیلی دفاع می‌کنند. قانون کار فعلی در مرزهایی که آنها مدعی دفاعش هستند اساسا حضور ندارد. چند برگ کاغذ بی‌مصرف است.

برای روشن شدن این ادعا، از مثال کارگر اخراجی معدن چشمه‌پودنه استفاده می‌کنم. طبق قانون (و عقل)، وظیفه نماینده کارگران است که درباره دلایل حادثه‌ای که می‌تواند تکرار شود روشن‌گری کند. طبیعی است بعد از این دعوا و افشاگری، کارفرما میل به اخراج او داشته باشد. در این مواقع برای جلوگیری از تحت فشار قرار گرفتن نمایندگان کارگران و ترس از اجرای وظایفشان، در ماده ۲۸ قانون کار موانعی استثنایی در برابر اخراج آنها پیش‌بینی شده است. اما همانطور که گفته شد پیش‌فرض این قانون از کارگر، کارگر قرارداد دائم است و برای کارگران موقت هیچ راهکار حمایتی وجود ندارد. کارفرما نهایتا چند ماه تا پایان قرارداد صبر می‌کند و بعد قرارداد نماینده کارگران را تمدید نمی‌کند - یا در این مورد تمدید قرارداد سایرین را هم منوط به امضای نامه‌ای علیه نماینده‌شان می‌کند. تنها در همین مورد، با از میان رفتن مصونیت نمایندگی، فصل ششم قانون کار به کلی از روابط کار حذف می‌شود. چون بدون حمایت قانونی، انجام وظیفه نمایندگی در برابر کارفرما اقدامی انتحاری است.

موضوع قابل تامل دیگر در تایید حکم اخراج نماینده کارگران چشمه‌پودنه، نقش دولت در انفجار این معدن است. برای فهمیدن نقش واقعی دولت در این ماجرا لازم است بدانید که یک مبحث متشکل از ده ماده در قانون کار، صرفا به توصیف اختیارات بازرسان کار اختصاص دارد. بازرسان کار در جایگاه ضابط قضایی در صورت پیش‌بینی حادثه موظفند فعالیت کارگاه را متوقف کنند. اعلام نقص ایمنی به عنوان علت حادثه، نشان‌دهنده کم‌کاری دولت در انجام بازرسی‌های مستمر از چنین کارگاه‌ها دانا خطرناکی است. ماموران دولت علاوه بر اینکه وظیفه بازرسی‌شان را انجام نداده بودند، اظهارهای نماینده کارگران را هم جدی نگرفته بودند. در این حادثه علاوه بر کارفرما که امکانات ایمنی را فراهم نکرده بود، دولت نیز مقصر است. اما کارفرما پس از فروکش کردن هیجانات ناشی از قتل سه کارگر، تنها کسی که در این میان وظیفه‌اش را به درستی انجام داده بود را اخراج کرد و مقصر بعدی، دولت، حکم اخراج را تایید کرد.

با تجربه امروز به نظرم دادخواهی از وزیر کار بی‌جا بود. اما در آن زمان از به خاطر سوابق سیاسی او از کسی که پیش‌تر در جریان افشای قتل‌های زنجیره‌ای از خودش هزینه داده بود، انتظار داشتم بعد از شنیدن این ماجرا، چشم‌هایش گرد شود، چند قطره عرق روی پیشانی‌اش بنشیند و یک کاری کند.

پاسخی که شنیدم ناامید کننده بود:

چند ماه بعد از اخراج کارگر چشمه‌پودنه، گمانم از سر یک سوءتفاهم، به دیداری با وزیر کار دعوت شدم. مکانش انتشارات علمی فرهنگی بود و حدود بیست نفری از روزنامه‌نگارها هم حضور داشتند. به ما تاکید شده بود جلسه‌ای صمیمانه است یعنی نشست خبری نیست. بعد از دیدار در راهرو متوقفش کردم و جریان را با حداکثر سرعت برایش تعریف کردم، اما به نظرم رسید از کل ماجرا هیچ چیزی جز مضمون «حادثه کار» را نشنیده است. در پاسخ بنا را گذاشت به گلایه از کار ما در ایلنا که بهانه دست مخالفان سیاسی او می‌دهد (در آن مقطع یک نماینده طیف قالیباف در مجلس نهم تگ «حوادث کار» ایلنا را باز کرده بود و از دم هر چه خبر کشت و کشتار بود را به عنوان سند کم‌کاری وزیر در تامین ایمنی کارگران، موضوع سئوال و استیضاح قرار داده بود). حواس وزیر پیش جلسه سئوال و استیضاح بود و در پاسخ حرف خودش را می‌زد. باقی کسانی که دورش جمع شده بودند هم از یک جایی به بعد حوصله‌شان سر رفت و شروع به حرف زدن با او کردند. بالاخره همه شاد و سرحال راه افتادند. من چند قدمی دنبالش رفتم و چیزهایی گفتم اما واقعا نمی‌شنید. از موقعیت خودم خجالت کشیدم. داشتم پشت سر وزیر راه می‌رفتم و نک و ناله می‌کردم. مثل سایر کنه‌هایی که دنبال کله گنده‌ها می‌دوند.

چند ماه بعد هم با تلنبار شدن گلایه‌ها و کشیده شدن دعوا به زیر مجموعه اقتصادی وزارت کار، در یک روز، خبرنگاران اصلی گروه کارگری توسط مشاور رسانه‌ای وزیر که همزمان مدیرعامل ایلنا هم بود اخراج شدند.

تا اینجا گفتیم قانون کار وجود خارجی ندارد. ۲۵ سال پیش با قانونی شدن انعقاد قرارداد موقت برای مشاغل دائمی، این قانون کیفیت حمایتی‌اش را از دست داد. اما این حرف به معنی ناکارآمدی مطلق پس‌مانده‌های قانون کار نیست. اگر چه قانون کار فعلی برخلاف هدف نویسندگان عملا نمی‌تواند از مرزهای کارگر متمدن دفاع کند، اما با حفظ دو ستون نامستحکم «امنیت شغلی در محدوده قرارداد» و «حداقل دستمزد متناسب با تورم»، تا امروز مانع فروپاشی ظاهر مدرن بازار کار شده است. این پس‌مانده‌ها مانع نزول روابط کارگری-کارفرمایی به روابط استاد-شاگردی شده‌اند. یکی از این ستون‌ها امنیت شغلی موقت است. کارگرانی که ۲۵ سال پیش در دولت هاشمی امنیت شغلی‌شان از قرارداد دائم به مدت ذکر شده در قرارداد (سه‌ماه، شش‌ماه، یک سال) تنزل پیدا کرده بود، در صورت تصویب لایحه دولت روحانی، اطمینانشان از شاغل بودن در مدت محدود قرارداد هم از بین می‌رود. معنی دقیق‌تر این تغییر، برداشته شدن مرز بین کارگران زیرزمینی و کارگران قانونی (قراردادی) است.

تلاش همزمان دیگری که در این لایحه برای برداشتن این مرز در حال پیگیری است، ارائه تعریف جدیدی از «کارآموز» است. در صورت تصویب این لایحه، مانعی جدی به نام کارآموزی در برابر ورودی‌های تازه بازار کار به وجود می‌آید.

در قانون کار فعلی، کارآموزی تعریفی مشخص و متناسب با زمان آموزش و مقطع سنی کارآموز دارد. اما دولت روحانی قصد دارد این تعریف را دگرگون کند. در صورت تصویب این پیشنهادات، حد سنی برای کارآموزی برداشته می‌شود و فرد بنا به تشخیص کارفرما ممکن است مجبور شود سال‌ها و حتی تا زمان بازنشستگی، وظایف یک کارگر تمام وقت را با حقوق کارآموزی انجام دهد.

همین‌روزها وقتی این لایحه برای رای‌گیری به مجلس برسد، دستگاه تبلیغاتی دولت به شما خواهد گفت ما امنیت شغلی را به نفع خود کارگران کاهش می‌دهیم. می‌خواهیم با تشویق سرمایه‌داران، پول‌هایشان را از بازارهای مضر به بخش تولید و خدمات بیاوریم و برای کارگران شغل ایجاد کنیم.

از زمان تدوین اولین اصلاحیه قانون کار تا امروز تمام دولت‌ها همین را می‌گویند. پرت بودن این ادعا با مثال ساده‌ای قابل اثبات است؛ در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ‌کدام از مواد نگران‌کننده قانون کار برای سرمایه‌داران وجود ندارند. اساساً قانون کار وجود ندارد. چرا سرمایه‌دارانی که دولت خیال می‌کند مهم‌ترین دلیلشان برای سرمایه‌گذاری نکردن در بخش تولید، سخت بودن اخراج نیروی کار است، به آن مناطق بی‌قانون سرازیر نمی‌شوند؟ چرا آن مناطق بدون وجود قانون کار هم شکست خورده‌اند؟ دولت چه نتیجه قابل دفاعی از مناطق آزاد گرفته که می‌خواهد تمام ایران را به منطقه آزاد برای کارفرمایان تبدیل کند؟ نظراتان را به سخنان حسینی شاهرودی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس جلب می‌کنم که چند روز پیش گفته بود:

«مناطق آزاد ایران قرار بود به عنوان پایانه بازرگانی، تولید و صادرات خلیج فارس مطرح شود. هیچ کدام از این موارد محقق نشده و باید گفت قانون مناطق آزاد، یک قانون شکسته خورده است و ما به اهدافمان نرسیدیم.»

۴

به غیر از امنیت شغلی، یک مرز دیگر هم بین کارگران قانونی و زیرزمینی وجود دارد. «حداقل‌مزد» مبنای پرداخت حقوق به کارگران قانونی است. دولت در این لایحه با تغییر معیارهای محاسبه حداقل‌مزد، این اختیار را برای خود قائل شده که بدون ایجاد تناسبی با نرخ تورم، حداقل‌مزد را ثابت نگه دارد. تصور کنید اگر در یکی از سال‌های پایانی احمدی‌نژاد که تورم به نزدیکی پنجاه درصد رسیده بود، دولت این حق را داشت که دست‌مزد را ثابت نگه دارد، تنها در یک سال نیمی از ارزش دست‌مزد حداقل‌بگیران از بین می‌رفت.

خطر تغییر این بخش از قانون کار، به طور مستقیم درآمد نیمی از جمعیت ایران را متاثر می‌کند. طبق آمار تامین اجتماعی تا پارسال ۱۲ میلیون و ۶۶۹ هزار نفر تابع قانون کار، معیشت جمعیتی با رقم دقیق ۴۱ میلیون و ۴۹۸ هزار نفر را تامین می‌کردند. تغییر قانون کار بر زندگی این جمعیت به طور بی‌واسطه تاثیر می‌گذارد، اما در واقعیت دامنه تاثیرات حداقل‌مزد بسیار بیشتر از تعداد بیمه‌شدگان تامین اجتماعی است. توان چانه‌زنی گروه‌های شغلی بالاتر یا پایین‌تر از عرف کارگری هم متناسب با حداقل‌مزد تنظیم می‌شود. مزد تمامی کارگران غیرقانونی از جمله اتباع خارجی، نسبتی با حداقل‌مزد قانونی دارد. گاهی کارگران در بعضی حرفه‌ها به دلیل شرایط بازار کار توافق می‌کنند از خیر بیمه و مزایا بگذرند و به این ترتیب غیرقانونی کار می‌کنند، اما با این شرط که کارفرما حداقل‌دستمزد قانونی را بپردازد. حداقل‌مزد به ویژه در بازارهای زیرزمینی متر و معیار به حساب می‌آید. در طرف مقابل، در مشاغل سطوح بالاتر هم ملاک زیادی حقوق، چند برابر حداقل‌مزد بودن‌اش است.

مخاطبان تغییر قانون کار جمعیتی بسیار بیشتر از کارگران قانون کاری هستند. تمامی جمعیت «مزدبگیر» کشور از لایحه تغییر قانون کار زیان می‌بینند. اما مسلماً بیشترین فشار این تغییرات متوجه کارگران سطوح حداقل‌بگیری است. روزگاری بسیار تاریک‌تر از اوج دوران احمدی‌نژاد در انتظار این بخش از کارگران خواهد بود.

۵

دولت با پنهان شدن پشت بخش‌هایی از قانون کار که ۲۵ سال است دیگر وجود ندارند، قصد دارد دو مانع باقی‌مانده در تبدیل کارگر به شاگرد را از میان بردارد. بازگشت به مناسبات استاد-شاگردی در بازار کار سال‌هاست که از طرف تمامی جناح‌های حاضر پی‌گیری می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی شاید مورد مشابهی پیدا نشود که بتوان نام‌هایی چون هاشمی‌رفسنجانی، احمد جنتی، مجد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد، احمد توکلی و حسن روحانی را هم‌سو و در کنار هم دید. برای کسانی که با پیشینه تغییرات قانون کار آشنایی ندارند شاید عجیب به نظر برسد که لایحه اصلاح قانون کار در دولت خاتمی، به لایحه دولت بعدی یعنی احمدی‌نژاد بسیار شبیه بود و لایحه‌ای که اینک از سوی دولت روحانی به مجلس دهم فرستاده شده، دقیقاً همان لایحه‌ای است که دولت احمدی‌نژاد در آخرین سال حضورش تهیه کرده بود. لوایح هر سه دولت پیشین هم شباهت غیرقابل انکاری با اولین پیش‌نویس قانون کار که به قلم احمد توکلی «در باب اجاره اسلامی» نوشته شده بود، دارد. همان پیش‌نویسی که با مخالفت میرحسین موسوی در جایگاه نخست‌وزیر و همراهی رهبر وقت جمهوری اسلامی ناکام ماند و باعث عزل نویسنده جوانش از مقام وزارت کار شد.

فروپاشی روابط کارگری-کارفرمایی که برای هر کدام از طرفین عرضه و تقاضای بازار کار، شأنی قانونی قائل شده، از آرزوهای دیرینه بدنه قدرت در ایران است و با وجود تمام تلاش‌ها، آنچه تا به امروز مانع بازگشت به مناسبات استاد-شاگردی شده، نگرانی از واکنش‌های غیرقابل پیش‌بینی نیروی کار به این فروپاشی است.

دولت روحانی این روزها مشغول سنجش واکنش‌هاست. از ترکیب مجلس و پی‌گیری‌های دولت می‌توان فهمید قانون کار در ۲۵ سال گذشته هیچ زمانی به اندازه امروز در معرض نابودی کامل قرار نگرفته بود. تغییر این قانون اگرچه در زندگی تمامی

کسانی که به هر ترتیبی برای کارفرما کار می‌کنند، فارغ از نوع شغلشان، تاثیرگذار است، اما مهمترین تاثیر را بر زندگی کارگران قانونی و زیرزمینی حداقل‌بگیر می‌گذارد. آنچه‌ان که گفته شد، هدف دولت کاهش حمایت‌های قانون کار نیست - این کار ۲۵ سال پیش در دولت هاشمی انجام شد. دولت و همراهانش در لایحه اخیر قصد نابودی کامل قانون کار، فروپاشی روابط کارگری کارفرمایی و سپس برقراری نظامی ابتدایی مبتنی بر اراده استاد و امربری شاگرد را دارند (که پیش از تصویب اولین قانون کار ایران در سال ۱۳۲۵ در روابط کار حاکم بود). با عزمی که از جانب دولت مشاهده می‌شود این روزها آخرین فرصت ما برای بیان مسأله‌آمیز اعتراضمان به دولت است.

۶

ما در هر کجای بازار وسیع کار ایران ایستاده باشیم الحق مجبوریم به حذف قانون کار اعتراض کنیم. کارگران مدتی است در هر گوشه از کشور مشغول امضا جمع کردن و بیان اعتراضشان به این لایحه‌اند. احساس خطرشان از تصویب قریب‌الوقوع تغییرات، با توجه به همراهی مجلس با دولت بی‌راه نیست. از میان تشکلهایی که در حال امضا جمع کردن هستند، شما با کمی جستجو می‌توانید نهاد صنفی دلخواهتان را برای پیوستن به این اعتراض پیدا کنید. من ترجیح می‌دهم این همراهی را از طریق مستقل‌ترین نهاد صنفی که می‌شناسم (سندیکای شرکت واحد) اعلام کنم. برای امضای نامه اعتراضی این سندیکا، پس از مطالعه متن آن می‌توانید نام کاملتان را به ایمیل سندیکای واحد بفرستید. سندیکای شرکت واحد با قراردادن نام شغل در کنار نام امضا کننده، فرصتی مهیا کرده تا اعتراضمان را با نمایش تنوع صنفی و طبقاتیمان به نمایش بگذاریم.

۲۲ آبان: اتحادیه آزاد کارگران ایران: اعتراضات خود را بر علیه لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار و کل وضعیت فلاکت‌ناز موجود تشدید خواهیم کرد

علیرغم مخالفت‌های کم سابقه کارگری که بر علیه لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار در طول بیش از دو ماه گذشته صورت گرفته است دولت و مجلس در اقدامی همسو و هم جهت از طریق وقت کشی و توسل به تناقض گوئی، بررسی و تصویب این لایحه ضد کارگری را همچنان در دستور نگاه داشته اند.

همین بیست روز پیش بود که همزمان با آغاز بررسی این لایحه ضد کارگری در کمیسیون اجتماعی مجلس، جمعی از کارگران تهرانی با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران دست به تجمع در مقابل مجلس زدند و نماینده های آنان با شرکت در کمیسیون اجتماعی مجلس، اعتراض قاطعانه کارگران با این لایحه را اعلام نمودند. نکته قابل توجه در این جلسه این بود که بلا استثنا همه نمایندگان شرکت کننده در این جلسه و منجمله آقای هفده تن معاون وزیر کار که اقدام به سخنرانی کردند مخالفت خود را با این لایحه ابراز داشتند.

با این حال و با وجود مخالفت‌های بسیار گسترده کارگران در سراسر کشور با این لایحه که از طریق رسانه ها و خبرگزاریها، بیانیه ها، مصاحبه ها و تهیه طومارهای اعتراضی از سوی کارگران کارخانه ها و نهادهای مستقل صنفی همچون سندیکای کارگران شرکت واحد تهران صورت گرفته است، بررسی آن همچنان در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد و هنوز هیچ اقدامی از سوی دولت و مجلس برای بازگرداندن آن صورت نگرفته است.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

چنین برخوردی از سوی دولت و مجلس با لایحه ای که مخالفتی بسیار گسترده و همگانی بر علیه آن در جریان است، بیانگر چیزی جز تلاش برای وقت کشی و وجود عزمی جدی برای بررسی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی نیست.

همانگونه که اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر تشکلهای مستقل کارگری و کارگران آگاه و پیشرو، در افشای لایحه به غایت ضد کارگری اصلاحیه دولت بر روی قانون اعلام داشته اند این لایحه بر بستر بردگی و بی حقوقی ایی که قانون کار موجود بر ما تحمیل کرده است در پی سازماندهی بردگی قرن نوزدهمی و بر علیه تمامی حداقل‌هایی است که کارگران و مردم ایران در یکصد سال گذشته در مبارزه علیه بردگی و دیکتاتوری به آن دست یافته اند.

اما مبارزه بر علیه این لایحه، نباید ما را در موضع دفاع از قانون کار ضد کارگری موجود قرار بدهد. چرا که اگر امروز سرمایه داری حاکم بر ایران جرات و جسارت چنین هجوم بی سابقه ای را بر علیه تمام هستی ما کارگران به خود داده است، تماما از این روست که قانون کار موجود با رسمیت دادن به قراردادهای موقت، ممنوعیت بر پائی تشکلهای مستقل کارگری، نهادینه کردن شرکت‌های پیمانکاری در همه صنایع کلیدی و میان دستی و پایین دستی کشور و... امکان هر گونه دفاعی از ما کارگران را از حقوق صنفی و انسانی مان سلب کرده است.

لذا ما کارگران برای پایان دادن به وضعیت فلاکت‌ناز کنونی، نه تنها باید در همه تجمعاتی که بر علیه این لایحه به غایت ضد کارگری برگزار میشود، به میدان بیاییم بلکه بسیار مهم تر از آن، می بایست برای ایجاد سد محکمی در برابر چنین تعرضات خانمان براندازی به زندگی و هستی مان، اعتراضات خود را بر علیه وضعیت فلاکت‌ناز موجود تشدید و در صفی متحد و یکپارچه خواهان محو و برچیده شدن قراردادهای موقت - حذف و امحا شرکت‌های پیمانکاری در کلیه صنایع کشور- عقد قراردادهای دائمی، مستقیم و دسته جمعی- به رسمیت شناخته شدن بر پائی تشکلهای مستقل کارگری- قرار گرفتن همه کارگران کشور بدون هیچ استثنایی در تحت شمول قانون کار- اعمال مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار در قانون کار موجود و تغییر فوری این قانون با هدف تضمین و برآورده شدن این خواسته‌های بنیادین بشویم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۲ آبانماه ۱۳۹۵

۲۲ آبان: کارگران شرکت واحد ۲۵ آبان ده صبح برای جلوگیری از تغییرات ضد کارگری در قانون کار و ادغام بخش درمان بیمه تامین اجتماعی با بیمه سلامت مقابل مجلس اعتراض خود را فریاد می زند

سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از کارگران و رانندگان شریف و زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران دعوت می کند ۲۵ آبان ساعت ۱۰ صبح با لباس فرم برای جلوگیری از تصویب لایحه باصلاح (اصلاح قانون کار) که دولت به مجلس ارسال کرده است مقابل مجلس حضوریافته و هم صدا با سایر کارگران سراسر کشور اعتراضات مان را فریاد برنیم.

دولت مصم است دارایی ها و اندوخته های کارگران در سازمان تامین اجتماعی که حاصل سال ها تلاش و خون دل این قشرزحمتکش جامعه بوده است را با ترفند به اسم تجمیع بخش درمان سازمان تامین اجتماعی و بیمه سلامت تصاحب کند. همچنین قصد دارد با حذف و تغییر بسیاری از مواد حمایتی قانون کارشرایط را بیش از پیش برای کارگران سخت ترو سود و منافع سرمایه گذاران را از جیب کارگران تامین و تضمین نماید و متاسفانه تعدادی از نمایندگان مجلس نیز درتضییع حقوق کارگران با دولت همراه شده اند.

همکاران، لازم و ضروری است از حداقل های ناچیزمان که حاصل رنج ها وتلاش های کارگران در دهه های گذشته بوده است حفظ و حراست کنیم و دولت و نمایندگان مجلس باید بدانند؛ کارگران و مزدبگیران جامعه در برابرتهاجم و دست اندازی به حداقل داشته های خود سکوت نخواهند کرد.

سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۳ آبان ۱۳۹۵

21آبان: لایحه اصلاح قانون کار و نیروی کارآموزشی

جعفر ابراهیمی

“لایحه اصلاح قانون کار” جدیدترین تهاجم به معیشت و زندگی مزدبگیران در ایران است اما بی شک این آخرین هجمه نخواهد بود و ادامه روند سرکوب دستمزد و معیشت کارگران و زحمتکشان تابعی از میزان و نحوه مقاومت در برابر این تهدیدات است. در این یادداشت کوتاه قصد ندارم تغییرات اعمال شده در قانون کار فعلی را یک به یک مورد بررسی قرار دهم در این زمینه می توان به تفکیک قوانین فعلی را با قوانین پیشنهادی مقایسه نمود و مشاهده نمود که تغییرات در برخی مواد چگونه امنیت شغلی کارگران را به خطر خواهد انداخت بلکه می کوشم این نکته را بارز نمایم که قربانیان این قانون پیشنهادی تنها کارگران مشغول در خط تولید یا متقاضی بخش صنعت نیستند بلکه تمام نیروی کار در معرض این هجمه هستند. از نیروی کار متقاضی در بخش خدمات تا بهداشت و آموزش؛ و به آن دسته از همکاران که تحت تبلیغات عناصر دست راستی از شنیدن کلمه کارگر واهمه دارند و فکر می کنند قانون کار ربطی به معیشت آنها ندارد بگویم تبعات این قانون کار جدید زندگی ما را خواهد بلعید.

اما چه کسانی از همکاران ما، هم اکنون و تحت همین قانون کار فعلی که به ظاهر بهتر از لایحه پیشنهادی دولت است تحت ستم و استعمار هستند؟ پاسخ روشن است آن بخش از نیروی کارآموزشی که در استخدام رسمی دولت نیستند اما در سطوح مختلف به امر آموزش مشغول هستند اگر موفق به عقد قرارداد با کارفرما شوند با این قانون موجود عملاً تحت یک مناسبات استثماری قرار دارند تمام مربیان و معلمان شاغل در آموزشگاهها آزاد (علمی/هنری/زبان و...)، تمام معلمان خرید خدمتی، تمام معلمان شاغل در مدارس خصوصی، تمام مربیان مهدکودک و ... مشمول قانون کار هستند این افراد مستقل از نیروی کارآموزشی است که در مدارس، آموزشگاهها و مهدها بدون قرارداد مشغول به کارند و بالقوه برای ورود به بازار کار اگر شانس داشته باشند باید مشمول قانون کار جدیدی شوند که به مراتب نرخ استعمار بالاتری دارد.

اما به نظر می رسد فراتر از نیروی کار غیررسمی بخش آموزش و با توجه به دکتترین دولت موسوم به تدبیر و امید برای ارزان سازی نیروی کار، نیروی رسمی نمی تواند تحت تأثیر این سیاست های کلان چشم انداز مثبتی نسبت به آینده شغلی و افزایش دستمزد داشته باشد. نگاهی به احکام نیروی های رسمی آزمایشی در طی سال های گذشته نشان می دهد که پایه دستمزد معلمان تازه استخدام شده با میزان حداقل دستمزد قانون کار تقریباً به یک اندازه است. حال با توجه به این موضوع که یکی از موارد محل مناقشه در اصلاحیه قانون کار نحوه تعیین حداقل دستمزد و میزان آن است حداقل دستمزدی که تاکنون در غیاب تشکلهای مستقل این میزان به نیروی کار تحمیل شده است. حال چگونه ممکن است نیروی کار رسمی نیز به آینده خوش بین باشد؟

فانی اگر در همه چیز ناکارآمد بود در تعدیل نیرو و ارزان سازی نیروی کارآموزشی و کالایی سازی هر چه گسترده آموزش موفق بود او به عنوان زیرمجموعه دولت عمل نمود و حتی از جیب معلمان و دانش آموزان به سود دولت صرفه جویی نمود. چشم انداز کلی برنامه ششم، سند تحول بنیادین و قانون کار همه باهم در راستای سیاست های روحانی است که طرفدارانی در مجلس دارد. این سیاست ها برنامه شکست خورده نئولیبرالی هستند که منافع اقلیتی را تأمین می کند و نصیب اکثریت سلب مالکیت عمومی است. با این وجود فردا که این لایحه به قانون تبدیل شود تمام نیروی کار را شامل می شود از معلم تا کارگر و از پرستار تا دانشجویان تازه فارغ التحصیل شده. پس برای پس زدن این لایحه ضد انسانی نیاز به اتحاد جمعی است.

برگرفته از سایت حقوق معلم و کارگر

20آبان: اسماعیل محدودلی: به اعتراض به لایحه اصلاحی قانون کار بیونید!

اگر امروز به خطری که اساس معیشت خانواده های کارگری را تهدید می کند بی تفاوت باشیم، فردا اگر سیاستمداری توانست با شعارهای عوام پسند رای آنها را به دست بیاورد، حق نداریم حیران و طلبکار باشیم. امروز می توانیم از دولت روحانی عصبانی باشیم. هشت ماه بعد در تحلیل های پس از انتخابات عصبانیت ما به درد خودمان می خورد.

کارگران مدتی است در کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک مشغول امضا جمع کردن و اعلام اعتراض‌شان به این لایحه‌اند. احساس خطرشان از تصویب قریب‌الوقوع تغییرات، با توجه به همراهی مجلس و دولت بی‌راه نیست. از میان تشکلهایی که در حال امضا جمع کردن هستند، با کمی جستجو می‌توانید نهاد صنفی دلخواه‌تان را برای پیوستن به این اعتراض پیدا کنید. من ترجیح می‌دهم این همراهی را از طریق مستقل‌ترین نهاد کارگری که می‌شناسم (سندیکای شرکت واحد) اعلام کنم. برای امضای نامه اعتراضی این سندیکا، پس از مطالعه متن آن می‌توانید نام کامل‌تان را به ایمیل vsyndica@gmail.com بفرستید.

سندیکای شرکت واحد از ما دعوت کرده حتی اگر کارگر نیستیم، برای آینده جامعه‌مان به این اعتراض بپیوندیم. در فهرست امضای آنها کنار اسم جای شغل هم هست. فرصتی است تا اعتراض‌مان را با نمایش تنوع صنفی و طبقاتی‌مان به نمایش بگذاریم.

دعوت به دفاع از پس‌مانده‌ها

اعتراض به تغییر قانون کار دیر شده است. این قانون حدود 25 سال پیش، در دولت هاشمی رفسنجانی تغییر کرد. مخالفان قانون کار راست می‌گویند که حامی کارگر است. دروغ از جایی شروع می‌شود که نمی‌گویند کارگرانی که قانون کار حامی‌شان است منقرض شده‌اند.

سال‌ها پیش هاشمی بدون چار و جنجال، بی‌آنکه لایحه‌ای بنویسد و به مجلس بفرستد - آنطور که از او انتظار می‌رود - با یک کلک تحقیرآمیز حقوقی، اکثر مواد حمایتی قانون کار را خنثی کرد. حقه‌اش این بود که با تفسیر یکی از تبصره‌های یکی از 202 ماده قانون کار، به قرارداد موقت کار برای مشاغل دائمی رسمیت داد. پیش‌تر قرارداد موقت تنها برای کارگرانی بود که شغل‌شان ذاتاً موقتی است. مثل مشاغل فصلی. با این تفسیر، به تدریج قرارداد تمامی کارگران از دائم به موقت تغییر کرد. تا پارسال کمتر از 7 درصد از کارگران قرارداد دائم داشتند. قانون کار از این 7 درصد حمایت می‌کند.

یکجور دیگر می‌گوییم: پیش‌فرض قانون کار از کارگر، کارگر قرارداد دائم است. پس از تفسیر تبصره دوم ماده هفت قانون کار، جنس قراردادها در بازار کار تغییر کردند. حالا 93 درصد از کارگران با قرارداد موقت کار می‌کنند. این قانون حمایتی است، قبول. اما نمی‌تواند از کارگران قرارداد موقت حمایت کند.

کارفرمایان (دولت بزرگترین کارفرمای کشور است) در تبلیغاتشان از قانون کاری موهوم انتقاد می‌کنند. دروغ می‌گویند. قانون کار فعلی در مرزهایی که آنها مدعی حمایتی بودنش هستند اساساً حضور ندارد. چند برگ کاغذ بی‌مصرف است.

حالا که دولت روحانی لایحه تغییر (اصلاح؟) قانون کار را به مجلس فرستاده، با تسامح به حذف پس‌مانده‌های مواد حمایتی قانون کار می‌گوییم تغییر. بی‌خودی. برای ساده‌فهم‌تر شدن.

اما این پس‌مانده‌ها مهم‌اند چون دقیقاً مرز نظام کارگر-کارفرمایی را با استاد-شاگردی مشخص می‌کنند. بدون این پس‌مانده‌ها تمام آثار قانون کار از روابط بین کارگر و کارفرما حذف می‌شود و کارفرما به مقام استادی و کارگر یک پله بالاتر از برده، از مقام انسان داری حقوق به رتبه شاگردی نزول می‌کند.

اگر چه قانون کار فعلی بر خلاف هدف نویسندگانش عملاً نمی‌تواند از مرزهای کارگر متمم دفاع کند، اما با حفظ دو حق «امنیت شغلی در محدوده قرارداد» و «حداقل دستمزد متناسب با تورم»، تا امروز مانع فروپاشی ظاهر متمدانه بازار کار شده است.

یکی از این پس‌مانده‌های حمایتی، امنیت شغلی در محدوده قرارداد است. کارگرانی که در دولت هاشمی امنیت شغلی‌شان از قرارداد دائم به مدت ذکر شده در قرارداد (سه‌ماه یا شش‌ماه) تنزل پیدا کرده بود، در صورت تصویب لایحه دولت روحانی، اطمینان‌شان از شاغل بودن در مدت محدود قرارداد هم از بین می‌رود. در این صورت قرارداد کار بی‌مصرف می‌شود. معنی دقیق‌تر این تغییر، برداشته شدن مرز بین کارگران زیرزمینی و کارگران قانونی (قراردادی) است. در این صورت با حذف امکان داور، کارگری که قرارداد دارد همچون کارگر زیرزمینی تنها با اراده کارفرما اخراج می‌شود.

در تلاشی موازی برای برداشتن مرز کارگر قانونی و زیرزمینی، در این لایحه تعریف جدیدی از "کارآموز" شده است. در قانون فعلی کارآموزان از 15 تا 18 سال، نهایتاً 3 سال و با حقوقی کمتر از حداقل‌مزد به کار گرفته می‌شوند. دولت روحانی قصد دارد این تعریف را دگرگون کند. در صورت تصویب این لایحه، حد سنی و مدت زمان کارآموزی برداشته می‌شود و نیروی کار بنا به تشخیص کارفرما ممکن است مجبور شود سال‌ها و حتی تا زمان بازنشستگی، وظایف یک کارگر تمام وقت را با حقوق کارآموزی انجام دهد.

به غیر از امنیت شغلی، یک مرز دیگر هم بین کارگران قانونی و زیرزمینی وجود دارد. «حداقل‌مزد» مبنای پرداخت حقوق به کارگران قانونی است. دولت در این لایحه با تغییر معیارهای محاسبه حداقل‌مزد، این اختیار را برای خود قائل شده که بدون ایجاد تناسبی با نرخ تورم، حداقل‌مزد را ثابت نگه دارد.

خطر تغییر این بخش از قانون کار، به طور مستقیم درآمد نیمی از جمعیت ایران را تهدید می‌کند. طبق آمار تامین اجتماعی تا پارسال 13 میلیون و 669 هزار نفر تابع قانون کار، معیشت جمعیتی با رقم دقیق 41 میلیون و 498 هزار نفر را تامین می‌کردند.

تغییر معیار تعیین حداقل‌مزد بر زندگی این جمعیت به طور بی‌واسطه تاثیر می‌گذارد، اما در واقعیت دامنه تاثیرات حداقل‌مزد بسیار بیشتر از تعداد بیمه‌شدگان تامین اجتماعی است. توان چانه‌زنی گروه‌های شغلی بالاتر یا پایین‌تر از عرف کارگری هم متناسب با حداقل‌مزد تنظیم می‌شود. مزد تمامی کارگران غیرقانونی از جمله اتباع خارجی، نسبتی با حداقل‌مزد قانونی دارد. گاهی کارگران در بعضی حرفه‌ها به دلیل شرایط بازار کار توافق می‌کنند از خیر بیمه و مزایا بگذرند و به این ترتیب

غیرقانونی کار می‌کنند، اما با این شرط که کارفرما حداقل دستمزد قانونی را بپردازد. در طرف مقابل، در مشاغل سطوح بالاتر هم ملاک زیادی حقوق، چند برابر حداقل مزد بودنش است.

مخاطبان تغییر قانون کار جمعیتی بسیار بیشتر از کارگران قانون کاری هستند. تمامی جمعیت «مزدبگیر» کشور از تغییر قانون کار زیان می‌بینند. تغییر پس‌مانده‌های این قانون اگر چه در زندگی تمام کسانی که به هر ترتیبی برای کارفرمایی کار می‌کنند، فارغ از نوع شغلشان، تاثیر گذار است، اما بیشترین تاثیر را بر زندگی کارگران حداقل‌بگیر می‌گذارد.

اگر امروز به خطری که اساس معیشت خانواده‌های کارگری را تهدید می‌کند بی‌تفاوت باشیم، فردا اگر سیاستمداری توانست با شعارهای عوام‌پسند رای آنها را به دست بیاورد، حق نداریم حیران و طلبکار باشیم. امروز می‌توانیم از دولت روحانی عصبانی باشیم. هشت ماه بعد در تحلیل‌های پس از انتخابات عصبانیت ما به درد خودمان می‌خورد.

کارگران مدتی است در کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک مشغول امضا جمع کردن و اعلام اعتراض‌شان به این لایحه‌اند. احساس خطرشان از تصویب قریب‌الوقوع تغییرات، با توجه به همراهی مجلس و دولت بی‌راه نیست. از میان تشکلهایی که در حال امضا جمع کردن هستند، با کمی جستجو می‌توانید نهاد صنفی دلخواه‌تان را برای پیوستن به این اعتراض پیدا کنید. من ترجیح می‌دهم این همراهی را از طریق مستقل‌ترین نهاد کارگری که می‌شناسم (سندیکای شرکت واحد) اعلام کنم. برای امضای نامه اعتراضی این سندیکا، پس از مطالعه متن آن می‌توانید نام کامل‌تان را به ایمیل vsyndica@gmail.com بفرستید.

سندیکای شرکت واحد از ما دعوت کرده حتی اگر کارگر نیستیم، برای آینده جامعه‌مان به این اعتراض بپیوندم. در فهرست امضای آنها کنار اسم جای شغل هم هست. فرصتی است تا اعتراض‌مان را با تنوع صنفی و طبقاتی‌مان به نمایش بگذاریم.

منبع: https://www.facebook.com/esmaeel.mohamadvali?hc_ref=NEWSFEED&fref=nf

19آبان: جعفر عظیم زاده: قانون کار، اساسی ترین و بنیادی ترین قانون در چهارچوب مناسبات موجود در جهان معاصر است (متن کامل)

نوشته حاضر یادداشت‌هایی است که جعفر عظیم زاده از سه هفته پیش شروع به نوشتن آنها کرد اما بدلیل اهمیت موضوع، این یادداشتها و قسمت آخر آن، مجموعاً بصورت یک مقاله منتشر میشود. اتحادیه آزاد کارگران ایران

اینکه میلیونها کارگر در سراسر کشور مشمول قانون کار هستند و میلیونها کارگر دیگر مشمول این قانون نیستند یک واقعیت است، و اینکه حداقل مزد و سایر شرایط زیست معلمان، پرستاران، بازنشستگان، روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، بخشهای خدماتی رفاهی، رانندگان، مستخدمین کشوری و حتی مستخدمین سطوح پایین لشکری و...، جدا از هم و جدا از حداقل مزد سالیانه کارگران مشمول قانون کار تعیین می شود، باز هم یک واقعیت است.

اما این واقعیات بیانگر تضاد منافع ما زحمتکشان و 99 درصدی های جامعه نیست، چرا که قبل از هر چیزی و بر اساس داده های کنونی زندگی بشر که خارج از اراده جداگانه ی یکایک ما انسانهاست، همه ی ما در یک جغرافیای سیاسی واحدی به نام ایران زندگی میکنیم و نمیشود حداقل مزد کارگران مشمول قانون کار را مثلاً به دو برابر افزایش داد ولی مزد بقیه مزد بگیران زحمتکش را ثابت نگه داشت. بر عکس این مسئله نیز صادق است. به عنوان مثال مگر حکومتی میتواند حقوق معلمان را به دو برابر افزایش دهد آنوقت مزد کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و اساتید دانشگاه یا مستخدمین کشوری و لشکری سطوح پایین، کمی افزایش پیدا کند و یا ثابت بماند. از همین رو هم است که اقلیت حاکم در راس هرم غارت و قدرت در ایران، در برابر هر گونه امتیاز دهی به معلمان که توانایی امتیاز دهی به آنان را نیز دارد مقاومت میکند چرا که خود به خوبی میدانند در اینصورت علاوه بر افزایش حقوق کارگران و همه بخشهای زحمتکش جامعه، حتی باید جیره و مواجب قضات حلقه به گوش و مامورین امنیتی را نیز افزایش دهد. به این معنا اگر مثلاً حداقل مزد برای کارگران مشمول قانون کار در سال آینده یک میلیون و ششصد و بیست و چهار هزار تومان، معادل دو برابر حداقل مزد کنونی تعیین بشود طبیعی است که دیگر مزد کارگر ساختمانی و یا جوشکار پروژه ای که مشمول قانون کار نیست نمیتواند از 50 هزار یا صد هزار تومان کنونی در روز به 60 یا 110 هزار تومان افزایش پیدا کند بلکه به تناسب تعیین همین حداقل مزد دو برابر برای کارگران مشمول قانون کار، مزد ما کارگران ساختمانی و پروژه ای نیز به دو برابر و یا نزدیک به این کمیت و کیفیت افزایش پیدا خواهد کرد. همینطور اگر حداقل مزد کارگران مشمول قانون کار در سال آینده به دو برابر افزایش پیدا بکند بدیهی است که حکومتگران مجبور به افزایش حقوق معلمان، پرستاران، بازنشستگان، روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، بخشهای خدماتی رفاهی و دیگر مستخدمین کشوری و لشکری و حتی قضات حلقه بگوش و مامورین امنیتی(که اکثریت آنها را از طبقه بزرگ ما کارگران استخدام کرده اند)، به دو برابر کنونی خواهند بود.

مثالهای فوق قبل از هر چیز، بدست دلالت بر هم سرنوشتی کارگران و معلمان و دیگر بخشهای زحمتکش جامعه دارد. گو که، سفره همه بخشهای طبقه کارگر و میزان بهرمندی آنان از هر درجه رفاه و خوشبختی و یا فقر و فلاکت، همچون زنجیری ناگسستنی به همدیگر گره خورده است. اما این هم سرنوشتی، خود، حاصل مناسبات بنیادی تری در زندگی انسان معاصر است. مناسباتی که مبتنی بر تقسیم جامعه به دو طبقه اصلی و جایگاه آنان به عنوان کارگر یا صاحب سرمایه در چرخه تولید و استثمار اکثریت عظیم انسانها توسط اقلیتی صاحب سرمایه است. این تقسیم بندی و کشاکش این دو طبقه برای سهم بری از ثروت تولید شده، سر آغاز تمامی کشمکشهای موجود در جهان معاصر و مدار شکل دهی به قوانین در تمامی عرصه های حیات سیاسی اقتصادی و فرهنگی اجتماعی در هر جامعه ای در گستره گیتی است.

با این حال، همه ی قوانین موجود، بطور آشکاری بیانگر این کشمکش و جنگ و جدال بر سر سهم بری از تولید ثروت و نفس استثمار انسان از انسان و درجه شدت و حدت آن در چهار چوب مناسبات جهان معاصر نیستند. مثلاً قوانین مربوط به انتخابات

آزاد و یا انتخابات غیر دموکراتیک و یا حتی قانون اساسی را نمیتوان بطور مستقیم، بلاواسطه و سر راستی به مسئله استثمار اکثریت عظیم انسانها توسط اقلیتی صاحب سرمایه و کشمکش دو طبقه اصلی جامعه بر سر سهم بری از تولید یا درجه استثمار در جوامع مختلف ربط داد. هر چند که در بنیادی ترین سطح، قانون اساسی و همه قوانین ناظر بر حیات اجتماعی انسانها، بر آمد تضادهای طبقاتی و کشمکش دو طبقه اصلی جامعه و یا حتی بخشهای مختلف طبقه سرمایه دار بر سر سهم بری از ثروت اجتماعی تولید شده می باشند. اما در این میان، قانون کار تنها سند قانونی است که میزان بهره کشی صاحبان سرمایه از کارگران و سهم این طبقه بزرگ از تولید و زندگی اجتماعی، بطور نسبتا سر راستی در آن متبلور می شود.

این قانون نسبت به سایر قوانین و قانون اساسی، با ابهام بسیار کمتری، قانونی بر سر درجه استثمار کارگر، روابط استثمارگرایانه کارگران و سرمایه داران و به این معنا کل جامعه بشری بر سر کشمکشی دائمی در مناسبات جهان مسلط سرمایه داری در مورد کمیت و کیفیت استثمار و بهره کشی انسان از انسان است. اینجاست که بطور عینی و بی هیچ اغراقی قانون کار به عنوان بیان آشکار و نماد رابطه استثمارگرایانه زندگی مادی و معنوی انسان جهان معاصر، بر بالای سر همه قوانین دیگر و منجمله قانون اساسی که در ابعاد کلان و نسبتا ناروشنی، حیات سیاسی اقتصادی و فرهنگی اجتماعی همه جوامع بشری را ترسیم میکنند، قرار میگیرد و میتواند مبنای قضاوتی تاریخ ساز بر سر کل روابط اجتماعی انسانها و قوانین و مناسبات آنها در هر جامعه ای قرار بگیرد.

با این حال، قانون کار از آنجا که طبق تعاریف رایج، دارای جایگاهی حقوقی! و در مقام قانون ناظر بر حقوق صنفی!؟ کارگران، مهندسی شده و تعیین پیدا کرده است کمتر مورد توجه روشنفکران، اقتصاددانان چپ و آزادیخواه، جنبشهای عدالتخواه از قبیل جنبش دانشجویی و دیگر جنبشهای مدنی و ترقی خواه و حتی برخی نیروهای جنبش سوسیالیستی قرار می گیرد. اما در عالم واقع و در چهارچوب مناسبات موجود، این قانون، قانونی بر سر اولین و بنیادی ترین حقوق انسان، یعنی حق حیات و امرار معاش، چگونگی تامین این حقوق برای استثمار شوندهگان و معرف موقعیت اکثریت قریب به اتفاق انسانها در برابر اقلیت صاحب سرمایه در چرخه ی تولید ثروت است که سایر قوانین و حقوق اجتماعی ناظر بر حیات اجتماعی این اکثریت از قبیل آموزش رایگان، مطبوعات آزاد، تحزب، آزادی بیان و هر درجه از مدنیت از دل آن سر بر میکشند.

به عنوان مثال آموزش رایگان در اقصی نقاط دنیا، زمانی آغاز و به شکل امروزی نهادینه میشود که پیش از آن، جدال و کشمکش عظیمی بر سر کار کودکان از اواسط قرن نوزدهم در کشورهای اروپایی در میگیرد و بر متن این کشمکش بتدریج قوانینی در قالب قانون کار برای کم کردن ساعات کار کودکان و یا ممنوعیتهای مختلفی در مورد سن و نوع کار کودکان تصویب میشوند و در پس این روند، آموزش رایگان که اساسا معطوف به تحصیل کودکان طبقات فرودست است بتدریج از دهه سی ام قرن بیست به این سو در کشورهای اروپایی آغاز و شروع به بسط و گسترش در همه نقاط دنیا میکند. اینگونه مثالها را به ترتیب فوق در مورد همه قوانینی که امروزه برای همگان امری جدا از کشمکش دائمی کارگران به مثابه اکثریت عظیم انسانها با اقلیت صاحبان سرمایه تلفی میشود میتوان تا به آخر به طور تجربی درک و توضیح داد.

برای اثبات مدعای فوق، در یک نگاه کلی تر همین کافی است که پرسیم: آیا ممکن است در کشوری کار کودکان ممنوعیت قانونی نداشته باشد و میلیونها کودک به عنوان امری متعارف بطور روزانه در مراکز تولیدی و صنعتی مشغول بکار باشند آنوقت در چنین جامعه ای آموزش رایگان و اجباری برای کودکان در قانون اساسی اش گنجانده شود؟ و یا آیا میشود در کشوری کارگران با قوانین کار و مناسبات قرن نوزدهمی در یک بعد وسیع اجتماعی کار و زیست بکنند و آنوقت در آن کشور دیکتاتوری قرن نوزدهمی سر بر نکشد و آزادی بیان و تحزب و... در اشکال امروزی اش به عنوان بخشی از اصول قانون اساسی آن کشور مصوب و عملی گردد؟

اینجاست که قانون کار به مثابه برآمد و شکل حقوقی مناسبات استثمارگرایانه عصر حاضر، در معنای رایج و مهندسی شده اش که گویا قانونی خاص کارگران و مربوط به امور صنفی!؟ آنان است، رنگ می بازد و جایگاه کلیدی آن در همه عرصه های حیات زندگی اجتماعی سیاسی انسان معاصر در هر جامعه ای باز نموده می شود.

حال اگر از این منظر و از این واقعیت عینی در مورد قانون کار به لایحه اصلاحیه دولت روحانی بر روی آن بنگریم آنوقت ابعاد وحشتناک و فاجعه بار این لایحه، نه تنها بر زندگی و معیشت کارگران و میلیونها مزد بگیر زحمتکش، بلکه بر تمامی عرصه های زندگی سیاسی اجتماعی یک جامعه هشتاد و پنج میلیونی روشن میشود.

بر اساس این لایحه: 1- دولت میتواند علیرغم تورم بالا با استناد به شرایط اقتصادی کشور حداقل مزد را ربالی افزایش نهد و اقدام به انجام دستمزدها بکند. علاوه بر این اختیار تعیین حداقل مزد بدست میل و اراده دولت و تک به تک کارفرمایان خواهد افتاد 2- اخراجهای دسته جمعی به محض کمترین نوسان و کاهشی در تولید صورت قانونی پیدا خواهد کرد و صدها هزار کارگر بطور دسته جمعی اخراج خواهند شد 3- قراردادهای شفاهی به مرور جایگزین قراردادهای کتبی خواهد شد و هر گونه قانونمندی از روی ساعات کار، تعطیلات، مرخصی ها، بیمه و.. برداشته خواهد شد 4- پایه های قانون تامین اجتماعی متزلزل و دیری نخواهد پایید که همین حداقلهای موجود نیز مضمحل خواهد شد 5- با مخدوش شدن پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت، دولت و کارفرمایان خواهند توانست به انجا مختلف پرداخت این مزایا به کارگران قرارداد موقت را متوقف بکنند*.

با توجه به نکات فوق، لایحه پیشنهادی دولت برای تغییر قانون کار بطور عینی یک پدیده قرن نوزدهمی مبتنی بر تشدید بی حد و حصر استثمار انسان از انسان، محو حق اشتغال و امنیت شغلی، امحا تدریجی تامین اجتماعی و در خوشبینانه ترین حالت تضعیف بنیانهای تامین اجتماعی و رها سازی مطلق سرنوشت انسانها بدست سرمایه و بازار و تحمیل بقا بر میلیونها انسان در خط مرگ است که در صورت تصویب و اجرا میتواند بربریتی غیر قابل تصور را بر روابط و مناسبات میان انسانها در جامعه ایران حاکم نماید و یک جامعه هشتاد و پنج میلیونی را به یکصد سال پیش عقب براند. بدین معنا، این لایحه از جنس هیچیک از لوايح ضد کارگری معطوف به تعرض به زندگی و معیشت کارگران در کشورهای اروپایی و سایر نقاط جهان نیست و

خیلی سر راست، هر درجه از مدنیت و انسانیت نسبی تثبیت شده در عصر حاضر را نشانه رفته است که میتواند سیمای سیاسی اقتصادی و اجتماعی فرهنگی جامعه ایران را، بیش از هر نظام ضد کارگری دیگری در عصر حاضر، معادل با نظامهای دوران اوآن شکل گیری نظام سرمایه داری بکند.

کاملاً روشن است که احیا چنین مناسباتی ما بین اکثریت عظیم مردم یک کشور به عنوان کارگران و زحمتکشان با اقلیت صاحب سرمایه، بطور عینی و عملی نمیتواند بدون یک چرخش عظیم در سایر حوزه های زندگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی فرهنگی یک جامعه هشتاد و پنج میلیونی متحقق شود. لذا دادن فرصت به تصویب و اجرای لایحه پیشنهادی دولت برای تغییر قانون کار، دادن فرصت به تحمیل یک عقب گرد تاریخی در تمامی ابعاد زندگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی فرهنگی بر مردم ایران خواهد بود.

از این رو انتظار این است تا نه تنها کارگران بلکه معلمان، دانشجویان و دانش آموزان (به عنوان نیروی کار سال آینده و چند سال آینده)، فعالان مدنی و همه جنبشها و نیروهای عدالتخواه، حقوقدانان، روشنفکران، اقتصاددانان، روزنامه نگاران و تمامی انسانهای شریفی که در قبال سرنوشت یک جامعه هشتاد و پنج میلیونی احساس مسئولیتی میکنند بر علیه این لایحه به میدان بیایند و با تحمیل باز پس گیری آن به دولت، جنبشی را حول اعمال تغییرات اساسی در قانون کار موجود که با رسمیت دادن به قراردادهای موقت، گسترش و نهادینه کردن شرکتهای پیمانکاری و ممنوعیت تشکلهای مستقل صنفی و ...، موجبات قانونی تحمیل بی حقوقی افسار گسیخته ای را بر کارگران و همه زحمتکشان ایران فراهم کرده است برپا کنند و اجازه ندهند بیش از آنچه که تاکنون بر علیه انکشاف یک جامعه انسانی و مدرن در ایران به پیش رفته است بنیانهای لازم و ملزوم یک زندگی اجتماعی مبتنی بر دستاوردهای تاکنونی بشریت معاصر در کشورمان به خطر بیافتند.

*نقل از بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در مورد لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار

15آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضا کننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصطلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحات 13 و 14)

صفحه سیزده اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانون کار»

شماره	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	
1	انثار قربانی	ارماتگر	21	صدیقه مرادی	41	محمد سلطانی	شرکت واحد
2	مینا ممیز	بیکار	22	بهناز نصرتی	42	علی سعیدی	شرکت واحد
3	جادی میرانی	برنامه نویس	23	شیدا عسگری	43	حسین پور زرنديان	شرکت واحد
4	ساینا مقصودی لویه		24	کاوه رضایی	44	علیرضا کونه	شرکت واحد
5	شاداب علی بندی		25	پنجه رضاییان	45	جواد کیانی	شرکت واحد
6	زهرا سلطانی		26	علی انشی	46	عباس هداوند	شرکت واحد
7	عباس تاتریان		27	سیاوش امینی	47	غیرضا قاسمی	شرکت واحد
8	علی بزرگیان	روزنامه نگار	28	مسعود خلزنی	48	رضا غنایی	شرکت واحد
9	حمید رضا ابراهیم زاده	روزنامه نگار	29	زینب ابراک	49	داود محمدی	شرکت واحد
10	سناز آه بداشتی	روزنامه نگار	30	سامان سپاهی	50	سناظری قاسمی	شرکت واحد
11	مهرداد فدای اصیل		31	مینا میرزا قلی	51	رضا نامدار	شرکت واحد
12	سیاوش امینی		32	حسین منقی	52	حسین امیری خواه	شرکت واحد
13	نیاز زرین بخش		33	زینب مومنی	53	ناصر کظیمی	شرکت واحد
14	حمید حبیب آه		34	علت مطینی	54	داود سیاهی	شرکت واحد
15	نیسا بهرام پور	نظافت و معمار	35	نگار سرخوش	55	مهدی زینی وند	شرکت واحد
16	زهرا تمیزی		36	محمد علی انصاری	56	اکبر کریم زاده	شرکت واحد
17	بهاره سادات جوانمرد نوری		37	مریم حسن نژاد	57	ابوالفضل سیلی	شرکت واحد
18	پری ناز مراد نوری		38	شکوه پرست	58	احمد قربانی	شرکت واحد
19	محمد رسولی		39	سولماز موسایی پورمزرایی	59	سعید مدیری	شرکت واحد
20	شبنم سعیدی	مدرس	40	دانیال سینین	60	مجید رحیمی	شرکت واحد

صفحه چهارده اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانون کار»

شماره	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	
1	علی کافی		21	حسین سیز علی زاده	41	حسین قاسمی	شرکت واحد
2	سعیده شکرانهی		22	مجید نوشین	42	مصطفی عباسی	شرکت واحد
3	رامین پروین		23	رحیم یوسفی	43	ابراهیم بلوچی	شرکت واحد
4	مریم حاجیان		24	علی بسالی	44	مهدی محمدی	شرکت واحد
5	احسان عبدالمهی		25	مجید سوریان	45	ابوالفضل جعفری	شرکت واحد
6	زهرا راد	روزنامه نگار	26	مهدی شیخ	46	ابوالفضل شهبازی	شرکت واحد
7	پویا خدیش		27	امیر آژری	47	داود هداوند خلای	شرکت واحد
8	نیلا حقیقت		28	عسکر نصیری	48	قاسم ابراهیمی	شرکت واحد
9	حسن عسگری		29	غیرضا قنبری	49	حسین قبادی	شرکت واحد
10	نلیسه موسوی		30	نصراله موغاری	50	علی فراهانی	شرکت واحد
11	انثار انصاری		31	عظیم آه طبیبی	51	مهدی خلای	شرکت واحد
12	حسن میرزایی	شرکت واحد	32	حسن صدیدی	52	غیرضا مرتضی نیا	شرکت واحد
13	علی مختاری	شرکت واحد	33	غیرضا انصاری	53	رضا رحیم پور	شرکت واحد
14	حسین ریاحی	شرکت واحد	34	اکبر باقری	54	مهدی کاظمی	شرکت واحد
15	محمد علی عطایی	شرکت واحد	35	بهمن صهنی	55	محمد گونندی	شرکت واحد
16	میرحسین حسینی	شرکت واحد	36	جواد قربان زاده	56	غلامرضا جعفری	شرکت واحد
17	مجید بهشت شهیدی	شرکت واحد	37	علی نظاری	57	محمسن بخشایش	شرکت واحد
18	خلیل بیکری	شرکت واحد	38	رضا نظاییان	58	مجید اسفندی	شرکت واحد
19	ابراهیم بختیاری	شرکت واحد	39	حسن شیخی	59	حمزه توروزیان	شرکت واحد
20	مصسن علیقلایی	شرکت واحد	40	مهدی بیات	60	داود نظایی	شرکت واحد

منبع: <https://telegram.me/vahedsyndica>

13آبان: ادامه یادداشت هفته گذشته - قانون کار، اساسی ترین و بنیادی ترین قانون در چهارچوب مناسبات موجود در جهان معاصر است

جعفر عظیم زاده

اینکه میلیونها کارگر در سراسر کشور مشمول قانون کار هستند و میلیونها کارگر دیگر مشمول این قانون نیستند یک واقعیت است، و اینکه حداقل مزد و سایر شرایط زیست معلمان، پرستاران، بازنشستگان، روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، بخشهای خدماتی رفاهی، رانندگان، مستخدمین کشوری و حتی مستخدمین سطوح پایین لشکری و...، جدا از هم و جدا از حداقل مزد سالیانه کارگران مشمول قانون کار تعیین می شود، باز هم یک واقعیت است.

اما این واقعیات بیانگر تضاد منافع ما زحمتکشان و 99 درصدی های جامعه نیست، چرا که قبل از هر چیزی و بر اساس داده های کنونی زندگی بشر که خارج از اراده جداگانه ی یکایک ما انسانهاست، همه ی ما در یک جغرافیای سیاسی واحدی به نام ایران زندگی میکنیم و نمیشود حداقل مزد کارگران مشمول قانون کار را مثلا به دو برابر افزایش داد ولی بقیه مزد بگیران زحمتکش را ثابت نگه داشت. بر عکس این مسئله نیز صادق است. به عنوان مثال مگر حکومتی میتواند حقوق معلمان را به دو برابر افزایش دهد آنوقت مزد کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و اساتید دانشگاه یا مستخدمین کشوری و لشکری سطوح پایین، کمی افزایش پیدا کند و یا ثابت بماند. از همین رو هم است که اقلیت حاکم در راس هرم غارت و قدرت در ایران، در برابر هر گونه امتیاز دهی به معلمان که توانایی امتیاز دهی به آنان را نیز دارد مقاومت میکند چرا که خود به خوبی میداند در اینصورت علاوه بر افزایش حقوق کارگران و همه بخشهای زحمتکش جامعه، حتی باید جیره و مواجب قضات حلقه به گوش و مامورین امنیتی را نیز افزایش دهد. به این معنا اگر مثلا حداقل مزد برای کارگران مشمول قانون کار در سال آینده یک میلیون و ششصد و بیست و چهار هزار تومان، معادل دو برابر حداقل مزد کنونی تعیین بشود طبیعی است که دیگر

مزد کارگر ساختمانی و یا جوشکار پروژه ای که مشمول قانون کار نیست نمیتواند از 50 هزار یا صد هزار تومان کنونی در روز به 60 یا 110 هزار تومان افزایش پیدا کند بلکه به تناسب تعیین همین حداقل مزد دو برابر برای کارگران مشمول قانون کار، مزد ما کارگران ساختمانی و پروژه ای نیز به دو برابر و یا نزدیک به این کمیت و کیفیت افزایش پیدا خواهد کرد. همینطور اگر حداقل مزد کارگران مشمول قانون کار در سال آینده به دو برابر افزایش پیدا بکند بدیهی است که حکومتگران مجبور به افزایش حقوق معلمان، پرستاران، بازنشستگان، روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، بخشهای خدماتی رفاهی و دیگر مستخدمین کشوری و لشکری و حتی قضات حلقه بگوش و مامورین امنیتی(که اکثریت آنها را از طبقه بزرگ ما کارگران استخدام کرده اند)، به دو برابر کنونی خواهند بود.

ادامه یادداشت هفته گذشته

مثالهای فوق قبل از هر چیز، بدرست دلالت بر هم سرنوشتی کارگران و معلمان و دیگر بخشهای زحمتکش جامعه دارد. گو که، سفره همه بخشهای طبقه کارگر و میزان بهرمندی آنان از هر درجه رفاه و خوشبختی و یا فقر و فلاکت، همچون زنجیری ناگسستنی به همدیگر گره خورده است. اما این هم سرنوشتی، خود، حاصل مناسبات بنیادی تری در زندگی انسان معاصر است. مناسباتی که مبتنی بر تقسیم جامعه به دو طبقه اصلی و جایگاه آنان به عنوان کارگر یا صاحب سرمایه در چرخه تولید و استثمار اکثریت عظیم انسانها توسط اقلیتی صاحب سرمایه است. این تقسیم بندی و کشاکش این دو طبقه برای سهم بری از ثروت تولید شده، سر آغاز تمامی کشمکشهای موجود در جهان معاصر و مدار شکل دهی به قوانین در تمامی عرصه های حیات سیاسی اقتصادی و فرهنگی اجتماعی در هر جامعه ای در گستره گیتی است.

با این حال، همه ی قوانین موجود، بطور آشکاری بیانگر این کشمکش و جنگ و جدال بر سر سهم بری از تولید ثروت و نفیس استثمار انسان از انسان و درجه شدت و حدت آن در چهار چوب مناسبات جهان معاصر نیستند. مثلا قوانین مربوط به انتخابات آزاد و یا انتخابات غیر دموکراتیک و یا حتی قانون اساسی را نمیتوان بطور مستقیم، بلاواسطه و سر راستی به مسئله استثمار اکثریت عظیم انسانها توسط اقلیتی صاحب سرمایه و کشمکش دو طبقه اصلی جامعه بر سر سهم بری از تولید یا درجه استثمار در جوامع مختلف ربط داد. هر چند که در بنیادی ترین سطح، قانون اساسی و همه قوانین ناظر بر حیات اجتماعی انسانها، بر آمد تضادهای طبقاتی و کشمکش دو طبقه اصلی جامعه و یا حتی بخشهای مختلف طبقه سرمایه دار بر سر سهم بری از ثروت اجتماعی تولید شده می باشند. اما در این میان، قانون کار تنها سند قانونی است که میزان بهره کشی صاحبان سرمایه از کارگران و سهم این طبقه بزرگ از تولید و زندگی اجتماعی، بطور نسبتا سر راستی در آن متبلور می شود.

این قانون نسبت به سایر قوانین و قانون اساسی، با ابهام بسیار کمتری، قانونی بر سر درجه استثمار کارگر، روابط استثمارگراییانه کارگران و سرمایه داران و به این معنا کل جامعه بشری بر سر کشمکشی دائمی در مناسبات جهان مسلط سرمایه داری در مورد کمیت و کیفیت استثمار و بهره کشی مشتمل کننده و جنایت کارانه انسان از انسان است. اینجاست که بطور عینی و بی هیچ اغراقی قانون کار به عنوان بیان آشکار و نماد رابطه استثمارگراییانه زندگی مادی و معنوی انسان جهان معاصر، بر بالای سر همه قوانین دیگر و منجمله قانون اساسی که در ابعاد کلان و نسبتا ناروشنی، حیات سیاسی اقتصادی و فرهنگی اجتماعی همه جوامع بشری را ترسیم میکنند، قرار میگیرد و میتواند مبنای قضاوتی تاریخی ساز بر سر کل روابط اجتماعی انسانها و قوانین و مناسبات آنها در هر جامعه ای قرار بگیرد.

سیزده آبانماه 1395

ادامه دارد

13آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضا کننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصطلاح لایحه «اصلاح قانون کار»(صفحه12)

مجموعه دوازده اساسی معترضین به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	شماره	نام نام خانوادگی	شغل
1	حسن مرادی		برینا ایرامهر	گرافیکست	21	حسن مرادی	
2	امیر حسین نقی زاده	شرکت واحد	فروغ کشاورز		22	امیر حسین نقی زاده	شرکت واحد
3	مینا وکیلی	معدن باز نسخته	رویا پاکزاد		23	مینا وکیلی	معدن باز نسخته
4	نازیلا اکبری		محمد محسن محمدی		24	نازیلا اکبری	
5	علی قاضی		نمین رشید بیگی		25	علی قاضی	
6	زهرا محیط		مریم خدایگان		26	زهرا محیط	
7	محمد جعفر پوروندگی		نسترن عباسی ساغی		27	محمد جعفر پوروندگی	
8	حجت کاظمی	شرکت واحد	ناهر وکیل زاده		28	حجت کاظمی	شرکت واحد
9	نکته علی مهرانا		عباس فیروز بخش		29	نکته علی مهرانا	
10	ابین خنثی		داود ابوالقاسمی دهلانی		30	ابین خنثی	
11	ایمان میران		عطیه طالب		31	ایمان میران	
12	رامین رضائیان		گلنار گنتیزجانی		32	رامین رضائیان	
13	پور سلطان		حمید رضا کریمی	شرکت واحد	33	پور سلطان	
14	تربیفه امینی نژاد	طراح لباس	سلسان گروندی	شرکت واحد	34	تربیفه امینی نژاد	طراح لباس
15	محمود مهران ادیب	سازشک	اسمعین قویق	شرکت واحد	35	محمود مهران ادیب	سازشک
16	فرید مهران ادیب		مهدی فتحی زمانی	شرکت واحد	36	فرید مهران ادیب	
17	فریبرز مهران ادیب		علی سنگی	شرکت واحد	37	فریبرز مهران ادیب	
18	طلعت یگانه تبریزی		غیرضا فتوده چی	شرکت واحد	38	طلعت یگانه تبریزی	
19	امیر جوادی		رضا عرب احمدی	شرکت واحد	39	امیر جوادی	
20	فرشته سیزواری	گلنار نرمشگر	غیرضا کریمی	شرکت واحد	40	فرشته سیزواری	گلنار نرمشگر
			داود زنده مقدم	شرکت واحد	41		
			علی زاهد	شرکت واحد	42		
			حجت اله گودینی	شرکت واحد	43		
			مسعود نیک صفت	شرکت واحد	44		
			سید احمد حبیبی	شرکت واحد	45		
			مجید گوردازی	شرکت واحد	46		
			عباسی	شرکت واحد	47		
			محمد باصفای	شرکت واحد	48		
			حسین حبیبی	شرکت واحد	49		
			سید علی شریلی	شرکت واحد	50		
			رضا فتحی	شرکت واحد	51		
			ابوالفضل سرنگ	شرکت واحد	52		
			اسداله میرزایی سرنگ	شرکت واحد	53		
			محمد جواد توری	شرکت واحد	54		
			محمد رحیمی	شرکت واحد	55		
			محسن میگوئی	شرکت واحد	56		
			محمد صادقی	شرکت واحد	57		
			محمد جواد خونه فروش	شرکت واحد	58		
			مهدی جعفری	شرکت واحد	59		
			حمید رضا خلایق	شرکت واحد	60		

منبع: <https://telegram.me/vahedsyndica>

13 آبان: ادامه اعتراضات به اصلاحات ضد کارگری قانون کار

حقوق معلم و کارگر:

پس از ارائه لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار به مجلس، تشکل ها و نهادهای کارگری بسیاری به متن این لایحه اعتراض کرده اند و خواستار بازپس گیری آن از مجلس شده اند.

این اعتراضات در هفته ها و روزهای گذشته به اوج خود رسیده، اما دولت همچنان بر تصمیم ناصحیح خود پافشاری می کند و حاضر به بازپس گیری این لایحه نیست.

در همین راستا، تشکل های مستقل کارگری نیز مخالفت صریح خود را با تغییرات یک طرفه و دولت ساخته مندرج در این لایحه ابراز داشته اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز با انتشار طوماری از کارگران و مزدبگیران خواسته است که به این اعتراض بپیوندند.

متن این طومار به این شرح است:

ما کارگران ایران خواهان لغو فوری لایحه ضد کارگری «اصلاح قانون کار» هستیم!

لایحه تقدیمی دولت تدبیر و امید به مجلس شورای اسلامی مواد حمایتی قانون کار از جمله مواد ۷، ۱۰، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۴۱ حذف کرده و یا تغییر داده است. گر چه قانون کار کنونی نیز مانع از بی حقوقی ما کارگران نشده و اجازه تشکل مستقل غیر دولتی را از ما کارگران سلب کرده است، اما روشن است که در صورت تصویب چنین لایحه ای نیروی کار در ایران از این نیز ارزان تر گردید و مزایای ناچیز کنونی کاهش پیدا کرده است.

با وجود ضرورت تغییرات اساسی در فصل ششم قانونکار و تطبیق آن با مفاوله های بین المللی برای برسمیت شناختن سندیکاهای کارگری و دیگر تشکلات کارگری مستقل از دولت و کارفرمایان، و برسمیت شناختن حق گردهمایی، تحصن و اعتصاب برای کارگران، در این باصطلاح «لایحه اصلاح قانونکار» اقدامی صورت نداده اند.

گویا مهمترین «تدبیر» این دولت، همچون دولتهای پیشین، دست بردن به منافع کارگران است. دولت بجای دست بردن به حقوق کاری، که حاصل سال ها زحمت و تلاش کارگران بوده است؛ باید به مسئله فساد و بیکاری و تورم افسار گسیخته که کمر کارگران و فرودستان را خم کرده است پردازد. چرا به جای دست درازی به مواد حمایتی قانون کار که بخشی از حقوق حداقلی کارگران را تامین می کند؛ به فسادهای گسترده ای که کل جامعه را در بر گرفته و هر روز رانت خواری و اختلاس های میلیاردی و ناکارآمدی مدیران دولتی و حکومتی که صدایش گوش مردم را کر کرده است نمی پردازید؟

هم اکنون بخش عظیمی از صنایع تعطیل شده است و هر روز شمار بیشتری بر میلیون ها بیکار افزوده می شود. دولت به جای حمایت از بیکاران و متقاضیان کار حمله به تنها مواد حمایتی قانون کار را یکی از الویت های اصلی خود قرار داده است. تغییر مواد حمایتی مربوط به شرایط استخدام در رابطه با کارهای دائمی و موقت، مفاد ماده ۷ و همچنین بی ثمر کردن ماده ۴۱ قانون کار و تبصره هایش در رابطه با تعیین حداقل دستمزد، دادن اختیار کامل به کارفرما در رابطه با اخراج کارگران که یادآور ماده ۳۳ قانون کار پیش از انقلاب است؛ همه و همه گامی به سوی بردگی کامل کارگران و مزد بگیران ایران است. در شرایطی که مزد کارگران ایران به پایین ترین سطح دریافتی کارگران در سراسر جهان رسیده است و دستمزد کنونی بمیزان

یک چهارم نرخ ریالی خط فقر تعیین شده را شامل نمی شود. ارایه این لایحه به مجلس و تصویب آن به این معنا است که به دنبال توافقات برجام دولت قصد دارد بهشت را برای سرمایه‌داران ایران و شرکتهای بین‌المللی هر چه آماده‌تر کند.

ما کارگران بخشهای مختلف صنعتی، خدمات عمومی، کشاورزی و آموزشی ایران اعلام می‌داریم که حمله به حقوق ابتدایی کارگران تحت عنوان «اصلاح قانون کار» تنها جهت تامین منافع کارفرمایان و سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی تدوین شده است و خواهان لغو فوری این لایحه ضد کارگری که زندگی و مرگ ما را هدف قرار داده است، هستیم.

ما اعلام می‌داریم در صورت اصرار دولت برای تصویب لایحه ی ضد کارگری اعتراض، تجمع و اعتصاب را حق مسلم خود می‌دانیم.

12آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضاکننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصطلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحات نهم، دهم و یازدهم)

فصلنامه نهم اساسی معترضان به حلف و با تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل
1 میترا معینی	انبار باز نسخته	21 امیر حسین پور شمسی		41 مجید کیوانی	شغل
2 طاهره معیز	کارگر اخراجی، بیکار	22 کسرا صدیق		42 غرین محمود زاده	
3 عابد تواجیه		23 نهال شرفی	فیزیک پیشه	43 ساجده الهامی	
4 نوبنا فدایی		24 آله رضایی	جامعه شناسی	44 مهدی هوره	
5 قحاح سلیمانی	شغل آزاد	25 ناهید فرهاد		45 نگار عرب پور	
6 مصطفی مدرسی	شغل آزاد	26 بابک اجلائی		46 مهرداد رضایی	
7 حمید رضا مصیبی		27 حسن کشاورز	شغل آزاد	47 امیر یعقوبی	
8 مجید کرمانی	شرکت واحد	28 علی نیسی		48 طی و حدیگانه	
9 میترا یوسفی		29 ابو الفضل اردوخانی		49 ندا طیبی	
10 ترگن محمیان		30 حبیبه رحیمی لورون		50 علی محمد ولی	
11 مریم موسوی		31 کورش افطسی		51 سیده سارا حسینی	
12 سعید جواهری	شرکت واحد	32 علیرضا دهقان		52 هانی جدالی	
13 سارا جمشیدی		33 زهرا آیت الهی	دانشجو	53 مریم علامتی	
14 صادق برقمی		34 عاطفه خسروی	تریدر	54 محمد رضا حیدری	
15 مریم امیری		35 مرضیه باجیانی	تریدر	55 ناهید پرویزی	
16 ملیحه ریاضی		36 مرضیه رسولی	روزنامه نگار	56 آراز مشیبه علیپور	
17 پریسا موسوی	دانشجوی دکتری	37 سعید رضایی		57 راحله رسولی	
18 مرضیه طائب	دانشجو	38 ظهورا آیتی		58 منم صدر	
19 ناسیه اصفهانیان	معلم	39 محمد بصیری		59 نسترن سلیمانی	
20 دکتر محمد علی مهراسا		40 شقایق شریف		60 عاطفه خسروی	درمان گر

فصلنامه دهم اساسی معترضان به حلف و با تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل
1 مرضیه رسولی	شرکت واحد	21 رضا دهقلی	شرکت واحد	41 سید عبدالرحمان وارسته	شرکت واحد
2 لثیبار آه برست		22 حمید رضا عباسی	شرکت واحد	42 عزیزضا فرید	شرکت واحد
3 معین فرخی		23 محسن خداری	شرکت واحد	43 محمد علی تقی ملا	شرکت واحد
4 امیر حسین اسلامی نژاد		24 رضا شاه	شرکت واحد	44 عبدالصمد مجیدی	شرکت واحد
5 لیده آزاد		25 غلامرضا شهودی	شرکت واحد	45 حجت پاد	شرکت واحد
6 حسن نایب هاشم		26 مجید شیر علی بیگی	شرکت واحد	46 اکبر نوید چنیز	شرکت واحد
7 ارش عددی		27 علی جعفری نیا	شرکت واحد	47 سید محمد سعادت	شرکت واحد
8 طاهره عباسلو		28 ایرج زنگنه	شرکت واحد	48 داریوش اکبریان	شرکت واحد
9 سعیده مقدسی		29 مسعود راسخ رحیمی	شرکت واحد	49 سعید حنونه	شرکت واحد
10 انبیه منصور		30 حسن شکران	شرکت واحد	50 حسن محب عالیفر	شرکت واحد
11 محمد اسماعیل نژاد	شرکت واحد	31 سهراب زارع قرقری	شرکت واحد	51 مجید میرصالحی	شرکت واحد
12 اسماعیل حسن زاده	شرکت واحد	32 مهدی پارسای	شرکت واحد	52 جواد داود آبادی	شرکت واحد
13 ابراهیم سالار منش	شرکت واحد	33 محمود فامسی	شرکت واحد	53 اکبر فرزادی	شرکت واحد
14 رضا صباح زبانی	شرکت واحد	34 مقصود پ 57723	شرکت واحد	54 محسن سوری	شرکت واحد
15 محمد حاجی نو	شرکت واحد	35 عداله امیری	شرکت واحد	55 ابراهیم طاعتی	شرکت واحد
16 محمد سالاری	شرکت واحد	36 حسن تاجیک	شرکت واحد	56 عزیزضا نامدار	شرکت واحد
17 یحیی سلطانی	شرکت واحد	37 ناصر شیریان	شرکت واحد	57 واهب جوادی	شرکت واحد
18 منصور حیدری	شرکت واحد	38 اسکندر نژادکامه	شرکت واحد	58 رضا ابوالقاسمی	شرکت واحد
19 محمد تقی موبد	شرکت واحد	39 مهدی اونیایی	شرکت واحد	59 علی نظری	شرکت واحد
20 احد شرفی	شرکت واحد	40 ابوطالب شعبانپور	شرکت واحد	60 حسن شهپاز نژاد	شرکت واحد

فصلنامه یازده اساسی معترضان به حلف و با تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل
1 حسین شادی	شرکت واحد	21 ولی حق وردی نژاد	شرکت واحد	41 مرتضی دهقلی	شرکت واحد
2 رضا فاروقی	شرکت واحد	22 محمد عباسی	شرکت واحد	42 علی خداینده	شرکت واحد
3 مهرداد اکبری	شرکت واحد	23 حمید طلائی	شرکت واحد	43 یوسف محسنی	شرکت واحد
4 مهدی قبضی	شرکت واحد	24 مرتضی خداکرمی	شرکت واحد	44 غلامعلی حاتم	شرکت واحد
5 احسان رضایی	شرکت واحد	25 حسین صوفی	شرکت واحد	45 مسمن دل زنده	شرکت واحد
6 بیژن فدایی	شرکت واحد	26 مصطفی ترابی	شرکت واحد	46 تقی سیالی	شرکت واحد
7 حسین زبیدی	شرکت واحد	27 حمید خواجه وندی	شرکت واحد	47 علیرضا محمد حسن زاده	شرکت واحد
8 سیروس گوزن زاده	شرکت واحد	28 محمود تسویه چی	شرکت واحد	48 اسماعیل عباسی	شرکت واحد
9 ابو الفضل فراهانی	شرکت واحد	29 مهدی سبزی چی	شرکت واحد	49 فرزاد عطّار	شرکت واحد
10 اصغر احمدی	شرکت واحد	30 سعید هاشمی	شرکت واحد	50 رضا شیمی	شرکت واحد
11 محمد رضا سلطانلو	شرکت واحد	31 مجید فامسی	شرکت واحد	51 چمنشید کردی	شرکت واحد
12 محمد رضا غفوری	شرکت واحد	32 رضا تاجیک	شرکت واحد	52 محمود سمنانی	شرکت واحد
13 پرویز سیمانی	شرکت واحد	33 عباس رنجیری	شرکت واحد	53 حسن فاضلی	شرکت واحد
14 خدا رضا جعفری	شرکت واحد	34 محمد زارعی	شرکت واحد	54 محمد جانی	شرکت واحد
15 حسین یوسف زاده	شرکت واحد	35 سید جواد بی بی شهریلو	شرکت واحد	55 علی غنی جان پور	شرکت واحد
16 امیر یوسفی	شرکت واحد	36 مهدی محمد علی پور	شرکت واحد	56 حسینعلی مهرپور	شرکت واحد
17 احمد توکلی	شرکت واحد	37 علیرضا فغانی	شرکت واحد	57 نصرت ثمری	شرکت واحد
18 داود شریعی	شرکت واحد	38 حسین مولانی	شرکت واحد	58 حمید رضا رضایی	شرکت واحد
19 سهراب خیار	شرکت واحد	39 جواد محمدی پور	شرکت واحد	59 جنیل رضایی نژاد	شرکت واحد
20 داود راستیچانی	شرکت واحد	40 سید هاشم موسوی	شرکت واحد	60 قربان محمد قربانی	شرکت واحد

منبع: <https://telegram.me/vahedsyndica>

انتشار اسامی امضاکننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحه هشتم)

صفحه هشتم اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانون کار»

شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی
	بیتا طاهیان	41	ابراهیم نژادی	21	حسین عنایتی
	عبیرضا اخوان	42	بهزاد پارخدايي	22	عباس سیل سپور
	نوشین اختران	43	حمید پرتویان	23	رشید بابا جهانی
	ترانه راد	44	اصغر جاسبی نژاد	24	حبیب پیرهادی
	پروانه راد	45	علی صادقی	25	علی اکبر امینی
معلم	حسین مهماندوست	46	مهسن برژنگ	26	پریسا حقیقت
معلم	ثریا مقدم	47	غلام سفریناه	27	فاطمه احدی
کارگر	حسین کاوشگر	48	مریم رشیدیان	28	طاهره مقدم
	عبدالمجید توحیدی	49	عبیرضا نادری	29	سمیه شعبانزاد
روزنامه نگار	اسماعیل محمد ولی	50	کاظم ابراهیمی	30	میترا تبریزی
روزنامه نگار	اسو جواهری	51	نکریا تقدسی	31	داریوش احمدی
	سمیره حمیداویزاده	52	شهبان اسدیان	32	احمد زاهدی ننگرودی
	ندا ناجی	53	منیژه یوسفی	33	مسعود شب افروز
	محمد حبیبی	54	مهناز نصرتی	34	شهبلا انتصاری
درمانگر	عاطفه خسروی	55	مهین قدوسی	35	وحید محمد زاده
روزنامه نگار	مرضیه امیری	56	زیبا خندان	36	فروغ سمیع نیا
	غزال خوش آبادی	57	احمد جهانپناه	37	محمود رستگار
	محمد عتی عابدین زاده	58	علی رسونی	38	فاطمه باستانی
	نازیلا اکبری	59	محمود جانعلی پور	39	پویا بهزادی
	احمد یوسفی مشهور	60	کارن جواهری	40	فرزانه گرامیان

11آبان: اتحادیه آزاد کارگران ایران در وزارت کار پیگیر جعل بندهای "ح" و "ز" ماده 21 قانون کار در چاپ سال 95 قانون کار شد

بدینال ارسال لایحه اصلاحیه دولت در مورد قانون کار به مجلس شورای اسلامی در تیر ماه سال جاری و افشای این لایحه از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در روز 12 شهریور ماه که تا بدینجا با مخالفت گسترده تشکلهای مستقل کارگری، تجمع اعتراضی در مقابل مجلس، تهیه طومارهای اعتراضی و وادار شدن نهادهای دست ساز کارگری برای مخالفت با این لایحه، سد محکمی در برابر تصویب آن ایجاد شده است، صبح امروز پروین مهدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران و نماینده سابق کارگران کارخانه صنایع فلزی به نمایندگی از سوی اتحادیه، پیگیر جعل بندهای "ح" و "ز" در ماده 21 قانون کار در چاپ سال 1395 و در لایحه اصلاحیه دولت شد. در این پیگیری وی پس از ملاقات کوتاهی با هفده تن معاون وزیر کار، نهایتاً به دفتر مدیریت روابط کار هدایت شد و موضوع جعل بندهای "ح" و "ز" ماده 21 قانون کار در چاپ سال 95 و در لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار را در این دفتر مطرح کرد.

در این مذاکره مسئول مربوطه وزارت کار با اعلام اینکه این کتاب توسط بخش خصوصی چاپ شده است گفت: وزارت کار دخالتی در چاپ سال 95 قانون کار و آوردن این دو بند در ماده 21 قانون کار نداشته است همچنین وی در مورد وجود جاعلانه این دو بند در لایحه اصلاحیه دولت اعلام کرد این لایحه توسط ما تهیه نشده است و ما فقط این لایحه را که توسط دولت قبلی تهیه شده بود عیناً به مجلس ارجاع دادیم.

در ادامه این مذاکره، مسئول مربوطه ی دفتر مدیریت روابط کار اعلام کرد وجود این دو بند در ماده 21 قانون کار صحت ندارد، این تخطی توسط بخش خصوصی انجام گرفته است و مسئله می باید در وزارت ارشاد که مجوز چاپ آنرا داده است پیگیری شود. برای ما در وزارت کار و شعبات ادارات کار، اسنادی از قانون کار که توسط وزارت کار تهیه شده معیار است و در این اسناد این دو بند در ماده 21 قانون کار وجود ندارند.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار، لایحه ای به غایت ضد کارگری است که همه هستی ما کارگران را نشانده رفته است. تا بدینجا ما کارگران با اعتراضاتی که انجام داده ایم سد محکمی در برابر تصویب این لایحه ایجاد کرده ایم. اما لایحه اصلاحیه دولت همچنان در مجلس شورای اسلامی است و علیرغم مخالفتهای گسترده با آن، تاکنون به دولت عودت داده نشده است. به همین دلیل باید مبارزه و تلاش خود را برای باز پس گیری این لایحه ضد کارگری از طریق تجمع، طومار نویسی و افشاگریهای گسترده، عمق و دامنه بیشتری بدهیم.

از طرف دیگر با توجه به احتمال عقب نشینی دولت و مجلس از لایحه اصلاحیه بر روی قانون کار که میتواند با گسترش اعتراضات ما کارگران متحقق بشود نباید از جعلی که در ماده 21 قانون کار صورت گرفته است غافل بشویم چرا که در صورت عدم هوشیاری ما کارگران در این زمینه، چه بسا که این دو بند به غایت ضد کارگری با گذشت زمان در قانون کار نهادینه گردند و دولت و کارفرمایان بی هیچ دردسری موفق به قانونی کردن این بندها که یکی از اهداف اصلی و مهم تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار است بشوند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با افشای این اقدام جاعلانه در چاپ سال 95 قانون کار، امروز پیگیر این مسئله در وزارت کار شد و جعلی بودن این دو بند در چاپ سال 1395 در ماده 21 قانون کار محرز گردید. همراه با گسترش تلاش و مبارزه برای باز پس

گیری قطعی لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار، باید دست به کار اعتراض به این اقدام جاعلانه و شکایت از ناشر چاپ سال 95 قانون کار با خواست جمع آوری آن از بازار شد.

برای روشن شدن اقدام جاعلانه افزودن دو بند "ح" و "ز" به ماده 21 قانون کار، اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در این زمینه ضمیمه این بیانیه است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 11 آبانماه 1395

لینک بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون سند سازی دولت برای جا انداختن بندهای (ح) و (ز) در ماده 21 قانون کار: <http://www.etehtadeh.com/?page=news&nid=5601>

10آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضا کننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصطلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحه هفتم)

صفحه هفتم اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانون کار»

شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی
	عظیم تباح فر	41	مولا میری	21	زهرا دهقان
	سیروس تباح فر	42	فرهنگ حیدر بیگی	22	میلا جنت
	علی میری	43	اکبر درویشی	23	سیروس فتحی
	سیاوش بیرانوند	44	امید علی کوشکی	24	شریفه محمدی
	رستم فلاح	45	نوروز میرزاوند	25	ابوالحسن رحمتی فر
	حجت سام پور	46	عزیز علی میرزاوند	26	محمد رحمتی فر
	سید احمد حسینی	47	علی عسگر میرزاوند	27	قاسم رحمتی فر
	حجت تباح فر	48	اسکندر میرزاوند	28	آیت اله رحمتی فر
	بهزاد قلاوند	49	عسگر میرزاوند	29	حسن رحمت کیا
	حسن قلاوند	50	مظفر میرزاوند	30	فرزاد رحمتی زاده
	محمد رضا قلاوند	51	مرتضی حقیقت	31	صدید بزرگ پرونده
	سعید قلاوند	52	عبدالحمد طهماسبی	32	مروت نجف وندی
	رضا قلاوند	53	رحیم خوش زیان	33	خیر الله نجف وندی
	خداکرم قلاوند	54	فرود شیخ	34	مهرداد رحمتی ظایی
	ایمان شیخ	55	صادق شیخ	35	محمد علی میرزاوند
	اشکان لطفی	56	آقا رضا کیانی	36	الیاس قنوتی
	سجاد بیرانوند	57	بهرام قلاوند	37	سعید غیبشاهی
	بایرامعلی مجیدی	58	بهمن لطیفیان	38	ابراهیم داود پور
بیکار	سهیلا ادیب	59	بهرروز تباح فر	39	کامران نقادار
	صدیقه نظری	60	فیروز تباح فر	40	یوسف دریکنوند

<https://telegram.me/vahedsyndica>

10آبان: طومار اعتراضی کارگران بیمارستان صدر (به آفرین) نسبت به لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی!

چند صد نفر از کارگران بیمارستان صدر (به آفرین) با امضای طوماری ضمن انتقاد از مفاد لایحه اصلاح قانون کار، خواهان عودت این لایحه به دولت شدند.

به گزارش 10آبان ایلنا، در متن این طومار که توسط کارگران شاغل در یکی از مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی امضا شده، آمده است: قانون کار به عنوان تبیین کننده حقوق اولیه و اساسی هر فرد از افراد جامعه از جمله کارگران کشور است که در اصول 2، 3، 9 و 42 و همینطور در فصل سوم قانون اساسی نیز به آن اشاره شده، لذا قانون کار بعد از قانون اساسی به عنوان خط قرمز مردم و کارگران مطرح و تضعیف و نابودی آن مساوی با نابودی حاکمیت قانون و حقوق حقه ملت و جامعه کارگری و هیچ فرد و نهادی حتی دولت و مجلس نیز حق تضییع حقوق ملت را ندارند.

در ادامه متن این طومار می‌خوانیم: طبق اصل 9 قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

در پایان این متن، آمده است: لذا جامعه کارگری ایران که 54 درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد خواهان عودت این لایحه به دولت هستند.

9آبان: کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری:

«در حمایت از بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد»

سندیکای کارگران شرکت واحد تهران طی بیانیه ای در تاریخ چهارشنبه 5 آبان 1395 و در اعتراض به جلوگیری از تغییرات ضد کارگری در قانون کار، از تمامی کارگران و مزد بگیران، اعم از کارگران بخش های صنعتی، خدماتی، کشاورزی، معلمان، دانشجویان، پرستاران و توده های مردم زحمتکش و تحت ستم کشور که تغییرات ضد کارگری قانون کار شرایط کار و زندگی آنان و آینده فرزندان شان را هدف قرار داده، درخواست کرده است که با امضای طومار مورد نظر این سندیکا - که در سایت

سندیکای شرکت واحد و همچنین بسیاری دیگر از سایت ها موجود می باشد - به "لایحه" ضدکارگری «اصلاح قانون کار» اعتراض نموده و مخالفت خود را با این تغییرات و به اصطلاح "اصلاحات" اعلام نمایند. سندیکای کارگران شرکت واحد در همین بیانیه اعتراضی به درستی می گوید: "گرچه قانون کار کنونی نیز مانع از بی حقوقی ما کارگران نشده و اجازه تشکل مستقل غیر دولتی را از ما کارگران سلب کرده است، اما روشن است که در صورت تصویب چنین لایحه ای، نیروی کار در ایران از این نیز ارزان تر گردیده و مزایای ناچیز کنونی نیز کاهش پیدا خواهد کرد."

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری نیز همچون سندیکای کارگران شرکت واحد، «لایحه اصلاح قانون کار را جنگ دیگری علیه کارگران ایران» دانسته و پیش تر طی بیانیه ای تحت همین عنوان اعلام کرده است که :

"دولت روحانی در واقع با ارائه مجدد این "لایحه" به مجلس، بار دیگر در صدد برآمده است تا به اصطلاح در شرایط "پسا برجام" و در اوضاع و احوالی که به گمان این دولت، تحریم ها پایان یافته اند، با ایجاد شرایط بازهم امن تری برای سرمایه گذاری و استفاده از نیروی کار ارزان کارگران در ایران، رضایت خاطر بیش از پیش صاحبان سرمایه و کارفرمایان را فراهم نموده و اوضاع و شرایط را به گونه ای رقم بزند که دیگر جایی برای گله - گذاری و ناخشنودی آنان از دولت ایشان باقی نمانده باشد. اگر چه چنین اهداف و برنامه هایی به قیمت تشدید فقر و فلاکت کارگران و بی حقوقی مطلق آنان تمام شده و آحاد هرچه بیش تری از طبقه کارگر را به گرداب فقر و فلاکت پرتاب کند. به جریان انداختن مجدد "پیش نویس اصلاحیه قانون کار" و ارائه مواد و بندهایی از آن به مجلس حامی سرمایه، برای تأیید و تصویب، بدون تردید با چنین اهداف و مقاصدی صورت گرفته و می گیرد. صاحبان سرمایه و دولت در واقع درصددند تا با تهیه و تنظیم چنین طرح ها و لوایحی، سلطه بیش از پیش سرمایه بر جزء جزء روابط کار و تولید را تضمین نموده و مطابق با اهداف و مقاصد خویش به جریان بیندازند."

این "کمیته" همچنین وظیفه خود می داند تا به سهم خویش از این اعتراض برحق حمایت نموده و به شکل فعال و مؤثری از آن پشتیبانی نماید. کمیته هماهنگی همچنین از همه مزد بگیران اعم از کارگران صنعتی، خدماتی، معلمان پرستاران، کارگران آگاه و فعالان کارگری می خواهد تا بهر شکل ممکن، مخالفت خود را با تغییرات ضدکارگری در قانون کار اعلام نموده و به اعتراض علیه تصویب آن بپردازند .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

9/8/95

9آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد انبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضا کننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب بااصلاح لایحه «اصلاح قانون کار» (صفحات پنجم و ششم)

صفحه پنجم اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

ردیف	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	ردیف	نام نام خانوادگی	شغل	
1	امراهه قاشمی	شرکت واحد	21	محسن شیری	شرکت واحد	41	حسین شمس	شرکت واحد
2	یوسف شهبانی	شرکت واحد	22	رسول خزانی	شرکت واحد	42	رضا تبریزی	شرکت واحد
3	مصطفی چارخانی ابانلو	شرکت واحد	23	بهروز لطیفی اقدم	شرکت واحد	43	علی سیف	شرکت واحد
4	ابراهیم مشیری صومعه	شرکت واحد	24	محمود کریمی	شرکت واحد	44	مرتضی حیدری	شرکت واحد
5	حمید رضا موسوی	شرکت واحد	25	سید علیدین حسینی	شرکت واحد	45	فرامرز شهبازی	شرکت واحد
6	غیرضا مشهدی	شرکت واحد	26	محمد تقی دیندار	شرکت واحد	46	حسین مقدم	شرکت واحد
7	حسن ارشد	شرکت واحد	27	حسین حنیفی	شرکت واحد	47	منوچهر محمدی	شرکت واحد
8	حجت آله حبیبی	شرکت واحد	28	غیرضا حاجی حتم نو	شرکت واحد	48	فاسمعی مشکي	شرکت واحد
9	جاوید عمران پور	شرکت واحد	29	عباسی عباسی	شرکت واحد	49	مهران عربی	شرکت واحد
10	موسی شیخ	شرکت واحد	30	علی نریمان	شرکت واحد	50	محمد صالحی	شرکت واحد
11	جعفر فرمائی	شرکت واحد	31	حجت آله صادی	شرکت واحد	51	عارف نوری	شرکت واحد
12	رحیم فرجی	شرکت واحد	32	محمد احمدی	شرکت واحد	52	مهدی کریم آبادی	شرکت واحد
13	حمید میره کی	شرکت واحد	33	محمد رضا ربیعی	شرکت واحد	53	رضا شطیعی	شرکت واحد
14	علی نفاقی	شرکت واحد	34	محمد رضا قربان خانی	شرکت واحد	54	مهدی کبکادی	شرکت واحد
15	رمضان رحیمی	شرکت واحد	35	اکبر رحیمی	شرکت واحد	55	عبداله گنج خاتو	شرکت واحد
16	رضا مرادی	شرکت واحد	36	ارشدیر اسماعیلی	شرکت واحد	56	محسن نور زاده	شرکت واحد
17	مهدی فخاری	شرکت واحد	37	محبوب معصومی	شرکت واحد	57	حسن باقری	شرکت واحد
18	حمید پاشایی	شرکت واحد	38	حسن سورانی	شرکت واحد	58	رمضان مختار زاده	شرکت واحد
19	علی محرابی	شرکت واحد	39	جلال بشیری	شرکت واحد	59	حسن سالاروندیان	شرکت واحد
20	ابراهیم شیخ زاده	شرکت واحد	40	ابوب فضیایان	شرکت واحد	60	علی حمنلو	شرکت واحد

صفحه ششم اساسی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

ردیف	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	ردیف	نام نام خانوادگی	شغل	
1	بهمن جباری	شرکت واحد	21	شاهرخ زارع	شرکت واحد	41	مهدی سطلانی	شرکت واحد
2	کافظم واعظی	شرکت واحد	22	ناصر امیرآبادی	شرکت واحد	42	منصور نصیری	شرکت واحد
3	رضا سیمپاری	شرکت واحد	23	ابوالحسن سبزی	شرکت واحد	43	محمود بیات	شرکت واحد
4	تاجر ولی پور	شرکت واحد	24	سعید حامدی کیا	شرکت واحد	44	داریوش خسروپایی	شرکت واحد
5	سعید رسولی	شرکت واحد	25	بهمن تشرقی	شرکت واحد	45	رضا یوسفی	شرکت واحد
6	محسن ابوالحسنی	شرکت واحد	26	کیوان براتی	شرکت واحد	46	عبداله احمدیان	شرکت واحد
7	اکبر بدایفی	شرکت واحد	27	ابوالفضل امیری زاده	شرکت واحد	47	رضا همتی	شرکت واحد
8	غیرضا قاسمی سرستانی	شرکت واحد	28	رضا حسینی	شرکت واحد	48	بیمان حیدری	شرکت واحد
9	مصطفی شمس احمدی	شرکت واحد	29	حنیف مید پاشی	شرکت واحد	49	سامان میرزا ایبکی	شرکت واحد
10	مهدی فضانکی	شرکت واحد	30	فریان یازوبندی	شرکت واحد	50	سید جلال بی نیاز	شرکت واحد
11	داریوش ویکتی	شرکت واحد	31	نصراله اسماعیلی	شرکت واحد	51	حسن کشاورز	شرکت واحد
12	سید امیر حسینی	شرکت واحد	32	مجید نجفی	شرکت واحد	52	مرتضی نوظهور	شرکت واحد
13	غلامرضا رنجبر	شرکت واحد	33	محمد تهوری	شرکت واحد	53	داریوش رجایی	شرکت واحد
14	محمد طاهای	شرکت واحد	34	علی زین العابدین	شرکت واحد	54	محمد رضا مصری خانی	شرکت واحد
15	رضا فتحی	شرکت واحد	35	حسین قدرتی	شرکت واحد	55	مجید اسدی اسفرانی	شرکت واحد
16	حسن سلیمانی	شرکت واحد	36	بهرام علایی	شرکت واحد	56	علی اصغر مسعود نژاد	شرکت واحد
17	مهدی عسگری	شرکت واحد	37	حبیب غلامزاده	شرکت واحد	57	حسینعلی حمیدی	شرکت واحد
18	سید رضا اردبیلی	شرکت واحد	38	علی سینا لقیه	شرکت واحد	58	بهروز رضایی	شرکت واحد
19	رضا سیفی	شرکت واحد	39	بهنام خزانی	شرکت واحد	59	ناصر خادمی	شرکت واحد
20	مهدی حسین زاده	شرکت واحد	40	محسن حسینی فلخر	شرکت واحد	60	عبداله امیری	شرکت واحد

منبع: <https://telegram.me/vahedsyndica>

۱۸آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

انتشار اسامی امضاکننده طومار اعتراضی به تغییر و حذف ضد کارگری بسیاری از مواد قانون کار در غالب باصلاح لایحه «اصلاح قانون کار»

صفحه اول اساسی معترضان به حلف و با تغییر ضد کاری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	شماره	نام نام خانوادگی	شغل
1	رضا شهباشی	شرکت واحد	روح اله محمدی	شرکت واحد	41	داود طالبی	شرکت واحد
2	سید داود رضوی	شرکت واحد	سعید عابدی	شرکت واحد	42	مهدی شکر اله زاده	شرکت واحد
3	سید رسول طالب مقدم	شرکت واحد	علی قهرمانی	شرکت واحد	43	محمد کرشاهی	شرکت واحد
4	مجید شکرپان	شرکت واحد	سعید سهیلی	شرکت واحد	44	حسین فریانی	شرکت واحد
5	محمد اصلاقی	شرکت واحد	داود قنبری	شرکت واحد	45	سیاوش قاری حقیقت	شرکت واحد
6	ناصر محرم زاده	شرکت واحد	مسلم زندی	شرکت واحد	46	سید مهرداد موسویان	شرکت واحد
7	مرتضی کسبازی	شرکت واحد	کریم فخر	شرکت واحد	47	رضا فرنام	شرکت واحد
8	علی اکبر پیرهادی	شرکت واحد	حسن نجفی	شرکت واحد	48	رسول نبی لو	شرکت واحد
9	امیر تاجیری	شرکت واحد	مهدی ناجی	شرکت واحد	49	محمد اسماعیل احمدی	شرکت واحد
10	وحید فریدونی	شرکت واحد	مرتضی مرادی	شرکت واحد	50	حمید رضا زهره وند	شرکت واحد
11	محمد ابراهیم رضی	شرکت واحد	میروالد سلیمانی	شرکت واحد	51	علی اکبر جنگی	شرکت واحد
12	حسن سعیدی	شرکت واحد	محمد رضا صدیقی	شرکت واحد	52	فاسم طحجانی	شرکت واحد
13	سید رضا نعمتی پور	بازنشسته شرکت واحد	سید رضا طالب مقدم	شرکت واحد	53	احمد یوسلی	شرکت واحد
14	علیرضا یوسلی	شرکت واحد	داریوش نعمتی	شرکت واحد	54	مجید سکوته	شرکت واحد
15	ابراهیم حیدری	شرکت واحد	احمد محمدی	شرکت واحد	55	محمد رضا عدالتی شریف	شرکت واحد
16	حسین کریمی سبزواری	شرکت واحد	فاسم نین محمدی	شرکت واحد	56	حمزه اشرفی پور	شرکت واحد
17	فرحناز شیری	شرکت واحد	علیرضا اسدی	شرکت واحد	57	فاسم عباسی	شرکت واحد
18	عباس نژاد گودکی	بازنشسته شرکت واحد	یحیی حشمتی	شرکت واحد	58	احمد مخفاری	شرکت واحد
19	سلطنتعلی شکاری	بازنشسته شرکت واحد	رضا ادهم نژاد	شرکت واحد	59	فرزام ظهوری	شرکت واحد
20	ابراهیم نوروزی گوهری	بازنشسته شرکت واحد	خسرو رحیم زاده	شرکت واحد	60	امید صدیقی زاده	شرکت واحد

صفحه دوم اساسی معترضان به حلف و با تغییر ضد کاری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام نام خانوادگی	شغل	نام نام خانوادگی	شغل	شماره	نام نام خانوادگی	شغل
1	مرتضی وشاقی	شرکت واحد	یوسف افشار	شرکت واحد	41	سید غالب حسینی	شرکت واحد
2	علی خواری صدیقی	شرکت واحد	مصطفی رشیدی	شرکت واحد	42	سیما احسان خواه	شرکت واحد
3	علی نوری	شرکت واحد	محمد محمود مولایی	شرکت واحد	43	مهدی میر نورقی	ازاد
4	فرهاد مجدی	شرکت واحد	اصغر فرهادی	شرکت واحد	44	زهره جنید فرد	شرکت واحد
5	علی پور گرمی	شرکت واحد	شهرام نیک جان	شرکت واحد	45	حمید رضا ایزد پاری	شرکت واحد
6	محمود شاکر	شرکت واحد	حسین اکبری	شرکت واحد	46	روزبه درنشان	شرکت واحد
7	سعید معبودی	شرکت واحد	مرضیه شاه کریمی	شرکت واحد	47	شهره حسینی مقدس	شرکت واحد
8	سید یحیی مرتضوی	شرکت واحد	مریم زندانیها	شرکت واحد	48	رضا آقایی	شرکت واحد
9	سید ابوالقاسم حسینی	شرکت واحد	احسان میرزاوند	شرکت واحد	49	ایمان میرزاوند	شرکت واحد
10	حسن مشک زاده	شرکت واحد	یاسر فلاوند	شرکت واحد	50	مریم موسوی	شرکت واحد
11	محمد ابراهیمی	شرکت واحد	سیاوش فلاوند	شرکت واحد	51	داود اسدی	شرکت واحد
12	حسین علی قالیچی	شرکت واحد	حامد فلاوند	شرکت واحد	52	حاتم صدیقی	شرکت واحد
13	عبداله خشیج	شرکت واحد	احمد فلاوند	شرکت واحد	53	سعید جواهری	شرکت واحد
14	محمد اسماعیل رضایی	شرکت واحد	اکرم سادات محمدی	معلم	54	حسین حبیبی	شرکت واحد
15	حمید تاجیک	شرکت واحد	مهدی ارجمندیان	دانشجوی برق صنعتی	55	دلیر سفیدی	شرکت واحد
16	اکبر رزمی	شرکت واحد	مهرداد ارجمندیان	کارگر	56	علی اوسط طالبی	شرکت واحد
17	بهرام اکبری	شرکت واحد	محمد علی ارجمندیان	راننده	57	نسرین رحیمی	خانه دار
18	سعید امامی	شرکت واحد	فاطمه محمدی	خانه دار	58	ربابه رضایی	خانه دار
19	یداله سلطانی	شرکت واحد	فرامرز مہار	کارگر آزاد	59	علی سعیدی	بیکار
20	جمشید طاهری رستمی	شرکت واحد	محمود محمدی	از کار افتاده	60	کاظم فرج الهی	تکنسین برق بازنشسته

صفحه سوم اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	شماره	نام خانوادگی	شغل
1	میترا همایونی	کارگر بازنشسته	21 پاسر رخشنده	41 شادی امین	مربی لگو		
2	سعید مقدم	کارگر بازنشسته	22 سید مجتبی حسینی	42 فریبا فردی	تئیر ریاضی		
3	بشیر علیزاده		23 یوسف عیدی	43 انیسه خسرو شاهی	معاون مترسره		
4	لیلا ارغوانی		24 بهاره کریمی	44 رضا ولی زاده			
5	مریم رحمتی		25 فرزاد علیزاده	45 اکبر بخشی			
6	علی سالکی		26 رضا اقدسی	46 رسول صدیقی			
7	محمد ولید آبادی	کارگر	27 لطیف روزیخواه	47 محمد مهنپور			
8	قدرت اله بختیاری	کارگر	28 حسین عارفی	48 مجتبی باشی			
9	محرم کتبی قلعه	کارگر	29 علی علمداران	49 فاضل بیات			
10	شهناز ایزد پور	خانه دار	30 مهدی اسلانی	50 رضا صیبری			
11	مژگان ایزد پور	خانه دار	31 مهروی خدا شناس	51 حمید رضا بشیری			
12	مهدی شبنمتری راد	شرکت واحد	32 شیمایا پوری	52 علی انصاری			
13	زرتشت احمدی راهب		33 زهره حاتمی	53 خسرو گلشن زمانی			
14	فانم عباسی		34 فاطمه رضایی	54 حسن صلیبی			
15	ار شام یامینی		35 لیلا اسدی	55 علیرضا وردی زاده			
16	مجتبی کاظم نو		36 الهه محمدی	56 حسین قدیری			
17	ریبه موسوی		37 ندا بیرامی	57 ناصر چشمی			
18	حمیدرضا فرماتی		38 زهره طبیبیان	58 حسین ورچقی			
19	ابوالفضل شریفی		39 منیر منتظری	59 محسن یوسفیان			
20	روژان مظفری		40 لاله امینی	60 مجتبی یوسف زاده			

صفحه چهارم اسامی معترضان به حذف و یا تغییر ضد کارگری بسیاری از مواد حمایتی قانون کار در غالب لایحه «اصلاح قانونکار»

شماره	نام خانوادگی	شغل	نام خانوادگی	شغل	شماره	نام خانوادگی	شغل
1	غلامرضا حجازیان	شرکت واحد	21 حمید محمدی	شرکت واحد	41 حسن دمیرچی	شرکت واحد	
2	علیرضا عسگری	شرکت واحد	22 علیرضا اسلامی	شرکت واحد	42 ابراهیم میرعبدالهی	شرکت واحد	
3	آزاد روشنی	شرکت واحد	23 ابوالفضل گرمی	شرکت واحد	43 حسین مرادی	شرکت واحد	
4	محمد رضا تندرانی	شرکت واحد	24 عبدالحمید صیور	شرکت واحد	44 فرهاد همونه	شرکت واحد	
5	سید جعفر نرگشمان	شرکت واحد	25 غنی ثوری شاد	شرکت واحد	45 حجت اله موگویی	شرکت واحد	
6	امیر رحمتی	شرکت واحد	26 ابراهیم کاظم نو	شرکت واحد	46 سید حسین فالخری	شرکت واحد	
7	امیر سامان رضایی	شرکت واحد	27 مجید میرزا خانلو	شرکت واحد	47 فادر رضایی	شرکت واحد	
8	مجید زارعی	شرکت واحد	28 علیرضا نظری	شرکت واحد	48 انور شیر پناهی	شرکت واحد	
9	محمد حسن انعامی	شرکت واحد	29 فرهاد پام شاد	شرکت واحد	49 غلامعلی ابراهیمی	شرکت واحد	
10	مهران کریمی	شرکت واحد	30 حسین همتی	شرکت واحد	50 علی باقری	شرکت واحد	
11	علی حبیبی	شرکت واحد	31 مجید مرادی	شرکت واحد	51 عادی منیری	شرکت واحد	
12	رحیم ونودجی	شرکت واحد	32 مجید ترکمان پری	شرکت واحد	52 قدرت اله جراتی	شرکت واحد	
13	یوسف محمودی	شرکت واحد	33 خلیل خوبان	شرکت واحد	53 اکبر مقصومی	شرکت واحد	
14	جعفر میرزایی	شرکت واحد	34 سید تقی معقوفی	شرکت واحد	54 سعید بیگنکی	شرکت واحد	
15	حسین صفایی نیا	شرکت واحد	35 علیرضا شناس	شرکت واحد	55 مهرداد مهدی پور	شرکت واحد	
16	داود فکوری	شرکت واحد	36 ابرج معینی	شرکت واحد	56 محمد رضا علمی	شرکت واحد	
17	یوسف قاسمی	شرکت واحد	37 اسماعیل فرزین نهاد	شرکت واحد	57 محمد حسن فیض پور	شرکت واحد	
18	زمان ایش شادلو	شرکت واحد	38 امیر حسین اردی خانی	شرکت واحد	58 بهروز اکبری فرد	شرکت واحد	
19	مجید ثابت مهر	شرکت واحد	39 عباس فرجیان	شرکت واحد	59 محمد نبینی	شرکت واحد	
20	پرویز اسماعیلی	شرکت واحد	40 وحید جورانی	شرکت واحد	60 محمد محمد پور	شرکت واحد	

منبع: <https://telegram.me/vahedsyndica>

5آبان: پیش بسوی اعتراض و جلوگیری از تغییرات ضد کارگری در قانون کار

با توجه به اعلام کمپین علیه نابودی قانون کار توسط سندیکای برادر ، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با حمایت از این کمپین به همکاری به این اعتراض می پیوندد.

در بخشی از فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد آمده است:

«سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از تمام مزد بگیران، اعم از کارگران زحمتکش بخش های صنعتی، خدماتی، کشاورزی، معلمان، دانشجویان، پرستاران و مردم، که تغییرات ضد کارگری قانون کار آینده فرزندانشان را هدف قرار داده درخواست دارد با امضای طومار اعتراض به لایحه باصلاح «اصلاح قانون کار» مخالفت خود را با این تغییرات ضد کارگری در قانون کار اعلام دارند.»

از همه اعضا و دستداران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و دیگر سندیکاهای کارگری می خواهیم به این کمپین اعتراضی پیوسته و با تمام قوا به جمع آوری امضا مبادرت ورزند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

5آبان: اعتراض جمعی از کارگران صنایع خودروسازی نسبت به لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد -روحانی و جلوهگیری از تشکل یابی از پایین!

جمعی از کارگران صنایع خودروسازی ضمن اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد -روحانی، با اشاره به راه اندازی اتحادیه کارگران خودروساز(اخباروگزارشات کارگری:بخوان تشکل دست ساز حکومتی وزیرشاخه خانه کارگر) خواهان تشکل یابی از پایین و فعالیت های کارگری فراگیر شدند.

کارگران مذکور با اشاره به نبود نهاد کارگری در واحدهای خودروسازی در سالهای گذشته بر فشار کاری آنها و دیگر همکاران شاغل آنها در بخش های مختلف این صنعت افزوده است، یادآور شدند: تبعات رکود اقتصادی نیز مزید بر علت شده و بنابراین شرایط کاری آنها و دیگر همکارانشان در حال حاضر دوچندان دشوار شده است.

کارگران یاد شده با تاکید براینکه تا این لحظه سهم آنها و دیگر همکارانشان از رونق اقتصادی چیزی جز افزایش استرس و فشار شغلی و بالا رفتن احتمال آسیب پذیری در مقابل حوادث کار نبوده است، افزودند: به منظور تضمین حمایت های اجتماعی از نیروی کار و تغییر شرایط در جهت بهبود وضعیت شغلی کارگران خودرو سازی، خواهان فراگیر شدن فعالیت های کارگری و به طور مشخص خواستار تشکل یابی از پایین هستیم.

آنها با یادآوری این واقعیت که در نتیجه شرایط حاکم در بازار کار کشور بسیاری از جنبه های حمایتی مربوط به نیروی کار در معرض حذف و نادیده گرفته شدن توسط کارفرمایان دولتی و خصوصی است، افزودند: اگر در کارگاه های خودرو سازی امکان انجام فعالیت های کارگری وجود می داشت امروز قطعاً شرایط شغلی کارگران این صنعت در موقعیت بهتری بود.

این کارگران خودروسازی در ادامه افزودند: با توجه به فراوانی کارگران شاغل در صنعت خودرو، این کارگران می توانند تاثیر مثبتی بر فعالیت های صنفی سراسری و کلان کارگران کشور گذاشته و باعث ارتقاء توان چانه زنی جامعه کارگری در گفتگو با طرف های کارفرمایی و دولتی بشود.

آنها در پایان تصریح کردند: تنها فراهم آوردن امکان کنش صنفی فراگیر و همگانی می تواند مشکلات کارگران خودروساز را مرتفع کند.

بخشی از یک گزارش ایلنا بتاريخ 5آبان

3آبان: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

پیش بسوی اعتراض و جلوهگیری از تغییرات ضد کارگری در قانون کار

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از تمام مزد بگیران، اعم از کارگران زحمتکش بخش های صنعتی، خدماتی، کشاورزی، معلمان، دانشجویان، پرستاران و مردم، که تغییرات ضد کارگری قانون کار آینده فرزندانشان را هدف قرار داده درخواست دارد با امضای طومار اعتراض به لایحه باصطلاح «اصلاح قانونکار» مخالفت خود را با این تغییرات ضد کارگری در قانون کار اعلام دارند.

لطفا اسامی خود را به ایمیل آدرس vsyndica@gmail.com

و یا به آدرس تلگرام @pvsyndica ارسال نمایید.

ما کارگران ایران خواهان لغو فوری لایحه ضد کارگری "اصلاح قانون کار" هستیم!

لایحه تقدیمی دولت تدبیر و امید به مجلس شورای اسلامی مواد حمایتی قانون کار از جمله مواد ۷، ۱۰، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۴۱ حذف کرده و یا تغییر داده است. گر چه قانون کار کنونی نیز مانع از بی حقوقی ما کارگران نشده و اجازه تشکل مستقل غیر دولتی را از ما کارگران سلب کرده است، اما روشن است که در صورت تصویب چنین لایحه ای نیروی کار در ایران از این نیز ارزان تر گردید و مزایای ناچیز کنونی کاهش پیدا کرده است.

با وجود ضرورت تغییرات اساسی در فصل ششم قانونکار و تطبیق آن با مقوله های بین المللی برای برسمیت شناختن سندیکاهای کارگری و دیگر تشکلات کارگری مستقل از دولت و کارفرمایان، و برسمیت شناختن حق گردهمایی، تحصن و اعتصاب برای کارگران، در این باصطلاح «لایحه اصلاح قانونکار» اقدامی صورت نداده اند.

گویا مهمترین "تدبیر" این دولت، همچون دولتهای پیشین، دست بردن به منافع کارگران است. دولت بجای دست بردن به حقوق کاری، که حاصل سال ها زحمت و تلاش کارگران بوده است؛ باید به مسئله فساد و بیکاری و تورم افسار گسیخته که کمر کارگران و فرودستان را خم کرده است بپردازد. چرا به جای دست درازی به مواد حمایتی قانون کار که بخشی از حقوق حداقلی کارگران را تامین می کند؛ به فسادهای گسترده ای که کل جامعه را در بر گرفته و هر روز رانت خواری و اختلاس های میلیاردری و ناکارآمدی مدیران دولتی و حکومتی که صدایش گوش مردم را کر کرده است نمی پردازد؟

هم اکنون بخش عظیمی از صنایع تعطیل شده است و هر روز شمار بیشتری بر میلیون ها بیکار افزوده می شود. دولت به جای حمایت از بیکاران و متقاضیان کار حمله به تنها مواد حمایتی قانون کار را یکی از الویت های اصلی خود قرار داده است.

تغییر مواد حمایتی مربوط به شرایط استخدام در رابطه با کارهای دائمی وموقت، مفاد ماده ۷ و همچنین بی ثمر کردن ماده ۴۱ قانون کار وتبصره هایش در رابطه با تعیین حداقل دستمزد، دادن اختیار کامل به کارفرما در رابطه با اخراج کارگران که یادآور ماده ۳۳ قانون کار پیش ازانقلاب است؛ همه و همه گامی به سوی بردگی کامل کارگران ومزد بگیران ایران است. در شرایطی که مزد کارگران ایران به پایین ترین سطح دریافتی کارگران در سراسر جهان رسیده است و دستمزد کنونی بمیزان یک چهارم نرخ ریالی خط فقر تعیین شده را شامل نمی شود، ارایه این لایحه به مجلس و تصویب آن به این معنا است که به دنبال توافقات برجام دولت قصد دارد بهشت را برای سرمایه داران ایران و شرکتهای بین المللی هر چه آماده تر کند.

ما کارگران بخشهای مختلف صنعتی، خدمات عمومی، کشاورزی و آموزشی ایران اعلام می داریم که حمله به حقوق ابتدایی کارگران تحت عنوان "اصلاح قانون کار" تنها جهت تامین منافع کارفرمایان و سرمایه داران داخلی و بین المللی تدوین شده است و خواهان لغو فوری این لایحه ضد کارگری که زندگی و مرگ ما را هدف قرار داده است، هستیم.

ما اعلام می داریم در صورت اصرار دولت برای تصویب لایحه ی ضد کارگری اعتراض، تجمع و اعتصاب را حق مسلم خود می دانیم.

۴آبان: طومار اعتراضی بیش از ۲۰۰۰ کارگر معدن چادرملو نسبت به لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی!

۲۱۰۰ نفر از کارگران معدن چادرملو طوماری امضا کردند و در آن از نمایندگان مجلس خواستند که با توجه به کاستی های آشکار لایحه اصلاح قانون کار، از بررسی آن در مجلس صرف نظر و آن را به دولت برگردانند.

به گزارش ۴آبان ایلنا، در متن این طومار آمده است: قانون کار به عنوان تبیین کننده حقوق اولیه و اساسی هر فرد از افراد جامعه از جمله کارگران کشور است که در اصول ۲، ۳، ۹ و ۴۲ و همینطور در فصل سوم قانون اساسی نیز به آن اشاره شده، لذا قانون کار بعد از قانون اساسی به عنوان خط قرمز مردم و کارگران مطرح و تضعیف و نابودی آن مساوی با نابودی حاکمیت قانون و حقوق حقه ملت و جامعه کارگری و هیچ فرد و نهادی حتی دولت و مجلس نیز حق تزییع حقوق ملت را ندارند.

در ادامه متن این طومار می خوانیم: طبق اصل ۹ قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

در پایان این متن، آمده است: لذا جامعه کارگری ایران که ۵۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهد به دلایل ذیل خواهان عدم بررسی لایحه اصلاح قانون کار در مجلس وعودتش به دولت هستند.

۱- لایحه اصلاح قانون کار مغایر با قانون اساسی است.

۲- قانون کار باید جامع باشد، یعنی جنبه و رویکرد آن در حمایت از کارگران باشد، مانع باشد از ظلم وستم بهره کشی و استثمار کارگران جلوگیری کند، این لایحه این ویژگی ها را ندارد.

۳- لایحه اصلاح قانون کار مغایر با مواد ۲۵ و ۷۲ قانون برنامه پنجم توسعه است.

۴- لایحه اصلاح قانون کار حاکمیت اراده کارگر در عقد قرارداد کار را نابود کرده و روابط کار ظالمانه را به دنبال خواهد داشت.

۵- در لایحه اصلاح قانون کار شاهد نابودی تشکلهای کارگری و مذاکرات سه جانبه هستیم.

۶- با لایحه اصلاح قانون کار حق اعتراضات و اعتصابات صنفی از کارگران دریغ شده است.

۷- با لایحه اصلاح قانون کار افزایش حداقل دستمزد سالیانه کارگران را نخواهیم داشت.

۸- با لایحه اصلاح قانون کار منابع سازمان تامین اجتماعی نابود خواهد شد و به دنبال آن شاغلان و بازنشستگان با بحران جدی روبرو خواهند شد.

۲۸مهر: سندیکای کارگران نقاش استان البرز:

علیه اصلاحیه قانون کار و در محکومیت محاکمه و زندانی کردن کارگران و معلمان!

لایحه اصلاحیه ی قانون کار که از سوی دولت به مجلس ارایه شده، بخشی از اصلاحیه های سابق قانون کار است که همگی علیه کارگران بوده و همان حداقل حقوق کارگران مندرج در قانون کار فعلی را نیز از آنان سلب می کند.

این تازه ترین مورد دست اندازی به باقی مانده های حقوق «قانونی» کارگران، در شرایطی است که از یک سو معیشت همه ی جامعه و به ویژه طبقه ی کارگر در شرایط فلاکت باری قرار دارد (به طوری که آمارهای جنجال آمیز اخیر در مورد خط فقر، میزان بیکاری، اعتیاد و خودکشی جوانان مؤید آن است) و از سوی دیگر عرصه ی واکنش تدافعی و فعالیت بر کارگران و تشکلهای «مستقل» کارگری تنگ تر و تنگ تر شده است.

حتی ابتدایی ترین اعتراض کارگری برای دریافت حقوق معوقه بلافاصله با نیروی انتظامی و احکام کیفری عهد بربریت مثل «شلاق» پاسخ می گیرد؛ دیگر چه رسد به اقدام به ایجاد تشکل برای اعتراض علیه خصوصی سازی، اخراج ها، بیکاری تحمیلی، دستمزدهای چهار بار زیر خط فقر، قراردادهای سفیدامضا و پولی شدن مدارس و دانشگاه ها و خروج اجباری

کودکان از چرخه تحصیل و پیوستن به کودکان کار و خلاصه فهرستی بلندبالا که نیاز به ذکر نیست، چون واقعیت ملموس و روزمره ی زندگی ما است. در عوض آن سوی دیگر این وضعیت، افشای حقوق نجومی مدیران، املاک نجومی و اختلاس های صندوق ذخیره ی فرهنگیان و ده ها قلم دیگر است که قدری ناچیز از آن می تواند به چنین حجمی از فلاکت پایان دهد. اعتراض اکثریتی که زیر بار چنین نابرابری و شکافی دارد له می شود، طبیعی ترین واکنش است که با محاکمه و دستگیری با اتهامات موهوم و ساختگی رو به رو می شود.

در این راستا است که اخیراً دو تن از اعضای هیات مدیره ی اتحادیه ی آزاد کارگران ایران، جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه و شاپور احسانی راد از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شعبه ی اول دادگاه انقلاب ساوه هر کدام محکوم به 11 سال حبس شده اند! هم چنین در حالی که تعداد بسیاری از فعالین کارگری و معلمان در زندان هستند، علیه اسماعیل عیدی و محمود بهشتی نیز احکامی ناروا صادر شده است.

جالب اینجاست که 10 سال از احکام صادر شده علیه هر کدام از فعالین کارگری یاد شده (جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد) به خاطر «ایجاد تشکل کارگری» صادر شده است! این در حالی است که طبق قانون داخلی و جهانی هر کارگری حق دارد بدون دخالت کارفرما و دولت هر تشکلی که مایل است بسازد و طبق قانون هر کسی در هر مقامی مانع ایجاد تشکل توسط کارگران گردد مجرم شناخته می شود. بنابراین طبق قانون جلوگیری از ایجاد تشکل جرم بوده و محاکمه کارگران به اتهام ایجاد تشکل جرم مضاعف است.

احکام صادره علیه فعالین کارگری و معلمان و غیره، آن هم به خصوص بعد از توافقات «برجام»، به وضوح نشان می دهد که این روند علاوه بر ارزان نگاه داشتن نیروی کار و ارزان تر کردن آن، عزم برخاموش نگاه داشتن کارگران در برابر تعرض به سفره معیشت شان را دارد.

سندیکای کارگری نقاشان البرز قویاً این احکام را محکوم می کند و خواهان تجدید نظر و لغو فوری احکام صادره علیه فعالین کارگری است و از حق تشکل برای کارگران، زنان، دانشجویان و ... حمایت می کند.

همچنین ضمن حمایت از برقراری و رشد تشکل های موجود کارگری و معلمی و پرستاران، از تمامی این اقبشار دعوت به ایجاد هر چه بیشتر تشکل های خود و سوق دادن آن ها به سمت سراسری و همبستگی می کند. هیچ نیرویی کاراثر و برآثر از اتحاد طبقاتی نیست.

سندیکای نقاشان البرز

28 مهر 1395

27مهر: گزارش تجمع کارگری در مقابل مجلس شورای اسلامی در اعتراض به لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار

از ساعت ده صبح امروز و همزمان با آغاز بررسی لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار جمعی از کارگران تهران با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران دست به تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند. در این تجمع که تا ساعت 12 ظهر ادامه داشت کارگران شعار میدادند: لایحه این دولت بردگی کارگر - معیشت منزلت حق مسلم ماست - قرارداد موقت بردگی کارگر - اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار- امید کارفرماها کارگر خاموشه، تدبیر دولتمردان کارگر ارزونه - کارفرمایان بدانند کارگر خاموش همیشه - دولتیان بدانند کارگر ارزون همیشه و... فایل صوتی شعارهای این تجمع بر روی کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران است*.



همچنین در این تجمع پلاکاردهای زیادی به چشم میخورد که بر روی آنها مطالبات کارگران و شعارهایی در اعتراض به لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار نوشته شده بود: بر روی بنر بزرگ این تجمع نوشته شده بود: **ماخواهان اجرای فوری ماده 41 قانون کار برای افزایش فوری دستمزدها، بر چیده شدن قراردادهای موقت، حق برپائی تشکلهای مستقل کارگری و ایجاد تغییرات مناسب در قانون کار به نفع یک زندگی انسانی برای کارگران و مزد بگیران زحمتکش هستیم - اتهامات امنیتی باید از پرونده های فعالین صنفی خارج شود - با تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار پایه های قانون تامین اجتماعی متزلزل خواهد شد - لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار یک بازگشت به عقب بی سابقه و تثبیت و گسترش بردگی محض ما کارگران ایران است - با تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار در مدت کوتاهی صدها هزار کارگر بصورت دسته جمعی اخراج خواهند شد و حق اعتراض از کارگران برای اخراج سازبها سلب خواهد شد - قانون کار فعلی عامل رواج قراردادهای موقت و بی حقوقی ما کارگران است، ما خواهان تغییر این قانون برای تضمین امنیت شغلی و اعمال مقابله نامه های 87 و 98 سازمان جهانی کار در آن هستیم - بررسی لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس باید فوراً متوقف و این لایحه ضدکارگری معدوم باید گردد و...**

در پی این تجمع و با توجه به اینکه تجمع کنندگان اعلام کرده بودند بدون حضور رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در میان شان به تجمع خود پایان نخواهند داد حدود ساعت 12 ظهر با حضور یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس و توافق بر سر انتخاب سه نماینده از تجمع کنندگان جهت حضور در جلسه کمیسیون اجتماعی مجلس، کارگران معترض به تجمع خود پایان دادند و نماینده های آنان پروین مجددی و ناهید خداجو از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اشرف بنائی از کارگران شرکت کننده در تجمع و نماینده پرسنل بیمارستان دکتر سپهر پس از قرائت بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون لایحه اصلاحیه دولت و با کف زدن تجمع کنندگان به داخل مجلس رفتند.

با حضور نماینده های کارگران تجمع کننده در مجلس، آنان ابتدا در لابی مجلس با خدادی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس و تقی زاده نماینده پارلمانی وزارت کار در مجلس به مذاکره پرداختند و با توضیح مواد ضد کارگری لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار، خواهان عودت آن از سوی مجلس به دولت شدند. در این مذاکره رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با تاکید بر اینکه قانونی در این مورد که مجلس بتواند بدون بررسی، لوایح دولت را بر گرداند وجود ندارد و از مشروطیت تاکنون چنین اتفاقی نیافتاده است با تایید صحبت های نماینده های کارگران بر احتمال برگشت این لایحه پس از بررسی اولیه تاکید کرد.

در ادامه این مذاکرات، با شروع جلسه بررسی لایحه اصلاحیه قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس، نماینده های کارگران تجمع کننده به جلسه کمیسیون دعوت شدند و پس از معرفی آنان به عنوان نماینده های کارگران معترض در مقابل مجلس، پروین مجددی به نمایندگی از سوی بقیه به سخنرانی پرداخت. وی در این سخنرانی اظهار داشت: قانون کار در هر کشوری نماینده بربریت یا مدنیت در آن کشور است. شرایط کار کارگران و سهم آنان از زندگی در شرایط حاضر با وجود 11 میلیون حاشیه نشین، میلیونها بیکار، اخراج سازبهای گسترده، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و ماهها عدم پرداخت همین دستمزدها، بیانگر بربریت در این جامعه است آنوقت شما با تصویب این لایحه درصد رسمیت بخشیدن و تعمیق و گسترش

این بردگی و بربریت هستید. وی در ادامه این سخنرانی اظهار داشت: شما تصور نکنید که اینجا آرام نشستید و میتوانید سندی را به تصویب برسانید که طبق آن میلیونها خانواده کارگری به قهقرا و مرگ رانده بشوند و آنوقت آنان ساکت بنشینند. وی در پایان سخنرانی خود خواهان عودت فوری این لایحه به دولت و ایجاد تغییرات مناسب در قانون کار برای پایان دادن به شرایط مصیبت بار موجود شد.

در این جلسه که هفده تن معاون وزیر کار و تعدادی از اعضای شورای عالی و نماینده های عضو کمیسیون اجتماعی مجلس حضور داشتند تمامی سخنرانان از زوایای مختلفی مخالفت خود را با لایحه اصلاحیه دولت اعلام داشتند و این لایحه که قرار بود کلیات آن در این جلسه به رای گذاشته شود، به رای گیری نرسید و کلیات آن مصوب نشد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام میدارد در صورت تداوم تلاش دولت برای تصویب لایحه اصلاحیه قانون کار، اعتراضات خود را گسترش خواهد داد و در صورت نیاز اقدام به فراخوان تجمع در مقابل مجلس خواهد کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 27 مهر ماه 1395

* <https://www.youtube.com/watch?v=qdBEOzteSgk&feature=youtu.be>

جمعی از کارگران بیکار شده فولاد زاگرس:

لایحه اصلاح قانون کار برگردانده شود/ کارگران حال و روز خوشی ندارند

جمعی از کارگران بیکار شده فولاد زاگرس با انتشار نامه ای خواستار استرداد لایحه اصلاح قانون کار شدند.

به گزارش 27 مهر ایلنا، در این نامه این کارگران خواستار استرداد لایحه اصلاح قانون کار از مجلس شدند.

در بخشی از این نامه آمده است: ما کارگران بیکار شده فولادزاگرس ذوب آهن کردستان خواهان باز پس گیری لایحه اصلاح قانون کار هستیم. هرچند برخلاف وعده وشعارتدبیروامید رونق اقتصادی ونشاط اجتماعی با اخراج دسته جمعی هرروز کارگران ازبین رفت، ما کارگران هنوز ازدولت درخواست می کنیم لایحه اصلاح قانون کار را برگرداند.

در بخش دیگری از این نامه آمده است. ما کارگران نه تنها خواستار برگرداندن این لایحه هستیم، بلکه خواسته اصلی دیگری نیز داریم و آن اجرای اصول فراموش شده همین قانون کار از جمله ماده 41 آن است، چرا که این روزها کارگران ایران حال و روز خوشی ندارند و در شرایط بسیار دشواری به سر می برند.

16مهر: کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری:

«لایحه اصلاح قانون کار، جنگ دیگری علیه کارگران ایران»!

مبارزه بر سر "قانون کار" میان کارگران و سرمایه داران از سال ها پیش و در واقع از همان ایام که اولین پیش نویس لایحه این قانون در 30 آذر سال 1361 توسط دولت وقت و وزیر کار آن دولت، احمد توکل، برای تصویب به مجلس ارائه شد، تا به امروز که دولت "تدبیر و امید" و کارگزارانش یک بار دیگر "تغییر" و یا به قول خودشان "اصلاح" این قانون را - صدالبته به نفع سرمایه داران و به ضرر کارگران - در دستور کار گذاشته اند همچنان ادامه داشته و دارد.

این "قانون"، هم در قبل از تصویب نهایی آن توسط "مجمع تشخیص مصلحت نظام" در سال 69 و هم در بعد از تصویب آن، به دفعات توسط دولت های حاکم و کارشناسان مورد وثوق و اعتماد آن ها، جهت "تغییر" در راستای ایجاد شرایط مناسب تری برای "بهره وری" و "ارزش افزایی" سرمایه، مورد بحث و بررسی عوامل و کارشناسان سرمایه قرار گرفته و در مواردی حتی اعتراضات کارگران را نیز علیه تصویب آن برانگیخته است. اما به ویژه در سال 91 و پس از ارائه "لایحه ی پیش نویس اصلاحیه قانون کار" به مجلس، در دولت دهم، ابعاد جدی تر و علنی تری به خود گرفت. وزیر کار دولت احمدی نژاد، این بار عزم خود را جزم کرده بود تا با جدیتی که تنها از یک کارگزار و مدافع سرسخت سرمایه برمی آید، "لایحه اصلاح قانون کار" را - که کلیات آن در زمان وزارت کار جهرمی، به تصویب رسیده بود - با تفاوت هایی باز هم به ضرر کارگران، به سرانجام برساند و به مرحله اجرا بگذارد.

طراحان و ارائه دهندگان "پیش نویس اصلاح قانون کار" در صدد بودند تا با ایجاد تغییراتی در متن "قانون کار" و تصویب آن در مجلس حامی سرمایه، موجبات فراغ بال و آسایش خاطر بیش از پیش سرمایه داران را در بهره کشی از کارگران فراهم نموده، به آرزوی چندین و چند ساله سرمایه داری در ایران برای رسمیت بخشیدن و قانونی کردن هرچه بیش تر محرومیت و بی حقوقی در میان طبقه کارگر جامعه ی عمل ببوشانند. چرا که رعایت برخی ضوابط و "مقررات" مصرح در قانون کار فعلی (البته با همه ی ضدیتهای که این "قانون"، در اساس با کارگران و منفعت طبقاتی آنان دارد) و از جمله تمکین به آراء برخی از مراکز و مراجع مورد نظر آن، مثل هیئت های "تشخیص" و "حل اختلاف" و ... - که مثلاً ممکن بود در پاره ای از موارد، به نفع کارگر و به ضرر سرمایه دار صادر شوند، بدجوری خاطر آنان را آزرده می کرد و برایشان گران تمام می شد. حضرات صاحب سرمایه و کارفرمایان حتی حاضر نبودند در مواردی که تزییع حقوق کارگران توسط آنان کاملاً آشکار و به اصطلاح اظهارمن الشمس بوده و چاره ای جز پذیرش و تن در دادن به رأی صادره از جانب "مراجع و مراکز" یاد شده و لزوماً تأدیة حقوق کارگر وجود نداشت نیز، به آن گردن نهند و رأی مورد نظر را بپذیرند. از زاویه دید صاحبان سرمایه و گردانندگان نظام سرمایه داری، از جمله طراحان "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار"، دفاع از خواست ها و مطالبات معیشتی و طبقاتی کارگران، که از جانب بخش های آگاه و متعهد این طبقه دنبال و پیگیری می شود، جرم ("اقدام علیه امنیت ملی" و ...) محسوب شده و فعالان این عرصه می بایست مورد پیگرد قرار گیرند. چرا که این قبیل فعالیت ها و پیگیری ها ممکن است "خاطر شریف" کارآفرینان و "سرمایه گذاران" را آزرده کرده و موجبات "دلسردی" و لاقیدی آنان را از "سرمایه گذاری" و "کارآفرینی" در موطن اصلی شان

فراهم نماید. لذا باید همه ی سعی و تلاش خود را به کار ببرند تا از جمله از طریق تغییر مواد و بندهایی از "قانون کار" - که حاکمیت و سلطه بلا منازع سرمایه و سرمایه داران را در عرصه روابط کار و تولید تضمین می نماید - "کدورت های" احتمالی؟! میان کارفرمایان و کارگران را بر طرف نموده!!! سرمایه داران و "کارآفرینان" را به حضور در "وطن عزیز" و سرمایه گذاری در "خانه پدری" و آباء و اجدادی شان ترغیب نمود.!!! "لایحه ی اصلاح قانون کار" و تلاش برای تصویب آن در مجلس - البته اگر موفق به این کار شوند - در واقع یکی از راه های دست یابی سرمایه داران، به چنین اهداف و مقاصدی را تعقیب می کند.

این "پیش نویس" - البته با همه تأکیدی که شیخ الاسلامی، یکی از وزرای کار دولت احمدی نژاد برای "اصلاح نهایی آن در سال 90" و به مرحله اجرا درآوردنش، نهایتاً در سال بعد (سال 91) داشت، پس از کش و قوس های فراوان، سرانجام به دلیل اعتراضات و فشارهای گسترده ی کارگران علیه آن، در نیمه راه متوقف مانده و از دستور کار مجلس و پیگیری های آن خارج گردید.

دولت "تدبیر و امید" اما بار دیگر در فضای بعد از برجام - و ظاهراً مهیا دیدن شرایط - "پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار" را که در دولت احمدی نژاد با مخالفت ها و اعتراضات گسترده کارگران مواجه شده و مسکوت مانده بود، با استناد به مفاد برنامه پنجم توسعه، در قالب 84 ماده و دو بند، به مجلس فرستاد، تا ضمن اتمام کار - ناتمام دولت های پیشین در این زمینه، "امید" سرمایه داری ایران را برای تغییر این "قانون" به سود صاحبان سرمایه متحقق کند.

این دولت که از جمله با وعده ی پاسخ گویی به خواست ها و مطالبات کارگران و به طور مشخص ماده (41) این "قانون" و از این طریق جمع آوری رأی بخش هایی از این طبقه، بر سر کار آمده است، پس از گذشت مدتی از عقیم ماندن این "پیش نویس" در دولت قبلی، دقیقاً در راستای پاسخ گویی به نیازها و دستورالعمل های نئولیبرالیستی سرمایه جهانی و در این رابطه، ایجاد شرایط بازهم مناسب تری برای انباشت و سودآوری سرمایه، مجدداً عزم خود را جزم کرد تا کار "تغییر قانون کار" را در بست به نفع سرمایه داران و به ضرر کارگران به پایان برساند. این "تغییرات" - که دولت روحانی این بار آن را با تدبیر و تردستی خاصی همزمان با چند طرح و لایحه ی دیگر به جریان انداخته است قرار است که به از میان برداشتن بیش از پیش ضوابط و مقررات کار از محیط های کاری کارگران و خروج تعداد هرچه بیش تری از آحاد طبقه کارگر از شمول این "قانون" یاری رساند. و این در واقع ادامه ی همان روندی است که سرمایه جهانی و ارگان ها و مؤسسات تابعه ی آن، همچون "سازمان تجارت جهانی"، "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" در اقصی نقاط جهان به کشورهای پیرامونی و به اصطلاح "در حال توسعه" دیکته می کنند.

واقعیت این است که "لایحه اصلاح قانون کار" این بار به شکل آشکارتری عمق شرایط کار و زندگی کارگران را نشانه گرفته است. این "لایحه" در تدارک است تا به ویژه با تغییر مواد و بندهای حمایتی این "قانون"، که در اثر فشار و مبارزه کارگران، به هنگام تدوین آن در سال 69 و سال های پیش از آن، به سرمایه و کارگزارانش تحمیل شده است، اوضاع و شرایط را بیش از پیش به نفع سرمایه داران و به ضرر کارگران تغییر داده و ستم و بهره کشی از طبقه کارگر را دو چندان نماید؛ "لایحه اصلاح قانون کار" قصد دارد تا با "تغییر" بیش از یک سوم مواد و بندهای "قانون کار" و در این رابطه حواله دادن دستمزدها و مزایای کارگران به شرایط و اوضاع اقتصادی مملکت؟!!! تحت عنوان "مزد منعطف" و برداشتن 40 درصد دستمزد اضافه ای که بابت کار در روزهای تعطیل و اضافه کاری نصیب کارگر می شود، سطح دستمزد و میزان دریافتی های کارگران را کاهش داده، بر شدت و حدت بهره کشی از طبقه کارگر بیفزاید؛ "پیش نویس اصلاح قانون کار" می خواهد با رواج بیش از پیش قراردادهای موقت و باز گذاشتن کامل دست سرمایه داران در اخراج و بیکار سازی کارگران، در واقع تتمه حقوق و منزلت کارگران و بقایای امنیت شغلی آنان را نیز به بازی بگیرد و آن را به تصمیمات کاملاً شخصی و یک طرفه کارفرمایان محول نماید؛ این "اصلاحیه" در نظر دارد تا با کاستن از مرخصی سالانه ی کارگران و سپردن ساعات کار روزانه و هفتگی به توافق و تراضی دو طرف قرارداد؟!!! در واقع مدت زمان بازهم بیش تری از ساعات کار را به صورت "زمان کار اضافی و رایگان" به کارگران تحمیل کرده و شرایط بس سخت تر و برده وارتری از کار و زندگی را نصیب کارگران بنماید.

بحث بر سر تغییری کوچک در فلان ماده ی قانونی یا بهمان تبصره از "قانون کار" نیست. "اصلاحیه قانون کار" در صدد است تا با رسمیت بخشیدن به "احیای نظام استاد - شاگردی" و کاهش میزان دستمزد و مزایای کارگران، از طریق در نظر گرفتن شرایط و معیارهایی چون تعیین "کارایی و مهارت" در تعیین دستمزد؛ طولانی تر کردن ساعات کار و افزایش سن بازنشستگی؛ تسهیل در شرایط اخراج و بیکار سازی کارگران؛ محروم کردن شمار هرچه بیش تری از آحاد طبقه کارگر از مزایای بیمه های اجتماعی؛ بی توجهی به ایمنی و بهداشت کار و از این طریق عدم امنیت جانی و شغلی کارگران در مراکز و محیط های کار و بیرون از آن؛ خروج تعداد هرچه بیش تری از کارگران کارگاه های 5 و 10 نفره از شمول قانون کار؛ رسمیت بخشیدن به قراردادهای موقت و سفید امضاء و سلطه شرکت های پیمان کاری و واسطه ای بر روابط کار؛ به فراموشی سپردن قراردادهای و پیمان های دستجمعی میان کارگران و کارفرمایان و سرانجام کوبیدن مهر تأیید بر ممنوعیت ایجاد تشکل های مستقل و متکی به خود کارگران و همین طور ممنوعیت اعتصاب و تمامی اشکال اعتراضی این طبقه، ضمن ارزان سازی هرچه بیش تر نیروی کار در ایران، خیال صاحبان سرمایه را پس از سال ها انتظار، از تغییر و تصویب این قانون آسوده نماید. این "اصلاحیه" در نظر دارد تا با حذف قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان و سپردن فسخ یک طرفه آن ها به صاحبان سرمایه، روابط کار را حتی المقدور به دوران ماقبل سرمایه داری و مناسبات استاد - شاگردی بکشاند و و به محرومیت ها، بی حقوقی ها و اجحافتی که سال هاست از جانب کارفرمایان و ایادی شان در حق کارگران روا داشته می شود وجه قانونی ببخشد

همین جا یادآوری کنیم که موارد متعددی از تغییراتی را که این دولت - و همین طور دولت احمدی نژاد - با ارائه پیش نویس این "لایحه" به مجلس، در صدد تصویب آن ها به نفع کارفرمایان و صاحبان سرمایه برآمده اند، از مدت ها پیش، (7 / 5 / 1386

(از طریق بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی به قانون کار موجود الحاق شده بودند، که به عنوان نمونه می‌توان به پیشنهاد اضافه کردن "الحاقیه"هایی به مواد (7) و (21) قانون کار، تحت عنوان "قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی" اشاره نمود که در کلیت خویش دست کارفرمایان و صاحبان سرمایه را برای اخراج و بی حقوقی هرچه گسترده‌تر کارگران بازمی‌گذارد. چنین اقدامی البته منحصر به فرد نبوده و عیناً در مورد تعداد دیگری از مواد و تبصره‌های این "قانون" اعمال می‌شده است. کافی است نیم‌نگاهی به اوضاع و شرایط کار در سال‌های گذشته بیندازیم و از کم و کیف آن‌ها مطلع شویم تا دریابیم که بسیاری از مواردی را که دولت‌های دهم و اخیراً یازدهم به عنوان "پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون کار" جهت تصویب به مجلس ارائه داده‌اند سال‌های مدیدی است که، حسب مورد، در مراکز و محیط‌های کار به مرحله اجرا گذاشته می‌شدند. اگر چه در پاره‌ای از موارد و مواقع، با استناد به مواد و بندهایی از همین "قانون"، با موانع و مخالفت‌هایی نیز برخورد می‌کردند و اعتراضاتی را نیز در این جا و آن جا بر می‌انگیختند که البته به هیچ وجه خوشایند کارفرمایان و صاحبان سرمایه نبوده و کم و بیش موجبات نارضایتی آنان را از چنین روندی فراهم می‌نمود.

می‌توان گفت که در واقع یکی از دلایل دور جدید تلاش‌های دولت روحانی و وزارت کار این دولت برای تغییر "قانون کار" و به ویژه برخی از مواد و بندهای مهم و کلیدی آن مثل مواد 7، 21، 27، 41، 165 و ... جدا از سایر ادله و براهین سرمایه‌پسندی که برای چنین تغییراتی مد نظر بوده‌اند - همانا جلوگیری از بروز چنین اعتراضاتی از سوی کارگران و در واقع خاتمه دادن به مخالفت‌هایی بوده است که دولت تدبیر و امید و کارگزارانش آن‌ها را "مزاخمت‌های قانونی کسب و کار و تولید" می‌نامند. مخالفت‌ها و اعتراضاتی که تماماً در راستای پیگیری خواست‌ها و مطالبات برحق کارگران و جلوگیری از تضییع حقوق آنان، با استناد به همین "قانون" در این جا و آن جا برپا شده و توسط خود کارگران دنبال و پیگیری می‌شوند.

دولت روحانی در واقع با ارائه مجدد این "لایحه" به مجلس، بار دیگر در صدد برآمده است تا به اصطلاح در شرایط "پسا برجام" و در اوضاع و احوالی که به گمان این دولت، تحریم‌ها پایان یافته‌اند، با ایجاد شرایط بازهم امن‌تری برای سرمایه‌گذاری و استفاده از نیروی کار ارزان کارگران در ایران، رضایت خاطر بیش از پیش صاحبان سرمایه و کارفرمایان را فراهم نموده و اوضاع و شرایط را به گونه‌ای رقم بزند که دیگر جایی برای گله - گذاری و ناخشنودی آنان از دولت ایشان باقی نمانده باشد. اگر چه چنین اهداف و برنامه‌هایی به قیمت تشدید فقر و فلاکت کارگران و بی حقوقی مطلق آنان تمام شده و آحاد هرچه بیش‌تری از طبقه کارگر را به گرداب فقر و فلاکت پرتاب کند. به جریان انداختن مجدد "پیش‌نویس اصلاحیه قانون کار" و ارائه مواد و بندهایی از آن به مجلس حامی سرمایه، برای تأیید و تصویب، بدون تردید با چنین اهداف و مقاصد صورت گرفته و می‌گیرد. صاحبان سرمایه و دولت در واقع درصددند تا با تهیه و تنظیم چنین طرح‌ها و لوایحی، سلطه بیش از پیش سرمایه بر جزء جزء روابط کار و تولید را تضمین نموده و مطابق با اهداف و مقاصد خویش به جریان بیندازند.

بدون علت نیست که دولت "تدبیر و امید" آقای روحانی "لایحه تغییر قانون کار" را "طرح جدیدی برای تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات کار، در جهت حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری و افزایش انگیزه در سرمایه‌گذاران" می‌داند و آن را همزمان با طرح‌ها و لوایحی چون: طرح دوباره "شیوه‌نامه استاد شاگردی" و "تسری و تعمیم آئین‌نامه معافیت کارفرمایان مساجد و بقاع متبرکه، به تمامی کارگاه‌های کوچک دارای 5 کارگر و کم‌تر" و البته آخرین و جدیدترین آن‌ها تحت عنوان "لایحه یک فوریتی ایجاد مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی جدید" - که تنها چند ماه پیش، در دوره ریاست جمهوری همین دولت، با مخالفت مجلس روبرو شده است - به جریان می‌اندازد و همه‌ی هم و غم خود را برای تصویب آن‌ها به کار می‌گیرد. طرح‌ها و لوایحی که در صورت تأیید و تصویب، دیگر حتی کم‌ترین حق و حقوقی برای کارگران باقی نگذاشته و فاتحه حقوق کار در ایران را می‌خوانند. بدین نحو که: عقد هرگونه قرارداد کار میان کارگران و کارفرمایان را منتفی می‌نماید و به آن رسمیت می‌بخشد؛ گروه‌های زیادی از کارگران را به کلی از شمول قانون کار خارج کرده و آخرین بقایای امنیت شغلی کارگران را - که به میمنت قراردادهای موقت و سفید امضای کار، دیگر تنها سایه‌ای از آن برجای مانده است - در راستای حمایت هرچه بیش‌تر از سرمایه‌داران، از آنان سلب می‌نماید؛ کار بدون مزد را با استفاده از ترفندهایی چون آموزشی بودن طرح، رابطه استاد - شاگردی و بهانه‌هایی از این دست رواج می‌دهد...

بی‌جهت نیست که "پیش‌نویس لایحه" مورد نظر، بلافاصله پس از علنی شدن و ارائه به مجلس در دوره دولت احمدی نژاد، تنها در شرکت ایران خودرو، هزاران کارگر را به اعتراض علیه آن "لایحه" و متعاقب آن، امضای نامه‌ای برانگیخت که در بخشی از آن آمده است: "ما تغییر قانون کار را خوش خدمتی دولت به سرمایه‌داران می‌دانیم که می‌خواهد فرش قرمزی برای سرعت بخشیدن به استثمار بیش از پیش کارگران پهن کند ... تغییراتی که اساساً دست کارفرمایان را بیشتر و بیشتر برای استثمار وحشیانه و برده‌وار ما کارگران باز می‌گذارد ... اصلاحیه پیشنهادی، در واقع دشمنی آشکار با کارگران و حمایت از دولت و سرمایه‌داران است ... پیش‌نویس اصلاحیه قانون کار به جای حمایت از کارگران، به جای لغو قراردادهای موقت و بازگرداندن امنیت شغلی و جانی به جامعه کارگری، می‌خواهد با این اصلاحیه‌ی یکجانبه، ته‌مانده حمایت‌های قانونی را هم به نفع کارفرمایان و دولت مصادره کند و ...". کارگران در ادامه، خطاب به صاحبان سرمایه و طراحان این پیش‌نویس می‌گویند: "شما در شرایطی دم‌از مشارکت کارگران در نظرخواهی از پیش‌نویس اصلاح قانون کار می‌زنید که کوچکترین تشکل کارگری از سوی کارگران را تحمل نمی‌کنید و بزرگترین شرکت خودروسازی خاورمیانه با بیش از صد هزار کارگر شاغل، از داشتن هر گونه تشکل کارگری محروم هستند. شما در حالی دم‌از مشارکت کارگران در این نظرخواهی می‌زنید که تمام نمایندگان کارگران ایران خودرو یا اخراج شده‌اند و یا در زندان به سر می‌برند. در چنین شرایطی پیشنهادی پیش‌نویس اصلاحیه قانون کار با کدام اهداف انجام گرفته است و ...".

این نامه اعتراضی به نوبه خود، مورد حمایت بسیاری از کارگران و تشکل‌های کارگری، قرار گرفته و بلافاصله همدلی و همراهی بیش از 50 هزار کارگر این کارخانه و 30 شرکت از شرکت‌های تابعه آن را با نام "مجموعه گروه صنعتی ایران خودرو" علیه آن "لایحه" به خود جلب کرد. کارگران ایران خودرو در پایان از همه‌ی کارگران در مراکز کار و تولید می‌خواهند که: "با اعتراض یک پارچه و سراسری خود، اجازه ندهند اصلاح قانون کار بر ضد کارگران شکل بگیرد ... چرا که اگر امروز علیه این اصلاحیه ضدکارگری اعتراض نکنیم، فردا دیر خواهد بود".

آری "لایحه تغییر قانون کار" در واقع اعلام جنگ دیگری است علیه کارگران، در کنار تمامی فشارها، مصائب و معضلاتی که از هر سو طبقه کارگر را در چنبره خود گرفته و به او فشار وارد می کنند. آنان به طور قطع در مقابل آن خواهند ایستاد و اجازه نخواهند داد که چنین لوایح ضدکارگری و سرمایه پسندی در نهایت تأیید و تصویب شوند. همان گونه که در گذشته اجازه ندادند این کار صورت بگیرد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1395/07/16

14مهر: بیانیه اتحاد بین المللی:

لایحه اصلاح قانون کار در راستای هر چه عمیق تر و گسترده تر کردن استثمار و بی حقوقی کارگران

لایحه اصلاح قانون کار که توسط دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده، قرار است که در هفته آینده در دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس قرار گیرد. هدف دولت و بطور کلی رژیم جمهوری اسلامی از این اصلاحیه در یک کلام تحمیل بی حقوقی بازهم بیشتر به کارگران و ارزان سازی باز هم وسیع تر نیروی کار و قانونی کردن این استثمار وحشیانه و بی حقوقی مطلق است.

قانون کار کنونی جمهوری اسلامی مصوب سال 1369 در بنیاد خود قانونی به شدت ضد کارگری و حامی پر و پا قرص منافع سرمایه و کارفرمایان است. در این قانون، کارگران ایران از بسیاری از حقوق بنیادی کارگران که جنبش جهانی کارگری طی بیش از دو قرن مبارزه به دست آورده است، بطور کامل محروم شده اند؛ از جمله در این قانون انواع تبعیض نهادینه شده و کارگران از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، یعنی دو ابزار اساسی که کارگران می توانند با توسل به آن از حق خود در مقابل سرمایه داران و کارفرمایان دفاع کنند، محروم هستند.

اما از نظر سران رژیم اسلامی و سرمایه داری ایران، در شرایط کنونی، یعنی در دوران پس از توافق هسته ای، پاره ای از مواد قانون ضدکارگری موجود که حاصل توازن قوا و شرایط تاریخی آندوره بود هنوز به اندازه کافی علیه کارگران نیستند، به اندازه کافی شرایط را برای انباشت سریع سرمایه و تولید سود های هر چه کلان تر برای سرمایه داران و استثمار وحشیانه تر نیروی کار و از این طریق تشویق سرمایه داران بین المللی به سرمایه گذاری و بطور کلی برای توسعه اقتصادی مد نظرشان، فراهم نمی کنند. اصلاح این مواد قانون کار علاوه بر تثبیت بی حقوقی های موجود از جمله هدف اش فراهم کردن شرایط جهنمی تمام و کمال برای کارگران است؛ جهنمی که در آن کارگران باید در هر سن و سال تا آنجا که رمق دارند کار کنند، جان بکنند، سود برای سرمایه و سرمایه داران تولید کنند و خود در فقر بسوزند و بمیرند، و همه اینها نیز زیر چتر و لوای قانون کار صورت گیرد. و بدیهی است که هر اعتراضی توسط کارگران نسبت به این شرایط نیز با مشت آهنین قانون، پاسخ خواهد گرفت.

با نگاهی کوتاه به مفاد اصلی لایحه اصلاحیه قانون کار به روشنی می توان دید که رژیم به دنبال تحمیل چه شرایطی بر طبقه کارگر است؛ در صورت تصویب این لایحه، شرط سنی 15 سال برای کار حذف خواهد شد و کارکودکان جنبه رسمی تری خواهد یافت. امنیت شغلی ناچیز کنونی کارگران بطور کامل از میان خواهد رفت و قرارد های موقت و یا کار بدون قرارداد نه تنها عمومیت مطلق می یابند بلکه قراردادهای شفاهی نیز گسترده تر خواهند شد، اخراج کارگران از پیش از این نیز آسان تر خواهد گردید و اساساً به اراده کارفرما بستگی خواهد داشت، تعیین دستمزد ها به توافق کارگر منفرد و کارفرما واگذار خواهد شد و حداقل دستمزد از جمله با " توجه به شرایط اقتصادی" تعیین خواهد شد(یعنی دولت و کارفرمایان با استناد به این معیار سنجش ناپذیر، می توانند حتی برای کاهش دستمزد ها نیز توجیه قانونی داشته باشند)، و طرح استناد شاگردی تدوین شده توسط دولت احمدی نژاد، جزئی از قانون کار خواهد بود و بنابراین بیگاری جویندگان کار رسمیت خواهد یافت.

کلیت رژیم اسلامی و بطور مشخص دولت روحانی که مدافع پر و پا قرص سیاست های اقتصادی نئو لیبرال و ریاضت اقتصادی است، تنها راه نجات سرمایه داری بحران زده ایران را حمله بازهم بیشتر به حقوق کارگران و تحمیل شرایط کار سخت تر و کاهش شدیدتر سطح دستمزدها می داند. به بیان دیگر نیروی کار مادون ارزان و حراج قانونی آن قرار است موجب سرمایه گذاری و جلب سرمایه بین المللی و زمینه ساز برون رفت سرمایه داری ایران از بحران باشد. اصلاحیه قانون کار با چنین درک و هدفی تدوین شده است. بنابراین روشن است که این لایحه یورش دیگری از سوی رژیم به شرایط کار و زندگی کارگران است و نباید از سوی کارگران بی پاسخ بماند. موضع طبقاتی در قبال این یورش نه حمایت از قانون کار ضدکارگری کنونی بلکه دفاع از حقوق اولیه کارگران و مبارزه علیه تلاش رژیم سرمایه داری برای تحمیل شرایط بدتر کار و زندگی به کارگران است.

در غیاب اعتراض گسترده کارگران نسبت به این لایحه، تشکل های دست ساز حکومتی مانند کانون عالی شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران، مجمع عالی نمایندگان و دیگر دار و دسته های به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم، کاسه داغ تر از آش شده و در مخالفت با این لایحه سر و صدا راه انداخته اند تا شاید بتوانند از این نمد کلاهی برای خود بدوزند. اما کارنامه این تشکل ها بیش از آن رسوا است که بتوانند هیچ کارگر آگاهی را فریب دهند. این تشکل ها برای نمونه در رابطه با تعیین حداقل دستمزد نیز هر ساله از همین روش استفاده می کنند؛ در آغاز با حداقل دستمزد پیشنهاد شده توسط دولت و کارفرمایان مخالفت می کنند و با استناد به خط فقر، خواهان افزایش دستمزد ها می شوند، اما سرانجام، به رغم مخالفت خوانی های اولیه، سند حداقل دستمزدی را امضا می کنند که چندین برابر زیر خط فقر است. اینان این بار نیز چنانچه اعتراض های کارگری علیه این لایحه، رژیم را وادار به عقب نشینی نکند، به شرط امتیازگیری برای خود، بی هیچ شرمی پای همین لایحه را امضا خواهند کرد.

ما از همه کارگران، تشکل‌ها و فعالین کارگری در ایران و خارج از کشور می‌خواهیم که به هر نحو که می‌توانند، از تهیه طومارهای اعتراضی گرفته تا تجمع‌ها و گردهمایی‌ها در محل کار، تا تجمع اعتراضی در برابر مجلس و اداره‌های کار، به این لایحه اعتراض کنند و نگذارند که رژیم سرمایه‌داری اسلامی، استثمار بیشتر، شرایط کار سخت‌تر، دستمزدهای کمتر، نابودی کامل هر گونه امنیت شغلی، کار و استثمار بیشتر کودکان و بطور کلی فقر و بی‌حقوقی هر چه گسترده‌تر را به طبقه کارگر تحمیل کند.

اتحاد بین‌المللی وظیفه خود می‌داند که در خارج از کشور با تمام نیرو از اعتراض‌ها و کارزارهای کارگری و مرفقی که توسط کارگران و تشکلهای مستقل کارگری ایران در دفاع از حقوق بنیادی کارگران و علیه لایحه ارتجاعی اصلاح قانون کار سازمان داده می‌شوند حمایت کند و برای جلب حمایت طبقه کارگر جهانی و تشکل‌های بین‌المللی کارگری از این اعتراض‌ها و کارزارها بکوشد.

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

۶ اکتبر ۲۰۱۶

info@workers-iran.org;

<http://etehadbinalmelali.com/ak>

10مهر: آنچه که لازم است ما کارگران در باره لایحه اصلاحیه دولت بدانیم

پیش‌بسیوی اعتراضات گسترده بر علیه لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار

لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار هنوز در مجلس است و عکس‌العملی‌هایی که تاکنون نسبت به اعتراضات ما کارگران به این لایحه از سوی دولت و مجلس نشان داده شده است در حد وقت‌کشی و طرح صحیتهای متناقض بوده است. به همین دلیل ما کارگران به هر شکل ممکن که میتوانیم باید دست به اعتراضات گسترده بر علیه لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار بزنیم. این لایحه، یک بازگشت به عقب بی‌سابقه و تثبیت و گسترش بردگی محض ما کارگران ایران است.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

درست است که سالهاست دولت و کارفرمایان تمام هست و نیست ما کارگران را به غارت برده‌اند و هم اکنون نیز از امنیت شغلی برخوردار نیستیم و قانون ضد کارگری فعلی شرایط برده‌واری را بر ما تحمیل کرده است، اما با اینحال نمیتوان و نباید از کنار این لایحه با بی‌تفاوتی عبور کرد چرا در صورت تصویب این لایحه، شرایط مصیبت‌بار موجودمان، بمراتب مصیبت‌بارتر خواهد شد. اینان با ارائه این لایحه درصدد قانونی کردن تمام و کمال شرایط برده‌وار موجود هستند تا در پس آن، حق هر گونه اعتراضی نیز به شرایط فلاکت‌ناپذیر موجود از ما کارگران سلب بشود.

باید بدانیم: اگر ما امروز برای افزایش حداقل مزد خواهان اجرای ماده 41 قانون کار هستیم و هر ساله با شروع فصل تعیین حداقل مزد، سر و صدایمان از هر سویی بلند میشود و به همین دلیل دولت و کارفرمایان، آنگونه که به شکل تمام‌عیاری میل‌شان است نمیتوانند دستمزدها را منجمد و یا کاهش بدهند و مجبور به افزایش هر چند ناچیزی از حداقل مزد می‌شوند، باید بدانیم با تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی ماده 41 قانون کار، تعیین حداقل مزد سالانه رخت بر خواهد بست و اختیار تعیین مزدمان تماماً بدست میل و سلیقه‌ی تک‌به‌تک کارفرمایان خواهد افتاد و آنان علاوه بر گسترش عمق و دامنه دستمزدهای زیر خط فقر، قادر خواهند شد به بهانه شرایط اقتصادی کشور همین دستمزدها را منجمد و یا حتی کاهش بدهند.

باید بدانیم: اگر ما امروز میتوانیم به اخراجهای فردی و دسته‌جمعی اعتراض بکنیم و برای کارفرمایان تا حدودی سخت است که به محض پیدا شدن کمترین کاهش و نوسانی در تولید دست به اخراج دسته‌جمعی ما بزنند و برای اخراج مان به هزار و یک ترفند موفق و ناموفق متوسل میشوند، باید بدانیم در صورت تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی ماده 21 قانون کار، اخراجهای دسته‌جمعی به محض کمترین کاهش در تولید و مسائلی از این دست، صورت قانونی پیدا خواهد کرد و دولت و کارفرمایان بی‌هیچ دردسر و مانعی قادر به اخراجهای فردی و بویژه دسته‌جمعی ما خواهند شد.

باید بدانیم: اگر امروز هنوز وجود قراردادهای کتبی تا حدودی دست و بال دولت و کارفرمایان را برای هر آنچه که میخواهند بر ما تحمیل بکنند بسته است، باید بدانیم با تصویب لایحه اصلاحیه دولت و حذف تبصره 3 ماده 7 قانون کار، مانعی جدی از سر راه شفاهی شدن قراردادهای برداشته خواهد شد و دولت و کارفرمایان ملزم به انعقاد قرارداد کتبی با ما کارگران نخواهند بود و با قرارداد شفاهی هر گونه قانونمندی از روی ساعات کار، تعطیلات، مرخصی‌ها، بیمه و.. برداشته خواهد شد و تمام هست و نیست ما به مراتب بدتر از امروز به دست میل و اراده دولت و کارفرمایان سپرده خواهد شد.

باید بدانیم: اگر ما کارگران در شرایط حاضر از حداقلهای ناچیزی از تامین اجتماعی برخوردار هستیم با تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی مواد مربوط به قانون تامین اجتماعی، پایه‌های این قانون متزلزل خواهد شد و دیری نخواهد پائید که همین حداقلهای موجود نیز مضمحل خواهد گشت.

باید بدانیم: در صورت تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار و حذف تبصره 4 ماده 7، صراحت و تاکید از روی پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت که امروزه 95 درصد ما کارگران ایران هستیم، برداشته خواهد شد و با مخدوش شدن پرداخت مزایای پایان کار به کارگران قرارداد موقت، دولت و کارفرمایان خواهند توانست به انجا مختلف پرداخت این مزایا به کارگران قرارداد موقت را متوقف بکنند.

باید بدانیم: اعتراض به لایحه اصلاحیه دولت به شکل تجمع، راهپیمایی، طومار نویسی و تحصن در برابر ادارت کار سراسر کشور، جزو حقوق قانونی و مسلم ما کارگران است و ما میتوانیم علاوه بر طرح و پیشبرد خواست باز پس گیری فوری لایحه اصلاحیه از مجلس، خواهان اجرای ماده 41 قانون کار برای افزایش فوری دستمزدها، بر چیده شدن قراردادهای موقت، حق برپایی تشکلهای مستقل کارگری و ایجاد تغییرات مناسب در قانون کار به نفع یک زندگی انسانی برای کارگران و همه مزد بگیران زحمتکش به مثابه اکثریت عظیم مردم ایران بشویم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - دهم مهر ماه 1395

30 شهریور: بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون سند سازی دولت برای جا انداختن بندهای (ح) و (ز) در ماده 21 قانون کار

همانطوریکه اتحادیه آزاد کارگران ایران در دو بیانیه قبلی خود پیرامون لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار خاطر نشان کرده است، دولت روحانی در اقدامی غیر علنی در صدد تصویب لایحه اصلاحیه ای بر روی قانون کار بود و همه نهادهای دست ساز کارگری، سران شان از قبیل محجوب و جلودار زاده و کمیسیون به اصطلاح کارگری مجلس از این مسئله آگاه بودند و نسخه منتشر شده آن بدست شان رسیده بود اما بدنال افشا این لایحه و انتشار آن از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در 12 شهریور ماه بود که همه این نهادهای دست ساز و سران شان زبان به سخن گشودند. گذشته از این مسئله، تا به حال هیچ یک از این نهادهای دست ساز کارگری و سران و سخن گویندگان نسبت به وجود بندهای (ح) و (ز) در ماده 21 قانون کار ابراز تردید نکرده اند و با سکوت از کنار جعل و سندسازی دولت برای جا انداختن این بندها در ماده 21 قانون کار گذشته اند تا در صورت عقب نشینی دولت از لایحه اصلاحیه که قریب به یقین با اعتراضات ما کارگران رخ خواهد داد قادر به جا انداختن اصل این دو بند، بویژه بند به غایت ضد کارگری (ح) در قانون کار بشوند. اتحادیه آزاد کارگران ایران برای روشن شدن این دغلیکاری از سوی دولت و نهادهای دست ساز کارگری، توجه همه کارگران را به پاسخهای جعفر عظیم زاده در این مورد فرا میخواند.

متن پاسخهای جعفر عظیم زاده به تلاشهای دولت برای جا انداختن بی سر و صدای دو بند (ح) و (ز) در ماده 21 قانون کار به شرح زیر است:

در این لایحه برای اولین بار، وجود بندهای (ز) و (ح) در ماده 21 قانون کار فرض گرفته شده است و لایحه طوری تنظیم شده است که گویا این بندها، جزو بندهای ماده 21 می باشند و حال دولت اصلاحیه ای را بر آنها وارد کرده است. به همین دلیل من تعمداً روی نقد لایحه اصلاحیه دولت در مورد این بندها تمرکز کردم چرا که وجود آنها در ماده 21 قانون کار را به دلایل زیر، سند سازی و یک جعل دغلیکارانه از سوی دولت میدانم: 1- این بندها در "قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی" با استناد به "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور" در سال 1386 مصوب و قرار بود به ماده 21 قانون کار اضافه شود اما با اعتراضاتی که از سوی کارگران در آن تاریخ انجام شد این بندها به ماده 21 قانون کار اضافه نشدند 2- شاهد این مدعا لایحه اصلاحیه دولت احمدی نژاد* بر روی قانون کار در شهریور ماه سال 1390 است که در آن پیشنهاد اضافه شدن بندهای (ح) و (ز) به ماده 21 قانون کار را داده است. به این معنا که اگر این بندها در سال 1386 مصوب و به قانون کار وارد شده اند اساساً این چه حکمتی است که دولت احمدی نژاد در لایحه اصلاحیه اش در شهریور ماه 1390 پیشنهاد اضافه شدن آنها به ماده 21 قانون کار را مطرح میکند. 3- این بندها در چاپهای قانون کار تا پایان سال گذشته وجود ندارد و فقط در چاپ امسال در ماده 21 قید شده و در پانوشته آن آمده است: "1 و 2 الحاقی 1386/5/7 در قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی". حال سوال این است چنانچه این بندها 9 سال پیش مصوب شده اند پس چرا در این 9 سال در چاپهای قانون کار نیامده اند 4- مهم تر اینکه، اگر این بندها از 9 سال پیش به ماده 21 قانون کار اضافه شده اند پس چرا حتی یک مورد استناد به آنها در هیئتهای تشخیص و حل اختلاف و یا دیوان عدالت اداری وجود ندارد و پرونده اخراج هیچ کارگری و یا کارگرانی در هیچ جای ایران با استناد به این بندها در مراجع قانونی مورد رسیدگی قرار نگرفته است. این در حالی است که در طول این 9 سال هزاران اعتراض و شکایت در مورد اخراج کارگران بدلیل اعلام کاهش تولید و تغییرات ساختاری مرتبط با شرایط اقتصادی و سیاسی و.. از سوی کارفرمایان رخ داده است اما هیچیک از این شکایتها و اعتراضات با استناد به این بندها مورد رسیدگی قرار نگرفته اند. 5- گذشته از همه اینها، در مقدمه "قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی" آمده است: "مجلس با اجرای آزمایشی این قانون به مدت پنج سال موافقت کرده است" و از آنجا که مدت این پنج سال از سال 1391 به این سو به اتمام رسیده است و مصوبه ای نیز از سوی مجلس برای دائمی شدن "قانون رفع برخی موانع تولید سرمایه گذاری صنعتی" وجود ندارد لذا فرض گرفتن وجود بندهای (ح) و (ز) در ماده 21 قانون کار در لایحه اصلاحیه دولت یک تقلب آشکار و جعل سند برای جا انداختن این بندهای به غایت ضد کارگری در قانون کار است. 6- جالب است بدانیم علاوه بر اینکه چهار سال است زمان اجرای آزمایشی "قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری" به پایان رسیده و مجلس نیز اقدامی برای دائمی کردن آن انجام نداده است استنادی هم که در این قانون برای تدوین بند (ح) صورت گرفته، مستند به ماده 9 قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور به شرح زیر شده است: "ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فناوری مطابق با مفاد ماده (9) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور". لازم است بدانیم ماده 9 "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور" می گوید: این قانون تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی قابلیت اجرایی دارد. حال دولت روحانی میخواهد بندهایی را که هیچگاه به قانون کار وارد نشده اند و عمر مستندات شان نیز از قبیل "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور" و "قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری" سالهاست به پایان رسیده است به عنوان بخشی از بندهای موجود!!! در ماده 21 قانون کار به خورد ما کارگران بدهد تا آنها را با این حقه بازی در قانون کار نهادینه بکند.

بنا بر این کاملاً واضح است که این بندها علیرغم تصویب آن در "قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی"، (ضمن اینکه تاریخ اجرای خود این قانون نیز به اتمام رسیده است) هیچگاه در قانون کار اعمال نشده اند و لذا باید بگویم

دولت روحانی در یک سناریوی از پیش طراحی شده از طریق خوانش این دو بند به عنوان بندهای موجود در قانون کار، در صد است تا آنها را در ماده 21 جا بیاندازد. اینان خود به خوبی میدانند که تصویب و عملی شدن لایحه اصلاحیه دولت، کار چندان راحتی نیست و چه بسا که به احتمال قریب به یقین، همچون دولت احمدی نژاد ناچار به عقب نشینی از آن خواهند شد. به همین دلیل با توسل به جعل و سناریویی از پیش طراحی شده، در صدد چنانچه موفق به تصویب لایحه اصلاحیه قانون کار نشدند این بندها را به شکل دغل کارانه ای وارد ماده 21 بکنند. به نظر من کل داستان هششتاد و چهار ماده قانون کار که در لایحه اصلاحیه دولت مورد تغییرات جزئی و کلی واقع شده اند و خودشان نیز نیک میدانند که قابل تصویب و اجرا نیست، این است که این دو بند را بی سر و صدا و به عنوان اصل بندهای موجود در ماده 21 قانون کار جا بیاندازند. البته این بحث به این معنا نیست که ما در مقابل کل لایحه اصلاحیه دست به افشاگری و مبارزه نزنیم، ما با تمام توان اینکار را خواهیم کرد و خوب، قابل پیش بینی نیز هست که دولت نسبت به لایحه اصلاحیه ناچار به عقب نشینی خواهد شد. لذا ما کارگران باید همزمان با تلاش و مبارزه برای وادار کردن دولت به عقب نشینی در مورد لایحه اصلاحیه، فریادمان را در مورد دغل کاری اش برای جا انداختن این دو بند در ماده 21 قانون کار که همیشه مورد اعتراض مان بوده و از سال 1386 به این سو کسی جرات وارد کردن آنها به قانون کار را به خود نداده است بالا ببریم و اجازه ندهیم این بار با یک سناریوی از پیش طراحی شده براحتهی این دو بند را وارد ماده 21 قانون کار بکنند. در این راستا باید به هر شکل ممکن، سندسازی دولت از طریق آوردن این بندها در چاپ امسال قانون کار و در لایحه اصلاحیه را افشا و آن را بشدت مورد اعتراض قرار داد و خواهان جمع آوری چاپ امسال قانون کار از بازار شد.

متن بندهای (ح) و (ز) ماده 21، در قانون کار چاپ سال 1395 (در مورد خاتمه قرارداد و اخراج کارگران): ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن آوری مطابق با مفاد ماده (9) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور. ز - فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد پیش بینی گردیده است.

متن بند 5 لایحه اصلاحیه دولت: بندهای (ز) و (ح) ماده 21 به شرح زیر اصلاح و متون زیر به عنوان بند (ط) و تبصره 2 به ماده یاد شده اضافه و عنوان تبصره ماده مذکور به تبصره 1 اصلاح میشود: ز- توافق بین کارگر و کارفرما ح- کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزام قوانین یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا لزوم تغییرات گسترده در فناوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار بشود. ط- فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه - تبصره 2: موارد مذکور در بند ز در کارگاههای بیش از 50 نفر کارگر باید به تایید هیات مرکب از استاندار یا معاون وی، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیر کل دستگاه صادر کننده مجوز کارگاه، نماینده صندوق بیمه ای ذریع، رئیس کل دادگستری، نماینده تشکل کارگری حائز اکثریت استان، نماینده تشکل کارفرمایی استان، نماینده کارگران کارگاه و کارفرما یا نماینده تام الاختیار وی برسد. چنانچه به تشخیص هیات مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود به همان نسبت مشمول بیمه بیکاری میشود.

*متن ماده 4 لایحه اصلاحیه دولت احمدی نژاد به نقل از خبرگزاری فارس - سرویس اقتصادی - 17 شهریور ماه 1390 - کد خبر 189271

4-متون زیر به عنوان بندهای ز، ح، و ط به ماده 21 اضافه و شماره تبصره ماده مذکور به تبصره 1 اصلاح و تبصره 2 به شرح زیر اضافه می شود: ز - کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزامات قانون و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا لزوم تغییرات گسترده در فن آوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار شود. (ح) - توافق بین کارگر و کارفرما. (ط) - فسخ قرارداد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه. (تبصره 2)- موارد مذکور در بند ز در کارگاههای بیش از 50 نفر کارگر باید به تایید اکثریت هیات مرکب از استاندار یا معاون وی، مدیر کل کار و امور اجتماعی، مدیرکل دستگاه صادر کننده مجوز اصلی کارگاه، مدیرکل تامین اجتماعی، رئیس کل دادگستری، نماینده تشکل کارگری حائز اکثریت استان، نماینده تشکل کارفرمایی استان، نماینده کارگران کارگاه و کارفرما یا نماینده تام الاختیار وی برسد. چنانچه به تشخیص هیات مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود به همان نسبت مشمول خاتمه کار و مقررات بیمه بیکاری می شود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 30 شهریور ماه 1395

بیانیه انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران در مورد اصلاح قانون کار

انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران ضمن تاکید بر حق داشتن کار و امنیت شغلی و حق آزادی تشکل های کارگری تمامی مزد و حقوق بگیران، مخالفت خود را با این گونه تغییر در قانون کار اعلام و خالی کردن آن را از ظرفیت های حمایت از کارگران محکوم می کند.

انجمن ما خواهان بازپس گیری فوری این لایحه از مجلس و پوزش خواهی از کارگران به خاطر احساس ناامنی ای است که ایجاد شده است.

انجمن تاکید می کند، تغییر و اصلاح در قانون کار و پیش بینی آزادی ها و حقوق به رسمیت شناخته شده ی کارگران، مطابق با کنوانسیون های سازمان بین المللی کار (ILO) امری ضروری و اجتناب ناپذیر است اما این کار باید در فرصتی مناسب و با حضور نمایندگان واقعی کارگران که به همین منظور توسط تشکل های مستقل کارگری برگزیده شده اند و همچنین با حضور کارشناسان مستقل حوزه روابط کار صورت بگیرد.

28 شهریور: بیانیه انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران در مورد اصلاح قانون کار

قانون کار پس از قانون اساسی، مهم ترین و فراگیرترین قانون جامعه است و روزانه بیشترین ارجاعات به آن صورت می گیرد. قانونی است که روابط بین کارگر و کارفرما و دولت را تنظیم می کند و هنگام بروز اختلاف، قاضی با استناد به این قانون، داوری کرده و حقوق و منافع طرفین را از یکدیگر تمییز می دهد. روح و فلسفه ی وجودی این قانون، مانند هر قانون دیگر جامعه، پاسخ

به ضرورت ملاحظه و حمایت از گروه‌های زیر فشار در مقابل گروه‌های فشار است؛ چرا که قدرتمندان و زورمداران جامعه بدون قانون نیز توان تامین منافع خود و دست‌اندازی به حقوق و منافع دیگران را دارا هستند.

قانون کار فعلی در سال‌های پایداری جنگ تدوین و در نهایت در سال 1369 توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. در این سال‌ها به دلیل حاکم بودن شرایط ویژه، اضافه بر نبود تشکلهای مستقل کارگری، شمار زیادی از اندیشمندان، دگراندیشان و منتقدان نیز در جامعه یا حضور نداشتند یا سکوت اختیار کرده بودند؛ به همین دلیل این قانون با وجود دربرداشتن نکات و ظرفیتهایی در حمایت از حقوق کارگران، در بخش‌هایی از آن نیز حقوق اساسی و حقه‌ی کارگران نادیده گرفته شده است. از مهم‌ترین حقوق نادیده گرفته شده، حق کار و امنیت شغلی و حق آزادی تشکلهای کارگری مطابق با کنوانسیون‌های بین‌المللی است. حق کار و امنیت شغلی در تبصره‌ی ماده 7 با به رسمیت شناختن قراردادهای موقت کار در کارهای با ماهیت دایم و مستمر و حق آزادی تشکل در سرتاسر فصل ششم این قانون به‌طور کامل نقض و پایمال شده است.

طی بیست و چند سال گذشته، در راستای سیاست‌های بازارمحورانه با جهت‌گیری به سود کارفرمایان، این قانون توسط آیین‌نامه‌های مختلف، از شماری از ظرفیتهای حمایتی باقی‌مانده تهی شده است. هم اکنون برای دومین بار، لایحه‌ی اصلاح قانون کار به زیان کارگران و بدون هیچ اشاره به کاستی‌های متعددی که به برخی از آنها در بالا اشاره شد و با هدف حذف و بی‌اثر کردن آخرین ظرفیتهای حمایتی آن، به مجلس رفته است. دولتی که با شعار تدبیر و امید، گسترش عدالت، ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری و وزیري که با برنامه و شعار بهبود روابط کار و افزایش حقوق و دستمزد کارگران، رأی گرفته و بر سر کار آمده است، لایحه‌ی را به مجلس برده که این قانون را از روح و فلسفه‌ی وجودی آن و آخرین ظرفیتهای حمایت از کارگران تهی می‌کند.

در انبوه نیروی کار کشور، گروه بزرگی نیز از روزنامه‌نگاران و شاغلان رسانه با قراردادهای موقت و بدون هیچ پشتوانه و امنیت شغلی و گروه بزرگ‌تری از این صنف حتا بدون قرارداد و هرگونه پوشش بیمه‌ای و حمایتی و یا با قراردادهای سفید امضا، با کار گزارشگری و خیررسانی خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی و در رسانه‌های گوناگون در خدمت ارتقای فرهنگی جامعه قرار دارند. این گروه نیز مانند سایرین از نبود پوشش حمایتی قانون کار و در واقع از بی‌قانونی بیشترین آسیب‌ها نصیب‌شان می‌شود.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد تهران ضمن تاکید بر حق داشتن کار و امنیت شغلی و حق آزادی تشکلهای کارگری تمامی مزد و حقوق‌بگیران، مخالفت خود را با این‌گونه تغییر در قانون کار اعلام و خالی کردن آن را از ظرفیتهای حمایت از کارگران محکوم می‌کند.

انجمن ما خواهان بازپس‌گیری فوری این لایحه از مجلس و پوزش خواهی از کارگران به‌خاطر احساس ناامنی‌ای است که ایجاد شده است.

انجمن تاکید می‌کند، تغییر و اصلاح در قانون کار و پیش‌بینی آزادی‌ها و حقوق به رسمیت شناخته‌شده‌ی کارگران، مطابق با کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO) امری ضروری و اجتناب ناپذیر است اما این کار باید در فرصتی مناسب و با حضور نمایندگان واقعی کارگران که به همین منظور توسط تشکلهای مستقل کارگری برگزیده شده‌اند و همچنین با حضور کارشناسان مستقل حوزه روابط کار صورت بگیرد.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد تهران- 1395/06/28

23 شهریور: بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون اظهار نظر نهادهای دست ساز کارگری و معاون وزیر کار در مورد لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار

همانطور که در مقدمه گفتگوی سایت اتحاد در مورد قانون کار با جعفر عظیم زاده آمده است سران خانه کارگر از لایحه اصلاحیه دولت خبر داشتند اما تا لحظه انتشار این خبر از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، دست به انتشار آن نزدند. در پی انتشار این لایحه از سوی اتحادیه در دوازدهم شهریور ماه، خبرگزاری ایلنا نیز آنرا در چهاردهم شهریور منتشر کرد و بدنبال آن بود که کمپین خانه کارگر و دیگر نهادهای دست ساز کارگری و نهایتاً معاون وزیر کار جناب هفده تن در مورد لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار براه افتاد. آیا آنگونه که محبوب و جلودار زاده در مجلس شورای اسلامی، نهادهای دست ساز کارگری و هفده تن مدعی آن هستند واقعا اینان خبر از چیزی نداشتند. یعنی ما کارگران باید بپذیریم که بنا به گفته هفده تن در خبرگزاری مهر، این لایحه مال دولت احمدی نژاد است و بنا بر این چنین لایحه‌ی ای نه از طریق وی و وزیرش، بلکه توسط این شخص و عوام‌لش؟! بدست مجلس شورای اسلامی رسیده است؟!

بنا بر اعلام خبرگزاری مهر، لایحه اصلاحیه قانون کار در روز 13 تیر ماه از سوی هیات رئیسه مجلس اعلام وصول شده و طبق سندی که اتحادیه آزاد کارگران ایران و سپس خبرگزاری ایلنا منتشر کرده است این لایحه در روز سوم مرداد ماه در مجلس منتشر و بدست کمیسیونهای متعدد فرعی و اصلی آن رسیده است. با اینحال محبوب و جلودار زاده که به عنوان سران خانه کارگر در مجلس شورای اسلامی حضور دارند و دیگر لایه‌های بالایی و میانی نهادهای دست ساز کارگری به شکل بسیار مشتمل کننده‌ی، طوری رفتار میکنند و حرف می‌زنند که گویا تا همین چند روز پیش از این مسئله بی‌خبر بوده‌اند.

اما برای ما کارگران ایران بیش از هر زمان دیگری روشن است که خانه کارگر و دیگر نهادهای دست ساز کارگری هیچ ربطی به منافع ما ندارند، اینان همچون دولت شان و دیگر دولتهای پیشین، حامل و نماینده هیچ منفعتی جز تداوم سیاستهای چند دهه گذشته و تضمین تداوم غارتگری چپاولگرانی نیستند که طی چند دهه گذشته هست و نیست ما کارگران را به یغما برده‌اند.

ما کارگران ایران نیک میدانیم که نهادهای دست ساز کارگری و سرانشان همدوش و همراه با دولتهای مختلف، مسبب وضعیت مصیبت بار کنونی هستند و این صفوف متحد و آگاه ماست که متضمن جلوگیری از ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار و نهادینه کردن قانون کاری خواهد بود که روح حاکم بر آن و مواد و تبصره هایش، حافظ منافع کارگران و بر پائی دنیایی بهتر برای زندگی و معیشت ما نود و نه درصدی ها خواهد بود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 23 شهریور ماه 1395

20 شهریور: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه:

لایحه ضد کارگری و پایمال کردن حقوق و منافع کارگران را محکوم می کنیم

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه اعلام میدارد در صورت تصویب لایحه ی ضد کارگری ، دادخواهی، اعتراض وتجمع را حق مسلم همه کارگران می دانیم و تنها راه نجات ما کارگران و مزد بگیران ایجاد تشکل های سندیکایی و کارگری مستقل از دولت و متحد شدن همه ی کارگران در مقابل بی عدالتی ها و ظلم است.

لایحه ضد کارگری و پایمال کردن حقوق و منافع کارگران را محکوم می کنیم

لایحه اصلاحی قانون کار با هدف پایمال کردن حقوق کارگران تدوین شده است . در برابر تصویب این لایحه ایستادگی خواهیم کرد درحالی لایحه اصلاح قانون کار به مجلس رفته است که طی سال های گذشته بخش هایی از این قانون که حمایت از حقوق کارگران را تاکید می کند عمدتا و بطور عمدی اجرا نشده است. گویا این بخش های قانون ضمانت اجرایی خود را از دست داده است. حال دولت برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و دریافت وام های کلان از صندوق بین المللی پول جهت رونق اقتصاد بیمار، بطور یک جانبه و بدون حضور نمایندگان واقعی ومستقل کارگران با تغییراتی در قانون کار می خواهد با بی دفاع کردن و ارزان سازی نیروی کار سبب جذب سرمایه های خارجی و به زعم خود ایجاد رونق در فضای کسب و کار شود. ارائه دهندگان لایحه به جای اشتغالزایی برای لشکر بیکاران و اجرای صحیح قانون کار، مصمم هستند با تغییر یک جانبه در موادی از قانون کار زمینه سود آوری و سود جویی بیشتر برای کارفرمایان را فراهم آورند. اصرار بر تغییراتی در مواد ۴۱، ۲۷، ۲۳، ۲۱، ۱۲، ۱۰ و... این قانون به معنی حذف تمامی دستاوردهای کارگران در بیش از نیم قرن گذشته و هجومی همه جانبه به این دستاوردها است. این اولین بار نیست لایحه ای این چنین ضد کارگری که از همه جوانب دست آوردهای حداقلی کارگران را نشانه رفته است به مجلس می رود، تا پایمال کردن حقوق کارگران قانونی تر بشود. گویا مهمترین اقدام هر دولتی که بر سرکار می آید، دست بردن به منافع کارگران به بهانه جذب سرمایه گذاری خارجی است. بهترینست دولت بجای دست بردن به حقوق کارگران که طی سالها مبارزه و تلاش در شرایط سخت بدست آمده به مسئله فساد و بیکاری و تورم افسار گسیخته که کمر کارگران و فرودستان جامعه را خم کرده است، بپردازد. چرا به جای دست درازی به قانون کار که بخشی از حقوق حداقلی کارگران را تامین می کند به فسادهای گسترده ای که کل جامعه را در بر گرفته و هرروز صدای رسوایی رانت ها و اختلاس های میلیاردی و ناکارآمدی مدیران دولتی وحکومتی، گوش مردم را کر کرده پرداخته نمی شود.چرا از اصلاح فصل ششم این قانون که اصل آزادی تشکل های صنفی را نقض می کند و یا از تغییر و اصلاح ماده هفت این قانون که با به رسمیت شناختن قراردادهای موقت کار ، امنیت شغلی کارگران را نابود کرده است سخنی در میان نیست؟ چرا حق دفاع و اعتراض و اعتصاب برای کارگران در این لایحه جایی ندارد؟ این لایحه در حالی به مجلس تسلیم شده است که در چند سال گذشته بیشترین سرکوب علیه اعضای سندیکا شرکت واحد و دیگر تشکل های مستقل و فعالین کارگری در کشور انجام شده است؛ شدت برخوردهای امنیتی و پلیسی با فعالین عرصه کارگری بسیار کم نظیر بوده و بطور مکرر احکام زندان و شلاق و حبس های طولانی مدت علیه آنها به اجرا درآمده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام می دارد این سرکوب ها علیه کارگران و لایحه اصلاح ضد کارگری، به این منظور طراحی شده است تا بتواند ناکارآمدی و سیاست های غلط انجام شده توسط مسئولین را بپوشاند. تا نظارت صحیح و همه جانبه از سوی نهادهای مردمی و مستقل همچون سندیکا ها و دیگر تشکل های مستقل کارگری در جامعه شکل نگیرد. با ادامه ی این سیاست ها مشکلات افت تولید، رکود اقتصادی، فساد و رانت خواری و اختلاس های میلیاردی در جامعه حل نخواهد شد و متاسفانه بیشترین هزینه را جامعه کارگری و حقوق بگیران فرو دست خواهند داد. از همه مهمتر این که با واردات انبوه کالاهای مصرفی از خارج، بخش عظیمی از صنایع کشور تعطیل شده است ودر نتیجه امواج نیروی کارگران بیکار به در بسته سیستم اقتصادی کشور کوبیده می شود. همچنین هر سال نزدیک به یک میلیون فارغ التحصیل از دانشگاه های مختلف کشور با دانش آموزان ودانشجویان ترک تحصیل کرده در هم آمیخته رقم بالای یک میلیون دویست هزار نفر جویای شغل را به بیکاران دیگر اضافه می کنند. بیهوده نیست که وزیر کار در مصاحبه هایش طی سال های گذشته از سونامی بیکاری ۱۲ میلیون نفره سخن گفته است. ومتاسفانه با علم به این موضوع ، فراهم آوردن شرایط یورش به ته مانده ماده های حمایتی قانون کار از کارگران را آغاز کرده اند. تغییر ماده های حمایتی مربوط به شرایط استخدام در رابطه با کارهای دائمی وموقت ، مفاد ماده ۷ و همچنین بی ثمر کردن ماده ۴۱ قانون کار وتبصره هایش در رابطه با تعیین حداقل دستمزد، دادن اختیار کامل به کارفرما در رابطه با اخراج کارگران که یاد اور ماده ۳۳ قانون کار دوران پیش از سال ۱۳۵۷ است، همه وهمه گامی به سوی برده کردن کارگران ومزد بگیران ایران است .جالب است که بدانیم هم اکنون بنا بر امار ارائه شده از سوی برخی نهاد های بین المللی قیمت مزد کارگران ایران به پایین ترین سطح دریافتی کارگران در سراسر جهان رسیده است. واین یعنی آماده کردن بهشتی برای سرمایه داران بین المللی!

اصل ۴۳ قانون اساسی حکومت ودولت را موظف می سازد، برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را بر اساس ضوابط زیر استوارسازند:

تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

این اصل حکومت را مکلف به انجام این وظایف و دیگر درخواست های ذیل این اصل می گرداند. یعنی حکومت وظیفه دارد این امکانات را برای همه ایرانیان فراهم آورد، حتی اگر بیکار یا دانش جو باشند. زمانی می توانیم اجرایی شدن این مطالبات را بر گردن حکومت قرار دهیم که با ایجاد سندیکاها، شوراهای و دیگر نهادهای مستقل و سازمان های صنفی و سیاسی کارگری و مردم نهاد، در سطح کارگاهی، شهری، منطقه ای، استانی و سراسری متشکل شده باشیم. این که فقط شرایط نا بسامان و بی قانونی ها را مطرح کنیم کافی نیست. ما می توانیم با تشکیل این نهاد ها و ایجاد ارتباط بین بخش های پراکنده ی نهاد های مستقل و آزاد کارگری، هرچند زیر فشار شدید، ولی همچنان دست از خواسته ها و مطالبات خود بر نداشته در راه تحقق آن ها تلاش کنیم. یگانه راه ما برای جلوگیری از تصویب چنین لایحه های ضد کارگری، آگاهی رسانی نسبت به این موضوع و کنشگری برای عملی کردن پیوستن نیروهای معترض مزد بگیران در سراسر کشور، به همدیگر است. چون این درخواست اعتراض و مخالفت، یک امر همگانی و سراسری است که به سرنوشت تمام طبقه کارگر ایران مربوط می شود، سازماندهی این ایستادگی هم، باهر شیوه ممکن، ضروریست در سراسر کشور تحقق یابد. این یورش همه جانبه بر علیه دستاورد های کارگران ایران یک پاد زهر دارد و آن اتحاد و همبستگی و درگیر کردن هرچه بیشتر تمامی بدنه مزد بگیران در این اعتراض و بیکاری است. این راه و روشی است که ما کارگران در حول ان خود را آماده مقابله سراسری با این لایحه ضد کارگری و ضد بشری می کنیم. سندیکا اعلام می دارد در صورت تصویب لایحه ی ضد کارگری، دادخواهی، اعتراض و تجمع را حق مسلم همه کارگران می دانیم و تنها راه نجات ما کارگران و مزد بگیران ایجاد تشکل های سندیکایی و کارگری مستقل از دولت و متحد شدن همه ی کارگران در مقابل بی عدالتی ها و ظلم است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۰ شهریور ۱۳۹۵

16 شهریور: تغییر قانون کار کویدن آخرین میخ های تابوت کارگران است

دست درازی بر حقوق کارگران، بیش از 3 دهه است که برای دولت و قانون گزاران رایج گردیده، تا شاید راه برون رفت از این بحران اقتصادی شود.

شرایط بسیار غیر انسانی بر جامعه، به ویژه کارگران حاکم است، تهاجم به قانون کاری که ملاحظاتی هر چند، اندک برای بقاء کارگران در بر دارد، با ارائه لایحه ای از سوی دولت به مجلس آغاز شده است. بدین وسیله دولت، شرایط برده داری را برای کارفرمایان تسهیل می کند. سال هاست که دست آوردهای کارگران و دیگر مزایای قانونی از کارگران سلب می گردد.

دست درازی بیشتر به سفره کارگران از تغییرات قانون کار نیز عبور کردند. اکنون با شرایط بسیار سختی که با دستمزدهای 4 برابر زیر خط فقر، بیکاری های دسته جمعی کارگران، به تعطیل کشاندن کارگاه ها و کارخانه ها، تعویق در پرداخت ماه ها دستمزد که تا نان قرض گرفتن، خانواده های کارگران را پیش برده، به معنای واقعی فقر و فلاکت، جامعه را در بر گرفته است. از سویی دیگر ما شاهد بهره وری با سود های افسانه ای، جمعیت یک درصدی جامعه از حاصل دسترنج کارگران و حقوق بگیران هستیم.

علاوه بر آن تاراج و چپاول، دزدی و غارت، ثروت های عمومی توسط بخش بسیار ناچیزی از جمعیت یک درصدی است که تحت نام اختلاس های میلیارد دلاری، رانت خواری ها، دریاخواری و جنگل خواری و غیره از شگردهای دزدی ثروت عمومی جامعه، هر روزه در رسانه ها کشف می شود.

همچنین حقوق ها و پاداش های نجومی، مدیران، سندی دیگر از حقانیت سخن ما و مطالبات بر حق ماست.

لذا جهت محرومیت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشن جامعه از حاصل دسترنجشان، و سود بری بیشتر کار فرمایان و دولت، موادی از تغییرات قانون کار در برنامه ششم توسعه تقدیم مجلس گردید:

1- افزایش سن از 60 سال به 65 سال جهت بازنشستگی و شاید هم بیشتر از 65 سال، از طریق پلکانی کردن این افزایش از تاریخ مصوبه آن به ازای هر سال که از مصوبه آن می گذرد، شش ماه به آن اضافه می گردد. همچنین افزایش سابقه کار از 30 سال به 35 سال با این ماده پیش برده می شود. لذا حداقل سابقه کار و پرداخت حق بیمه بازنشستگی از 10 سال به 15 سال افزایش خواهد یافت.

2- میانگین حقوق محاسبه برای مستمری از 2 سال آخر بازنشستگی به میانگین حقوق 5 سال آخر جهت محاسبه مستمری بازنشستگی افزایش می یابد.

مثال: میانگین حقوق دریافتی 2 سال آخر قبل از بازنشستگی: سال های 1394 و 1395، محاسبه می گردد و کارگری با حداقل دستمزد در 1394 که 712/000 تومان بوده است با حداقل دستمزد سال 1395، 812/000 تومان جمع می شود و مستمری تقریبی 762/000 تومان حقوق یک کارگر پس از 30 سال زحمت است.

95+94+93+92+91

6 ماه 5 سال

دریافتی حقوق 94+95

24 (دو سال)

مقرری، مستمری بگیران کارگران سال 96 =

میانگین حقوق دریافتی مستمری کارگرانی که در فصل بهار 1396 بازشسته می شوند، مبلغ تقریبی 762/000 تومان است. با احتساب افزایش خط فقر سالانه 30% درصدی، مبلغ 4 میلیون تومان سال 1395 به مبلغ 5/200/000 تومان در سال 1396 افزایش می یابد.

با احتساب فرمول فوق الذکر، حقوق یک کارگر مستمری بگیر، پس از 30 سال کار و زحمت نسبت دریافتی دستمزد او کمتر از 1/6 خط فقر کاهش می یابد. با توجه به این معادله، سطح دستمزدها از کاهش چشمگیر برخوردار خواهد شد، چنانکه با افزایش بیکاری هر سال کارگران بازنشسته، چون با دریافت مستمری که کمتر از 1/6 خط فقر باشد، مجبور به یافتن کار مجدد می شوند. یعنی افزایش بیکاران است.

با توجه به قانون عرضه و تقاضا در بازار، حداقل دستمزد واقعی و نه اسمی کارگران کاهش می یابد و در نتیجه سود حاصله برای کارفرمایان افزایش می یابد.

افزایش سن بازنشستگی، معنای دیگری هم در بر دارد. زیرا که کارگران شاغل، 5 سال نیز دیرتر بازنشسته می شوند. در نتیجه خالی شدن جای کارگران شاغل برای جایگزینی کارگران بیکار به تأخیر می افتد. عاقبت اینکه صفوف لشکر بیکاران در پشت درهای کارخانه ها بیشتر فشرده تر می گردد این امر موجب می شود حداقل دستمزد باز هم کاهش چشمگیر بیابد. در نتیجه سود کارفرمایان از افزایش چشمگیری برخوردار خواهد شد.

-3 لغو دائمی: مشاغل سخت و زیان آور.

مشاغل سخت و زیان آور، در کمیته ای که از رأی اکثریت مطلق برخوردار است. تشخیص و تأیید وزارت بهداشت و درمان است. به اعتقاد کارشناسان این وزارتخانه، کارگرانی که در این مشاغل، مشغول کار هستند طول عمر آنها 1/3 الی 1/4، کمتر از طول عمر کارگران مشاغل عادی است.

لغو این قانون بازنشستگی پیش از موعد مساوی این قانون است که کارفرمایان حق دارند که از کارگران خود تا مرز کشتار کار بکشند، بدون اینکه دپه ای به آنها تعلق گرفته شود. کارفرمایان از پرداخت 4% حقوق کارگران بابت بیمه مشاغل سخت و زیان آور به سازمان تأمین اجتماعی و دیگر صندوق های مستمری، معاف می گردند. زیرا که سازمان های فوق از دریافت حق بیمه کارگران مشاغل سخت و زیان آور (بازنشستگی پیش از موعد) محروم می شوند. پس باید به ازای بازنشست شدن هر کارگر 4% حقوق آنها را به ازای هر سال سابقه در شغل سخت و زیان آور به صندوق های بازنشستگان و تأمین اجتماعی پرداخت نماید.

-4 بحث دیگر، کارشناسان و خود وزارت کار لغو، قانون تعلق، قانون کار به مناطق آزاد کشوری است. این قانون در سال 1382/1/16 به تصویب رسید. از سویی دیگر مناطق مثل عسلویه که جمعیت کارگران بسیار زیادی را داراست و شامل قانون کار است، با لغو مناطق آزاد از شمولیت قانون کار، دست کارفرمایان را در مناطق آزاد کاملاً باز می گذارد و هر گونه که خودش تشخیص می دهد با کارگر رفتار کند.

نکته قابل توجه و حائز اهمیت این قانون، بطور آشکارا، از کارفرمایان و سرمایه داران کاملاً حمایت می نماید. و کارگر به عنوان برده شخصی کارفرمایان مجبور و محکوم هستند، آن طور که فقط کارفرما تشخیص می دهد. روابط کاری با کارگران خودش یک سویه و بی دخالت قانونی، رفتار نماید. از سویی دیگر کارگر تمامی مزایای شغلی خود را از دست می دهد و مانند یک برده باید کاملاً مطیع کارفرما، قرار گیرد. هر چند که ما در عصر 21 زندگی می کنیم، اما سود کارفرمایان، تنها حاکم مطلق جامعه امروزی هستند.

-5 کاهش پاداش سنوات خدمت، در پایان دوره خدمت از حقوق یک ماه در سال به ده روز، در سال کاهش یافت. یکی از آخرین مزایایی که به کارگران و کارکنان تعلق می گرفت. از کارگران سلب می شود. پاداش 20 روز در سال طی 30 سال از کارفرما دریافت نمی شود.

کارگران برای این مبلغ پاداش آخر خدمتش خیلی امیدها داشتند و این مبلغ، حداقل اندکی از مشکلات و کاستی های کارگران را می پوشاند.

کاهش این مبلغ پاداش یک ماه حقوق در هر سال به 10 روز حقوق در سال یعنی، 2/3 این مبلغ را از کارگران کم کردند و به سودها و انباشت سرمایه کارفرمایان افزودند.

نکته قابل توجه و حائز اهمیت دیگر آن است که:

حاصل تغییرات فوق الذکر در قانون کار، کاهش قابل توجه و چشمگیر، قدرت خرید جمعیت 99 درصدی جامع است تمام تلاش دولت برای تغییرات قانون کارجهد افزایش مافوق سودهای افسانه ای برای سرمایه داران و کارفرمایان تدارک دیده شده است. اما روی دیگر سکه برایشان قابل تصور نیست. عدم قدرت خرید جمعیت 99 درصدی جامعه باعث می گردد که در بازار، از کاهش فروش کالاهای تولید شده برخوردار گردد. افزایش کالای تولید شده که به فروش نمی رسد، و این تأخیر سیکل خرید و فروش کالا در بازار، کارخانه ها را از تولید بازمی دارد.

در نتیجه بحران فزونی کالا در بازار به کاهش تولید در کارخانه ها منجر می شود. کاهش تولید، مساوی با کاهش نیروی کار در کارخانه ها می گردد. بحران بیکاری چندین برابر افزایش می یابد. کارگران بیکار جمعیت 99 درصدی به بحران عمومی در جامعه منجر می گردد و کارخانه های ورشکسته نیز افزایش می یابد. آنگاه سیل خروشان بیکاران، پایه های قدرت اقتصادی و سیاسی را فرو خواهد ریخت. فرو ریختن بنیاد خانواده بیکاران، خواب را بر چشم متصدیان پایه های قدرت اقتصادی و سیاسی جامعه را فرو خواهد ریخت.

16/6/95-آیت نیافر:سخنگوی کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

14 شهریور: اطلاعیه اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران درباره لایحه اصلاح قانون کار

لایحه اصلاح قانون کار یا پیروزی کودتا، علیه قانون اساسی ایران

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران اعلام می دارد تأیید و تصویب لایحه اصلاح قانون کار به وسیله دولت یا مجلس، در عمل حذف قانون اساسی کشور می باشد. از این رو می باید کلیه حقوق بگیران کشور چه کارگر، کارمند، مهندس و معلم با این روند قانون زدایی که با اولین دولت پس از جنگ (دولت رفسنجانی) آغاز شده است مخالفت نمایند. برخی از کارگران نفت گر ایران یادآوری می کنند که: الف، دولت وظایفش طبق قانون اساسی کشور اجرا و کاربردی کردن قانون اساسی است نه تنظیم لوایحی که نقض کننده مواد این قانون می باشد. ب: قانون اساسی هر کشور قوانین مادر می باشند و دولت ها می باید تنها در این چار چوب پیشنهاد قانونی بدهند. پ: مجلس لایحه ای را می تواند مورد بررسی قرار دهند که با قوانین اساسی کشور در تضاد نباشد. ت: دولتی که اقدام به قانون زدایی نماید مشروعیت آن باید در مجلس مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

پس از پایان جنگ با روی کار آمدن رفسنجانی به عنوان رئیس جمهوریده بستان با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول آغاز شد و ایران روندی را پیش گرفت که به صورت خزنده به آغوش سرمایه داری مالی پیوست و پروسه حذف قانون اساسی آغاز گردید، تا ایران تبدیل به یک شریک تجاری حاشیه ای امپریالیسم جهانی بدل گردد. این دولت با اعلام و ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی که بر خلاف اصول قانون اساسی کشور اصل های 44 و 45 بود این مناطق را از شمول قانون کار خارج کرد. دولت اصلاحات که منظورش از اصلاحات همان قانون زدایی به نفع یک درصدی ها جامعه و به زیان 99 درصد حقوق بگیران، کارگران و زحمتکشانشان ایران بود کارگاه های زیر ده نفر را از شمول قانون کار خارج نمود و بدین گونه روند کودتا را تحکیم شد. دولت اصول گرای بعدی که برای پیوستن به تجارت جهانی شتاب بیشتری داشت، شوک درمانی را پیشنهاد نمود تا برای همیشه از "شر" قانون اساسی راحت شوند و پا جای پای شاه در وابستگی اقتصادی بگذارند. ولی نتوانست به صورت کامل موفق گردد. ولی امروز دولت فعلی می خواهد آن زهر را آرام به کام مردم بریزد بدین جهت بنام بر داشتن موانع سرمایه گذاری!!! حذف قانون کار را به نام لایحه اصلاح قانون کار به مجلس پیشنهاد داده است و شمشیر را بر علیه منافع حداقلی کارگران از رو بسته است. این روند یک کودتای ضد قانون اساسی کشور است. رضا خان میر پنج هم، با همین شیوه و با نام جمهوری خواهی بر علیه قانون اساسی مشروطه برنامه ریزی نمود و با لایحه غیر قانونی ماده "ده" از جمهوری به آغوش استبداد پرید و دیدیم عاقبت او و پسرش را که آرزوی در خاک ایران دفن شدن را هم، به گور بردند. این دور باطل تاریخ کشور ماست که تا آن زمانی که استبداد سیاسی - اقتصادی . . . وجود دارد از آن گریزی نیست. ما در دوران نوشتن کتاب یک کلمه مستشار الدوله (ناصر الدین شاه قاجار) هستیم که باید در برابر این زیاده خواهی دولت های پس از جنگ بایستیم و حقوق قانونی خود را طبق مواد 44، 45 و . . . قانون اساسی مطالبه کنیم.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخن گو ناصر آقاجری

14 شهریور 95

13 شهریور: انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه: لایحه اصلاحیه جدید قانون کار تلاش برای قانونی کردن اقدامات ضد کارگری انجام گرفته تاکنونی

لایحه اصلاحیه قانون کار توسط دولت بدون خبری و رسانه ای کردن آن در تیر ماه سال جاری برای تصویب به مجلس فرستاده شده است. لایحه اصلاحیه قانون کار (قانون کارموجود که بنیدن آن درصدمت بامنافع کارگران است) در راستای ارزان سازی بیشتر از پیش نیروی کار، رسمیت بخشیدن به طرح دوران عشیرتی و فتودالی استاد شاگردی و دوتاسه سال مجانی نیروی کار جوان در خدمت کارفرمایان قراردادن و خارج کردن سازمان تأمین اجتماعی از تعهدات خود نسبت به کارگران و موارد دیگر تدوین شده است.

هر چند خواسته ای اساسی طبقه کارگر نه تنها در محتوای قانون کار ضد کارگری موجود نمایندگی نمیشود، بلکه خود این قانون کارسندی قانونی برای اعمال شدیدترین اقدامات در جهت تضییع حقوق کارگران است. اما تهیه این لایحه دهن کجی ای به خواسته ای اساسی ومورد مطالبه فوری طبقه کارگراست که اعتراضات هرروزه کارگری راحول خود شکل میدهد. اقدام به تهیه لایحه و تلاش برای تصویب آن در سکوت و بی خبر گذاشتن کارگران، خود دلالت بر ترس از شکل گیری اعتراضات کارگری نسبت به این سند مافوق ضد کارگری دارد.

اما ماجرا قطعاً به همین سادگی ای که دولت و مجلس به آن اندیشیده اند ختم نخواهد شد. طبقه کارگر امروز دارای تجربه ای طولانی به مدت بیش از سه دهه مبارزه علیه قوانین، بخشنامه ها و اعمال ضد کارگری منطبق با قوانین نوشته یا نانوشته است. در نتیجه، تلاش مشترک مجموعه قانونگذاران و مجریان آن حتی در صورت به قانون در آوردن برنامه های ضد کارگری جدید در فضای سکوت و بی خبری کارگران، اعتراضات وسیع کارگری را به دنبال خواهد داشت و محکوم به شکست خواهد شد.

تصویب لایحه اصلاحیه قانون کار باید فوراً متوقف شود و قانون کار موجود نیز باید به کلی باطل اعلام گردد و قانونی کاملاً در راستای تأمین منافع معیشتی طبقه کارگر توسط نمایندگان واقعی و منتخب از طریق مجامع عمومی کارگران مصوب و رسمیت یابد.

12 شهریور: بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تلاش دولت برای تغییر قانون کار - دولت در سکوت خبری لایحه ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار را به مجلس برده است + متن کامل لایحه اصلاحیه

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، دولت روحانی در سکوت خبری کامل لایحه ایجاد تغییرات ضد کارگری در قانون کار را، تیر ماه سالجاری تحویل مجلس شورای اسلامی داده است. این لایحه با 86 بند، 84 ماده از مجموع 203 ماده موجود در قانون کار را بصورت کلی و جزئی مورد بازنگری و تغییر قرار داده است.

لایحه اصلاحیه ای که دولت روحانی به مجلس شورای اسلامی ارجاع کرده است همان لایحه اصلاحیه قانون کار در دولت احمدی نژاد است که با مقاومت ما کارگران با شکست مواجه شد. حال دولت روحانی در ادامه سیاستهای ضد کارگری خود همان لایحه را در سکوت کامل خبری به مجلس شورای اسلامی برده است. این لایحه بصورت یک شوری به کمیسیون اجتماعی مجلس به عنوان کمیسیون اصلی و تعداد دیگری از کمیسیونهای آن به عنوان کمیسیونهای فرعی ارجاع شده است.

مهمترین تغییرات در این لایحه اصلاحیه، مربوط به مواد 7 - 10 - 21 - 23 - 27 و 41 و برخی دیگر از مواد قانون کار می باشد که در صورت تصویب و اجرا شرایط به غایت برده واری را برای طبقه کارگر ایران به همراه خواهد آورد.

قانون کار موجود بنوبه خود قانون کاری است که پس از گذشت 27 سال از تصویب آن، شرایط کار و زیست مشقت باری را برای طبقه کارگر ایران رقم زده است و حال دولت روحانی در تداوم سیاستهای ضد کارگری دولتهای پیشین و بر بستر تحمیل شرایط برده وار بر طبقه کارگر ایران که از طریق عدم اجرای مواد 7- 10- 21- 41 و ... قانون کار موجود و اجرای کامل بندهای ضد کارگری آن در طول 27 سال گذشته محقق شده است، در صدد است با قانونی کردن این شرایط، نیروی کار و هست و نیست ما را بی قید و شرط در اختیار کارفرمایان و مافیای ثروت و قدرت قرار بدهد.

اما این چیزی نیست که براحتی از حلقوم مافیای ثروت و قدرت و صاحبان سرمایه و دولت شان به آسانی پایین برود. کارگران ایران همانگونه که در دوره های پیشین، هر گونه تلاش برای ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار را به شکست کشاندند اینبار نیز اجازه این کار را به دولت تدبیر و امید سرمایه داران و مجلس اش نخواهند داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن سکوت خبری و بی اطلاع گذاشتن کارگران از لایحه اصلاحیه قانون کار، اعلام میدارد هر گونه تغییری در قانون کار موجود که ما نیز خواهان آن هستیم می باید با توجه به فقر و فلاکت و شرایط مشقت بار طبقه کارگر ایران و در راستای تامین یک زندگی انسانی برای آنان صورت بگیرد. ما طی روزها و هفته های آینده مفصلاً به این لایحه و جوانب ضد کارگری آن خواهیم پرداخت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 12 شهریور ماه 1395

تصویر کامل لایحه اصلاحیه قانون کار که از سوی دولت در تیر ماه سالجاری برای تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است:

<http://www.etehtadeh.com/?page=news&nid=5465>

4-گفتگوها:

الف:نوشتاری:

2آذر: لایحه اصلاح قانون کار فاقد شروط قانونی است/ مدافعان فقط سفسطه کرده‌اند

یک پژوهشگر حقوق کار با تاکید نادیده گرفته شدن شرایط قانونی تدوین لایحه معیوب اصلاح قانون کار می گوید تا این لحظه اشخاص مخالف عودت این لایحه به دولت تنها با سفسطه از موضع خود دفاع کرده‌اند.

فرشاد اسماعیلی با اعلام این مطلب، اظهار داشت: لایحه اصلاح قانون کار امنیت شغلی و معاش بیش از 13 میلیون خانوار کارگری (معادل 40 میلیون نفر از جمعیت کشور) را تحت تاثیر می‌گذارد و 40 میلیون بیمه شده تامین اجتماعی را به خطر می اندازد.

وی با یادآوری دعوای تاریخی که بر سر تصویب این قانون در سال 69 میان دولت و مجلس با شورای نگهبان وقت صورت گرفت و در نهایت به مداخله مجمع تشخیص مصلحت نظام منجر شد، افزود: از آنجایی که موارد اختلاف آن زمان نهادهای مسئول، اکنون حکم چهار ستون اصلی قانون کار را دارد، مطابق قواعد حقوقی حاکم در کشور تغییر قانون کار به سادگی میسر نیست.

این کارشناس مسائل حقوق کار و تامین اجتماعی یادآور شد: دست‌کم طبق نظریه شماره 5318 شورای نگهبان قانون اساسی صراحت دارد که هیچ یک از مراجع قانونگذاری حق رد، ابطال، نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند.

اسماعیلی افزود: مطابق این نظریه در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی باشد، مجلس تنها پس از گذشت زمان طولانی (معتدبه) که تغییر مصلحت موجه باشد حق بازنگری را دارد.

این پژوهشگر حقوق کار ادامه داد: در مواردی هم که موضوع به عنوان معضل از طرف عالی‌ترین مقام رسمی کشور به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده باشد، بازهم در صورت استعمال از مقامات عالی کشور و جلب نظر موافق آنها قابلیت طرح مجدد در مجلس شورای اسلامی را دارد.

وی با بیان اینکه شورای نگهبان در نظریه فوق قوانین مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام را به دو دسته تقسیم نموده است، تصریح کرد: دسته اول قوانینی که اولاً و ثانیاً توسط خود مجمع تصویب می‌شود و دسته دوم از موارد اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان است که مجمع به عنوان مرجع حل اختلاف وارد شده است.

اسماعیلی با بیان اینکه قانون کار از قوانین دسته دوم است، تصریح کرد: طبق نظریه 5318 شورای نگهبان برای تصویب هر قانون مغایر با قانون کار فعلی دو شرط اساسی گذشت زمان معتدبه و شرط تغییر مصلحت لازم و ضروری تشخیص داده شده است.

این پژوهشگر حقوق کار با بیان اینکه حتی اگر با گذشت بیش از دو دهه از تصویب قانون کنونی کار، شرط اول یعنی «گذشت زمان معتدبه» را فراهم بدانیم، قطعاً شرط دوم یعنی «مصلحت موجه» تأمین نشده است، افزود: حتی این مطلب اخیر در نظریه اداره کل تطبیق قوانین و مقررات مجلس به پیوست لایحه ارسالی دولت الصاق و ضمیمه شده است.

اسماعیلی با طرح این پرسش که چه مصلحت موجهی در نادیده گرفته شدن شروط قانونی تدوین لایحه معیوب اصلاح قانون کار وجود دارد، تصریح کرد: از حقوقدانان مجلس در خصوص جلوگیری از تصویب این قانون توقع بسیاری متوجه شرایط قانونی باشند.

وی با طرح این دیدگاه که با وجود طبقه بندی لایحه اصلاح قانون کار در حوزه حقوق عمومی، مفاد لایحه معیوب اصلاح قانون کار هیچ رنگ و بویی از کوچکترین تکالیف دولت به چشم نمی‌خورد، گفت: حتی می‌توان مدعی شد که نویسندگان این لایحه به هیچ عنوان خود را متعهد به مراعات قواعد و الفبای حقوق عمومی ندانسته‌اند.

وی با بیان اینکه نگاه حقوق خصوصی و قراردادی وارد حقوق کار شده است، تصریح کرد: از اساتید حقوقدان مجلس توقع می‌رود که پیگیرانه تصویب این لایحه را توجیه کنند که حقوق کار ذیل حقوق عمومی است و قرار نیست معیشت کارگران را ذیل قرارداد خصوصی ببریم و با تنزل قرارداد کار به یک قرارداد ساده طرفینی، دست کارفرمایان را برای استثمار میلیون‌ها کارگر این مملکت باز و بازتر کنیم.

اسماعیلی با بیان اینکه نباید به بهانه پیوستن به سازمان تجارت جهانی، بنیاد و شاکله اصلی حقوق کار را به مسلخ برد، تصریح کرد: در دورانی که همه کشورها در حال بستن مرزهای اقتصادی به دور خود و تقویت اقتصاد ملی هستند متأسفانه عده ایی از اقتصاددانان نتولیرال و سوداگران سودجو در ایران در صدد دستیابی به سراب دریافت وام از صندوق بین المللی پول، بانک و جهانی به دنبال قلع و قمع حداقل‌های حمایتی قانون کار هستند.

این پژوهشگر حقوق کار دریافت وام از صندوق بین المللی پول را تنها منجر به مقروض شدن کشور دانست و افزود: به هر حال توجیه تنظیم کنندگان لایحه اصلاح قانون کار چه رفع موانع تولید باشد، چه صاف کردن جاده پیوستن به سازمان تجارت جهانی هر دو توجیه برای کارگران غیر قابل باور است و برای جامعه حقوقی هم غیر علمی و هم خلاف واقع است.

اسماعیلی با بیان اینکه قانون کار فعلی تنها منافع حداقلی کارگران را لحاظ کرده است، تصریح کرد: لایحه اصلاح قانون کار معیشت بیش از 13 میلیون کارگر و 40 میلیون بیمه شده تأمین اجتماعی را به خطر می‌اندازد از این رو لایحه اصلاح قانون کار قطعاً مخالف نظر شورای نگهبان و خلاف فلسفه تصویب و روح حاکم بر آن است.

اسماعیلی با بیان اینکه لایحه اصلاح قانون کار شان ورود ماهوی به مجلس را ندارد، تصریح کرد: اگر پیگیران تصویب این لایحه نتوانند مردم را توجیه کنند که چه مصلحت موجهی برای تصویب این لایحه وجود دارد قانوناً باید لایحه را برگردانند.

اسماعیلی در عین حال با اشاره به مفسده آور بودن مفاد لایحه اصلاح قانون کار، افزود: نمایندگان مخالف عودت لایحه اصلاح قانون کار هنوز در برابر کارگران و سایر معترضان هیچ منطق قانونی و حقوقی ارائه نکرده و تنها از ابزار سفسطه و مغلظه استفاده می‌کنند.

منبع: ایلنا-2 آذر

1 آذر: لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد - روحانی نیروی کار را قلع و قمع می‌کند

قانون کار و هزاران اما و اگر درباره تغییر مواد حمایتی آن، مدت‌هاست به کابوس جامعه کارگری کشور تبدیل شده است. تقریباً از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم، بحث تغییر قانون کار با شدت بیشتری دنبال شد. مدیرانی با گرایش‌های نولیبرالی که تلاش می‌کنند همگان را متقاعد کنند که برخی از مواد قانون کار فعلی، یکی از دلایل اصلی رکود تولید و کندشدن چرخ صنعت است. در چنین شرایطی، اگر قانون کار تغییر کند، چه در انتظار کارگران خواهد بود؟ حسام سلامت، پژوهشگر جامعه‌شناس اقتصادی، به مناسبت روز تصویب قانون کار در گفت‌وگویی پیش‌رو، به واکاوی ریشه‌های تاریخی تمایل دولت‌ها به تغییر قانون کار و دلایل اعتراض جامعه کارگری و در نهایت، تبعات اقتصادی و اجتماعی تغییر این قانون پرداخته است. او معتقد است، ارزیابی مواد اصلاحی متقاعدمان می‌کند با لایحه‌ای سروکار داریم که عملاً نیروی کار را قلع و قمع می‌کند و از حقوق مصرح آن چیزی باقی نمی‌گذارد.

بحث تغییر قانون کار، فقط مسئله این دولت نیست. دولت‌های گذشته هم به انحای مختلف تلاش کرده‌اند دستی در این قانون بزنند اما سؤالی که پیش می‌آید این است که به‌طور کلی دلیل تمایل دولت‌ها به تغییر مواد حمایتی قانون کار که بسیاری معتقدند تغییر آن می‌تواند تبعات اجتماعی بسیاری برای گروه‌های حداقل‌بگیر داشته باشد، چیست؟

به نظر، موضوع به خود برهه تصویب قانون کار در سال‌های دهه 60 برمی‌گردد. مناقشات از همانجا شروع شد و تا امروز هم با فرازونشیب‌های تاریخی ادامه داشته است. می‌دانیم که اولین پیش‌نویس قانون کار، یکی، دو سال بعد از انقلاب در «سازمان تأمین اجتماعی» نوشته شد که البته هیچگاه در صحن مجلس مطرح نشد. سال 61، نوبت به وزارت کار وقت رسید تا پیش‌نویسی تهیه کند که آن هم به تصویب هیأت وزیران نرسید؛ در نهایت، چند نفر از وزرای کابینه دولت اول میرحسین موسوی، موظف به تهیه پیش‌نویس قانون کار شدند که در بهار 64 به مجلس رفت و سال 66 تصویب شد اما شورای نگهبان ایرادات عمده‌ای به آن گرفت که عمدتاً ناشی از محافظه‌کاری رویکردهای سنتی به موضوع تجارت بود و نمی‌پذیرفت رابطه طرفین قرارداد - در اینجا کارگر و کارفرما - به واسطه الزام‌آفرینی‌های یک طرف سوم - در اینجا، دولت - محدود شود. در واقع، شورای نگهبان نظرش این بود که دولت نباید در رابطه کارگر و کارفرما دخالت کند و رابطه این دو را - مثل هر رابطه تجاری دیگر - باید به توافق طرفین موکول کرد. از این حیث، طبعاً نظر شورای نگهبان با علایق بازار و بخش خصوصی - که متشکل از بازاریان سنتی‌ای بود و مشخصاً در «اتاق بازرگانی ایران» جمع شده بودند و از حیث سیاسی، راستگرایی محافظه‌کارانه را نمایندگی می‌کردند - همسویی داشت و به این اعتبار، در برابر رویکرد تنظیم‌گرایانه دولت وقت قرار می‌گرفت. مناقشات دولت و شورای نگهبان بر سر قانون کار تا مدت‌ها بدون حصول به نتیجه‌ای ادامه داشت تا جایی که به فرمان آیت‌الله خمینی، مجمع تشخیص مصلحت نظام تأسیس شد تا برحسب مصلحت‌اندیشی میان دولت و مجلس از یک طرف و شورای نگهبان از طرف دیگر میانجیگری کند. لایحه در نهایت با تغییراتی چند در آبان 69 در مجمع تصویب شد. خود همین تاریخ 10 ساله تصویب قانون کار و مجادلات سیاسی-اقتصادی تعیین‌کننده‌ای که درباره آن شکل گرفت به روشنی گویای تنش است که از همان نخست بر سر مسئله کار یا به تعبیر دقیق‌تر، حول مناسبات کار و سرمایه در ایران بعد از انقلاب در جریان بوده است؛ این تنش از آغاز دوره ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، رویکرد توسعه‌گرای دولت او و درپیش‌گرفتن سیاست‌های تعدیل ساختاری تشدید شد. با اعتراض‌های شهرهای تهران و مشهد در گرفت، منع هر شکلی از تظاهرات یا اعتصاب کارگری به تصویب رسید. علاوه بر این، شکل‌گیری مناطق آزاد تجاری نیز قانون کار را در این مناطق کاملاً از موضوعیت انداخت. با این همه، کلیات قانون کار در دولت هاشمی با وجود همه تلاش‌هایی که برای دستکاری در مفادش شد؛ در نهایت، دست‌نخورده ماند. مهم‌ترین اصلاحی که در قانون کار ایجاد شد، در دولت دوم خاتمی بود. هیأت وزیران در مهر 81 به پیشنهاد شورای عالی کار طرح معافیت کارگاه‌های زیر 10 نفر کارگر از شمول قانون کار را تصویب کرد. اگرچه قرار بود این طرح به اصطلاح آزمایشی و موقت باشد و فقط برای سه سال اجرا شود ولی عملاً تا همین امروز بارها تمدید شده است و به این اعتبار، عملاً بخشی از قانون کار ایران به حساب می‌آید. موضوعی که در بحث ما اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد تحول ساختاری‌ای بود که در سال 84 به واسطه بازنگری اصل «44» قانون اساسی در نظام اقتصادی ایران ایجاد شد. این تحول در واقع، تمهیدی برای بازارآیی مناسبات سرمایه‌داری در ایران از راه کاستن از نقش اقتصادی دولت و گسترش نقش‌آفرینی‌های بازار و بخش خصوصی بود. پرداختن به اینکه اصرار خود دولت به پیشبرد پروژه خصوصی‌سازی را چگونه باید فهمید، مجال مستقل دیگری می‌طلبد ولی اجازه بدهید خیلی گذرا و تیتروار به چهار عاملی که آن را به رویه‌ای ظاهراً گریزناپذیر بدل کردند، اشاره کنم: اول- الزامات منطق اقتصاد جهانی؛ دوم- بحران انباشت سرمایه در مرزهای ملی؛ سوم- بحران کارآیی اقتصاد دولتی و چهارم- ضرورت تاریخی بازتوزیع امتیازها اما خصوصی‌سازی تنها رویه‌ای نبود که باید برای دگرگونی اقتصاد ایران و همواسازی‌اش با منطق اقتصاد جهانی انجام می‌گرفت. به موازات این، سیاست‌های مقررات‌زدایی و آزادسازی هم باید پی گرفته می‌شدند.

با این توضیحات، در واقع، ما الان در فصل مقررات‌زدایی و آزادسازی به سر می‌بریم. به نظر می‌رسد سیاست‌های نولیبرالی با هدف افزایش تولید و رونق صنعت حداقل در سه سال و چندماه گذشته روی کاغذ به نتیجه نرسیده است، پس به نظر شما، چطور می‌توان به تغییر قانون کار، خوشبینانه نگاه کرد؟

اگر حذف یارانه‌ها و «واقعی‌کردن» قیمت حامل‌های انرژی، مهم‌ترین مصداق سیاست آزادسازی باشد، اصلاح قانون کار نیز احتمالاً بارزترین جلوه سیاست مقررات‌زدایی است؛ بنابراین برای فهم اینکه چرا موضوع اصلاح قانون کار چنین با جدیت دنبال می‌شود و نسبت به دستکاری حقوقی‌اش، باوجود اجرائشدن بسیاری از مواد و تعطیلی بسیاری از مفاد آن، اصراری سیاسی در کار است، باید اقتضائات بازساختاری تاریخی خود نظام سرمایه‌داری ایران را بفهمیم که به اتکای سیاست‌گذاری‌های سه‌گانه خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و آزادسازی پیش می‌رود. آنچه این روزها از آن به نولیبرالیسم تعبیر می‌کنند، در واقع، چیزی غیر از این سیاست‌گذاری‌ها نیست. می‌خواهم بگویم به اعتبار منطق اقتصاد نولیبرالی حاکم که به واسطه «پایان رونق» و مزمن‌شدن رکود اقتصادی در مقیاس جهانی و با شدت بیشتر، در عرصه ملی دست بالا را گرفته، اصلاح قانون کار در راستای کاستن از تعهدات کارفرمایان و تسهیل اخراج نیروی کار و تثبیت ارزان‌سازی و موقتی‌سازی آن، یک ضرورت اقتصادی است.

منطق پس پشت لایحه موجود، این است که برای رشد اقتصادی و تسهیل شرایط کسب و کار و رونق بازار و سرمایه‌گذاری قبل از هر چیز باید از شر مزاحمت‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و محدودسازی‌های نیروهای کار خلاص شد. در این میان، شکستن سد قانون کار که اگر نه در عمل ولی دست‌کم از حیث صوری و حقوقی، هنوز از کارگر، حداقل در مواردی، حمایت می‌کند، الزامی است که بروبرگرد ندارد؛ بنابراین اگر واقع‌بین باشیم، منطق تضاد آشتی‌ناپذیر کار و سرمایه را درک کنیم و توهمی در قبال برهه تاریخی معاصرمان که همانا زمانه سیطره ظاهراً بلامعارض نولیبرالیسم است، نداشته باشیم، از لایحه اصلاح قانون کار تعجب نخواهیم کرد. می‌دانیم که بخش عمده لایحه مذکور، اگر نه کل آن، در دولت قبلی نوشته شد اما اجل مهلت نداد که همان دولت لایحه را به مجلس بفرستد و قرعه کار به نام دولت یازدهم افتاد و جالب اینجاست که دولت فعلی که عملاً در همه‌چیز متفاوت از دولت پیشین به نظر می‌رسد و اساساً حقانیت خود را در نفی تمام‌قد عملکرد دولت پیش از خودش می‌داند، در این یک مورد، نه تنها هیچ اختلافی با دولت قبلی ندارد بلکه در به‌تصویب‌رساندن آن از دولت مستعجل دهم پیگیرتر است و عملاً راه رفته و نرفته آن را ادامه می‌دهد؛ این خود شاهد روشنی است بر این حقیقت که مستقل از اینکه دولت‌ها از

حیث سیاسی چه گرایشی داشته باشند، در پیشبرد کلیات برنامه اقتصادی نولیبرالی با یکدیگر همراه و هم‌نظر هستند. اینکه پروژه ناتمام دولت احمدی‌نژاد در اصلاح قانون کار را دولت روحانی دارد به نتیجه می‌رساند، گویای چیزی کمتر از این نیست که با یک منطق اقتصادی فراسیاسی سروکار داریم که بخش بزرگی از جامعه سیاسی ایران بر سر اجرای آن توافق دارد و اجماع کرده است. اینکه بررسی آن از دستورکار مجلس خارج شود، چنانکه شده است یا حتی دولت در نهایت مجاب شده که به دلیل اعتراض‌های فراگیر کارگری آن را از مجلس پس بگیرد، در نهایت، چیزی بیش از تمهید وقت برای افتادن آب‌ها از آسیاب نخواهد بود. منطق اقتصادی حاکم ایجاب می‌کند که این لایحه بار دیگر، گیرم با جرح و تعدیل‌هایی، پیش گذاشته شود. نمی‌خواهم بگویم این لایحه در هر صورت و تحت هر شرایطی و بنا بر چیزی چون یک تقدیر تاریخی، لزوماً تصویب خواهد شد ولی پای عوامل حادث و تصادفی بسیاری در میان است. می‌خواهم بگویم جبهه سرمایه به اعتبار منطق درونی و اقتضای تاریخی‌اش، خیلی زود برای تسخیر همین سنگ‌های باقی‌مانده نیروهای کار بازمی‌گردد؛ چه بسا با قدرتی تشدیدشده و هجومی نامنتظره.

موافقان تغییر قانون می‌گویند این قانون ضدتولید است و به نفع صنعت و اقتصاد کشور نیست اما مخالفان معتقد هستند وقتی مواد حمایتی قانون کار با قید چند تبصره از همان ابتدا به‌ظهور کارگران موقت باوجود مصرح‌بودن کارگر دائم در قانون کار انجامید، دیگر اگر همین قانون را هم از آنان بگیرند چیزی برای اعتراض کردن به نقض حقوق کارگران وجود نخواهد داشت؛ نظر شما چیست؟

با نگاهی حتی شتابزده به مواد لایحه اصلاح قانون کار می‌توان به روشنی پاسخ داد چرا تصویب این لایحه تا جایی که به منافع نیروهای کار مربوط می‌شود، عمیقاً نگران‌کننده خواهد بود و به چیزی کمتر از تشدید اجحاف بر طبقات کارگر منجر نخواهد شد. من فقط به‌مهم‌ترین اصلاحات پیشنهادی خیلی گذرا اشاره می‌کنم. الف- با حذف تبصره «یک» ماده «7» قانون کار فعلی که دولت را موظف می‌کند «حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیرمستمر دارد» تعیین کند، شرایط برای دائمی‌شدن خود کار موقت فراهم می‌شود. این ماده پیشنهادی، عملاً راه را برای گسترش موقتی‌سازی کار هموار می‌کند. ب- بندهای سه‌گانه‌ای که به ماده «21» اضافه شده است شرایط اخراج نیروی کار را از قبل هم سهل‌تر خواهد کرد. ج- بازنویسی ماده «24» قانون کار در واقع، کارگران را تا زمان بازنشستگی‌شان از دسترسی به حق سنوات خود محروم می‌کند. د- اضافه‌شدن بند «شرایط اقتصادی کشور» به ماده «41» که به‌موضوع تعیین حداقل دستمزد مربوط می‌شود، عملاً کلیت این ماده را از موضوعیت می‌اندازد و تناسب حداقل دستمزد با نرخ تورم سالانه و سید خانوار را به عاملی به‌غایت مبهم و دلخواهی، همان «شرایط اقتصادی کشور»، مشروط می‌کند. با این اوصاف جدید، ارزان‌سازی نیروی کار باز هم تسهیل می‌شود. ه- در فرم جدید ماده «47»، کارگران عملاً از دریافت پاداش افزایش تولید محروم شده‌اند. و- در بازنویسی ماده «48»، دستمزدها به بهره‌وری نیروی کار مشروط شده که در عمل شیوه‌ای برای انعطاف‌پذیری نظام مزدی است. ز- در بازنویسی ماده «112»، شرط سن و حداکثر زمان کارورزی، که در حکم برهه ورود نیروی کار جوان به بازار کار است، حذف شده و خود کارورزی نیز به کسوت رابطه استاد- شاگردی درآمده است. ارزیابی این موارد کافی است متقاعدمان کند با لایحه‌ای سروکار داریم که عملاً نیروی کار را قلع‌و‌قمع می‌کند و از حقوق مصرح آن چیزی باقی نمی‌گذارد و وضعیت شکننده طبقه کار را باز هم شکننده‌تر می‌کند؛ بنابراین مدافعان لایحه درست می‌گویند که اصلاح قانون کار به‌نفع رونق اقتصادی کشور، تسهیل کسب و کار، افزایش سرمایه‌گذاری و ترغیب کارفرمایان به استخدام نیروی کار است. مسئله اینجاست که نفع ما با نفع آن یکی که نیست هیچ، بلکه تضادی بنیادی دارد.

همین‌که بررسی لایحه مذکور اخیراً از دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس خارج شد، خودش شاهدهی است که پیگیری کارگران در نهایت می‌تواند مؤثر باشد. این، بی‌تردید به‌معنای ختم غائله نیست زیرا اقتضای منطق نظم اقتصادی نولیبرالیستی، مقررات‌زدایی و خلاصی از سد قانونی نیروی کار است.

حتی می‌شود بدبینانه ادعا کرد ای بسا، عقب‌نشینی اخیر صرفاً تمهیدی مصلحت‌سنجانه باشد، به این دلیل ساده که دولت صلاح نمی‌بیند در شرایط حاضر نزد طبقات کارگر و فرودست که بخش گسترده‌ای از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، بدنام شود و حمایت احتمالی آنان در انتخابات را از دست بدهد و قافیه را به پوپولیسمی که ممکن است هر آن از راه برسد و با بسیج ناراضی‌ها و مطالبات بر زمین‌مانده قدرت بگیرد، بیازد. حتی اگر همین باشد نیز باز نمی‌توان نقش تعیین‌کننده اعتراضات فراگیری را که به لایحه شد دست‌کم گرفت زیرا اگر این انتقادات نبود اصلاً نوبت به مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌سنجی نمی‌رسید. در هر صورت، در شرایطی که از سر می‌گذرانیم همراهی‌های کارگری، آن‌هم با حداکثر اجماع و همیاری ممکن، برای نیروهای کار از نان شب واجب‌تر است. این امر، در موقعیتی که طبقه کارگر عملاً هیچ متحدی استراتژیک در جامعه سیاسی ندارد و همه احزاب و گروه‌های سیاسی رسمی کشور، بیشتر یا کمتر، بر سر برنامه‌های نولیبرالیسم اقتصادی اتفاق‌نظر دارند و برحسب منافع طبقاتی‌شان اساساً نمی‌توانند به‌هیچ آلت‌رناتیو اقتصادی‌ای فکر کنند، اهمیت بیشتری می‌یابد. به نظرم می‌رسد تشکیل یک همیاری فراگیر ضد‌هژمونیک از همه نیروهای اجتماعی مخالف سیاست‌های نولیبرالیسمی، باوجود همه محدودیت‌ها و ناتوانی‌هایی که وجود دارد، می‌تواند هژمونی سیاسی- اقتصادی جبهه نولیبرالیسم ایرانی را به حدی که چالش بکشد و دچار اختلال کند.

بخشی از یک گفتگوی وقایع اتفاقیه بتاريخ 1 آذر

12. آبان: بی‌حقوق کردن کارگران در پس لایحه اصلاح قانون کار

یک فعال کارگری تاکید دارد آنچه در پس لایحه اصلاح قانون کار است بی‌حقوق کردن کارگران و تسلیم آنان مقابل تصمیمات اقتصادی خانمانسوز است.

عبدالله وطن خواه با اعلام این مطلب، اظهار داشت: بی‌حقوق کردن کارگران همواره با شدت و حدت مختلفی توسط دولت‌ها دنبال می‌شد اما حالا کار به جایی رسیده که دولت یازدهم از بیشترین توان برای تعدیل قوانین حمایتی و آمره قانون کار برخوردار شده است.

وطن خواه افزود: البته پیش زمینه تعدیل قوانین حمایتی یا به عبارت دیگر بی‌حقوق کردن کارگران در ادامه رویکردهای دیکته شده سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است چراکه خصوصی‌سازی اقتصاد در غبار آلودترین فضای ممکن صورت می‌گیرد و در نتیجه شاهد تاراج اموال عمومی از سوی و ایجاد و انباشت انبوهی از سرمایه‌های غیر مولد از سوی دیگر هستیم.

این فعال کارگری ادامه داد: نتیجه پیگیری این سیاست چیزی غیر از تعمیق شکاف طبقاتی و نابرابر خرداری انبوه زحمت کشان شهر وروستا از وظایف حاکمیتی دولت به جهت شانه خالی کردنش از اجرای قانون اساسی به ویژه اصل ۴۲ نخواهد بود.

وی افزود: هم اکنون بخش خصوصی را دولت اداره می‌کند و بخش دولتی هیچ متولی ندارد چراکه اگر دولت دغدغه‌ای در این بخش داشت از قانون کار به عنوان یکی از فراگیرترین قوانین بعد از قانون اساسی حفاظت می‌کرد تا کرامت انسانی کارگران به خطر نیفتد.

این فعال کارگری در خصوص چرایی پهن کردن فرش قرمز برای سرمایه‌گذاران خارجی به هر قیمتی افزود: به زودی دولت متوجه می‌شود که کشور را به کارخانه تولید اجناس ارزان قیمت سایر کشورها تبدیل کرده است.

وی افزود: سرمایه‌گذاران خارجی در کوتاه‌مدت به سرمایه‌گذاری در صنایع بالا دستی علاقه نشان نخواهند داد از این رو باید متوجه بود که به حراج گذاشتن توان نیروی کار و کالایی فرض کردن آن تنها به پایین آمدن بهره‌وری و افزایش نارضایتی محرومان جامعه می‌انجامد.

این فعال کارگری در پایان افزود: دولت‌ها به جای تبعیت از الگوهای سرمایه داری نوین جهانی باید توسعه انسان محور را در دستور کار قرار بدهند زیرا وقتی نیروی کاری که احساس ناامنی کند از هویت برخوردار نیست و در این حالت نمی‌تواند در چارچوب الگوهای اجتماعی فعالیت کند.

منبع: ایلنا-12 آبان

4آبان: جعفر عظیم زاده: قانون کار، اساسی ترین و بنیادی ترین قانون در چهارچوب مناسبات موجود در جهان معاصر است

یادداشت‌های هفتگی

اینکه میلیونها کارگر در سراسر کشور مشمول قانون کار هستند و میلیونها کارگر دیگر مشمول این قانون نیستند یک واقعیت است، و اینکه حداقل مزد و سایر شرایط زیست معلمان، پرستاران، بازنشستگان، روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، بخشهای خدماتی رفاهی، رانندگان، مستخدمین کشوری و حتی مستخدمین سطوح پایین لشکری و... ، جدا از هم و جدا از حداقل مزد سالیانه کارگران مشمول قانون کار در شورایی عالی کار تعیین می شود، باز هم یک واقعیت است.

اما این واقعیات بیانگر تضاد منافع ما زحمتکشان و 99 درصدی های جامعه نیست، چرا که قبل از هر چیزی و بر اساس داده های کنونی زندگی بشر که خارج از اراده جداگانه ی یکایک ما انسانهاست، همه ی ما در یک جغرافیای سیاسی واحدی به نام ایران زندگی میکنیم و نمیشود حداقل مزد کارگران مشمول قانون کار را مثلا به دو برابر افزایش داد ولی مزد بقیه مزد بگیران زحمتکش را ثابت نگه داشت. بر عکس این مسئله نیز صادق است. به عنوان مثال مگر حکومتی میتواند حقوق معلمان را به دو برابر افزایش دهد آنوقت مزد کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و اساتید دانشگاه یا مستخدمین کشوری و لشکری سطوح پایین، کمی افزایش پیدا کند و یا ثابت بماند. از همین رو هم است که اقلیت حاکم در راس هرم غارت و قدرت در ایران، در برابر هر گونه امتیاز دهی به معلمان که توانایی امتیاز دهی به آنان را نیز دارد مقاومت میکند چرا که خود به خوبی میدانند در اینصورت علاوه بر افزایش حقوق کارگران و همه بخشهای زحمتکش جامعه، حتی باید جیره و مواجب قضات حلقه به گوش و مامورین امنیتی را نیز افزایش دهد. به این معنا اگر مثلا حداقل مزد برای کارگران مشمول قانون کار در سال آینده یک میلیون و ششصد و بیست و چهار هزار تومان، معادل دو برابر حداقل مزد کنونی تعیین بشود طبیعی است که دیگر مزد کارگر ساختمانی و یا جوشکار پروژه ای که مشمول قانون کار نیست نمیتواند از 50 هزار یا صد هزار تومان کنونی در روز به 60 یا 110 هزار تومان افزایش پیدا کند بلکه به تناسب تعیین همین حداقل مزد دو برابر برای کارگران مشمول قانون کار، مزد ما کارگران ساختمانی و پروژه ای نیز به دو برابر و یا نزدیک به این کمیت و کیفیت افزایش پیدا خواهد کرد. همینطور اگر حداقل مزد کارگران مشمول قانون کار در سال آینده به دو برابر افزایش پیدا بکند بدیهی است که حکومتگران مجبور به افزایش حقوق معلمان، پرستاران، بازنشستگان، روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، بخشهای خدماتی رفاهی و دیگر مستخدمین کشوری و لشکری و حتی قضات حلقه بگوش و مامورین امنیتی(که اکثریت آنها را از طبقه بزرگ ما کارگران استخدام کرده اند)، به دو برابر کنونی خواهند بود.

اگر این بحثها درست هستند که درست نیز می باشند در قسمت بعدی این نوشتار در هفته آینده، هدف از طرح این واقعیات را بیشتر با هم در میان خواهیم گذاشت.

1آبان: گفتگو با پرویز صداقت درباره لایحه اصلاح قانون کار احمدی نژاد – روحانی!

کارگران باید از هر ابزاری استفاده کنند که صدای خود را به گوش جامعه برسانند. اتفاق مهیبی در شرف افتادن است و بسیاری از مردم از پیامدهای این اتفاق بر زندگیشان آگاه نیستند. در شرایطی که هزینه‌های اقلام زندگی خانوار در این سالها افزایش یافته، در شرایط افزایش هزینه‌های ضروری مانند آموزش و بهداشت، تنها چیزی که سال به سال ارزان‌تر می‌شود، دستمزد نیروی کار است. به همین دلیل در درجه اول باید به مردم آگاهی رسانی کرد که متوجه باشند دولت چه

نوع لایحه‌ای را به مجلس برده. علاوه بر آن، به اقدامات سازمانیافته نیاز است که بتواند در صورت امکان تصویب این لایحه را متوقف کند.

پرویز صداقت معتقد است لایحه اصلاح قانون کار با هدف حذف حمایت‌های حداقلی از کارگران و به نفع کارفرمایان تنظیم شده و راه را برای استثمار هرچه بیشتر باز می‌گذارد.

«پرویز صداقت»، کارشناس اقتصادی دریک گفتگوی تفصیلی که متن کامل آن به شرح ذیل است، به بررسی افق پیش روی لایحه اصلاح قانون کار می‌پردازد. او معتقد است این لایحه بر اساس دو هدف عمده تنظیم شده است، نخست ارزان سازی نیروی کار و دیگر بی‌ثبات‌سازی گروه‌های دستمزدبگیر.

*در شرایطی که جمعیت عظیمی از کارگران به امید تغییراتی که قرار است بیفتد، به این دولت رای دادند و این دولت هم قبل از انتخابات ادعای حمایت از کارگران را داشت. حال چه تفکری پشت ارسال این لایحه هست؟ لایحه‌ای که در دولت قبل نوشته شده و در آن بسیاری از حمایت‌های قانونی حذف شده برای مثال پای خصوصی سازی به عرصه آموزش‌های کارآموزی باز شده و یا مزد را به شرایط اقتصادی کشور گره زده، در واقع هر ماده‌ای از این لایحه را که نگاه کنیم، در جهت منافع کارفرمایان تنظیم شده، بدون هیچ تغییری به مجلس فرستاده شده، سوال اینجاست که چه پشتوانه تفکری پشت این کار هست؟

-همه دولت‌ها در تقریباً سه دهه گذشته تفکر اقتصادی مشابهی داشته‌اند. هیچ جای تعجب ندارد که این دولت لایحه دولت قبلی را به رغم همه اختلافاتی که با هم دارند به مجلس ببرد و دنبال تصویب آن باشد. در مورد خود لایحه ابتدا صحبت کنیم. همه تغییرات لایحه ذیل دردو دسته تغییر جای می‌گیرد: دسته اول تغییرات در جهت ارزان سازی هرچه بیشتر نیروی کار و دسته دوم بی‌ثبات سازی گروه‌های دستمزدبگیر. برای نمونه در ماده ۷، شاهد حذف تبصره پرداخت مزایا به کارگران قرارداد موقت هستیم. در ماده ۲۳، برای کارگرانی که اخراج می‌شوند فقط حق سنوات قائل شده، در ماده ۴۱ هم برای تعیین حداقل دستمزد علاوه بر نرخ تورم و سید معاش خانوار، شرایط اقتصادی را وارد بازی کرده که شرایط اقتصادی یک اصطلاح گنگ و مبهم و تفسیرپذیر است و به بهانه شرایط اقتصادی می‌توان به راحتی برای مدت‌های مدید دستمزدها را در سطوح حداقلی حفظ کرد. می‌توان پرسید چرا بایستی بار شرایط اقتصادی کشور فقط بر دوش کارگران و دستمزدبگیران باشد. اگر شرایط اقتصادی را باید در تعیین حداقل دستمزد لحاظ کرد، آیا اگر شرایط اقتصادی کشور، شرایط مساعدتری باشد، آیا نرخ مالیاتی ۲۵ درصدی که از صاحبان سرمایه گرفته می‌شود، افزایش پیدا می‌کند؟ چنان که گفتیم، محور دیگر تغییرات در این لایحه، بی‌ثبات‌سازی نیروی کار است. از جمله نحوه فسخ قرارداد در ماده ۱۰ دچار تغییر شده و یا در ماده ۷ تبصره‌های یک و سه و چهار حذف شده که در خصوص مکتوب بودن قراردادهای بیش از سی روز، تعیین حداکثر مدت قراردادهای موقت است و تغییرات ماده ۲۱ که روند فسخ قرارداد را تسهیل کرده است.

قانون جدید نوعی استثمار قرن نوزدهمی طبقه کارگر را طراحی می‌کند

این دو محور را همه دولت‌های نزدیک به سه دهه گذشته دنبال کرده‌اند. بنابراین جای تعجب ندارد که قانون پیشنهادی دولت قبلی را دولت جدید در مجلس مطرح کند. نکته تکان دهنده دیگری که در این لایحه وجود دارد این است که گویا قانون جدید نوعی استثمار قرن نوزدهمی طبقه کارگر را طراحی می‌کند. مثلاً در مورد کارورزی شرط سن را حذف کرده‌اند. از یک طرف با این حذف، کار کودکان مجاز شمرده شده و به این ترتیب تمامی دستاوردهای مدنی ملت ایران در صد سال گذشته زیر سوال می‌رود و از طرف دیگر سقف سن ۱۸ سال را برداشته و بنابراین بسیاری از نیروی کار در سن کار، به عنوان کارآموز در معرض استثمار قرار می‌گیرند.

*بحث دیگری که اینجا مطرح می‌شود، بحث نقش تشکل هاست، در قانون کار سه تشکل رسمی تعریف شده‌اند و این تشکل‌ها بر اساس قانون در برخی از حوزه‌های روابط کار، حق دخالت دارند. ولی در این اصلاحیه نقش این تشکل‌ها هم کم‌رنگ شده، یعنی حتی این تشکل‌های رسمی را هم بر نتابیده‌اند. برای نمونه کمیته‌های انضباطی را فعال مایشاء در اخراج کارگران قرار داده‌اند و نقش تشکل‌ها را حذف کرده‌اند. این روند را چطور می‌بینید، یعنی این تفکری که تشکل‌های رسمی را هم که به زعم خیلی‌ها نماینده واقعی کارگران نیستند، برنمی‌تابد، از چه منبعی سرچشمه می‌گیرد؟

-ببینید وقتی صحبت از ارزان‌سازی نیروی کار در میان است، وقتی بحث بی‌ثبات سازی نیروی کار مطرح است، این‌ها در مجموع قدرت چانه زنی کارگران را کاهش می‌دهد. هر عاملی که بتواند قدرت چانه زنی طبقه کارگر را افزایش دهد، از جمله تشکل‌ها، از جمله وحدت و همدلی گروه‌های دستمزدبگیر، همه عواملی هستند که دولت به شدت با آن مقابله می‌کند، چون در اساس سیاست کلی دولت، سیاست دیگری است و نکته جالب این است که در اینجا دولت حتی حفظ ظاهر هم نکرده، در ظاهر امر، دولت باید تنظیم کننده بازار کار باشد نه اینکه مدافع یک طبقه در بازار کار در برابر سایر طبقات باشد. در تنظیم این لایحه، دولت به صراحت مدافع منافع کارفرمایان در مقابل طبقات مزدبگیر است. باید بگوییم اگر نوعی عقلانیت درازمدت هم وجود داشت، درک این مساله سخت نبود که تصویب و اجرای قوانینی از این دست، مساله بحران اقتصاد ایران را باز هم غامض‌تر می‌کند.

لایحه اصلاح قانون کار، قابل اصلاح نیست

*یک عده از مدافعان این لایحه و تعدادی از نمایندگان مجلس می‌گویند این لایحه در مجلس به صورت سه جانبه و با دعوت از کارگران جرح و تعدیل خواهد شد. آیا فکر می‌کنید چنین متنی که فی‌الذاته مورد انتقاد است و کارگران با کلیت آن مخالفند، می‌تواند به گونه‌ای مثبت تغییر کند؟ البته پیشینه مجلس را هم در نظر بگیرید. این همان مجلسی است که چند هفته قبل‌تر، وقتی لایحه گسترش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از طرف دولت ارسال می‌شود، نظرش گسترش بیشتر و بیشتر مناطق آزاد است. یعنی تفکر غالب در این مجلس، لزوم خارج کردن هرچه بیشتر کارگران از شمول قوانین حمایتی است. حالا

با این توصیفات، آیا اولاً این لایحه این قابلیت را دارد که به سمت مطلوب جرح و تعدیل شود و ثانیاً آیا این مجلس فعلی قابلیت این را دارد که متولی این کار باشد؟

- به هیچ وجه شرایط جرح و تعدیل مثبت مهیا نیست. برای اینکه نمایندگان کارگران حضور داشته باشند، نیازمند وجود موثر تشکلهای کارگری هستیم. حال در شرایطی که همین تشکلهای موجود هم تضعیف می‌شوند، چطور می‌توان از حضور موثر نمایندگان کارگران در مجلس سخن گفت. اما در برابر نمایندگان کارفرمایان تشکلهای بسیار سازمانیافته، مستحکم و ذی‌نفوذ دارند و اتفاقاً می‌توانند این لایحه را به سمت هرچه بدتر کردن وضعیت طبقه کارگر سوق دهند. از طرف دیگر این لایحه مطلقاً قابلیت اینکه با جرح و تعدیل بتواند به سمت حمایت از حقوق کارگران پیش برود، ندارد. تفکر پشت این لایحه، کارگر را کالایی می‌داند در خدمت حداکثر ساختن سود کارفرما و بنابراین درصد است قیمت این کالا را هرچه بیشتر کاهش دهد. این تفکر به طور بنیادی مشکل دارد و به همین دلیل، این لایحه به هیچ وجه قابل اصلاح نیست.

* شما نتایج را چطور می‌بینید؟ آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کنید. در شرایط فعلی این لایحه به مجلس رفته و دولت با وجود همه انتقادات کارگران، حاضر به برگرداندن آن نیست. شما آسیب‌های این شرایط را چطور ارزیابی می‌کنید چرا که بعضی‌ها استدلال می‌کنند اگر قرار باشد حتی بخش‌هایی از این لایحه تصویب شود، شاهد تیره‌ترین روزها در حیطه روابط کار خواهیم بود.

- درست است اگر قرار باشد این لایحه تصویب شود، شرایط کار وخیم‌تر می‌شود، قدرت چانه زنی کارگران کاهش می‌یابد، شکاف طبقاتی و فقر گسترش پیدا می‌کند و علاوه بر آن دسته از بحران‌های اقتصاد ایران که در رابطه مستقیم با دستمزد کارگران هستند از جمله بحران فقر و شکاف طبقاتی و بحران تحقق و فروش کالاها و خدمات عرضه شده در بازار به شدت تشدید خواهد شد.

تنها چیزی که سال به سال ارزان‌تر می‌شود، دستمزد نیروی کار است

* در نهایت نقش کارگران چیست؟ کارگران با همین ابزارهای حداقلی و ظرفیت‌های ناکافی اعتراض که در اختیار دارند، چطور می‌توانند مقابل تصویب این لایحه ایستادگی کنند؟

- کارگران باید از هر ابزاری استفاده کنند که صدای خود را به گوش جامعه برسانند. اتفاق مهیبی در شرف افتادن است و بسیاری از مردم از پیامدهای این اتفاق بر زندگیشان آگاه نیستند. در شرایطی که هزینه‌های اقلام زندگی خانوار در این سال‌ها افزایش یافته، در شرایط افزایش هزینه‌های ضروری مانند آموزش و بهداشت، تنها چیزی که سال به سال ارزان‌تر می‌شود، دستمزد نیروی کار است. به همین دلیل در درجه اول باید به مردم آگاهی رسانی کرد که متوجه باشند دولت چه نوع لایحه‌ای را به مجلس برده. علاوه بر آن، به اقدامات سازمانیافته نیاز است که بتواند در صورت امکان تصویب این لایحه را متوقف کند.

* در پایان یک سوال دارم در ارتباط با دولت. کارگران با خانواده‌هایشان حدود ۵۰ میلیون نفر هستند و بنابراین بخش اعظم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. اینکه دولت وارد این بازی شده، یک ریسک بزرگ را از نظر سیاسی قبول کرده چون یک انتخابات پیش رو هست که همین دولت باید بتواند بر جمعیت میلیونی دستمزدبگیر تکیه کند. آیا ورود به این بازی و ارسال لایحه ناکارآمد اصلاح قانون کار را خطای محاسباتی دولت نمی‌دانید.

- به نظر من قواعد بازی‌های انتخاباتی در ایران، این نیست و بنابراین نمی‌توان این فعل دولت را خطای محاسباتی یا ریسک در نظر گرفت. اما مساله این است که حال که انتخابات در پیش داریم و بخش عمده رای دهندگان احتمالی نیز دستمزدبگیران هستند، دولت چنین لایحه‌ای را به مجلس می‌برد، باید انتظار چه نوع لوابیجی را پس از انتخاب مجدد همین دولت داشته باشیم. دقیقاً در دور بعدی فعالیت دولت کنونی، افق لوابیج و تصمیمات بسیار سهمگین‌تر خواهد بود. در آن شرایط، دولت سیاست‌های ریاضتی فعلی را با شدت بیشتر دنبال خواهند کرد.

یعنی با مفهومی که دولت‌ها حداقل در دو دهه گذشته از توسعه و توسعه اقتصادی داشتند، کارگران هیچ جایگاهی در تصمیم‌گیری‌های کلان این سیاستگذاران ندارند؟

صرفاً می‌توانند ماشین رای باشند.

منبع: ایلنا-1 آبان

25 مهر: مقابله با لایحه اصلاح قانون کار نیازمند اعتراض جدی است!

یک فعال مستقل کارگری معتقد است برای لغو تهاجم دولت به حقوق حداقلی کارگران در قالب لایحه اصلاح قانون کار، نیاز به همبستگی طبقاتی و اعتراض جمعی است.

به گزارش 25 مهر ایلنا، بهرام حسینی نژاد فعال مستقل کارگری با اشاره به لایحه اصلاح قانون کار این لایحه را ضدکارگری خواند و گفت: متأسفانه هم در دولت قبل و هم در دولت فعلی شاهد تهاجم همه جانبه به حقوق کارگران هستیم.

وی افزود: از این تهاجمات همه جانبه آنگونه برمی‌آید که دولتی‌ها قصد دارند همه دستاوردهای طبقه کارگر در دهه‌های گذشته را نابود کنند و منافع خود و حامیان خود را به کرسی بنشانند.

این فعال کارگری در ادامه با اشاره به تاریخچه تهاجمات گسترده به حقوق حداقلی کارگران افزود: طرح ناکارآمد استاد-شاگردی، معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار و حال تلاش برای اصلاحات ضدکارگری قانون کار همه در راستای همین تهاجمات است.

حسینی نژاد افزود: این لایحه پیشنهادی نه با مقابله‌نامه‌های بین‌المللی و نه با قانون اساسی همخوان نیست و بدیهی است که در صورت تصویب آن، شاهد یکی از تلخ‌ترین جریان‌ها و اتفاقات ضدکارگری در طول تاریخ چند دهه گذشته خواهیم بود.

این فعال کارگری در ادامه با انتقاد از رویکرد شبه منفعل تشکلهای رسمی کارگری در قبال این خطر جدی گفت: تشکلهای رسمی کارگری بایستی با توان حداکثری در این عرصه وارد شوند و اگر نتوانند در این موضوع بسیار بااهمیت از منافع کارگران در میدان عمل دفاع کنند، نشانه‌های واضحی از ناکارآمدی به نمایش گذاشته‌اند.

حسینی نژاد تأکید کرد: واضح است که هدف از این لایحه برخورد با نیروی کار است و تنها راه مقابله با آن اعتراضات جمعی است چرا که در این میانه نمی‌توان به دولت و یا مجلس خوشبین بود و انتظار داشت از این مسیر برگردند.

این فعال کارگری در پایان تصریح کرد: عزم واقعی دولت تصویب این لایحه به هر قیمت ممکن است و می‌خواهند کارگران ایران را قربانی شرکت‌های سودجوی چندملیتی کنند، چرا که با این متن پیشنهادی برای آنها فرش قرمز پهن کرده‌اند که بیایند و سودهای کلان ببرند و در عوض فقر و بیچارگی نصیب بیش از پنجاه درصد از جمعیت ایران که متعلق به طبقه کارگر است، خواهد شد.

25مهر: مجلس لایحه اصلاح قانون کار را مسترد کند / اصلاحات متن پیشنهادی ضدکارگری است

یک کارشناس حقوقی معتقد است: گرچه دولت با ارسال لایحه ناقص و ضدکارگری به مجلس از خود سلب مسئولیت کرده است، اما این فرافکنی نافی وظایف قانونی و حقوقی نمایندگان مجلس نیست.

به گزارش 25مهراینا، علیرضا مقدم کارشناس حقوقی و وکیل دادگستری در ارتباط با شروع بررسی لایحه اصلاح قانون کار در مجلس از روز سه شنبه گفت: اصلاحات صورت گرفته در متن پیشنهادی دولت، کاملاً منفی است و هیچ‌بخش آن با هدف بهبود شرایط زیستی کارگران انجام نشده است.

وی ادامه داد: قانونگذاران قوه مقننه باید این مساله را در نظر بگیرند که اگرچه دولت از خود سلب مسئولیت کرده است اما در شرایط عام، قانونی کارگشا و راهبردی است که قابلیت اجرایی داشته باشد و بدیهی است در شرایطی که کسانی که قرار است این قانون بر آنها حاکم شود، یعنی کارگران، از این لایحه پیشنهادی ناراضی هستند، باید بساط وضع این قانون ناعادلانه و بررسی آن را کامل برچید.

این وکیل دادگستری در ادامه به وظایف قانونی نمایندگان مجلس در قبال جامعه چند ده میلیونی کارگران اشاره کرد و گفت: مجلس باید این لایحه را رد و آن را به دولت مسترد کند، در غیر این صورت باید در خود این توانمندی را ببیند که بتواند اصلاحات مورد نظر کارگران را اعمال کند.

مقدم ادامه داد: چرا که اگر قرار باشد اصلاحات مورد نظر کارگران اعمال شود و این لایحه با نظر شرکای اجتماعی دولت تغییر کند، باید تک تک ماده‌های آن مورد جرح و تعدیل قرار گیرد و اصلاح شود و بدیهی است که این کار بسیار سخت و زمان‌بر است.

وی افزود: نکته بعدی اینجاست که الزامات برنامه پنجم توسعه بایستی در تدوین لایحه اصلاح قانون کار لحاظ می‌شود که نشد، و این عدول دولت از اجرای فرامین بالادستی و لازم‌الاجرا به معنای از حیز انتفاع خارج شدن خروجی این روند بی قانونی است و در نتیجه لایحه پیشنهادی دولت از این حیث هم بی اعتبار است.

این کارشناس حقوقی در پایان تصریح کرد: بهترین راه حل این است که مجلس هم با اتکا به ناراضی‌های کارگران و هم با استناد به برنامه پنجم توسعه، این لایحه ضدکارگری را به دولت مسترد و از بررسی آن در شرایط فعلی چشم‌پوشی کند.

20مهر: سرپیام نشریه کارگری پیام سندیکا شماره 51 مهر ماه 95

هر نوشته، اظهار نظر، و رفتاری از دیدگاههای افراد و گروهها نشات می‌گیرد که تدوین کنندگان به اصطلاح "اصلاح قانون کار" از این امر مستثنا نیستند. تدوین کنندگان "اصلاح قانون کار" با نوشتن این لایحه اثبات کردند که اعتقادی به حقوق انسانی و حتی قانون اساسی برای اکثریت جامعه ایران یعنی زحمتکشانش ندارند. چرا که اصلاح به معنای ارتقا دادن و پیرایش موارد منفی است. آیا لایحه ارایه شده "اصلاح قانون کار" از سوی دولت به مجلس موجبات ارتقا قانون بسوی رفاه زحمتکشانش و پیشرفت امور جامعه است؟

این قانون با دیدگاه سودجویانه سرمایه داری و قایل نبودن حقوق انسانی برای زحمتکشانش نوشته شده است. اولین خطای صورت گرفته در این اصلاح !!! قانون کار این بوده، با زحمتکشانی که زندگیشان به این تغییر بستگی دارد و 95 درصد جامعه 80 میلیونی ایران را در بر می‌گیرد، مشورت نموده و از آنان نظر نخواستند و این شامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار هم گردیده است. چه برسد به سندیکاهای کارگری. دولت با این عمل نشان داده اعتقادی به مشورت و نظرخواهی از 95 درصد جامعه ندارد. دومین خطا این است که این طرح چرا بصورت مخفیانه طراحی و به مجلس برده شده است؟ مگر می‌خواهید چه کار محرمانه ای بکنید که 95 درصد مردم ایران نامحرم شمرده شده‌اند؟ سومین خطای صورت گرفته این است که این طرح، قانون اساسی و میثاق‌های بین‌المللی همچون مقابله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار را نقض کرده است.

آنچه در قانون کار از نظر کارگران باید لحاظ شود، اول: فلسفه قانون کار حمایت از تولیدکنندگان ثروت اجتماع (زحمتکشان) در مقابل صاحبان قدرت و نفوذ، باید باشد. که متأسفانه تمامی بندهای اصلاح قانون کار به نفع صاحبان زر و زور بوده و کارگران از قوانین حمایتی قانون کار قبلی هم محروم شده اند. دوم: تعیین تکلیف تشکل های مدافع کارگران، سوم: موضوع دستمزدها، چهارم: اعتصابات کارگری و شکل های دیگر تجمع، پنجم: نظارت کارگران بر اموال خود در تامین اجتماعی، ششم: امنیت شغلی و بیکار کردن و یا همان اخراج کارگر.

1- در این اصلاحیه برخلاف قانون اساسی نامی از سندیکاهای کارگری که وزیرکار و دیگران هرساله در سازمان بین المللی کار قول اجرایی شدنش را می دهند، نیامده است. کارفرمایان بزرگ (دولت) و کوچک می دانند که سندیکاهای کارگری دژ نفوذ ناپذیر هرگونه فساد، و تخطی از قانون هستند و بر درست اجرا شدن قانون نظارتی سختگیرانه دارند. در جایی که کارفرمایان نه تنها تشکل های خود را دارند، بلکه در اتاق های بازرگانی و صنعت معدن هم به موازات وزارتخانه ها حضور داشته، دولتی در دل دولت عمل می کنند. دولت از فعالیت سندیکاهای کارگری وحشت دارد. حتی تشکل های دولت ساخته هم در این قانون به ویژه مواد 21 و 27 که به بیکار شدن کارگران می پردازند، نقشی ندارند. دولت در کل خواهان برچیده شدن تشکل های کارگری چه دولتی و چه غیر دولتی است و اعتقادی به اصل 26 قانون اساسی ندارد. در نبود سندیکاهای کارگری باید کارگر ارزان و فاقد هرگونه حقوق انسانی و قانونی مهیا و دراختیار کارفرمایان داخلی و خارجی گذاشته شود.

2- در ماده 41 "اصلاح قانون کار" یکی از اصولی ترین و مهمترین دغدغه های کارگران یعنی حداقل دستمزد، دچار تغییرات اساسی شده است. تعیین دستمزد به عبارت نامفهوم "شرایط اقتصادی کشور" به عنوان یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد، ارجاع داده شده است و این به معنی آن است که اصل 3 قانون اساسی نقض آشکار شده و دولت به « رفع فقر و محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه » اعتقاد ندارد و این ماده راهی برای قانون گریزی های دولت و کارفرمایان برای تعیین دستمزدی نازل و حقیرانه می گشاید.

3- در "اصلاح قانون کار" به اعتصابات کارگری و هرگونه تجمعی و رعایت اصل 27 که حق اعتصاب و راهپیمایی و تجمع را برای مردم حقی انسانی شمرده، اشاره نشده است. همچنان که در رفتار دولت در این چند سال و دادگستری دیده ایم، قابل به برخورد با کارگران معترض و شکایت کارفرما از کارگران و زندانی نمودن آنان است.

4- در ماده 148 این لایحه دست کارفرما برای بیمه نمودن کارگران در بیمه های خصوصی بازگذاشته شده است و در ماده 22 سازمان تامین اجتماعی به صندوق تبدیل شده است. چرا؟ با ماده 148 کارفرما با بیمه های خصوصی وارد زد و بند شده و با کمترین مبلغ و سطح پوشش کارگران را از ارایه خدمات مطلوب محروم می کند. همچنین باعث تضعیف سازمان تامین اجتماعی گشته و آن را اول به صندوق و سپس با تصرف اندوخته های کارگران نابود خواهد کرد. که در این میان تکلیف اندوخته های پدربزرگ ها و پدران مان نامعلوم است. دولت در این ماده نشان داده است که اعتقادی به تامین اجتماعی ندارد و همسو با کارفرمایان خواهان نابودی این دستاورد کارگری و انسانی است. این درحالی است که کاندیدای ریاست جمهوری کشور آمریکا خانم کلینتون در تبلیغات خود از بیمه نمودن 25 میلیون آمریکایی در طرح بیمه همگانی اوباما سخن گفته و افتخار می کند. حال در کشور ما با این طرح می خواهیم بیمه های اجتماعی را تضعیف و نابود کنیم

5- موضوع اخراج کارگران در ماده 27 به کمیته های انضباطی ارجاع داده شده که کارفرما به بهانه قصور در انجام وظیفه به راحتی کارگران را اخراج کنند و حتی نقش شوراهای کارگری را هم بی اثر کرده اند. موضوع امنیت شغلی و بیکار نمودن کارگران را ماده 21 و بند های 2 و 3 برای کارفرما با توافق !!! و نوسازی کارخانه... راحت کرده است. و این درحالی است که کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا با افتخار اعلام می کند که اوباما سرمایه دار 15 میلیون شغل ایجاد کرده است.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران به درستی این لایحه را کودتا علیه کارگران دانسته است.

ما اعلام می کنیم چنانچه چنین روندی به سمت اجرایی شدن پیش رود، بی تردید پاسخ آن اعتصابات فراگیر کارگری خواهد بود.

هیات تحریریه پیام سندیکا

17مهر: دولت و مجلس سودای عضویت در W.T.O دارند/ جای خالی تعقل در لایحه اصلاح قانون کار

یک فعال کارگری معتقد است تیم اقتصادی دولت در سودای دست یابی به درب باغ سبزی که از سوی سازمان تجارت جهانی گشوده شده، در صدد تحریف حقوق کارگران برآمده است.

عبدالله وطن خواه با اعلام این مطلب گفت: به احتمال قوی دولت و مجلس به شوق پیوستن به سازمان تجارت جهانی اینطور برای اصلاح قانون کار به صرافت افتاده اند، غافل از اینکه گردانندگان این سازمان در قبول عضویت ایران مرددند.

اشاره این فعال کارگری به صحبت های اخیر گروهی از اعضای دموکرات و جمهوری خواه مجلس نمایندگان کنگره آمریکا برمی گردد که به تازگی خواهان مخالفت دولت این کشور با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی شده اند.

وی ادامه داد: البته رویای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی یک عقبه 20 ساله در میان دولتمردان ایران دارد و درست از همین زمان است که سیاست های تعدیل ساختاری توسط دولت های پس از جنگ با شدت هرچه بیشتر اجرایی شده است.

این فعال کارگری گفت: واضح است که در چنین شرایطی حتی اگر قانون کار به مرتجع ترین و سیاه ترین وضعیت ممکن تغییر کند، بازهم کوچکترین تحولی در رونق اقتصادی کشور ایجاد نخواهد شد و فقط بر هزینه های ناشی از گسترش نابرابری و افزایش آسیب های اجتماعی در کشور می انجامد.

وطن خواه گفت: منتقدان قانون کار خواسته و ناخواسته به شفیتگان سرمایه سالاری تبدیل شده‌اند و در بهترین حالت بی‌آنکه خود بدانند بالای سرفبر خالی گریه و ناله سرداده و از محتوای شوم بسته در بسته‌ای که آنرا تبلیغ می‌کنند، خبر ندارند.

وی به مروجان این اندیشه که به زعم آنها قانون کار مانعی جدی بر سر اشتغال و رونق اقتصادی تلقی می‌شود، توصیه کرد تا همدار کارگران معترض را جدی تلقی کنند و به تابعیت کورکورانه از الگوهای شکست‌خورده اقتصادی ادامه ندهند.

وطن خواه افزود: اگر دولت و مجلس به عمل عقلانی باور دارند بهتر است که هرچه زودتر برای استرداد لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار اقدام کنند، زیرا مرور جزء به جزء بندهای درج شده در این لایحه نشان می‌دهد که نارسایی‌های موجود را نمی‌توان بدون تشکیل جلسه شورای سه جانبه حل و فصل کرد که در آن حق چانه‌زنی گروه کارگری به رسمیت شناخته شده باشد.

این فعال کارگری با تاکید بر اینکه اقتصاد سودا محور جهانی همواره در صدد ارزان سازی نیروی کار بوده است، افزود: بر همین اساس سازمان تجارت جهانی در مقام پیشبرنده این سیاست به دولت‌های مختلف تعدیل مقررات اشتغال را تحمیل می‌کند.

وطن‌خواه گفت: به همین دلیل است که دولت یازدهم و وزارتخانه‌های متبوعش برای تبدیل وضعیت عضویت ایران از حالت موقت به دائم، در سه سال گذشته تمام تلاش خود را انجام داده است تا با بازنگری در مقررات کار و اشتغال امکان پیشبرد برنامه تأمین امنیت سرمایه را فراهم کند.

این فعال کارگری ادامه داد: این نگرانی وجود دارد که دولت بعدی نیز در راستای تکمیل مجموعه تلاش‌های دولت‌های بعد از جنگ برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی زمینه تسبیح گسترده حقوق کارگران را فراهم کند و الباقی کارگران را نیز از شمول قانون کار خارج کند.

وی افزود: سازمان تجارت جهانی در چارچوب تقسیم کار جهانی برای اعضای خود تعیین وظیفه می‌کند و تاکنون به ایران این مجال را داده است که با خودروسازان و شرکت‌های نفتی فرانسوی و آلمانی برای مونتاژ خودروهایشان همکاری کند و شاید در همین راستای ورود دوباره شرکت‌های خارجی خودروساز و نفتی به ایران است که اینطور تلاش برای اصلاح قانون کار آغاز شده است.

این فعال کارگری با اشاره به وضعیت نامطلوب کارگران خودروسازی‌ها افزود: کارگران شاغل در خودروسازی‌ها قراردادهای سه ماهه دارند و علی‌رغم اینکه بهره‌وری و میزان تولیداتشان افزایش یافته فقیرتر شده‌اند زیرا سهمی از بالا رفتن بهره‌وری به این کارگران اختصاص نیافته است.

منبع: ایلنا-17مهر

5مهر: جوانمیر مرادی: لایحه اصلاحیه قانون کار (بخش سوم) (بخش پایانی)

لایحه اصلاحیه قانون کار، چیزی غیر از ابهام زدائی از مواد و تبصره‌های ضد کارگری به نفع کارفرمایان که مندرج در قانون کار موجود است به علاوه افزوده‌هایی که نیاز امروز کارفرمایان برای چپاول بیشتر از دسترنج کارگران است نمی‌باشد.

چکیده و عصاره این لایحه مشتمل است بر:

۱- حذف کامل امنیت شغلی کارگر و باز گذاشتن دست کارفرما برای استثمار و بهره‌کشی بی حد و حصر از کارگر با استفاده از قانونی که به این طریق (با قرارداد کار فاقد تاریخ برای کارهایی که ماهیت غیر دائم دارند و قراردادهای یک ماهه) حق اعتراض در محاکم و مراجع رسیدگی را از کارگر می‌گیرد.

۲- تسهیل در امر اخراج‌های گروهی کارگران به بهانه‌های تغییر کاربری، شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بکارگیری تکنولوژی‌های جدید.

۳- خارج کردن سازمان تأمین اجتماعی از اجرای حتی تعهدات حقیرانه تاکنونی در قبال کارگران شاغل و مستمری بگیران و مقرری بگیران و جایگزینی سازمان تأمین اجتماعی با صندوق بیمه ای.

هر چند که قانون تأمین اجتماعی ایران هیچ همسوئی و بیان معنی مرتبیتی با عنوانی که یدک می‌کشد ندارد، زیرا سطحی‌ترین معنای تأمین اجتماعی در دنیای واقعی امروز که طبقه کارگر به حکومت‌های سرمایه داری در کشورهای غربی تفهیم کرده‌اند و حکومت‌ها ملزم به عملی کردن آن شده‌اند، تأمین حداقل‌های زندگی برای همه افراد آماده بکار جامعه اعم از زن و مرد به شرط نداشتن کار مناسب بدون در نظر گرفتن اینکه سابقه پرداخت حق بیمه داشته یا نداشته باشد، است. در حالیکه در ایران سازمان تأمین اجتماعی عملاً از این قاعده خارج و به مانند هر شرکت بیمه گر خصوصی یا دولتی که به صنایع تولیدی، تجاری، حمل و نقل و یا به افراد حقیقی و حقوقی در ازای دریافت حق بیمه در مواقع بروز حوادث جبران خسارت می‌کند، فقط به کارگر شاغل در ازای دریافت ماهانه حق بیمه اش به او خدمات درمانی می‌دهد یا فقط به کارگراخراج شده از مراکز تولیدی ای که ماهیت مستمر و دائمی دارند در صورتی که توسط هیئتهای تشخیص و حل اختلاف به اصطلاح بی‌گناهی و بی‌تقصیریش تأید گردد آن هم به مدت محدود نسبت به سابقه پرداخت حق بیمه، بیمه بیکاری می‌پردازد (بر اساس تفاهمنامه مشترک سازمان تأمین اجتماعی با وزارت کار در سال ۸۴ کارگران شاغل در کارگاههای با ماهیت غیر مستمر مانند پروژه‌های در حال ساخت، در صورت اخراج مشمول دریافت بیمه بیکاری نخواهند شد).

۴- مرتبط کردن تعیین میزان دستمزد کارگر به شرایط اقتصادی کشور و میزان بهره وری کارگر در راستای افزایش سود کارفرما و حتی وحشتناک تر از آن، به کارفرما اجازه داده می شود پرداخت بخشی از حداقل مزد را مرتبط به میزان بهره وری کارگر کند که در این صورت کارفرما هر زمان بخواهد بخش حداقل مزد مرتبط با بهره وری را به بهانه عدم داشتن بهره وری از کارگر غصب کند. ۵- قرارداد سه سال نیروی ارزان جوانان و تحصیل کردگان تحت عنوان دوره کار آموزی با ۷۰ درصد حداقل مزد در اختیار کارفرمایان و همچنین با رجعت به رابطه قرون وسطائی استاد شاگردی، کارگران به اصطلاح فاقد مهارت نیز به طور مجانی در اختیار کارفرمایان قرار می گیرند.

هدف دولت از تلاش برای به تصویب رساندن لایحه اصلاحیه قانون کار؛

شرایط بحران مهلك اقتصادی که دولت هیچ راه حلی برای گذر از آن ، جز یافتن فرش قرمز از طریق چپاول تنمه معیشتی کارگران تا زیر پای سرمایه گذاران خارجی پهن کند و همچنین کارفرمایان داخلی را هم با این طعمه چرب برای راه اندازی کارخانه ها و کارگاههایشان به سر میل بیشتر بیاورد در ذهن نمی پروراند، ارزان سازی نیروی کار به طور جدی در دستورش قرار گرفته و تمام توان خود را برای یک تهاجم عیان و تمام عیار به معیشت طبقه کارگر که دیگر بقایش هم مورد تهدید واقع گردیده، بکار گرفته است.

دولت روحانی که وعده های گشایش اقتصادی و رونق کسب و کار و بهتر شدن وضع تولید بواسطه سرازیر شدن سرمایه گذاران خارجی بعد از برجاش توحالی در آمدند و اکنون از هر سو و از جمله از جانب رقابیش تحت فشار قرار گرفته ، در تقلا است تا با ایجاد شرایطی که کار فوق العاده ارزان و کارگران تحت کنترل و مهارشده در آن مهیا باشد، از طرفی رغبت به سرمایه گذاری در سرمایه گذاران داخلی و خارجی را بالا ببرد و از طرف دیگر شرایط لازم برای جلب رضایت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به منظور دریافت وامهای مورد نیاز مهیا نماید.

کارگران و لایحه اصلاحیه قانون کار؛

علی رغم اینکه قانون کار موجود خود یک سند کاملاً ضد کارگری است و ممنوعیت اعتصاب و اعتراض، ممنوعیت ایجاد تشکلهای کارگری واقعی و مستقل از دولت، عدم برخورداری از حق داشتن زندگی در حد رفاه، عدم داشتن امنیت شغلی به خاطر رواج قراردادهای موقت، محرومیت بیکاران از دریافت بیمه بیکاری و غیره از بارزترین و مهم ترین شاخص های آن است، اما تصویب لایحه اصلاحیه قانون کار، حمله ای جدید در شرایط امروز به زندگی طبقه کارگر است که باید با تداوم و گسترش مبارزات و اعتراضات کارگران به شکست کشانده شود.

با تصویب این لایحه سفره بی رونق خانواده های کارگری در ایران بیشتر از پیش مورد غارت و چپاول کارفرمایان و صاحبان سرمایه های داخلی و خارجی قرار خواهند گرفت و به معنای واقعی بقاء اکثریت جامعه با تهدید جدی مواجه خواهد شد. بنابراین بدون تردید نیست که لایحه اصلاحیه فوق ضد کارگری قانون کار که قرار است با تصویب آن زندگی دهها میلیون انسان را سیاه و دنیایشان را به دوران برده داری به عقب برگرداند، مورد اعتراض وسیع و سراسری واقع خواهد شد و درهم پیچیده خواهد گردید.

تقلای جاری مدافعان سرمایه داران و کارفرمایان که با عوامفریبی به بهانه ایجاد اشتغال، تباه کردن زندگی و چپاول هست و نیست کارگران را هدف قرار داده است به نتیجه نخواهد رسید و در صورت اصرار به تصویب آن، جنبش اعتراضی طبقه کارگر بهای خیلی گزافی را بر روی دست طراحان این یورش خواهد گذاشت. همچنانکه تا همین حالا هم این جنبش تصویری از طوفانی درهم پیچاننده خود را در اذهان مدافعان کارفرمایان حک نموده است.

بی دلیل نیست با وجود اینکه مدت زیادی از بیانیه افشاگرانه اتحادیه آزاد کارگران ایران در مورد ارسال لایحه اصلاحیه قانون کار توسط دولت به مجلس که قرار بوده در سکوت و بی خبری کارگران به تصویب برسد و متعاقباً به اجراء گذاشته شود نمی گذرد، اما بحث بازپس گیری لایحه توسط دولت از مجلس در رسانه ها داغ شده است. مطمئناً جاری شدن بحث بازپس گیری لایحه اصلاحیه قانون کار انعکاس شکل گیری فضایی از نارضایتی و انزجار در میان کارگران در مراکز مختلف کارگری است که در همین مدت کوتاه زنگ خطر وقوع یک سیل خروشان و غیر قابل کنترل را به صدا در آورده است. طبقه کارگر که امروز خود را برای مقابله قاطعانه با تصویب لایحه اصلاحیه قانون کار آماده می کند، دیری نخواهد پایید که در دفاع از حق زندگی خود خواهان ابطال اصل قانون کار موجود به عنوان یک سند ضد کارگری و تصویب یک قانون کار مدرن که تأمین کننده منافع کارگران برای برخورداری از یک زندگی در حد رفاه مطابق با استانداردهای پیشرفته باشد.

3مهر: معاش کارگران را به شرایط اقتصادی پیوند زدهاند

یک فعال کارگری عقیده دارد نویسندگان لایحه اصلاح قانون بدون در نظر گرفتن ماهیت اجتماعی حداقل مزد تلاش دارند تا افزایش مزد کارگران را به مسائل نامربوط اقتصادی و سیاسی گره بزنند.

به گزارش 3مهراینا، عبدالله وطن خواه با اعلام این مطلب، اظهار داشت: آنچه برای طبقه کارگر مهم است افزایش دستمزدهای ناچیز کنونی در جهت تأمین هزینه های یک زندگی آبرومندانانه است.

وی بابیان اینکه تا به امروز کارفرمایان دولتی و خصوصی به عناوین مختلف افزایش مزد را به مسائل مختلف بی ربط اقتصادی و سیاسی گره زده اند؛ افزود: حاصل مجموعه این اقدامات تا به امروز آب رفتن سفره خانواده های کارگران بوده است.

این فعال کارگری ادامه داد: در همین راستاست که امروز در لایحه اصلاح قانون کار موضوع افزایش مزد سالانه کارگران به مسئله نامربوط دیگری مثل شرایط اقتصادی کشور پیوند داده شده است.

وی باید آوری اینکه برخورداری از حداقل مزد قانونی یک حق اجتماعی است؛ افزود: از کارگری که در ساختار معیوب اقتصادی کنونی تلاش می‌کند تا در ازاء انجام کار روزانه خود درآمد ناچیزی برای هزینه‌های زندگی خود بدست آورد چگونه می‌توان توقع بهره‌وری را داشت.

وطنخواه افزود: کم نیستند افرادی که حتی بعد از بازنشستگی ناچار به انجام مشاغل دوم و سوم هستند و در این میان بسیاری از کارگران بعد از پایان یک روز کاری طاقت فرسا مجبورند تا در سطح شهر مسافر جا به جا کنند و یا به دست فروشی بپردازند.

وی تصریح کرد: این افراد هرگز در معادلات اقتصادی امروز جامعه سهمی از دست رنج خود نخواهند برد.

وی با اشاره به ماده 41 قانون کنونی کار که افزایش مزد را به درصد تورم و سبب معیشت خانوارهای کارگری گره زده است، تصریح کرد: کارگران همواره از این امر گلایه مندند که مزد به درصد تورم گره خورده است زیر درصد تورم اعلامی توسط بانک مرکزی و حتی مرکز آمار با واقعیت‌های معیشتی کارگران و طبقات محروم ناسازگار است.

این فعال کارگری افزود: در چنین شرایطی که شفافیت آماری به یک سراب تبدیل شده است، تعیین دستمزد بر اساس شرایط اقتصادی کشور تنها به افزایش نارضایتی جامعه کارگری تبدیل خواهد شد.

وی با تأکید بر لزوم افزایش دستمزد فارغ از شرایط اقتصادی افزود: حال که رئیس دولت یازدهم در کنفرانس خبری اجلاس سالیانه سازمان ملل خبر از رشد اقتصادی می‌دهد پس توقعات جامعه کارگری هم برای افزایش مزد و حتی کاهش ساعت کار افزایش می‌یابد.

این فعال کارگری به تلاش برای حذف ماهیت حمایت‌کنندگی قانون کار اشاره کرد و افزود: قانون حامی محرومان است اما کسانی که کمر به ساقط کردن مواد حمایتی قانون کار بسته‌اند، قصد دارند از قدرت خود برای تضعیف قدرت چانه زنی کارگران بهره‌جویند.

وطنخواه تصریح کرد: کارگران تحت لوای قانون کار مطالبات خود را پیگیری می‌کنند و وظیفه دولت می‌دانند که شرایط لازم برای الحاق ایران به معاهدات حقوق بنیادین کار را فراهم کند.

31 شهریور: پروین مهدی: هرگونه تلاش برای ایجاد تغییرات ضد کارگری در قانون کار و دامن زدن به اخراج و فقر و فلاکت بیشتر، با فوران خشم فرو خورده ما کارگران مواجه خواهد شد

خبرهای منتشره حاکی از آن است که حداقل تا بدینجا دولت دست به یک عقب‌نشینی ضمنی در مورد لایحه اصلاحیه قانون کار زده است. اما چیزی که در این میان اتفاق افتاده و اتحادیه آزاد کارگران ایران علاوه بر افشاگری در مورد لایحه اصلاحیه دولت، دست به افشاگری در مورد آن زده است، این است که دولت هم در لایحه اصلاحیه و هم در چاپ امسال قانون کار، به ماده 21 این قانون دست اندازی کرده و در اقدامی جاعلانه بند (ح) و (ز) را جزو ماده 21 قانون کار به حساب آورده است تا در صورت باز پس‌گیری لایحه، حداقل این دو بند به غایت ضد کارگری را در این قانون نهادینه کند.

این آن چیزی است که تا کنون و تا دیروز که اتحادیه آزاد کارگران ایران دست به افشاگری در مورد آن زد پنهان و مسکوت مانده بود و تمامی کسانی که تا به حال در مورد لایحه اصلاحیه دولت موضع‌گیری کرده‌اند عامدانه یا غیر عامدانه در این رابطه موضعی نگرفته‌اند.

ماده 21 قانون کار که به مبحث خاتمه قرارداد اختصاص دارد یکی از جنجال‌برانگیزترین مواد این قانون است که از اواخر دهه هشتاد، دولت احمدی‌نژاد سعی در وارد کردن بندهای (ح) و (ز) به آن کرد اما هیچگاه موفق به وارد کردن آنها به این ماده نشد و بر این اساس، این بندها تا پایان سال 94، نه وارد ماده 21 قانون کار شد، نه در چاپهای آن آمد و نه در مراجع قانونی در رابطه با اخراج کارگران به این بندها استناد شد.

اما به ناگهان دولت تدبیر و امید سرمایه‌داران با زیرکی تمام، این بندها را جزو بندهای ماده 21 قانون کار در چاپ امسال آن وارد کرد و با آوردن اصلاحیه بر روی آنها طوری رفتار نمود که گویا این بندها جزو ماده 21 قانون کار بوده‌اند، با این امید که اگر همچون دولت احمدی‌نژاد بر اثر مبارزات و مقاومت کارگران موفق به تصویب لایحه اصلاحی قانون کار نشدند، موفق شده باشند ماده 21 قانون کار را با تغییرات انجام شده، با دوز و کلک به خورد طبقه کارگر ایران بدهند تا مسئله اخراجهای فله‌ای کارگران را برای همیشه صورت قانونی دهند.

تلاش برای ایجاد تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار و اقدام جاعلانه دولت در وارد کردن بندهای (ح) و (ز) به قانون کار با هدف تسهیل بی سابقه اخراجهای دسته‌جمعی کارگران، در شرایطی صورت می‌گیرد که به معنای واقعی کلمه و بی هیچ سیاه‌نمایی، بیکاری میلیون‌ها کارگر و جوان جویای کار بیداد میکند و مسئولین حکومتی خود از وجود این درجه از بیکاری و پیدا کردن راه حل برای آن صحبت می‌کنند، اما از طرف دیگر بطور ریاکارانه‌ای شرایط را با دست بردن به محدود حداقلهای موجود در قانون کار و جعل ماده 21، برای گسترش لشکر عظیم بیکاران مهیا می‌کنند. آیا این عمل معنایی جز این دارد که این حضرات در صد تامل و تضمین سودهای نجومی برای صاحبان سرمایه به قیمت فقر و درماندگی بیش از پیش ما کارگران هستند. آیا واقعا در این چند دهه گذشته، اینان چیزی بر سر سفره‌های ما کارگران باقی گذاشته‌اند که حال در صد غارت آن بر آمده‌اند. اینان چنان غرق در غارتگری خود هستند که حتی از فهم این مسئله عاجزند که دیگر در سفره‌های خالی ما کارگران چیزی برای غارت و چپاولگری باقی نمانده است.

وارد کردن جاعلانه بند (ز) و بویژه بند (ح) توسط دولت تدبیر و امید سرمایه‌داران به ماده 21 قانون کار و تلاش برای غارت هست و نیست ما کارگران، چیزی نیست که براحتهای از حلقوم طراحان و مجریان چنین بندهای خانمان بر باد دهی پایین برود.

امروزه بنا بر اذعان خود این آقایان، هم بیکاری بیداد میکند و هم حداقل مزد و کل دریافتی یک کارگر سه برابر زیر خط فقر است. آنوقت علیرغم چنین اعترافات‌ای که بیانگر اوج ستم‌گری و تحمیل شرایط ضد انسانی بر میلیون‌ها میلیون انسان است این حضرات باز هم در صدد تحمیل شرایطی به مراتب فلاکت‌بارتر بر طبقه کارگر ایران هستند، شرایطی که بدون تردید با فوران خشم فرو خورده میلیون‌ها کارگر و زحمتکش مواجه خواهد شد.

30 شهریور: جوانمیر مردادی : قانون کار موجود، یوغ سنگین بردگی برگردن طبقه کارگر

لایحه اصلاحیه قانون کار، تلاش دولت برای سفت و سنگین‌تر کردن همان یوغ

بخش اول

قانون کار موجود؛

برای اکثریت کارگران ایران که از جانب دولت‌ها و دستگاه‌های آنان با استناد به مفاد قانون کار موجود نزدیک به چهل سال است محکوم به زندگی مشقت‌بار در سطح پنج برابر زیر خط فقر شده اند و هرگونه اعتراضشان به وضعیت معیشت، بیکاری، محرومیت از بیمه بیکاری و غیره را با توسل به همین قانون کار سرکوب میکنند، اگر هم حتی قانون کار را نخوانده باشند به وضوح قابل درک است که قانون کار موجود را نمیشود به هیچوجه چیزی غیر از جواز قانونی برای سرکوب و یک کيفرخواست علیه خود تلقی کرد.

قانون کار که امروز در اکثر کشورهای جهان به عنوان یک ضرورت برای برقراری یک رابطه ضابطه مند در ارتباط با خرید و فروش نیروی کار میان سرمایه داران و کارگران کشورهای تحت حاکمیت نظام سرمایه داری که ضامن تأمین حداقل‌های زندگی کارگران در چهارچوب سیستم بهره‌کشی و استثمار از طبقه کارگر توسط سرمایه داری از دوران انقلاب صنعتی تا به امروز است. انقلاب صنعتی که با کنار زدن سنت‌ها و روابط تولیدی ارباب رعیتی و پیشه‌وری خردپرواکنده باعث تجمیع کارگران در بخش‌ها و مراکز متمرکز صنعتی گردید، عملاً شرایط مبارزه دسته جمعی و اجتماعی برای بهره‌مندی از امکانات بهتر و برخورداری از سهم بیشتری از دسترنج خود را برای کارگران فراهم ساخت. یکی از پیروزی‌های طبقه کارگر جهانی تحمیل قانون کار به سرمایه داری است که تا قبل از آن سیستم استثمار و بهره‌کشی از پذیرش حداقل‌های معیشتی، رفاهی، آموزشی، ساعت کار محدود روزانه (۸ ساعت)، ممنوعیت کار کودکان، مزد برابر زنان با مردان در برابر کار برابر و غیره سر باز زده بود. امروزه دولت‌های سرمایه داری حاکم به ویژه در غرب در نتیجه مبارزات طولانی کارگران جوامع خود ملزم به پذیرش و برآورده کردن بخش‌هایی از مطالبات کارگران که در اسناد قوانین کار به صورت قاعده درآمده و به ثبت رسیده گردیده اند که عدول از آنها به راحتی برای نظام‌های حاکم میسر نیست. هر چند که در صورت متحد نبودن صف مبارزات کارگری در برابر سیستم حاکم، دست‌آوردهای رسمیت یافته طبقه کارگر در قوانین کار قابل دست کاری و یا تبدیل کردن آن به قانونی کاملاً ضد کارگری و کيفرخواستی علیه کارگران، آنگونه که امروز در ایران شاهد آن هستیم خواهد بود.

اگرچه مبارزات طبقه کارگر بعد از انقلاب ۵۷ برای تثبیت مطالبات و حقوق مطروحه در جریان انقلاب متوقف نگردید و با وجود فضای سرکوب‌شده و همچنین مورد یورش قرار گرفتن تشکلهای و شوراهای کارگری تب و تاب حق طلبی و سهم خواهی کارگران از دسترنج خود در مقابل تلاش سازمان یافته نظام سرمایه داری برای بازگرداندن سیستم بهره‌کشی به دوران ارباب رعیتی که میکوشید حتی واژه «کارگر» را از ادبیات رایج حذف کند و به جایش واژه «مزدور» قرار دهد، همچنان ادامه یافت و این طبقه همواره از حقوق و هویت اجتماعی خود بی‌وقفه دفاع نموده، اما قانون کار موجود به لحاظ محتوا حاصل مبارزات طبقه کارگر ایران نیست. این سند که سال ۶۹ به تصویب رسید از لحاظ پذیرش رابطه تولیدی ای که یکطرف آن یک اکثریت قاطع کارگر که دارای هویت طبقاتی ایکه باید به رسمیت شناخته شود، در حالیکه قبل از آن سیستم حاکم تلاش میکرد انکارش کند، برای طبقه کارگر یک دستاورد و پیشروی بود. اما طبقه کارگر ایران به خاطر وجود خفقان و سرکوب‌های شدید که اجازه برخورداری از قدرت کافی برای تغییر توازن قوا به سود خود را نمیداد، نتوانست طبقه حاکم را به پذیرش مطالبات خود نماید. در نتیجه آن چه که زیر جلد کتاب قانون کار بدون هیچگونه دخالت نمایندگان واقعی کارگران و تنها با نظر و مطابق خواست کارفرمایان به تحریر درآمد و به تصویب رسید تماماً در ضدیت با منافع طبقه کارگر قرار گرفت به طوری که مواد و تبصره‌های قانون کار با صراحت و آشکارا در تقابل خواست و مطالبات کارگری هستند و یا با ایجاد ابهامات قابل تفسیر و در زوایا و منافذی در بقیه مواد و تبصره‌ها باز هم در مواقع لازم به سود کارفرمایان قابلیت معناترشی دارند.

بخش دوم:

جوانمیر مردادی : بررسی موادی از قانون کار؛

از آنجا که تمام مواد و تبصره‌های قانون کار کاملاً در ضدیت با منافع کارگران حکم در خود دارند، پرداختن به همه آنها شاید بیشتر از صد صفحه را در بر گیرد. در نتیجه دو ماده از قانون کار که در زمره تأثیرگذارترین مواد آن بر زندگی طبقه کارگر هستند، برای بررسی انتخاب می‌گردد:

موادی از قبیل «ماده ۷ تبصره (۱) که حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.» و «ماده ۴۱ بند ۱- که مطابق آن حداقل مزد کارگران را با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود تعیین می‌کند و بند ۲- نیز که بر اساس آن حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کارمحل شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید.» نمونه‌هایی از آن مواد درز و منفذ دار قانون کار هستند که برخلاف ظاهرشان از درزها و منافذشان تا امروز نهایت درجه نا امنی شغلی و پائین ترین سطح دستمزد (پنج برابر زیر خط فقر) برای طبقه کارگر بیرون زده است.

مطابق تبصره ۱ ماده ۷ حداکثر مدت موقت برای کارهائی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می رسد که علاوه بر اینکه نفس وجود قرارداد موقت به خودی خود امنیت شغلی را از بین می برد، اما برای این نوع کارها قانون کاریج محدودیتی برای حداقل مدت قرارداد کار در نظر نگرفته و قراردادهای یک ماهه و سفید امضاء که امروز کمترین امنیتی از نظر شغلی برای کارگران را باقی نگذاشته از مصائب اساسی امنیت شغلی کارگران و از فواید مهم برای کارفرمایان است. در این نوع کارها که معمولاً پروژه ای (مراکز صنعتی، عمرانی و غیره در حال ساخت) هستند، چنانچه مدت ساخت پروژه سالها طول بکشد مطابق این بند از تبصره ماده ۷ کارفرمایان می توانند با کارگر قرارداد کار یک ماهه منعقد کنند تا هر زمان که بخواهند بدون هیچ هزینه ای کارگر را اخراج نمایند. همچنین مطابق بنده ۱ ماده ۴۱- حداقل مزد کارگران باید باتوجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود تعیین گردد که با توجه به عدم ارائه میزان واقعی تورم از جانب مرکز آمار و بانک مرکزی که به عمد و با برنامه بخصوص جهت پائین نگه داشتن سطح دستمزد صورت می گیرد، عملاً مفری برای افزایش ندادن سطح دستمزد ایجاد کرده است. و مطابق بند ۲ همین ماده نیز حداقل مزد باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید، باز هم با رجوع به این بند که سطح زندگی (تعیین نکرده که زندگی یک خانواده کارگری در حد رفاه و یا حتی بالای خط فقر باشد) و همچنین مشخص نکرده که تعداد متوسط افراد خانواده چند نفر باشد، طی ۲۷ سال گذشته سطح زندگی خانواده های کارگری به میزان ۵ برابر زیر خط فقر نگه داشته شده است. لازم به یادآوری است که مدتهاست زمره کاهش تعداد متوسط افراد خانواده از ۴ نفر به ۳ نفر به عنوان مبنای تعیین حداقل مزد از جانب مسؤلان و کارشناسان دوم به کارفرمایان در جریان است و باز هم لازم به ذکر است در حال حاضر که تعداد متوسط خانواده کارگری ۴ نفر در گرفته شده است، فقط ۲ فرزند خانواده مشمول دریافت حق عائله مندی به همراه حقوق پدرکارگر که مبلغی ناچیز و تحقیر آمیز است خواهند بود و فرزند سوم هیچ حقی دریافت نخواهد کرد (ماده ۸۶ قانون تأمین اجتماعی) و بدتر از آن فرزندان چهارم به بالا حتی از دریافت دفترچه بیمه درمانی نیز محروم خواهند بود.

قانون کار فعلی به اعتبار تک تک مواد و تبصره هایش به معنای واقعی یک یوغ بردگی بر گردن کارگر و علاوه بر آن یک کیفرخواست علیه اوست. در این قانون کار علاوه بر اینکه صراحتاً و آشکارا هیچ حق و حقوقی از قبیل حق تشکل، امنیت شغلی، دستمزد متناسب با استانداردهای مدرن جهانی، برخورداری از بیمه بیکاری برای بیکاران و به طور کلی حق برخورداری از کلیه امکانات لازم زندگی مرفه و شایسته انسان امروزی برای کارگر در نظر گرفته نشده است، تعدادی از مواد و تبصره هایش صراحتاً حاوی تهدیدات و کیفرخواست هائی علیه کارگران است که مطابق آنها از کمیته های انضباطی کارگاه گرفته تا هیئتهای تشخیص و حل اختلاف، دادگاههای جزائی، کیفری و انقلاب دستشان کاملاً برای صدور احکام مجازات از جزای نقدی به جرم ایجاد بی نظمی در کارگاه گرفته تا زندان و غیره به جرم اخلال در نظم عمومی، تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی باز است. اگر کارگر چنین و چنان کند، اگر کارگر موازین و مقررات کارگاه که توسط کارفرما تعیین می گردد را رعایت نکند، اگر غیبت غیر موجه کند، اگر از دستور کارفرما سرپیچی کند، اگر اعتراض و اعتصاب کند و دهها اگر دیگر که هر کدام مصداق خطای کارگر خواهند بود، احکام جرمیه، اخراج، زندان و غیره برایش در قانون کار در نظر گرفته شده است. در حالی که در این قانون، از کارفرما تصویری از شخصیتی مصون از گناه و جرم به نمایش گذاشته شده است، اگر حقوق کارگر را ماهها و سالها نپردازد، اگر کارگر را اخراج کند، اگر حق بیمه نپردازد، اگر سنوات، پاداش، حق عیدی و غیره را بالا بکشد هیچ اتهام و مجازاتی برایش در نظر گرفته نشده است!

30 شهریور: بخشنامه یا لایحه ؟ کدام یک سیاست واقعی دولت را رقم خواهد زد ؟
حسین اکبری

پس از حدود دوماه نامنی و تنش در محیط های کار و تولید به خاطر ارسال لایحه به اصطلاح "اصلاح" قانون کار به مجلس شورای اسلامی و درگرمای مبارزات کارگران و همه تشکل ها اعم از رسمی و مستقل برای باز پس گیری این لایحه در تاریخ 1395/6/24 بخشنامه ای از سوی وزیر آقای ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با عنوان "اجتماعی بخشنامه امنیت شغلی همراه با امنیت سرمایه گذاری و تولید در ایلات منتشر شد. این بخشنامه فارغ از محتوای متفاوت آن با لایحه ارسال شده به مجلس؛ به خاطر زمان انتشار و شکل آن از نظر فعالان کارگری بسیار تردید آمیز است! این بخشنامه که بیشتر به بیانیه می ماند در برگیرنده مفادی است که نشان از اعتراف به سیاست های غلط تا کنونی دولت ها در روابط کار دارد و خواهان نوعی تنش زدایی در روابط کار است تا از رهگذر اجرای آن سیاست های کلان دولت یازدهم در باره امنیت سرمایه گذاری فراهم

تردید آمیز تر اینکه لایحه "اصلاحی" هنوز از مجلس بازپس گرفته نشده است و بخشنامه ای به مدیران ستادی و اجرایی ابلاغ می گردد که بعضی از معاونت های این وزارت خانه بر درستی ارسال لایحه اصلاح قانون کار به مجلس اصرار دارند و همچنین از درون مجلس هم مخالفت هایی از سوی رییس کمیسیون اجتماعی در پس گرفتن لایحه توسط دولت اعلام شده است.

پرسش جدی اینجاست که اگر دلایل صدور بخشنامه امنیت شغلی و واقعی است که هست و موضوع محوری این بخشنامه نادرستی رواج مقررات زدایی و انعطاف پذیری برای نادیده گرفتن حقوق کار را تشکیل می دهد پس چه اصراری وجود دارد که لایحه ای برای "اصلاح" قانون کار از سوی این وزارت خانه به مجلس برود که هدفی جز مقررات زدایی از روابط کار ندارد؟ آقای وزیر کار چه سختی در بخشنامه و لایحه می بیند که به رغم صدور بخشنامه، تغییرات به قصد مقررات زدایی از قانون کار را با ارایه لایحه "اصلاحی" کنار نمی گذارد ؟
قانون کاری که دارای کاستی های جدی است و باید به سود کارگران این کاستی ها برطرف گردد چرا در معرض هجومی مداوم از سوی آن وزارت خانه قرار گرفته است تا به این وسیله گام به گام از صورت قانونی قابل اجرا به هیبت شیر بی یال و دمی درآید که حتی یک شیوه نامه استاد شاگردی بتواند کلیت قانون را از اعتبار بیندازد ؟
چرا به رغم تاثیرات مخرب معافیت های پی درپی بخش هایی از کارگران از شمول قانون کار چون خروج مناطق آزاد تجاری از شمول این قانون، خروج کارگاه های دارنده تا ده کارگر از شمول قانون، و نقض فصل پنجم قانون کار با تصویب شیوه نامه استاد شاگردی باز هم لایحه محدود کننده حقوق کار که از قضا از سوی دولت احمدی نژاد تهیه شده است و برای بار دوم به مجلس فرستاده

تردید در باره این بخشنامه آنجا پر رنگ تر میشود که فعالان کارگری شاهد صدور بخشنامه شماره 40 این وزارت خانه بوده اند که عمری کمتر از یک هفته نداشت . آیا با وجود این تناقض آشکار در همزمانی طرح بخشنامه و لایحه با تقدم ارسال لایحه به مجلس و فرایند های برگشت پذیری پیچیده آن از سوی مجلس به ویژه آنکه از همین حالا مخالفت رییس کمیسیون اجتماعی این فرایند را مشکل تر کرده است؛ موجب عقب نشینی و پس گرفتن این بخشنامه و یا در هر حال بی اثر بودن آن نخواهد شد ؟

این گمانه وجود دارد که صدور این بخشنامه یا به دلیل انتخابات پیش رو است و یا به دلیل ظاهر سازی برای ارائه مستندات قانونی با سازمان بین المللی کار است و یا در بهترین حالت برای کاستن از موج اعتراضات فزاینده کارگران تهیه و ابلاغ شده است. چرا روش های تردید آمیز همواره بند ناف اقدامات وزارت تعاون، کار و تامین اجتماعی است؟ متأسفانه این تناقض و دوگانگی در اعمال مقررات زدایی از سوی دولت نیز دیده میشود . اگر مقررات زدایی از روابط کار موجب ناامنی است چرا دولت لایحه گسترش مناطق آزاد تجاری و اقتصادی و ویژه را که با خروج بخش های وسیع تری از کارگران را از شمول قانون کار را به دنبال خواهد داشت به مجلس فرستاد مجلس هم یک فوریت آن را تصویب کند؟ برای درک بهتر موقعیت تردید آمیز کنونی ضروری است دلایلی که موجب صدور این بخشنامه گردیده است را دوباره نگاه کنیم . این دلایل از نظربخشنامه دو دسته اند:

یکم _ گرایش به مقررات زدایی و انعطاف پذیری که عمدتاً لازمه کاهش هزینه های تولید و رقابت پذیری در عرصه تجارت جهانی است، از جمله مولفه های تحولات ژرف در بازار کار کنونی بوده است. تا جایی که بدلیل برداشت های نادرست از قانون کار، الگوهای استاندارد شغلی، به تدریج در محاق فرو رفته،

دوم _ انعطاف پذیری و مقررات زدایی به پارادایم غالب توسعه و عدم امنیت شغلی به ویژگی عمده بازارهای کار تبدیل گردیده است

تبعات ناگوار این دلایل و اعمال مقررات زدایی در ایران نیز در بخشنامه چنین آمده است:

کاهش	کاهش	ضرب	سطح	امنیت	بهره	شغلی	شغلی
افزایش	ضرب	رضایت	تبعیض،	مندی	و	تعلق	سازمانی
استرس	تبعیض،	رضایت	تبعیض،	نابرابری	و	های	درآمدی
کارگران	کارگران	کارگران	کارگران	کارگران	کارگران	کارگران	کارگران

نتیجه حاصل از اعمال مقررات زدایی منجر به این نتیجه گیری شده است که: " امر لزوم توجه بیشتر به امنیت شغلی کارگران را با هدف تعادل بخشی و برقراری توازن بین انعطاف پذیری و امنیت شغلی را ضروری می سازد. بر این اساس، انعطاف پذیری در راستای صیانت از تولید و امنیت شغلی نیروی کار نه تنها با یکدیگر در تناقض نمی باشند، بلکه در عمل مکمل همدیگر بوده و چارچوب حمایتی موثری را در جهت مقابله با نوسانات بازار کار و چالش های جهانی سازی فراهم خواهد ساخت. از سوی دیگر، آموزه های قرآنی مصرح در اصول 22 و 43 قانون اساسی نیز بر امنیت شغلی و ارتباط این مفهوم با حق کار تاکید دارد"

با این ترتیب ما شاهد احکامی در این بخشنامه هستیم که بررسی هر یک از آنها ؛ خود می تواند بیانگر وخامت بیشتر در روابط کار موجود و متأسفانه تردید بیشتر و پرسش در باره این موضوع گردد که بخشنامه یا لایحه ؟ کدام سیاست واقعی دولت را رقم خواهد زد ؟

هر یک از این احکام یازده گانه بخشنامه در خود موضوعاتی را بیان می کنند که این موضوعات به آفرینش تبعات منفی اعمال مقررات زدایی کمک کرده اند و یا مستقیم یا غیر مستقیم این تبعات را بار آورده است:

« 1- تلاش و اهتمام جدی در اجرای کلیه بخشنامه ها، آیین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی صادره از سوی معاونت روابط کار، بویژه دستورالعمل های شماره، 35، 36 و 38 و بخشنامه های شماره 2، 3، این معاونت با هدف رعایت اصل تساوی دستمزد در قبال کار هم ارزش و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری، بویژه تبعیض های مرتبط با نوع قرارداد استخدامی». آنچه از این حکم برمی آید اینست که این دستور العمل ها و بخشنامه ها به کلی تضمین کننده رفع هر گونه نابرابری و تبعیض به ویژه در قرارداد ها هستند بابررسی جداگانه هر یک گستره این ضمانت ها را دریابیم:

صدور دستور العمل شماره 35 ناشی از اقامه دعاوی مبنی بر سفید امضا بودن قرارداد های کار از سوی کارگران در هیات های حل اختلاف بوده است که اساساً به پدید آمدن شکلی از عدم امنیت شغلی در روابط کار انجامیده است و این بخشنامه برای وحدت رویه در هیات های حل اختلاف در برابر این دعاوی دستوراتی را صادر کرده است . این بخشنامه به امضای معاونت روابط کار آقای هفده تن رسیده است در مقدمه آن آمده است:

" احتراماً ، با توجه به اینکه از جمله مهمترین دلایل اثبات دعوا در مراجع حل اختلاف کار سند است و نظر به ابهامات و رویه های متفاوتی که در این مراجع در خصوص پذیرش اسناد سفید امضاء وجود دارد لذا دستور العمل ذیل برای ایجاد وحدت رویه در اجرا ابلاغ می گردد*."

موضوع دستور العمل شماره 36 در اجرای ماده 18 و تبصره یک ماده 41 قانون کار و ملهم از مقوله نامه شماره 100 سازمان بین المللی کار در خصوص منع تبعیض در پرداخت دستمزد و به منظور برقراری عدالت مزدی و تساوی مزدی برای کار هم ارزش در شرایط یکسان ، ضوابط مربوط به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد پیمانکاران طرف قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی را مورد توجه قرارداده است. تاریخ صدور هر دو دستور العمل های بالا 1392/10/9 و به امضای معاون روابط کار است**.

دستور العمل شماره 38 که در تاریخ 1393/12/2 صادر شده است و نشان می دهد که در اجرای قرارداد های کار در شرکت های پیمانکاری تامین نیروی انسانی قانون کار نقض شده است تأکید است بر رعایت تمامی مواد قانون کار در عقد پیمان ها بین سه طرف پیمان دهنده ، پیمان کار و کارگر . به اعتبار شرایط صدور این دستور العمل ها از سویی و تاریخ برقراری روابط کار خارج از روند معمول آن بین کارفرمای واقعی و کارگران از شروع رواج قرارداد های موقت می توان دریافت که تا چه میزان مقررات کار در باره تعیین دستمزد ها نقض گردیده است به دیگر سخن فارغ از هرگونه تعهد در اجرای قانون و نقض مقررات، قرارداد های یک طرفه و سفید امضا رواج داشته و دارد.

« 2- تلاش در جهت تحقق اهداف مندرج در مقاله نامه شماره 122 (سیاست اشتغال) به منظور کمک به رشد و توسعه اقتصادی، حل مساله بیکاری و اشتغال ناقص و اهتمام جدی در راستای تقویت اشتغال کامل و مولد». ایران در تاریخ 1351/2/18 به این مقاله نامه پیوسته است و متعهد به اجرای آن است بر همین اساس در بند دوم این بخشنامه نیز قلمرو و وظایف و مسئولیت های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است در این مقاله نامه چنین آمده است: «با توجه به این که اعلامیه فیلادلفیا برای سازمان بین المللی کار تعهد رسمی در زمینه کمک و مساعدت به اجرای برنامه های مربوط به ایجاد اشتغال کامل و بالا بردن سطح زندگی ملل مختلف می شناسد و این که مقدمه اساسنامه سازمان جلوگیری از بیکاری و تأمین مزد و امرار معاش متناسب را مورد نظر قرار داده است. با توجه به این که بنا به مفاد اعلامیه فیلادلفیا سازمان بین المللی کار موظف است آثار و نتایج سیاستهای اقتصادی و مالی را بر روی سیاست اشتغال بررسی کند و این امر باید با توجه به این هدف اساسی که به موجب آن "تمام انسانها صرف نظر از نژاد معتقدات یا جنسیت خود حق پیشرفت مادی و معنوی آزاد دارند و باید از تأمین اقتصادی و امکانات مساوی برخوردار باشند" انجام گیرد.

با توجه به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش بینی می کند که هر شخص حق داشتن کار و انتخاب آزاد آن را در شرایط منصفانه و رضایت بخش دارد و باید در برابر بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. با در نظر گرفتن مفاد مقاله نامه ها و توصیه نامه های موجود بین المللی که مستقیماً با سیاست اشتغال ارتباط دارند به خصوص مقاله نامه و توصیه نامه راجع به ایجاد اداره کارایی مورخ 1948 توصیه نامه مربوط به هدایت حرفه ای مورخ 1949 توصیه نامه مربوط به آموزش حرفه ای مورخ 1960 و همچنین مقاله نامه و توصیه نامه راجع به رفع تبعیض در اشتغال و حرفه مورخ 1958.

با توجه به این که مفاد این اسناد باید در سیاست بین المللی ناظر به تأمین رشد و توسعه اقتصادی مبتنی بر اشتغال کامل و مولد اشتغالی که با آزادی انتخاب شده باشد جای برجسته ای را اشغال کند. پس از اخذ تصمیم نسبت به پذیرش پیشنهادات مختلف مربوط به سیاست اشتغال (هشتمین موضوع دستور دوره اجلاس) و اخذ تصمیم به این که این پیشنهادات به شکل یک مقاله نامه بین المللی درآید. در روز نهم ژوئیه یک هزار و نهصد و شصت و چهار مقاله نامه زیر را به نام مقاله نامه راجع به سیاست اشتغال (1964) تصویب می کند. اساسی ترین موارد اجرایی این مقاله نامه نیز چنین است

ماده 1 - 1 - به منظور تشویق رشد اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی - تأمین نیازمندیهای مربوط به نیروی انسانی و حل مساله بیکاری و کم کاری هر عضو باید به عنوان یک هدف اساسی سیاست فعالی را در زمینه ایجاد اشتغال کامل و مولد که با آزادی انتخاب شده باشد اعلام و دنبال نماید.

1- 2 این سیاست باید ناظر بر تضمین موارد زیر باشد:

الف - برای همه اشخاص آماده خدمت و جویای کار امکان اشتغال وجود داشته باشد.

ب - کار مورد نظر تا آنجا که ممکن است تولیدکننده باشد.

پ - آزادی در انتخاب شغل به طوری که هر کارگر بدون توجه به نژاد - رنگ - مذهب جنس - عقیده سیاسی وابستگی ملی و منشاء اجتماعی تمام امکانات را برای تحصیل تخصص لازم برای داشتن شغل مناسب و استفاده از تخصص و قابلیت خود در اختیار داشته

1- 3 این سیاست باید با توجه به مرحله و سطح پیشرفت اقتصادی و همچنین روابط و محاسبات موجود بین هدفهای اشتغال از یک طرف و سایر هدفهای اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر اتخاذ شود و به وسیله روشهایی به مورد اجرا گذاشته شود که منطبق با شرایط و هدفهای ملی باشد.»

متأسفانه در تمامی سال های پس از انقلاب این مقاله نامه رعایت نشده است و این یکی از موارد نقض آشکار تعهدات بین المللی است که از رهگذر بی توجهی به آن از سوی مسوولان از یک سو و نمایندگان کارگران در تشکل های رسمی از سوی دیگر همواره نسبت به آن به بهانه های گوناگون با وجود نوعی بازتاب آن در ماده 41 قانون کار از اجرای آن خودداری شده است.

« 3- ساماندهی و توانمندسازی تشکل های کارگری و کارفرمایی از طریق اصلاح آیین نامه های موجود، در راستای فراهم نمودن بسترهای لازم به منظور الحاق به مقاله نامه های 87 (آزادی انجمن ها و حمایت از حق تشکل) و 98 (حق تشکل و مذاکره جمعی) با هدف ارائه خدمات مهارتی، آموزشی و حقوقی ارزشمند به جامعه کارگری و کارفرمایی.»

از پاییز سال 1363 برابر با امضای تفاهم نامه وزارت کار با شرکای اجتماعی در باره مقاله نامه های 87 و 98 در قانون کار از طریق اصلاح فصل ششم این قانون، جمهوری اسلامی پذیرفته است که به این مقاله نامه ملحق شود متأسفانه این امر به تعویق افتاده است. گو اینکه این دو مقاله نامه از مقرراتی است که همه دولت های عضو سازمان بین المللی کار تحت عنوان مقاله نامه های بنیادین لاجرم و ناچار از اجرای آنهاست اما مغایرت های جدی فصل ششم قانون کار با این دو مقاله نامه مانع از آن شده است تا از راه ایجاد تشکل های کارگری آزاد و مستقل کارگران بتوانند در برابر مقررات زدایی از روابط کار مقاومت کنند و از راه کوشش های دسته جمعی آن دسته از مواد قانونی و آیین نامه ها و دستور العمل هایی را که مغایر با حقوق کار شناخته شده است راملغی و یا اصلاح کنند. این مهمترین حلقه در روابط کار است که ناتوانی آن موجب مقررات زدایی و ستم ناشی از آن به کارگران شده است.

آنچه در مورد بند سوم بخشنامه به تردید های موجود می افزاید عباراتی است که به منظور الحاق به مقاله نامه 87 آمده است. چرا دولت این اجازه را به خود داده است و می دهد تا از طریق آیین نامه ها و یا اصلاح آنها به سازماندهی و توانمندسازی تشکل ها بپردازد؟ این اقدام طراحی شده دولت خود نافی مقاله نامه بین المللی است چرا که این مقاله نامه به آزادی ایجاد تشکل رای داده است و هرگونه دخالت دولت در ایجاد و ساماندهی و توانمندی تشکل ها دخالت آشکار در امور آنهاست. دولت تنها وظیفه دارد که موانع موجود بر سر راه ایجاد این تشکل ها را از میان بردارد. دخالت گری دولت و احزاب سیاسی و نهاد های قدرت در ایجاد تشکل های کارگری نتیجه ای جز آنچه تاکنون موجبات گسترش مقررات زدایی و ایجاد ناامنی در محیط های کار و تولید و در غلطیدن کارگران به فقر مطلق را فراهم کرده است را ببار نخواهد آورد

« 4- بسترسازی جهت الحاق به مقاله نامه شماره 158 (خاتمه اشتغال) و توصیه نامه 166 با توجه به تاثیر و اهمیت حمایت از کارگران درقبال خاتمه غیر منصفانه کار، در ایجاد و برقراری امنیت شغلی.»

این مقاله نامه در مورد کلیه رشته های فعالیت اقتصادی و کلیه نیروهای کار کاربرد دارد و چگونگی خاتمه کار را مقرر می کند طبق ماده 4 این مقاله نامه آنچه در این مقاله نامه حائز اهمیت است اینکه خاتمه اشتغال نیازمند دلیل موجهی است که در ارتباط با توانایی کارگر یا براساس مقتضیات اجرایی کارگاه، نهاد یا خدمت وجود داشته باشد. ماده 5 این مقاله نامه موارد زیر دلایل موجهی برای خاتمه اشتغال محسوب نمی شود:

الف) عضویت در اتحادیه یا شرکت در فعالیت های اتحادیه ای در خارج از ساعت کاری با موافقت کارفرما در چارچوب ساعت کاری

ب) جویای کار بودن یا فعالیت کردن یا داشتن سابقه فعالیت با عنوان نمایندگان کارگران
پ) داشتن سابقه شکایت یا مشارکت در جریاناتی علیه کارفرما مشتمل بر ادعای تجاوز به قوانین و مقررات یا متوسل شدن به مقامات صلاحیت دار اداری
ت) نژاد، رنگ، جنسیت، وضعیت تاهل، مسوولیت های خانوادگی، بارداری، مذهب، عقیده سیاسی، ملیت
ث) غیبت از کار در ایام مرخصی زایمان
همچنین در ماده 6 غیبت متوالی به واسطه بیماری یا صدمات دلیل موجهی برای خاتمه اشتغال محسوب نمیشود و غیبت موقت که دارای گواهی پزشکی داشته باشد نیز دلیلی برای خاتمه کار نیست.
ماده 7 این مقاله نامه می گوید نباید به اشتغال یک کارگر خاتمه داد بدون اینکه فرصتی برای دفاع از خود در مقابل ادعای صورت گرفته به دلایل مربوط به عملکرد و شیوه کار پیدا کند مگر اینکه کارفرما نتواند به شکل موجهی که انتظار می رود این فرصت را فراهم آورد
در ادامه موادی در باره رویه دادخواست علیه خاتمه اشتغال، عادلانه بودن خاتمه اشتغال، خاتمه اشتغال بواسطه تکنولوژیکی، اقتصادی و زیر بنایی که نیازمند اعلام وضعیت ناگزیر این خاتمه به مقامات ملی است در مواد مختلفی مقرر گردیده است.

با این شرایط یکی از بحران های جدی فسخ قرارداد های یک جانبه موجب گردیده است تا «بسترسازی جهت الحاق به مقاله نامه شماره 158» از سوی وزیر کار در بخشنامه گنجانده شود.
« 5- اجرای کامل و دقیق مواد 174، 178 و 180 مندرج در فصل یازدهم قانون کار با هدف تضمین حق ایجاد تشکل، منع تبعیض در پرداخت دستمزد، بویژه نابرابری های مزدی مرتبط با نوع قرارداد استخدامی و همچنین تاکید بر اجرای به موقع آرای قطعی و لازم اجرای مراجع حل اختلاف».

* مواد مندرج در بند 5 بخشنامه که به پیوست می آید نیز از مجموعه مقرراتی است که تا کنون به فراوانی نقض شده اند مواردی چون اخراج کارگرانی که داوطلبانه به تشکل های مستقل پیوسته اند و یا کارگرانی که به دلایلی از دریافت مزد برابر در مقابل کار برابر محروم شده اند از جمله زنان کارگر یا کارگران نوجوان و دانشجو و یا کارگرانی که برای تأمین شغل ناچار از دریافت مبالغ مزدی کمتر از مزد مصوب شده اند گروه دیگری از موجبات عدم امنیت شغلی را فراهم کرده است
« 6- گسترش و تقویت آموزش های فنی حرفه ای با توجه به نیازهای بازار کار و آموزش و مهارت افزایی پیوسته نیروی کار، از طریق کاربرد سیستم های یادگیری تمام عمر (lifelong learning) به منظور سازگاری و تطبیق مداوم قابلیت های کارگران با تحولات فنی و اقتصادی بازار کار».

فصل پنجم قانون کار به سبب مقررات زدایی از آن تحت تاثیر «شیوه نامه استاد شاگردی نوین» در مجموع از قانونی مترقی و توسعه گرا به فصلی تزیینی در قانون کار تبدیل شده است. این فصل شامل همه مواردی است که مستقیماً در خدمت توسعه انسانی قرار می گیرد و موجب رشد توانمندیهای فنی و حرفه ای کارگران متناسب با نیاز های بازار کار قابلیت اجرایی دارد. مواد این فصل کاملاً در خدمت یادگیری در همه حال خواهد بود و متأسفانه در دولت دهم به کلی از مناسبات و روابط کار نادیده گرفته شد و با تصویب شیوه نامه استاد شاگردی و اجرای آن در دولت یازدهم این فصل از قانون هم به تیغ تیز مقررات زدایی گرفتار آمد. از جمله تردید های جدی که به بخشنامه مورد نظر وجود دارد تناقض آشکاری است که در حرف و عمل مسوولین وزارت کار به ویژه وزیر مربوطه در این مورد دیده شده است. هجم اعتراضات به طرح استاد شاگردی و حتی بردن شکایت از جانب منتقدین این شیوه نامه به سازمان بین المللی کار و بی توجهی دستگاه وزارتی به این اعتراضات با شعار گسترش سیستم یادگیری تمام عمر و تقویت آموزش های فنی و حرفه ای و مهارت افزایی با رعایت سایر بند های این بخشنامه و همچنین اختصاص دوره کارورزی بدون مزد و مزایا برای دانشجویان فارغ التحصیلی که به بازار کار ورود می کنند؛ همخوانی ندارد و در تضاد با یکدیگر است. بدون الغای دستور العمل هایی نظیر طرح ارتجعی استاد شاگردی این بند از بخشنامه هیچگاه اعتبار نخواهد یافت.

7- «انجام پیمایش های ملی در خصوص زندگی کاری (Survey of Working Life) به منظور تهیه اطلاعات جامع آماری در زمینه اشکال غیراستاندارد کار (انواع قراردادهای موقت) و سنجش سالیانه سطح انعطاف پذیری کار و امنیت شغلی کارگران در بازار کار، به منظور برنامه ریزی و سیاست گذاری های مبتنی بر پیش بینی».
« 8- اصلاح قوانین و مقررات مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی کشور با توجه به استانداردهای بین المللی و حقوق بنیادین کار و با هدف صیانت از نیروی کار».

شاید بتوان گفت بند هشتم بخشنامه یکی از مهمترین متر و معیار های سنجش درستی و واقعی بودن بخشنامه امنیت شغلی است. چرا؟ دو دلیل برای این عیار سنجی وجود دارد یکم اینکه مناطق آزاد تجاری که به بهانه هایی از جمله ایجاد اشتغال بنا گردیدند با استفاده از مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد عملاً بخش های مهمی از قانون کار از روابط و مناسبات کار در این مناطق حذف شد و کارگران ضمن از دست دادن بخش قابل توجهی از حقوق قانونی خود به دلیل عقد قرارداد های اسارتبار بدون نظارت و بازرسی کار و بدون داشتن حق تشکل یابی در معرض استثمار شدید صاحبان سرمایه قرار گرفتند. دیگر اینکه دولت یازدهم در جمهوری اسلامی لایحه یک فوریتی «ایجاد مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی جدید» را در تاریخ چهاردهم تیر ماه 1395 تقدیم مجلس می کند. بنا به گزارش شانا (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی) رئیس جمهوری، لایحه ایجاد 7 منطقه آزاد تجاری، صنعتی و 12 منطقه ویژه اقتصادی را برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. براساس این لایحه به دولت اجازه داده می شود در استانهای گلستان (اینچه برون)، ایلام (مهران)، اردبیل (اردبیل)، سیستان و بلوچستان (سیستان)، کردستان (بانه، مریوان)، هرمزگان (جاسک)، بوشهر (بوشهر)، منطقه آزاد تجاری، صنعتی را در محدوده هایی که به تصویب هیئت وزیران می رسد ایجاد کند. همچنین

دولت می‌تواند در استانهای فارس (فسا)، یزد (ابرقوه، میبد)، زنجان (زنجان)، کهگیلویه و بویراحمد (گچساران)، آذربایجان غربی (سرو، ارومیه)، خراسان رضوی (خواف، قوچان)، لرستان (خرم‌آباد)، قزوین (تاکستان) و اصفهان (شاهین شهر) منطقه ویژه اقتصادی و در استان البرز (ساوجبلاغ) منطقه ویژه اقتصادی دارویی ایجاد کند. و مجلس شورای اسلامی در روز شنبه 1395/4/26 یک فوریتی بودن این لایحه را به تصویب می‌رساند. در صورت تصویب این لایحه باز هم مقررات اشتغال نیروی انسانی در روابط و مناسبات مناطق جدید حاکم خواهد شد که این خود به گستره وسیعتری از لغو مقررات کار دامن می‌زند. این مقررات در تاریخ 1373/8/3 تحت عنوان «مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران» تصویب و به تأیید رییس جمهور وقت رسیده است. شاکله این مقررات چیزی حتی کمتر از لایحه «اصلاح» قانون کار پیشنهادی دولت به مجلس است. فصول و مواد بسیاری از قانون کار در این مقررات وجود ندارد عمده ترین موضوع آن براساس توافق و تراضی کارگر و کارفرماست ضمن آنکه به تعریف مزد و ساعت کار پرداخته است و اضافه کاری و نرخ آنرا هم بهر عهده قرارداد فی مابین کارگر و کار فرما می‌گذارد اما هیچ سخنی در باره حداقل دستمزد در این لایحه وجود ندارد. در این مقررات از سنوات و پاداش و عیدی خبری نیست. در تمامی این مقررات کارگران حق داشتن تشکل صنفی را ندارند و حل اختلاف در روابط کار در نهایت با توافق کارفرما حاصل میگردد حتی در صورتی که رای به بازگشت کارگر داده شود کارفرما مخیر است از پذیرش آن سر باز زند. مرخصی سالیانه در این مقررات به بیست روز کاهش یافته است. نرخ شب کاری و اضافه کاری نیز با توافق طرفین تعیین میشود. مقررات بین المللی مانند مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها در این مقررات لایحه اجرا نیستند و تنها گفته شده است لازم الرعایه هستند (ماده 51) آیا بخشنامه امنیت شغلی همراه با امنیت سرمایه گذاری و تولید از آن حد توانمندی و برش و قاطعیت برخوردار است تا بتواند ضمن حذف سیاست های مقررات زدایی به تأمین فراگیری و تمام شمولی قانون کار در سراسر ایران عنایت بخشد؟ آیا با این بخشنامه قانون کار می‌تواند در عمل قانون حمایت از هر کارگر در هر نقطه از ایران باشد؟ 9- نظارت مستمر بازرسان کار بر عملکرد شرکت های پیمانکاری، بالاخص در زمینه رعایت عدالت مزدی، استقرار مسئولین ایمنی و تأیید صلاحیت ایمنی پیمانکاران و همچنین فراهم نمودن بسترهای لازم جهت الحاق به مقاوله نامه شماره 181- (بنگاه های کارپابی خصوصی)

10- ساماندهی قراردادهای موقت در مشاغلی که ماهیت مستمر دارند و همچنین ضابطه مندرکدن قراردادهای کار پاره وقت و جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی از طریق وضع مقررات و الحاق به مقاوله نامه شماره 175 (کار پاره وقت) و توصیه نامه 182 بالاخص با توجه به تاکید سند چشم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، مبنی بر توسعه فعالیت های پاره وقت و مشارکتی.

11- طراحی و ایجاد سامانه الکترونیکی ثبت قرارداد های کار، در راستای اجرای صحیح و کامل ماده 7 و تبصره ماده 10 قانون کار.

هریک از موارد یازده گانه بخشنامه نیاز به ضمانت های اجرایی دارد تا نشان دهد این بخشنامه برگشت ناپذیر است. اولین و مهمترین شروط برگشت ناپذیری بخشنامه باز پس گیری دولایحه اصلاح قانون کار و لایحه ایجاد مناطق آزاد تجاری و ویژه از مجلس شورای اسلامی است. همزمان با اجرای این شروط پذیرش بی قید و شرط و هرچه زودتر مقاوله نامه های بنیادین سازمان بین المللی کار با الویت مقاوله نامه 87 و 98 و اجرای بی کم و کاست آنها و پیوستن به مقاوله نامه هایی که در این بخشنامه به آنها اشاره شده است.

قانون کار فعلی دارای اشکالات بسیاری در مقایسه با حقوق کار بین المللی و ملی است متر و معیار برای اصلاح قانون کار مقایسه آن با حقوق کار بین المللی است که در مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار تجلی یافته است و در عرصه ملی متر و معیار حقوق شناخته شده ملت در فصل سوم قانون اساسی است. به اعتبار این معیار ها لایحه اصلاح قانون کار هم با قانون اساسی و هم با مقاوله نامه های بین المللی در تضاد است و بخشنامه صادره امنیت شغلی همراه با امنیت سرمایه گذاری و تولید تا حدودی می‌تواند زمینه ساز و بستر مناسبی برای اصلاح راستین قانون کار را فراهم سازد. رویکرد واقعی دولت به کدام سو است؟

پیوست
ماده 174- متخلفان از هر یک از مواد مذکور در مواد (38مزد مساوی در برابر کار مساوی)- (45برداشت های مجاز از مزد کارگر)- (59 شرایط مجاز ارجاع کار اضافی) و تبصره ماده (41)، برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

1- برای تا 10 نفر، 200 تا 500 برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
2- برای تا 100 نفر نسبت به مازاد 10 نفر، 20 تا 50 برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
3- برای بالاتر از 100 نفر نسبت به مازاد 100 نفر، 10 تا 20 برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
در صورت تکرار تخلف، متخلفان مذکور به حبس از 91 روز تا 180 روز محکوم خواهند شد.
ماده 178- هر کس، شخص یا اشخاصی را با اجبار و تهدید وادار به قبول عضویت در تشکل های کارگری یا کارفرمایی نماید، یا مانع از عضویت آنها در تشکل های مذکور گردد و نیز چنانچه از ایجاد تشکل های قانونی و انجام وظایف قانونی آنها جلوگیری نماید، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی از 20 تا 100 برابر حداقل مزد روزانه کارگر در تاریخ صدور حکم یا حبس از 91 روز تا 120 روز و یا هر دو محکوم خواهد شد.
ماده 180- کارفرمایی که بر خلاف مفاد ماده (159) در باره چگونگی اعتراض با آرای هیات تشخیص) این قانون از اجرای به موقع آرای قطعی و لازم اجرای مراجع حل اختلاف این قانون خودداری نمایند، علاوه بر اجرای آرای مذکور، با توجه به شرایط و امکانات خاطی به جریمه نقدی از 20 تا 200 برابر حداقل مزد روزانه کارگر محکوم خواهند شد.
29 شهریور: **دولت در لایحه اصلاح قانون کار نه تنها در نقش کارفرمای بزرگ، بلکه در نقش حامی کارفرمایان بخش خصوصی و شبه دولتی ظاهر شده است!**

زرمه های بازپس گیری لایحه «اصلاح قانون کار» در راستای واکنشی که صاحبان نیروی کار و کارشناسان به آن داشته اند، اکنون در حالی شنیده می‌شود که برخی کارشناسان تأکید دارند دولت در این لایحه، نه تنها در نقش کارفرمای بزرگ، بلکه در نقش حامی کارفرمایان بخش خصوصی و شبه دولتی ظاهر شده است. مجد مالجو، اقتصاددان با اشاره به اینکه دولت

می‌خواهد چرخ تولید در اقتصاد را راه بیندازد؛ اما به جای اینکه موانع سر راه تولید را بردارد، سعی در تضعیف یکی از عاملان تولید (صاحبان نیروی کار) دارد، می‌گوید: «تهاجمی همه‌جانبه به منافع صاحبان نیروی کار در حال وقوع است. در نوک پیکان این تهاجم نیز وزارت کار نشسته؛ اما دستگاه‌های دولتی پشت این تهاجم هستند و در پشتیبانی از منافع کارفرمایان خصوصی و دولتی و شبه‌دولتی و نیز کارفرمایان خارجی در سال‌های آتی عمل می‌کنند». به گفته او، با این تغییر حقوقی در قواعد بازی پیشاپیش شاهد یک پرده از اپیزودهای آتی هستیم که در شرف وقوع است: «اگر سرمایه خارجی به ایران جلب شود، فقط جابه‌جایی منابع مالی از بیرون به درون ایران نیست. سرمایه یک رابطه اجتماعی و یک رابطه قدرت است. آمدن سرمایه خارجی به اقتصاد ایران، نوع جدیدی از روابط قدرت بین کارگران با کارفرمایان اعم از داخلی و خارجی را رقم خواهد زد و اکنون پیشاپیش داریم صحنه‌هایی از تئاتری در آینده را تماشا می‌کنیم. صحنه‌های تغییر روابط قدرت به زیان طبقات فرودست‌تری که فروشنده نیروی کار خودشان در بازار کار هستند، به نفع اقلیت کارفرمای داخلی یا خارجی‌ای که در بازار کار متقاضی نیروی کار هستند.»

بسیاری از منتقدان لایحه قانون کار، معتقدند این لایحه نوعی هجمه به قانون کار محسوب می‌شود. اگر با این گزاره موافقت، به نظرتان هجمه‌ای که به حقوق کارگران وارد می‌شود، در چه مرحله‌ای است؟ آیا پیشینه داشته و بعد شدت گرفته یا می‌تواند آغاز این هجمه باشد؟

در تأیید صحبت شما، به نظر می‌آید دولت در این لایحه نه فقط در نقش کارفرمای بزرگ ظاهر شده است، بلکه در نقش حامیان کارفرمایان بخش خصوصی و شبه‌دولتی نیز ظاهر می‌شود. دولت می‌خواهد چرخ تولید در اقتصاد را راه بیندازد، اما تولید در اقتصاد ایران با موانع عدیده‌ای مواجه است. در عین حال، دولت به لحاظ نوع الگوی توزیع قدرت سیاسی در سپهر سیاست، ناتوان از این است که بخش اعظم موانع تولید در حوزه اقتصاد را که ریشه در نوع روابط اعضای طبقه اقتصادی و سیاسی فرادست دارد، برطرف کند. به بیانی دیگر، دولت مثلاً در هدایت منابع بانکی به سمت تولید، رفع موانعی که سرمایه تجاری در واردات و صادرات برای تولید داخلی پدید آورده، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح نظام بودجه و غیره ناتوان است، زیرا در هر کدام از این بخش‌ها ذی‌نفعانی ایستاده‌اند و راه را بر هر نوع تغییراتی که به نفع تولید تمام شود، بسته‌اند. در چنین چارچوبی دولت همه بار فشار برای رفع موانع تولید یا، به زبان دیگر، برای افزایش حاشیه سود فعالیت‌های اقتصادی بخش‌های دولتی و خصوصی و شبه‌دولتی را به آن بخش از هزینه‌های تولید که هر قدر هم کم باشند اما هنوز امکان کم‌ترکردنشان هست، هدایت می‌کند. در صدر این وجهی که اشاره می‌کنم، هزینه‌های نیروی کار و در واقع میزان سهم‌بری صاحبان نیروی کار در طبقات متوسط، کارگر و تهیدستان شهری، از فرایندهای تولید و توزیع قرار دارند تا از طریق کاهش این نوع هزینه‌ها، روی دیگر سکه که امکان سودآوری برای فعالیت‌های اقتصادی است، بیشتر شود. بنابراین نوع تهاجم دولت به منافع کارگران در همه سال‌های پس از جنگ از این منطبق تبعیت می‌کرده است. در واقع دولت فشار را به سمتی هدایت می‌کند که امکان مقاومت نهادینه از سمت متضرران وجود نداشته باشد. اگر به سال‌های پس از جنگ بنگریم، چیزی که رویکرد دولت یازدهم را از جهاتی با رویکرد دولت‌های قبلی متفاوت می‌کند، در این است که در همه سال‌ها پس از جنگ تا پیش از شروع دوره تحریم‌ها، منابع اقتصادی در اقتصاد ایران عمدتاً نشئت‌گرفته از درآمدهای نفتی بود و همین درآمدها این امکان را به دولت‌های قبل‌تر می‌داد که ضرورت ناگزیر راه‌انداختن چرخ تولید کمتر را کمتر احساس کنند. حالا که درآمدهای نفتی به دلایل مختلف چشم‌انداز افزایش ندارد و این منبع به نحوی از آنجا از دست اقتصاد ایران ستانده شده، دولت درصد نوعی بازآرایی نهادی و ساختاری است تا کمبود این منابع را از طریق افزایش بهره‌کشی از ضعیف‌ترین نیروهای اجتماعی جبران کند. بنابراین لایحه قانون کار یکی از اجزای یک مجموعه به‌مراتب وسیع‌تر است که سرجمع قصد دارد میزان سهم‌بری صاحبان نیروی کار را کم کند تا روی دیگر سکه، امکان سودآوری برای فعالیت‌های اقتصادی بیشتر داشته باشد.

با این اوصاف شدت هجمه به نیروی کار به نسبت گذشته افزایش یافته است؟

بله، شدت و کمیت افزایش پیدا کرده‌اند که افزایش شدت نشان از تحول کیفی دارد. اشاره‌ام به این است که تهاجمی که در دو، سه سال اخیر به سمت منافع صاحبان نیروی کار صورت گرفته، به دلیل کسری درآمدهای ارزی دولت، تحول کیفی در هجمه‌ای پدید آورده که در تمام سال‌های پس از جنگ برقرار بوده است. در استمرار فشارهای قبلی شاهد بازآرایی نهادی گسترده هستیم. اینکه برای اولین بار از سال ۶۹ به بعد، رسماً سندی مهم مثل قانون کار به لحاظ حقوقی تغییر پیدا می‌کند، تحولی کیفی است در استمرار همان روندهای سابق که وجود داشته است.

برنامه‌ریزی دولت برای رسیدن به چه هدفی است؟

اگر از منظر دولت و مدافعان تغییرات در قانون کار نگاه کنیم، هدف این است که سهم‌بری صاحبان نیروی کار کم شود، سودآوری فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های دولتی و خصوصی و شبه‌دولتی زیاد شود تا سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر شود و از این رهگذر اشتغال‌آفرینی بیشتر شود، چرخ تولید راه بیفتد و گره تولید در اقتصاد ایران باز شود.

به نظر شما هدف دولت با این فرایند، تأمین خواهد شد؟

پاسخ من اکیداً منفی است. استدلالم بر این مبناست که گرچه سهم نیروی کار کمتر می‌شود، گرچه امکان سودآوری برای صاحبان کسب‌وکار در بخش خصوصی یا فعالیت‌های دولتی و شبه‌دولتی افزایش پیدا می‌کند، اما این امر منتهی به تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش مولد نخواهد شد، زیرا کماکان مهم‌ترین موانع تولید که تاکنون گره تولید در ایران را ایجاد کرده‌اند، سر جای خود هستند و تغییری در آنها ایجاد نشده است. نخست باید دید آیا مجموعه‌ای از نیروهایی که در بخش‌های خصوصی و دولتی و شبه‌دولتی قرار است منابع اقتصادی‌شان را وارد فعالیت‌های اقتصادی کنند، این منابع را به سمت فعالیت‌های مولد یعنی تولید کالا و خدمات می‌برند یا به سمت فعالیت‌هایی که گرچه برایشان سودآوری بیشتری دارد اما متضمن تولید ارزش‌افزوده نیست؟ پاسخ من این است که کماکان فضای اقتصادی به گونه‌ای است که در بخش خصوصی، عقلانیت به صاحبان کسب‌وکار حکم می‌کند منابعشان را به سمت بخش‌های نامولد ببرند و در بخش دولتی و شبه‌دولتی هم نه عقلانیت اقتصادی، بلکه مصالح سیاسی حکم می‌کند منابع را مانند گذشته بیشتر به سمت فعالیت‌هایی هدایت

کنند که نه در پی انباشت سرمایه یا پاسخ‌گویی به مطالبات اجتماعی و اقتصادی بلکه به دنبال اهداف دیگری است. مانع دوم این است که کماکان حتی اگر بخش‌هایی از منابع اقتصادی ما در قیاس با گذشته بیشتر به سمت فعالیت‌های مولد برود، از حیث تحقق تقاضای مؤثر برای کالاها و خدماتی که تولید می‌شود، تولیدکنندگان داخلی با موانع جدی روبه‌رو هستند. مهم‌ترین مانع فرادستی سرمایه تجاری است که تقاضاهای مؤثر داخلی در بازارهای ملی را به سمت محصولات و خدمات تولیدشده در خارج از ایران هدایت می‌کند و در چنین چارچوبی کماکان این گره افزایش تولید یعنی فقدان تقاضای مؤثر در جای خودش باقی است. مانع سوم نیز این است که هیچ تغییر محسوسی در آن مجموعه از قواعد بازی که تاکنون بیشتر سودهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی و نیز قسمتی از منابع مالی بخش‌های شبه‌دولتی و دولتی را به سمت خروج از مدار انباشت سرمایه در ایران هدایت می‌کرده، ایجاد نشده و کماکان جریان فرار سرمایه و غلبه کارگزاران سرمایه‌برداری از اقتصاد ایران بر کارگزاران سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران برقرار است. بنابراین از طریق کاهش سهم‌بری صاحبان نیروی کار، گرچه صاحبان کسب‌وکار در بخش خصوصی و نیز عاملان فعالیت‌های توسعه‌ای در بخش‌های دولتی، امکان سودآوری بیشتری پیدا می‌کنند اما این سودها بیشتر به سمت مدار بالاتری در زنجیره انباشت سرمایه در کل اقتصاد جهانی حرکت و از مرزهای ملی عبور می‌کند. بنابراین گره تولید در اقتصاد ایران باز نمی‌شود و با فشار بیشتر بر نیروی کار نه فقط امکان سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش دولتی و خصوصی فراهم نخواهد شد بلکه به دلیل فشار بر نیروی کار، عملاً فلج‌شدگی یکی از مهم‌ترین عوامل تولید در اقتصاد ایران را شاهد خواهیم بود. در این حالت، نیروی کار از سویی انگیزه‌های برای کارکردن در فعالیت‌های تولیدی ندارد و از سوی دیگر نیز امکان بازتولید اجتماعی خودش را ندارد و در چنین چارچوبی سامانه تولید است که متضرر می‌شود. نتیجه نهایی این است که به گمان من، با فشار روی نیروی کار از جمله از طریق تغییرات حقوقی در قانون کار نه فقط هدفی که دولت در دستور کار دارد برآورده نمی‌شود بلکه لطمه بیشتری به فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه در اقتصاد ایران وارد خواهد شد و به طریق اولی، فاکتورهای بعدی اشتغال‌زایی و توزیع درآمد و ... نیز آسیب خواهند دید.

به تصور شما لایحه‌ای که ارائه شده، با چه رویکردی است؟

به گمان من از سر ناآگاهی نیست. به عبارت دیگر طراحان لایحه و مجموعه سیاست‌گذاران در این زمینه، نادان نیستند. منافع، بسیار تعیین‌کننده‌تر از جهل و نادانی است. تصور من این است که در سال‌های پس از جنگ تاکنون، گرچه قانون کار سال ۱۳۶۹ از لحاظ حقوقی تغییر نکرده، اما به دلیل مجموعه‌ای از سیاست‌ها، دست کارفرمایان در بخش خصوصی، دولتی و شبه‌دولتی را تمام و کمال در بهره‌کشی از نیروی کار باز می‌گذاشت و حق و حقوق نیروی کار در تمام این سال‌ها به شدت تضعیف شده است. اگر امروز شاهدیم تغییر حقوقی از طریق لایحه اصلاح قانون کار در شرف وقوع است، به گمانم این بیشتر نظر به سال‌های آتی دارد تا چنانچه روند اجرائی برجام با دست‌اندازه‌های جدی مواجه نشود و دیپلماسی خارجی مساعد برای درجاتی از ادغام در اقتصاد جهانی بتواند استمرار پیدا کند و از این رهگذر چنانچه سرمایه‌گذاری‌های خارجی به سمت ایران جلب شوند، این تغییر حقوقی برای جلب نظر سرمایه‌گذاران خارجی در افق میان‌مدت و درازمدت است تا امکان بهره‌گیری از نیروی کار بسیار ارزان و نیز ظرفیت‌های محیط زیست در دسترس و ارزان را برای فعالیت‌های اقتصادی در اختیار داشته باشند. آنها در شرایطی که تغییرات حقوقی به وقوع نپیوسته باشد، ولو در عمل نیروی کار بسیار بی‌حق و حقوق شده باشد، انگیزه‌شان برای کلیدزدن سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد ایران کمتر است. در چنین چارچوبی به گمانم از حیث اقتصادی، طراحان لایحه و به‌طور کل نظام سیاست‌گذاری اقتصادی ما نه فقط در زمینه رابطه کارگر و کارفرما بلکه در ابعاد وسیع‌تری، چشم‌انداز میان‌مدتی را هدف‌گذاری کرده‌اند که انتظار دارند با دیپلماسی خارجی مساعد بتوانند نظر سرمایه‌گذاری را جلب کنند. به عبارت دیگر ما با این تغییر حقوقی در قواعد بازی پیشاپیش شاهد یک پرده از اپیزودهای آتی هستیم که در شرف وقوع است. اشاره‌ام مشخصاً به این است که اگر سرمایه‌گذاری به ایران جلب شود، فقط جابه‌جایی منابع مالی از بیرون به درون ایران نیست، سرمایه یک رابطه اجتماعی و یک رابطه قدرت است. آمدن سرمایه خارجی به اقتصاد ایران، نوع جدیدی از روابط قدرت بین کارگران با کارفرمایان اعم از داخلی و خارجی را رقم خواهد زد و اکنون پیشاپیش داریم صحنه‌هایی از تئاتری در آینده را تماشا می‌کنیم، صحنه‌های تغییر روابط قدرت به زبان طبقات فرودست‌تری که فروشنده نیروی کار خودشان در بازار کار هستند و به نفع اقلیت کارفرمای داخلی یا خارجی است که در بازار کار متقاضی نیروی کار هستند.

اگر به لایحه نگاهی داشته باشیم، خواهیم دید در بخشی از آن حضور دولت در سه‌جانبه‌گرایی به شدت پررنگ شده و دیگر توازنی در تعداد اعضا از سوی کارگران، کارفرمایان و دولت وجود ندارد. در بخش‌هایی هم حضور پررنگ قوه قضائیه را شاهدیم. این به آن معناست که تغییر قانون کار، قدم اول در مسیری میان‌مدت است که به آن اشاره داشتید؟

با شما موافق هستم. سه‌جانبه‌گرایی در این چارچوب به دست فراموشی سپرده شده است. کارگران اصولاً کوچک‌ترین حضوری در این بین ندارند. حرف اول و آخر را دولت و کارفرمایان می‌زنند که مستظهر به پشتیبانی دولت هستند. تهاجمی همه‌جانبه به منافع صاحبان نیروی کار در حال وقوع است. در نوک پیکان این تهاجم نیز وزارت کار نشسته اما دستگاه‌های دولتی پشت این تهاجم هستند و در پشتیبانی از منافع کارفرمایان خصوصی و دولتی و شبه‌دولتی و نیز کارفرمایان خارجی در سال‌های آتی عمل می‌کنند.

به نظرتان این امر واکنشی را از سوی افرادی که تحت فشار قرار می‌گیرند در پی خواهد داشت؟

سؤال شما معطوف به پیش‌بینی است و من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم.

فقط به عناصری از یک پیش‌بینی که نمی‌توانم انجامش بدهم، اشاره می‌کنم. در تمام سال‌های پس از جنگ، در حد اعلا سیاست‌گذاران اقتصادی در ستاندن انواع توان‌های جمعی در مجموعه کارگران و به‌طور کلی نیروی کار موفق بوده‌اند. بنابراین نیروی کار ما از لحاظ ساختاری، امروز توان مقاومت نهادینه ندارد. کماکان این به من اجازه نمی‌دهد تحولات آتی را پیش‌بینی کنم اما می‌توانم با قوت بگویم که اگر مجموعه نامتشکل کارگران، جلوی امتیازی را که به طرف روبه‌روی آنها، یعنی کارفرمایان دولتی و خصوصی و شبه‌دولتی در داخل و احتمالاً کارفرمایان خارجی آتی داده می‌شود، نگیرند، از حیث معیشتی در شرایط

نامناسبی قرار خواهند گرفت. اینکه آیا توانایی خواهند داشت یا نه، به مجموعه‌ای از عوامل برمی‌گردد که در بحث ما نمی‌گنجد.

دولت قصد دارد چرخ تولید را راه بیندازد و اشتغال‌آفرینی کند اما راه را اشتباه می‌رود. راهکار شما در این شرایط چیست؟

گره تولید در اقتصاد ایران باید از طریق رفع موانع تولید باز شود. اشتباه دولت در این است که یک عامل تولیدی به نام نیروی کار را مانع تولید می‌داند. اشتباه کلیدی همه دولت‌های پس از جنگ در این بوده است. دولت باید به سمت رفع موانع تولید برود. موانع اصلی تولید در اقتصاد ایران در رابطه بین کارگران و کارفرمایان نیست. موانع اصلی تولید در اقتصاد ایران در رابطه‌ای است که درون مجموعه نیروهای طبقه اقتصادی و سیاسی مسلط وجود دارد، یعنی اولاً رابطه بین سرمایه مولد و سرمایه نامولد که به نفع سرمایه نامولد است، ثانیاً رابطه بین مجموعه‌ای از بازوهای دولت که اهداف دیگری را از سوی دیگر دنبال می‌کنند، ثالثاً رابطه بین کار می‌کنند، از سویی و مجموعه‌ای از بازوهای دولت که اهداف دیگری را از سوی دیگر دنبال می‌کنند، ثالثاً رابطه بین سرمایه تجاری و تولیدکنندگان داخلی و رابعا غلبه سرمایه‌برداران بر سرمایه‌گذاران در اقتصاد ملی. اینها یعنی ضرورت مبادرت به حجم عظیمی از تغییرات در سیاست‌های مالی دولت، تغییر جهت‌گیری بانک مرکزی و نوع نظارت بر شبکه بانکی و فقدان نظارت بر بازارهای غیرمتشکل پولی و غیره. هریک از این دهلپها، میزبان قدرتمندترین نیروهای سیاسی هستند و اگر تاکنون تغییراتی به وقوع نپیوسته، به دلیل قدرت همین نیروهای سیاسی بوده است. بنابراین رفع موانع تولید در ایران یک اقدام بسیط نیست. مجموعه عظیمی از اقدامات را می‌طلبد که در گرو نوعی الگوی جدید در توزیع قدرت سیاسی در عرصه سیاست است. در جایی که دولت ناتوان از تغییر در عرصه سیاست است، تمام فشار را به نیروهایی که نه مانع تولید بلکه عامل تولید هستند، منتقل می‌کند. نیروی کار حتی در دیدگاهی که طرفدار نظام سرمایه‌دارانه (که من مطلقاً مدافعش نیستم) است، در ایران امروز در معرض زوال تاریخی قرار گرفته، یعنی نسل کنونی نمی‌تواند متناسب با نیازهای متعارف امروز در زمینه بهداشت، سلامت، آموزش عمومی، آموزش عالی، مسکن، اوقات فراغت، تربیت‌بدنی و غیره نسل آینده را به‌عنوان نیروی کار تربیت کند. سامانه تولید ما در معرض این خطر است و اگر این خطر را ریشه‌یابی کنیم، دلیل آن امتناع یا ناتوانی دولت‌ها در حدی از ایجاد تغییر در عرصه سیاست است، ضعفی که دولت‌ها می‌کوشند از طریق هدایت فشارها به ضعیف‌ترین بخش‌های جامعه جبران کنند. کارگران یکی از این نیروها هستند.

منبع: شرق-28 شهریور

24 مرداد: ولع بخش خصوصی و دولت برای قانون‌گریزی افزایش یافته است

یک فعال کارگری معتقد است اصلاح ضدکارگری قانون کار در شرایطی که این قانون مورد هجوم چند لایه بخش خصوصی و بدنه حامی آن در دولت قرار گرفته است، نه به صلاح دولت است و نه به صلاح جامعه کارگری.

عبدالله وطن خواه با اشاره به حمله‌های بخش خصوصی به قانون کار که مورد حمایت بخش‌هایی از قوه مجریه و مقننه است، اظهار داشت: در شرایطی که جامعه کارگری انتقادات خودش را به قانون کار دارد، قانون کار با استدلال‌های بی پایه مورد حمله قرار گرفته است.

وی افزود: اگرچه هم اکنون قانون کار براساس منافع گروه‌هایی ذی‌نفع در اقتصاد رانتی عملاً از حیز انتفاع ساقط شده است اما باید با تمام توان از همین ظرفیت‌های باقی مانده دفاع کرد.

این فعال کارگری با اشاره به عدم اجرای ماده بند 1 و 2 ماده 41 و ماده 7 قانون کار، اظهار داشت: تعیین دستمزد براساس نرخ تورم و هزینه‌های سبد مصرفی در کنار تامین امنیت شغلی از خواسته‌های اصلی جامعه کارگری است که عملاً اجرای آنها به دلیل فشار و اعمال نفوذ بر زمین مانده است و مورد غفلت واقع شده است.

وطن خواه با اشاره به صحبت‌های رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس و مدیر کل اشتغال وزارت کار در نشست فعالان بخش خصوصی گفت: این اظهارات با منطق واقعیت‌های معیشتی کارگران و فارغ التحصیلانی که قصد ورود به بازار کار را دارند ناسازگار است و اساساً کسانی که در چنین سمت‌هایی مشغول به کار هستند ملزم هستند اظهارات خود را معقولانه بیان کنند.

این فعال کارگری این جنس از اظهارات نسنجیده را «آسیب زا» و در جهت «ستیز با طبقه فرودست» دانست و افزود: طبقه فرودست بر اثر سیاست‌های تعدیل اقتصادی و اثرات منفی فروپارشی آن به شدت ضعیف شده و به حاشیه رانده است. از این رو در زمانی که باید دولت بیشترین حمایت‌ها را از این قشر بکند، شاهد هستیم که فشارهای آسیب‌زا برای از میان بردن اندک حمایت‌های قانونی افزایش یافته است.

وی در پایان گفتگوی خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند که حمایت دولت از بخش خصوصی برای جلب حمایت در ورطه‌های حساس اجتماعی و سیاسی نه تنها کمکی به دولت نمی‌کند، بلکه «ولع بخش خصوصی» را برای انحصاری کردن اقتصاد به وسیله قانون‌گریزی افزایش می‌دهد.

منبع: ایلنا-24 مرداد

22 مرداد: ارزان سازی نیروی کار توسط دولت!

احسان مجدی، فعال صنفی دانشجویی دانشگاه تهران

نماینده دولت برای مبارزه با بیکاری: کارفرمایان می‌توانند بدون صرف هزینه برای حقوق و دستمزد دانشجویان را به خدمت بگیرند!!

دولت (که از یاد نخواهیم برد بزرگترین کارفرمای کشور است)، ارتش بیکاران کشور را در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد تا از این طریق هم به حامیان اصلی خود در انتخابات کمک کرده باشد و هم به کارگران شاغل در کارخانه ها و دیگر کارکنان و کارگران فشار آورد!

دولت در تلاش برای تغییر دائمی قانون کار در جهت تسلط همه جانبه بر نیروی کار و سودآوری بسیار بالا در نظام جهانی سرمایه داری است. این بار نوبت به فارغ التحصیلان دانشگاهی رسیده است تا با ارزشی پایین و در خدمت به منافع بیگانه از هستی خود، برای نظام سرمایه داری کار کنند تا بیش از پیش شاهد انباشت سرمایه و نابودی هستی انسان باشیم. اخیرا در یک نشست دولتی، مجدرضا کارگر مدیر کل توسعه و اشتغال درباره استثمار نیروی کار تحصیلکرده در لفافه‌ی مقابله با بیکاری نطقی جالب ارائه داد. زیر ضرب بردن نیروی کار از هر طریق ممکن و موجود در سخنان این فرد مسئول موج می‌زند. اگر بخواهیم با ادبیتانی واضح‌تر و صادقانه‌تر گفته‌های نماینده دولت را بازگو کنیم باید اینطور بگوییم: وی انگیزه رزومه ساختن تحصیلکرده‌های دانشگاهی را دست‌مایه به بند کشیدن آنان در چرخه سود سرمایه کرد. در این میان مقابله با بیکاری را نیز به عنوان مساله مشترک تمام مردم و مسئولان مطرح کرد. مقابله با بیکاری در زبان نمایندگان طبقه مسلط، ترجمه دیگر استثمار روز افزون کارگران است که به دروغ با استفاده از عبارت مقابله با بیکاری، خود را حامی فرودستان جا می‌زند. این بار نوبت به تحصیلکرده‌های دانشگاهی رسیده است که همزمان با ایجاد اتحادیه‌های علمی و شرکت‌های دانش بنیان وابسته به وزارت علوم که در دانشگاه پایگاه‌های به ظاهر دانشجویی ایجاد کرده اند، در نشست‌های دولتی هم مساله استفاده تمام و کمال از تحصیلکرده‌ها در چرخه اقتصادی نظام بررسی و به شور و مشورت گذاشته می‌شود.

همه ما دانشجویان و متحدان خود در عرصه‌های دیگر باید نسبت به این سیاست‌گذاری‌ها تمام هشیاری خود را حفظ کنیم.

بی شک دانشجویان، کارگران و دیگر اقشار فعال جامعه اجازه نخواهند داد دولت تمام هست و نیست آنان، نتایج سالها دست و پنجه نرم کردن با فشار معیشتی و آموزشی در خانواده‌ها، دانشگاه و محیط کار را با اجرا کردن بی درد سر و آسان این طرح‌ها به غارت ببرد.

منبع: حقوق معلم و کارگر

16 مرداد: تلاش برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (W.T.O) با لغو حداقل مزد

یک فعال کارگری می‌گوید: جریان سرمایه داری درحالی به نام دلسوزی برای جویندگان کار قصد زیرپا گذاشتن حداقل حمایت‌های اجتماعی از کارگران را دارد که در حال حاضر سالهاست شاهد اجرای سلیقه‌ای حقوق قانونی کارگران هستیم.

عبدالله وطن خواه با اعلام این مطلب گفت: ماجرای نشست‌های هفته گذشته در اتاق بازرگانی ایران برای توجیه نادیده گرفته شدن تکلیف قانونی پرداخت حداقل مزد کارگران برگزار شد در راستای تلاش‌های اخیر است که از سوی جریان سرمایه‌داری برای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (W.T.O) آغاز شده است.

این فعال کارگری تصریح کرد: عضویت در این سازمان تنها با سیاست‌های آزاد سازی در کنار ارزان سازی نیروی کار ممکن می‌شود، از این رو اتاق بازرگانی که تاکنون به نوعی کابینه در سایه دولت‌های مختلف بوده است به منظور الحاق هرچه سریعتر ایران قصد با سازمان تجارت جهانی چراغ سبز حذف حمایت‌های اجتماعی از کارگران را روشن کند و با شکسته شدن قیمت عرضه نیروی انسانی در بازار کار نخستین گام را بردارد.

وی افزود: جالب اینجاست که در این راه ظاهرا مدیران وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی نیز آمادگی کامل خود را برای تشدید شیب سیاست‌های تعدیل ساختاری اعلام کرده‌اند.

اشاره آقای وطن خواه به آن بخش از صحبت‌های «مجدرضا کارگر» مدیر کل اشتغال وزارت کار در جلسه فوق است که گفته بود «دولت آماده است تا فارغ التحصیلان دانشگاهی را به صورت رایگان در اختیار کارفرمایان قرار دهد تا این امکان برای آنها فراهم شود که برای خود رزومه کاری بسازند.»

این فعال کارگری با انتقاد از اینکه کارفرمایان سعی دارند به جامعه کارگری بقبولانند که اجرای قانون کار برخلاف منافع آنان است، تصریح کرد: اینکه کارفرمایان استدلال می‌کنند کارگران خود خواهند تا قانون کار برای آنها اجرا نشود اساسا فریب بزرگی است زیرا ظرفیت‌های حمایتی قانون کار سال‌هاست که بر زمین مانده است.

این فعال کارگری رواج قراردادهای موقت و سفید امضا، عدم هماهنگی سطح دستمزد و واقعیت‌های معیشتی مشهود و مغفول ماندن اهمیت تشکلهای کارگری را از ظرفیت‌های به زمین مانده قانون کار دانست و افزود: تضییع حقوق کارگران با سیاست‌های مزد ستیزانه و به صورت کلی انسان ستیزانه می‌خواهند که تمام جوانب حقوق کار را زیر پا بگذارند و جلسات اتاق بازرگانی هم به همین منظور تشکیل می‌شود که بیشتر این جلسات را می‌توان به شب شعر تشبیه کرد.

منبع: ایلنا-16 مرداد

15 مرداد: هجوم همه جانبه ، هماهنگ و مستمر علیه حقوق کار در ایران

مبارزه طبقاتی و تاثیرات آن در هرم قدرت و پیرامون آن به هیچ رو قابل انکار نیست . این تاثیرات آمیختگی و در هم تنیدگی آشکار و پنهانی را باعث شده است. ماهیت این مبارزه که نمودی سیاسی -ایدئولوژیک دارد؛ عمدتا اقتصادی است . کلید شناخت این مبارزه اقتصادی هم با یک موضوع مهم که عبارتست از" رانت " به ما کمک می‌کند تا با گشایش دری به آستانه ای ورود کنیم تا چشم‌های ما را از نمایش صورت سیاسی - ایدئولوژیک آن به کنه طبقاتی اش هدایت کند .

در این مبارزه که موضوع اصلی آن کسب و حفظ قدرت برای ثروت اندوزی و انباشت سرمایه است گرایشانی گاه در کنار هم و گاه در برابر هم صف آرایی کرده و می کنند. گرایشانی که کسب ثروت هر چه بیشتر و بی رقیب را از منابع موجود میخواهد و تمامی زور خود را در ایجاد فضایی رعب انگیز بکار می گیرد تا بی هیچ مقاومتی دستیابی به ثروت و راه های مال اندوزی را تأمین کند در نتیجه هر آنچه را که موجب آگاهی و شعور اجتماعی شود را به قل و زنجیر می کشد و سانسور و ممنوعیت ها را برهر مجاز اجتماعی می گستراند. گرایش دیگر که ضمن تمایل به این کسب ثروت به ادامه سود بری از هر آنچه قابلیت تبدیل شدن به ارزش اضافی و انباشت را دارد چشم دوخته است و با شناخت راه های اطمینان بخش تلاش می کند به رقیب میدانی خود بفرماند که این سرچشمه لایزال ثروت حتی اگر با این شیوه بهره برداری خشکیده نگردد موجبات رویگردانی و شورش های اجتماعی را در پی خواهد داشت پس عاقلانه است تا با بکارگیری شیوه های متداول و مقبول سرمایه دارانه مانع از خشکیدن احتمالی منابع ثروت و سودآوری گردیم و راهی را برگزینیم که امنیت سرمایه در آن نه به زور که با رضایت نسبی برقرار و تأمین گردد.

آشکارترین آن را می توان در ائتلاف های سیاسی در مقاطع انتخابات دوره ای مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری دید. در این میان رانت های سیاسی کارکرد های بسیار بیشتری پیدا می کنند مثلاً بخش هایی از مدافعین حقوق کار در خانه کارگر و روابط این نهاد با جناحی از قدرت در بین روحانیون ارزش نظام و احزاب راست و میانه نظیر کارگزاران و حفظ کرسی های مجلس برای خانه کارگری ها بهر قیمت چشم پوشی از تهاجم به فصول و موادی از قانون کار و یا سکوت در برابر سیاست هایی که به منظور ارزان سازی نیروی کار تبیین و تصویب خواهد شد از یک سو و جذب حمایت نیروهای مخالف حقوق بنیادین کار در گرایشانی که در احزاب و تشکل های کارفرمایی آنها را نمایندگی می کنند از سوی دیگر موجب هماهنگی و وحدت رویه و عمل همه آنها در باره لغو مقررات کار و بی اثر کردن قوانین و مقرراتی خواهد شد که قرار بوده است چتر حمایتی را بالای سر کارگران بگستراند.

موقعیت دیگری که موجب پیچیده تر شدن مبارزات طبقاتی و تأثیر آن در هرم قدرت گردیده است به نهادها و ساختار دولتی بستگی دارد برای توضیح این موقعیت ساختار دو وزارت خانه ذی ربط را از اهمیت جدی برخوردار است این دو وزارت خانه هریک از ادغام چند وزارت خانه و سازمان ها و نهادهای متفاوت و گاه رقیب شکل گرفته اند که تمرکز حاصل از آن زمینه ساز ناکارآمدی و فساد و رانت جویی گردیده و به بحران های ساختاری و تأثیر آن برنابیده گرفته شدن حقوق کار انجامیده است. وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی از یک سو و وزارت صنایع و معادن و بازرگانی از سوی دیگر هریک به عرصه ای برای کشمکش های سیاسی و رانت خوارانه تبدیل شده اند و در دعوی حاصل از تمایلات و گرایشات منفعت طلبانه در هر بخش از هریک آنها، موجب ظهور تمایلات مقررات زدایی از روابط و مناسبات کار گردیده و می گردد. در این جدال و کشمکش بین رقبای وزارتی بخش هایی که قدرت اقتصادی و سیاسی بیشتری را نمایندگی می کنند برای دادن سهمی به دیگران از آنان میخواهند تا امتیازاتی را از حوزه اقتدار خود به آنان واگذارند تا آنها نیز میدان های اقتصادی ویژه ای را برای رقبای خود خالی کنند. مثلاً در وزارت صنایع و معادن و بازرگانی این سرمایه تجاری است که دست بالا را دارد و ابزار استیلایش هم به جز نمایندگان ریز و درشت در مجلس شورای اسلامی و نهاد هایی چون جامعه تین که حوزه اقتدار روحانیون انحصارگر واردات کالاهای کلیدی هستند، اتاق صنایع و معادن بازرگانی را به عنوان ستاد اصلی خود در پیشبرد سیاست ها فعال مایشاء ساخته اند. از این رهگذر نیز آنان برای حمایت از سیاست های دولت یازدهم و حفظ قدرت سیاسی برای کارگزاران این دولت بویژه رییس جمهور در دور بعدی ریاست جمهوری خواهان امتیازاتی در حوزه بازار کار و مقررات زدایی از آن و ارزان سازی نیروی کار طلب می کنند تا از این طریق سهم جناح ها در اتاق صنایع و معادن را برای ایجاد ارزش اضافی و انباشت سرمایه از راه خام فروشی مواد اولیه آسان سازند.

سومین موقعیت ایجاد زمینه برای مقررات زدایی از روابط و مناسبات کار هم بستگی به نقش بنیاد ها و بنگاه هاییکه به رغم استفاده از رانت های دولتی؛ مدیریتی مستقل از نهاد های دولتی دارند این بنگاه های نیرومند اقتصادی که زیر عنوان خیریه ها فعالیت دارند، حاضر نیستند به هیچیک از تعهدات قانونی خود در برابر دولت عمل کنند. از سویی هیچ گونه کنترل بر عملکرد اقتصادی آنها وجود ندارد و از سوی دیگر با تکیه بر عناوین و پوشش هایی که برای کسب سود و انباشت سرمایه دارند، هرگونه مقررات کار و حقوق ناشی از آن را مزاحم اهداف سودجویانه خود می دانند و از این رهگذر به لغو قوانین و مقررات کار همت گماشته اند این بنگاه ها که در تمامی این سرزمین حوزه های درآمدی بسیاری دارند اخیراً در به کارگیری نیروی کار ارزان و لغو فصول و موادی از قانون کار که برایشان تعهد آور است لابی های رسمی و غیر رسمی بسیاری را در دولت و وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی فعال کرده اند. این بنیادها که بخشی از سرمایه آنان را وجوه صدقه ای و بخشی را هم ردیف بودجه ای تشکیل می دهد حتی یک ریال هم از بابت فعالیت های سودآور خود مالیات نمی پردازند. از میان این بنگاه ها خیریه هایی وجود دارند(خیریه های نذر اشتغال) که هرچند نسبت به دیگران از ثروت سرشاری برخوردار نشده اند ولی با چشم انداز هایی که برای خود متصور هستند با جدیت و کیفیت مطلوب تری از سایرین به لغو حقوق کار همت گماشته اند و با لابی گری های فعال در بین وزارت خانه ها، ادارات و حتی شهرداری ها و همچنین در میان نمایندگان مجلس کوشش همه جانبه ای را برای خنثی سازی مقررات و حقوق کار، انجام می دهند.

فعالیت این طیف گسترده به هدف از بین بردن حمایت های قانونی از زندگی کارگران درست از سال های پس از جنگ آغاز شده است و پیرو سیاست های خانمان برانداز تعدیل ساختاری دولت سازندگی اولین اقدامات ریشه ای و پایه ای برای این منظور به صورتی کاملاً قانونی کلید خورد ایجاد مناطق آزاد تجاری و تصویب قوانینی برچگونگی اداره این مناطق در اولین گام خود قانون کاری را که کمتر از سه سال از تصویب آن می گذشت به مسلخ کشانید و به جای آن "مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران" را قرار داد. در گام بعدی با دور زدن قانون کار موضوع قرارداد های موقت را رواج داد این کار نیز با چنان سرعتی و حدتی پیش رفت که هم اکنون بیش از نوددر صد قراردادهای از دایم به موقت تغییر یافته است. در گام های بعدی کارگران قالیباف و کارگاه های دارنده تا پنج کارگر و سپس کارگاه های دارنده تا ده کار از شمول قانون کار خارج شدند و این در حالی بود که دولت اصلاحات بر اریکه قدرت تکیه زده بود. فراز های بعدی توسط دولت پوپولیست اصولگرا آغاز شد که این مرحله از محدود سازی حقوق کار همراه با سرکوب های وسیع کارگران و سازمان های کارگری همراه بود و در ادامه تا به آنجا پیش رفت که حتی اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی

و صندوق آن مورد هجوم رییس وقت منتصب احمدی نژاد قرار گرفت و قاضی محاکم ضد کارگری این بار با آرامش خیال با هیات امنایی کردن شورای تامین اجتماعی به غارت صندوق پرداخت . در کنار این غارتگری مجموعه ای از منابع و اموال سازمان تامین اجتماعی نیز از بدنه شستا(شرکتهای سازمان تامین اجتماعی) به بهانه های گوناگون از جمله خصوصی سازی از این سازمان کنده شد و به امثال بابک زنجانی ها واگذار گردید . در بعد کلان تری هم سیاست خصوصی سازی به تعطیلی و تعدیل نیروی واحد های صنعتی گرایید و حاصلی جز بیکار شدن نیروی وسیعی از کارگران را در بر نداشت

ادامه خروج کارگران از شمول قانون کار این بار با تصویب "شیوه نامه استاد شاگردی نوین " از سوی دولت احمدی نژاد، اجازه بیکاری افسارگسیخته کارگران را رقم زد و در ادامه این دولت تدبیر و امید بود که طرح آزمایشی دولت پیشین را به اجرا گذاشت و چنانکه امروز شاهدیم این طرح نیز یکی از لایه های هجوم علیه حقوق کار در ایران است . غیر از آن نیز بار دیگر پس از بیست و دو سال باز هم لایحه دیگری به عنوان مناطق آزاد و ویژه اقتصادی(تجاری -تولیدی و اقتصادی) با همان شیوه از خورجین جورچین دولتی که تدابیرش جز زبان کارگران را در بر ندارد رهسپار مجلس گردید و یک فوریت آن جهت بررسی مجلس و تصمیم در باره آن تصویب شد .

اما آخرین تلاش ها تا این تاریخ در نشست مشترک دولتی ها و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی بهار نشست است در این میان همراهی و مساعدت دولتی ها و مجلسی ها بیانگر وحدت رویه و عملی است که گویا با انگیزه جلب حمایت تجار ، دلالتان پیمانکاری نیروی انسانی و صاحبان سرمایه های خرد و کلان در بخش صنعت و خدمات از انتخابات پیش روی ریاست جمهوری و برای تحقق برنامه های این دولت در پیشبرد سیاست هایش شکل گرفته است تا هم منافع دولتیان برای تحکیم پایه های یک دوره چهارساله دیگر تامین شود و هم امتیازاتی این بار از راه حراج نیروی کار نصیب متحدان دولت گردد. بانوجه به دو گزارش از تلاش های اخیر می توان عمق و گستره این هماهنگی و استمرار برای حذف حقوق کار از زندگی کارگران را نشان دهد:

گزارش اول اظهارات رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی که می گوید : در حال حاضر قانون کار ایران، بزرگترین مانع تولید و اشتغال در کشور است و براساس اعلام سازمان جهانی کار، سخت ترین قانون کار دنیا متعلق به ایران است.

به گزارش خبرنگار مهر، پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۵ مجدرضا پورابراهیمی در نشست مشترک رئیس و اعضای محترم کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و مدیران، صاحب نظران و فعالان اقتصادی خراسان رضوی که ظهر پنجشنبه در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی برگزار شد، اظهار کرد: ظرفیت های تولید، بیمه و قانون کار در کشور معضلاتی است که امروزه باعث ایجاد وضعیت نامطلوب اقتصادی شده است.

وی همچنین به موضوع وضعیت قوانین و مقررات کشور اشاره کرد و افزود: در حال حاضر قانون کار ایران، بزرگترین مانع تولید و اشتغال در کشور است براساس اعلام سازمان جهانی کار، سخت ترین قانون کار دنیا متعلق به ایران است که اثرات وضعی آن به وضوح در اقتصاد ایران قابل مشاهده است.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به ماموریت های کمیسیون اقتصادی در دوره دهم مجلس بیان کرد: مهم ترین ماموریت ما، بررسی قوانین قبلی، تبیین قوانین مناسب با شرایط حال حاضر کشور و اجرای آن و نظارت بر اجراست.

گزارش دوم اما از وعده ارزان سازی نیروی کار می گوید از سوی «مجدرضا کارگر» مدیرکل توسعه اشتغال و سیاست گذاری بازار کار به عنوان نماینده دولت طرح گردیده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا نشست تخصصی نقش سیاست های حداقل دستمزد کارآفرین در صنایع کوچک و متوسط در محل اتاق بازرگانی ایران با حضور فعالان بخش خصوصی و مدیران اتاق بازرگانی، بدون حضور نمایندگان جامعه کارگری برگزار شد.

در این جلسه «مجدرضا کارگر» مدیرکل توسعه اشتغال و سیاستگذاری بازار کار به عنوان نماینده دولت حضور داشت؛ بر اشتغالزایی و مبارزه با بیکاری از طریق ارزان سازی نیروی کار و تعیین دستمزد بر اساس بهره‌وری تاکید کرد.

"کارگر" بدون اینکه به کوچک شدن حجم سید معاش کارگران در اثر اجرا نشدن بند 2 ماده 41 قانون کار و نبود امنیت شغلی در پی عدم اجرای ماده 7 قانون کار اشاره ای بکند؛ تاکید کرد که مزد باید بر اساس میزان بهره‌وری کارگران تعیین شود. وی تاکید کرد که قانون کار قانون حمایت از کارگر است نه حمایت از کار.

نماینده دولت در بخش دیگری از صحبت هایش با اشاره به وجود تعداد بالای فارغ التحصیلان بیکار خطاب به فعالان بخش خصوصی گفت که دولت آماده است تا پتانسیل ارزان سازی کارگران را در اختیار کارفرمایان بگذارد، زیرا اساس کار این است که فارغ التحصیلان دانشگاهی به دنبال جمع کردن رزومه هستند و کارفرمایان می توانند بدون صرف هزینه برای حقوق و دستمزد آنها را به خدمت بگیرند .

کارگر در پایان صحبت هایش تاکید کرد که هزینه های نیروی کار برای دولت بالا است و مشارکت فعالان بخش خصوصی برای پایان دادن به این «سیکل نامطلوب» ضروری است. (ایلنا ۱۳/۰۵/۱۳۹۵)

بدین ترتیب روشن است که تمامی آنچه به عنوان برنامه اعلام شده در حمایت و صیانت از نیروی کار از سوی وزیر کار در زمان گرفتن رای اعتماد از مجلس و همچنین کلیه شعار های انتخاباتی از سوی رییس جمهوری به سود کارگران به گاه انتخابات نه تنها به عمل در نخواهد آمد بلکه موقعیتی را رقم زده است تا بر مدار آن حقوق کار ملغی گردد و قوانینی که پاره و اندکی از این حقوق را تامین می کرد به سود صاحبان سرمایه تغییر یابد . وزارت نشینان امروز به این پتانسیل دست یافته اند که با قدرت هرچه تمامتر به ارزان سازی نیروی کار همت گمارند. امروز هم این جسارت را یافته اند که اعلام کنند: "کار" کلاست و هرچه بیشتر مورد بهره برداری قرار گیرد ارزشش بالاتر است . این تعریف از بهره وری را که می گوید "بهره وری نسبت

ستاده‌ها به داده‌هاست "را با عمده کردن ارزش داده‌ای به نام نیروی کار به حساب می‌آورند و اساساً هیچ نقشی را برای سایر عناصر دخیل در تولید و فرایند آن در نظر نمی‌گیرند تا به نتیجه‌ای برسند که رییس کمیسیون اقتصادی مجلس رسیده است .

اما در این میان نقش کسانی که سال‌ها مدعی تنها مدافعین کارگران در ایران بوده‌اند چیست ؟ حزب اسلامی کار، خانه کارگر و نمایندگانی که خود را منتسب به کارگران می‌دانند و در راس آنها علیرضا محجوب اکنون در کجای این بازی قرار دارند؟

نمی‌توان روند منطقی و تاریخی علیه حقوق کار در ایران را ارزیابی کرد بی‌آنکه نقش خانه کارگری‌ها را در آن نادیده گرفت. همچنان که نمی‌توان سرکوب دستمزد‌ها را طی سال‌های حضور نمایندگان شوراهای اسلامی کار را در تعیین حداقل دستمزد کارگران با سکوت خانه کارگری‌ها بی‌ربطه ندانست . بخش عمده‌ای از این فرایند همراه با حضور تایید آمیز خانه کارگری‌ها طی شده است این حضور گاه بسیار فعالانه و قدرتمندانه بوده است که گویا خانه کارگر به جای دولت مدافع سرمایه و وزارت خانه متبوعش عمل می‌کند(مانند سرکوب سندیکا‌ها در اوایل دهه 60 و همچنین سرکوب فعالیت سندیکایی‌ها در نیمه اول دهه هشتاد) و گاه آنقدر منفعلانه که گویا اقدامات علیه کارگران، در ایران نیست بلکه در کشور دیگری است . امروز هم این سکوت به گونه‌ای آزارنده ادامه دارد. آزارنده از آن جهت که کارگران بسیاری در ایجاد سازمان‌های صنفی خود، هنوز هم با انتخاب ناگزیر به نمایندگانی رای داده‌اند که اغلب آنها هم بنا به اجبار قانونی و فراقانونی ناچار در جغرافیای خانه کارگر مانور می‌کنند و متأثر از سیاست‌هایی که از سوی این نهاد که خود متأثر از وزیر کار دولت یازدهم است ؛ هستند . بدیهی است که جز تعداد اندکی از آنها ، غالب نمایندگان در ربلی حرکت می‌کنند که آقای محجوب آنرا بازگذاری کرده است . چه باید کرد؟

با هر متر و معیاری موقعیت کنونی را بسنجیم ؛ چاره‌ای جز تکیه به نیروی آگاه و پرتوان کارگرانی که این موقعیت را درک می‌کنند وجود ندارد. این کارگران پل واسطی بین همه مزد و حقوق بگیران و موقعیت کنونی‌اند . نمایندگان آگاه کارگری را چاره‌ای جز روآوردن هر چه بیشتر به کارگران و آگاه کردن آنان متصور نیست ! معلوم نیست چه زمانی آخرین تیر خلاص به حقوق کار در ایران شلیک خواهد شد ! ممکن است رخداد‌های پیش روی چون انتخابات ریاست جمهوری سال آینده تا کسب نتایج آن این شلیک آخرین را به تاخیر اندازد یا دولت کنونی برای دادن امتیازات به سسیتیم کارفرمایی و سلف خری آرای سازمان‌ها و احزاب آنان، لغو حقوق کار را به آنان پیشکش کنند. تحت هر شرایطی آنچه مسلم است این هجوم همه جانبه ،هماهنگ و مستمر علیه حقوق کار به پیش می‌تازد. و چنانچه همین اندک حمایت قانونی هم از دست رود برای به دست آوردن دوباره آن کارگران ناچار هزینه‌های سنگینی را خواهند پرداخت . تنها اتحاد و همبستگی همه کارگران آگاه و نمایندگان آنان و روشنفکرانی که دل در گرو طبقه فرودست جامعه ایرانی دارند قادر خواهد بود تا با تلاش همبسته و آگاه‌گرانه خود کارگران و مزد و حقوق بگیران را در دفاع از داشتن حمایت‌های قانونی یاری دهند .

5مرداد: طرح اصلاحیه مجدد قانون کار در ایران

صدیق اسماعیلی

روز سه‌شنبه (۲۲ تیرماه) جلسه شورای عالی کار با موضوع بررسی تعمیم معافیت‌های مربوط به کارفرمایان مساجد و بقاع متبرکه به تمامی کارگاه‌های کوچک دارای پنج کارگر و کمتر تشکیل جلسه خواهد داد.«مجد رضا راهداری زاده» از اعضای کارگری شورای عالی کار با اعلام این خبر به ایلنا گفت: براساس دستور جلسه‌ای که از سوی دبیرخانه شورای عالی کار برای تمامی اعضای این شورای عالی ارسال شده است در جلسه مذکور قرار است علاوه بر موضوع تسری معافیت یاد شده به سایر کارگاه‌های دارای پنج کارگر و کمتر، قرار است به مسئله مشارکت نهادهای صنفی کارگری در اداره محیط ورزشی متعلق به کارگران نیز رسیدگی شود.(۱) در حال حاضر دولت وضعیت را می‌سنجد که در صورت امکان این طرح را تصویب و اجرا کند. شاید نیازی به گفتن نباشد که رژیم اسلامی تاریخاً نشان داده است، برای عملی ساختن نقشه‌های طرح ریزی شده‌اش، ابتدا آن را به آزمون می‌گذارد و چنانچه اجرای آن برایش دردسر درست نکند، آنگاه گام بعدی را طراحی خواهد کرد.

رفسنجانی در سال ۱۳۷۳ انزمان که دومین دور ریاست جمهوری خویش را از سر می‌گذراند، طرح "مقررات اشتغال مناطق آزاد، مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران" را تصویب کرد و متعاقباً منطقه آزاد قشم را سازمان داد. (۲) اعتراضات نامنسجم و پراکنده کارگران به این طرح موثر واقع نشد و ماحصل این طرح و تصویب آن، محرومیت کارگران این مناطق از شمول همان قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی بود یعنی ممنوعیت فسخ یک طرفه قرارداد کار، چگونگی تغییر شرایط کار کارگر، چگونگی اخراج کارگر، نحوه محاسبه سنوات پایان کار، محاسبه سنوات پایان کار کارگرانی که توانایی جسمی و روحی آنها برآثر انجام کار مورد توافق آسیب دیده است، محاسبه حداقل مزد کارگران، تعیین حداقل ساعت کار روزانه و پرداخت ۲۵ درصد مزد اضافی بابت انجام هر ساعت کار شبانه، از اختیار کارگران درآمد و به تمامی از قانون کار خارج شدند.

جناح‌های مختلف رژیم اسلامی در اصلاحیه قانون کار به نفع طبقه سرمایه دار اما به این بسنده نکردند؛ دولت خاتمی آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار را به اجرا گذاشت که به موجب آن کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر کارگر بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار مصوب هیات وزیران از شمول بعضی از مواد قانون کار محروم شدند. خاتمی و مجلس ششم او، تمام کارگران کارگاه‌های قالی بافی و کارگران کارگاه‌های کمتر از ده نفر را از شمول قانون کار محروم کرد. گسترش قرارداد های سفید امضا و موقت کمتر از سه ماه در این دوره موجب شد تا کارگران بیشتری از شمول قانون کار محروم شوند.

وقتی در سال ۱۳۸۴ احمدی نژاد رئیس جمهور شد فقط لایه نازکی از کارگران مشمول قانون کار می‌شدند. اما کابینه‌های احمدی نژاد مصمم بودند همان مواد مورد مخالفت کارفرمایان و صندوق بین المللی پول را با مواد مورد قبول آنها در قانون کار فعلی جایگزین کنند. احمدی نژاد و کابینه‌اش در مدت ۸ سالگی که سرکار بودند، تمام تلاش خود را برای متحقق ساختن این امر به خرج دادند که نه تنها مورد اعتراض کارگران و فعالین پیشرو کارگری واقع شد، حتی مورد اعتراض و مخالفت تشکلهای

ضد کارگری شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های صنفی نیز قرار گرفت. اصلاحیه قانون کار در دوران احمدی نژاد به اوج رسید، اکنون دولت روحانی ادامه این کشمکش سیاسی با کارگران و فعالین کارگری بر سر تغییر قانون کار در تناسب قوای کنونی را از سر گرفته است. طرح اخیر از جانب شورای عالی کار، شروعی دوباره برای تعرض هر چه بیشتر به قانون کار و به تبع آن به توده کارگر است. اما هر اقدام روحانی ولو اینکه شباهتی هم با اقدامات احمدی نژاد داشته باشد اساساً در راستای جلب رضایت سرمایه گذاران خارجی و تأمین نیروی کار ارزان برای گردش سرمایه آنها از سوئی و کم کردن هزینه‌های دولت و هماهنگ شدن با سیاست‌ها و توقعات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و... و پیاده کردن سیاست جهانی ریاضت اقتصادی و باین ترتیب وصل شدن به بازار جهانی است. در دوران احمدی نژاد اگرچه اقدامات او و کابینه‌اش عمده تا بخاطر بی حقوق کردن کارگران و ایجاد امکان لغت و لیس بیشتر سرمایه داران داخلی از سفره کارگران با مشاغل غیر ایمن بود، اما معافیت‌هایی که این روزها از آن صحبت می شود و روحانی به آن نظر مثبتی دارد، در واقع نوعی باجدهی وی از جیب کارگران به مشتی دلال و کارچاق کن مدیرکارگاه‌های کوچکی است که سرشان به حوزه‌ها و بنیادهای ریز و درشت و مراجع وصل است و بنا به مصالح شان بر سر راه سیاست‌های جلب سرمایه‌های خارجی روحانی کارشکنی می کنند. روحانی با این جور کارها و اینگونه سبیل چرب کردن‌ها راه تعقیب هدف‌های دیگرش را هموار می کند. روحانی با هر اقدام کوچک و بزرگش می خواهد خود را با سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی هماهنگ کند و در راستای پروژه‌های جهانی‌شان گام بردارد.

واضح است که توجه دادن به ضرورت بحث و برخورد به اصلاحیه جدید قانون کار مستقل از موقعیت فعلی جنبش طبقه کارگر، به یک معنا پایه‌ای و ضروری است؛ زیرا سیر واقعی تثبیت و اجرای قانون کار، امروز برای آن دسته که حتی آشنایی اجمالی با قانون کار در ایران دارند، نشان می‌دهد که عدم دخالت نمایندگان کارگری در تنظیم قانون کار و نیز عدم دخالت جدی فعالین رادیکال و پیشرو کارگری در ارائه یک قانون کار مترقی، خلاء بسیار بزرگی را برای سازمان دادن یک مبارزه واحد علیه کلیت قانون کار رژیم اسلامی ایجاد کرده است. همین امر سبب شده تا معترضین عمدتاً در میان شوراهای اسلامی کار دیده شوند. شاید لزومی به یادآوری نباشد که مبارزه برای حفظ هر میزان از حقوق کارگر در قانون کار یک مبارزه سیاسی - طبقاتی است و می تواند مبارزه کارگری در کل را تقویت کند. مضافاً اینکه؛ اگر یک شرکت و یا سرمایه گذار خارجی بخواهد با ایران قرارداد ببندد اول حقوقدان‌هایش را دنبال بررسی قانون کار ایران خواهد فرستاد.

جنبش طبقه کارگر و پیشروان این جنبش، سابقه چندین سال مبارزه علیه کلیت قوانین ضد کارگری رژیم‌های حاکم بر ایران را دارد. در تاریخ مبارزات جنبش طبقه کارگر، چندین نقطه عطف وجود دارد که در شکل دادن یک مبارزه طبقاتی علیه قوانین ضد کارگری رژیم‌های حاکم، دخیل بوده است (۳) اما مبارزات کارگران فرانسه علیه اصلاحیه قانون کار الهام بخش و جالب توجه است.

مبارزات کارگران فرانسه علیه فشارهای پلیس و رئیس و روسای سوسیال دمکرات سندیکاها کارگری، قاطعانه می‌رزمنند. با وصف اینکه سندیکاها کارگری و در راس آنها، سوسیال دمکرات‌ها توافق دارند که هیچ‌گاه در شرایط های حساسی که وضعیت دچار تلاطم عظیم اجتماعی و همه جانبه می گردد، به اعتصاب سراسری، کم کاری های عمومی و ایجاد درگیری در بازار کار روی نیاورند، اما کارگران کماکان برای لغو قانون کار از طرف دولت باصطلاح سوسیالیستی مبارزه می‌کنند و بخشی از سندیکاها را مجبور به مطابقت از رزم طبقاتی خویش نموده‌اند. گرچه اصلاحیه قانون کار در فرانسه سرانجام به تصویب پارلمان رسید، اما هنوز اعتصابات بصورت پراکنده جریان دارد و رزمندگی طبقه کارگر در فرانسه در مبارزه برای تأمین حقوق صنفی و سیاسی خود واقعاً درس های ارزشمندی بر بر دارد. مبارزات ارزنده کارگران در فرانسه می‌تواند تجربه‌ای گرانبها برای کارگران در ایران باشد که به شکلی منسجم و متحد علیه رژیم اسلامی و قوانین ضد انسانی‌اش قد علم کنند.

۱) سایت ایلنا: پیشنهاد تعمیم معافیت کارفرمایان بقاء متبرکه به همه کارگاه‌های کوچک

۲) مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران (به انضمام نامه اصلاحی شماره 34601 - 4.6 http://rc.majlis.ir/fa/law/show/11530473)

۳) در دهه ۱۳۶۰ کارگران شهر سمنان در اول مه یک قطعنامه را در مراسم خواندند و از این طریق خطوط اساسی یک قانون کار مترقی را تعیین کردند. این قطعنامه در سالهای ۶۷ و ۶۸ تدقیق گردید و در مراسمهای اول ماه مه خوانده شد. کارگران و فعالین کارگری خواست‌ها و مطالبات خود را در قطعنامه‌های اول ماه مه و در اعتراضات و مبارزاتشان بکرات با صدای رسا فریاد زده‌اند. با توجه به این که قانون کار رژیم اسلامی در عمل فسخ شده بود و نیز با در نظر گرفتن سیر واقعی تصویب قوانین کار در گذشته و سنت‌های مبارزاتی جنبش طبقه کارگر، همه شواهد نشان از آن دارد که نفس طرح و تبلیغ یک قانون کار مترقی، زمینه‌های عینی برای فعالین سوسیالیست و مبارز کارگری در افشای سیاست‌های اقتصادی محافظین سرمایه را تسهیل می‌کند. به این اعتبار در کنار مبارزات روزانه کارگران و در مقطع حاضر، بحث و سنجش نظرات فعالین سوسیالیست و مبارز کارگری حول یک قانون کار مترقی ضروری است.

۲۴ جولای ۲۰۱۶

27تیر: هجومی چند لایه علیه حقوق کار در ایران

این بار بخش وسیع تری از کارگران ایران از شمول قانون کار خارج خواهند شد!

در تدارک نوشتن بخش دیگری از موضوع «هجومی سه گانه برای "اصلاح" قانون کار به سود کارفرمایان» بودم که از گزارش های دیگری در راستای لغو مقررات کار با خبر شدم . این بارسپیل حادثه سهمناک تر از پیش است گویا دولت یازدهم بیاری مجلس مصمم است تا گروه زیادی از کارگران ایران را از شمول قانون کار خارج کند!

ماجرای این قرار است که دولت یازدهم در جمهوری اسلامی لایحه یک فوریتی "ایجاد مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی جدید" را در تاریخ چهاردهم تیر ماه 1395 تقدیم مجلس می کند. بنا به گزارش شانا (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی) رئیس جمهوری، لایحه ایجاد 7 منطقه آزاد تجاری، صنعتی و 12 منطقه ویژه اقتصادی را برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. براساس این لایحه به دولت اجازه داده می شود در استانهای گلستان (اینچه برون)، ایلام (مهران)، اردبیل (اردبیل)، سیستان و بلوچستان (سیستان)، کردستان (بانه، مریوان)، هرمزگان (جاسک)، بوشهر (بوشهر)، منطقه آزاد تجاری، صنعتی را در محدوده هایی که به تصویب هیئت وزیران می رسد ایجاد کند. همچنین دولت می تواند در استانهای فارس (فسا)، یزد (ابركوه، میبد)، زنجان (زنجان)، کهگیلویه و بویراحمد (گچساران)، آذربایجان غربی (سرو، ارومیه)، خراسان رضوی (خواف، قوچان)، لرستان (خرم آباد)، قزوین (تاکستان) و اصفهان (شاهین شهر) منطقه ویژه اقتصادی و در استان البرز (ساوجبلاغ) منطقه ویژه اقتصادی دارویی ایجاد کند.

مجلس شورای اسلامی در روز شنبه 1395/4/26 یک فوریتی بودن این لایحه را به تصویب می رساند بنا به گزارش "خبرگزاری مهر" نمایندگان مجلس شورای اسلامی با یک فوریت لایحه دولت برای ایجاد 7 منطقه آزاد تجاری، صنعتی و 12 منطقه ویژه اقتصادی در کشور، موافقت کردند. مطابق این مصوبه کلیات و جزئیات لایحه دولت پس از بحث و بررسی بر سر لایحه در کمیسیون اقتصادی، مجددا در صحن علنی بررسی خواهد شد. علاوه بر مواردیکه در گزارش «شانا» آمده است خبرگزاری مهر به دو بخش دیگر در این لایحه اشاره دارد

1- اراضی نیمه شمالی جزیره هرمز در محدوده مصوب هیات وزیران و با تایید ستاد فرماندهی کل قوا به وسعت 21 کیلومتر مربع به هم پیوسته و راه اتصال دریای آن به جزیره قشم به محدوده منطقه آزاد تجاری صنعتی قشم ملحق می شود.

2- مناطق آزاد تجاری صنعتی یاد شده بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد مصوب 1372 و مناطق ویژه اقتصادی مصوب 1384 اداره خواهند شد.

براساس این گزارش در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی یک فوریت لایحه «ایجاد 7 منطقه آزاد تجاری، صنعتی و 12 منطقه ویژه اقتصادی» در دستور کار قرار گرفت که پس از توضیحات اکبر ترکان مشاور رئیس جمهور و دبیر شورای عالی مناطق آزاد و نیز سخنان نماینده مخالف و موافق، نمایندگان با 130 رای موافق، 100 رای مخالف و 12 رای ممتنع از مجموع 256 نماینده حاضر با یک فوریت یک لایحه موافقت کردند.

کلیات و جزئیات لایحه دولت پس از بحث و بررسی بر سر لایحه در کمیسیون اقتصادی، مجددا در صحن علنی بررسی خواهد شد.

اما آنچه از این لایحه نصیب کارگران مناطق آزاد صنعتی و تجاری و مناطق ویژه اقتصادی خواهد شد چیست؟

در بررسی قانون چگونگی اداره این مناطق در ماده 12 آمده است :

ماده 12 - مقررات مربوط به اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی و صدور روایید برای اتباع خارجی به موجب این نامه هایی خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

این مقررات در تاریخ 1373/8/3 تحت عنوان «مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران» تصویب و به تایید رییس جمهور وقت رسیده است . *

شاکله این مقررات چیزی حتی کمتر از لایحه اصلاح قانون کار پیشنهادی دولت به مجلس است. فصول و مواد بسیاری از قانون کار در این مقررات وجود ندارد عمده ترین موضوع آن براساس توافق و تراضی کارگر و کارفرماست ضمن آنکه به تعریف مزد و ساعت کار پرداخته است و اضافه کاری و نرخ آنرا هم بفر عهده قرارداد فی مابین کارگر و کار فرما می گذارد اما هیچ سخنی در باره حداقل دستمزد در این لایحه وجود ندارد . در این مقررات از سنوات و پاداش و عیدی خبری نیست . در تمامی این مقررات کارگران حق داشتن تشکل صنفی را ندارند و حل اختلاف در روابط کار در نهایت با توافق کارفرما حاصل میگردد حتی در صورتی که رای به بازگشت کارگر داده شود کارفرما مخیر است از پذیرش آن سر باز زند .مرخصی سالیانه در این مقررات به بیست روز کاهش یافته است . نرخ شب کاری و اضافه کاری نیز با توافق طرفین تعیین میشود .

مقررات بین المللی مانند مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها در این مقررات لارم الاجرا نیستند و تنها گفته شده است لازم الرعایه هستند (ماده 51)

بدین ترتیب با گسترش مناطق آزادی و مناطق ویژه عملا قانون کار از 7 منطقه تجاری_ صنعتی و 12 منطقه ویژه اقتصادی خارج خواهد شد

این هجوم چند گانه و چند لایه به قانون کار و حقوق کار شناخته شده در عرصه ملی و بین المللی در حالی صورت می گیرد که کارفرمایان و سرمایه گذاران در این مناطق یا معافیت های تشویقی و ترغیبی دیگری که در قانون چگونگی اداره این مناطق آمده است روبرو هستند از دریافت زمین و تسهیلات تا معافیت های مالیاتی برای دوره های مقرر در قانون.

دولت یازدهم به تبعیت از سیاست های تعدیل اکنون به تعدیل حقوق کار در ایران همت گماشته است و بنا دارد لایحه ای را که یک بار در پنجم بهمن 1394 با مخالفت مجلس روبرو شده است به تصویب رساند. سیاست های انقباضی دولت یازدهم در حوزه روابط کار، هر روز بیشتر میشود از یک سو طرح اسناد شاگردی مجدد به شورای عالی کار باز می گردد و از سوی

لایحه به اصطلاح اصلاحی بر قانون کار تقدیم مجلس میشود و یا به بهانه ماده 191 مدتهاست بی هیچ توجیه قانونی کارگران کارگاه های دارنده تا ده نفر را از شمول قانون کار خارج شده اند را بلاتکلیف گذاشته است. و این همه به خاطر ارزان سازی هر چه بیشتر نیروی کار کارگران و مزد و حقوق بگیران است. مناطق آزاد و ویژه به مناطق آزادی استعمارکارگران بدل میشود تا سرمایه داران امنیت سرمایه گذاری را به دست آورند.

***مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران (به انضمام نامه اصلاحی شماره 34601 - 73.4.6)**

مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران (به انضمام نامه اصلاحی شماره 34601 - 73.4.6) 33433. - 1373.02.19ت 25 ک - 1373.03.16 - 169 و اتباع خارجه - امور بین المللی - تأمین اجتماعی - کار - مراجع اختصاصی - واردات و صادرات و ریاست جمهوری - دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ 1373.2.19 با توجه به اختیار تفویضی هیأت وزیران(موضوع تصویب نامه شماره 16632.ت 30 ه مورخ 1373.2.13) و به استناد ماده (12) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران" - مصوب 1372 - مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر تصویب نمودند:

"[Z]مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی کلیات فصل اول

ماده 1 - در این تصویب نامه واژه های زیر به جای عبارتهای مشروح مربوط به کار می روند:

کشور: جمهوری اسلامی ایران.

مناطق: مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران.

دبیرخانه: دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی.

سازمان: سازمان مناطق آزاد تجاری - صنعتی.

مقررات: مقررات موضوع ماده 12 قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی در مورد اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی.

کارگر: کسی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق به درخواست کارفرما کار می کند.

کارگاه: محلی است که کارگر به درخواست کارفرما یا نماینده او در آنجا کار می کند، از قبیل مؤسسات صنعتی، کشاورزی، معدنی، ساختمانی، ترابری مسافری، خدماتی، تجاری، تولیدی، اماکن عمومی و امثال آنها.

مزد: وجوه نقدی یا غیر نقدی و یا مجموعه آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می شود.

مزد ثابت: مجموعه مزد شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل.

حقوق: هر گاه مزد به طور ماهانه تعیین و پرداخت شود، حقوق نامیده می شود.

مدت کار: مدت زمانی که کارگر نیرو یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می دهد.

ماده 2 - کلیه کارگران، کارفرمایان و کارگاه های واقع در مناطق آزاد مشمول مقررات این تصویب نامه هستند.

تبصره: اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی و نیز کارگران کارگاه ها خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می شود، مشمول مقررات این تصویب نامه نخواهند بود.

ماده 3 - نظارت بر اجرای مقررات این تصویب نامه و رعایت حقوق کارفرمایان و کارگران و انجام تعهدات پیش بینی شده در ارتباط با قرارداد کار بر عهده سازمان منطقه خواهد بود.

سازمان هر منطقه می تواند برای انجام تعهدات کارفرمایان در قبال کارگزاران ضمانت های لازم را اخذ نماید و در صورت عدم انجام تعهدات یاد شده از سوی کارفرمایان از محل ضمانت نامه ها اخذ شده، تعهدات کارفرمایان یا آرای مراجع و محاکم قانونی را در مورد کارگران آنها ایفا نماید.

ماده 4 - سازمان هر منطقه با همکاری و مشارکت کارفرمایان و کارگران نسبت به تأمین امکانات رفاهی مورد نیاز کارگران آن منطقه از قبیل مسکن، تأسیسات ورزشی، خدمات

بهداشتی و درمانی و تسهیلات لازم به منظور تهیه آذوقه و مایحتاج عمومی اقدام خواهد کرد.

ماده 5 - وزارت کار و امور اجتماعی با هماهنگی سازمان هر منطقه، واحد کار و خدمات اشتغال را در هر یک از مناطق آزاد ایجاد خواهد کرد این واحد نسبت به تنظیم امور بازار کار، نظارت بر مسایل حفاظت و بهداشت کار و سایر امور اقدام خواهد کرد.

تبصره 1 - سرپرست واحد کار و خدمات اشتغال با پیشنهاد سازمان هر منطقه و حکم وزیر کار و امور اجتماعی منصوب می‌شود.

تبصره 2 - سرپرست واحد کار و خدمات اشتغال موظف است هر سه ماه یک بار گزارش عملکرد این واحد را به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال نماید.

ماده 6 - بازرسان کار از کارگاه‌های مشمول این تصویب‌نامه بازرسی به عمل می‌آورند. کارفرمایان و سازمان هر منطقه موظفند نسبت به رفع نواقص حفاظت و ایمنی محیط کار کارگران و انجام توصیه‌های قانونی بازرسان کار در فرصت‌های مقرر اقدام نمایند.

فصل دوم - قرارداد کار

ماده 7 - قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت مزد معین، کاری را برای مدت معین یا نامعین برای کارفرما انجام می‌دهد.

تبصره 1 - در صورت نامعین بودن مدت کار، با توجه به ماهیت و طبیعت کار، پایان و خاتمه طرح، پروژه یا فعالیت کارگاه، زمان خاتمه قرارداد تلقی می‌شود.

تبصره 2 - در موادی که کار ماهیتاً دائمی است و در قرارداد نیز ذکر مدت نشده است قرارداد، دائمی تلقی می‌شود.

تبصره 3 - در مورد قراردادهای با مدت موقت و یا کار معین، هیچ یک از طرفین مجاز نیست به طور یک جانبه مبادرت به فسخ قرارداد نماید (مگر در موارد پیش‌بینی شده در قرارداد کار). در صورت فسخ یک جانبه قرارداد از سوی هر یک از طرفین، طرف دیگر می‌تواند از طریق مرجع حل اختلاف مطالبه خسارت نماید.

ماده 8 - ماهیت استمراری کار در دائمی بودن قراردادهایی که دمت معین دارد مؤثر نمی‌باشد.

ماده 9 - رعایت شرایط زیر برای صحت قرارداد کار الزامی است:

الف - مشروعیت مورد قرارداد.

ب - معین بودن موضوع قرارداد.

ج - عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام کار مورد نر. تبصره: اصل بر صحت کلیه قراردادهای کار است، مگر آن که بطلان آنها در مراجع ذیصلاح به اثبات برسد.

ماده 10 - قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی موارد زیر باشد:

الف - نوع کار، حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر عهده‌دار خواهد شد.

ب - حقوق، مزد و مزایا.

ج - ساعات کار، تعطیلات و مرخصی‌ها.

د - محل انجام کار.

ه - تاریخ انعقاد قرارداد کار.

و - مدت قرارداد کار.

ز - مزایای رفاهی و انگیزشی که به کارگر داده می‌شود.

ح - چگونگی حل و فصل اختلافات با توجه به مفاد این تصویب‌نامه.

ط - نحوه فسخ قرارداد با توجه به مفاد این تصویب‌نامه.

ی - دیگر مواردی که با شرایط و اوضاع و احوال، طرفین درج آن را در قرارداد لازم بدانند.

تبصره 1 - قرارداد کار در سه نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه آن نزد کارگر، یک نسخه نزد کارفرما و یک نسخه در اختیار سازمان منطقه خواهد بود.

تبصره 2 - سازمان منطقه نمونه‌های قرارداد کار مورد نیاز کارگاه‌ها را به دو زبان - که یکی از آنها فارسی خواهد بود - تهیه و در اختیار آنان قرار خواهد داد.

ماده 11 - کارفرما می‌تواند مدتی را به نام دوره آزمایشی کار تعیین نماید، در خلال این دوره هر یک از طرفین می‌تواند بدون اخطار قبلی و بی‌آنکه الزام به پرداخت خسارت داشته باشد، رابطه کار را قطع نماید.

مدت دوره آزمایشی با توافق دو طرف تعیین و در قرارداد ذکر می‌شود ولی در مورد کارگران نیمه ماهر و ساده بیش از یک ماه و کارگران ماهر بیش از سه ماه نخواهد بود. در هر صورت مزد و مزایای ضمن کار کارگری که کار وی حین دوره آزمایش یا پایان آن خاتمه می‌یابد باید برای مدتی که به کار اشتغال داشته است پرداخت شود.

تبصره - انعقاد قرارداد آزمایشی بین یک کارگر و یک کارفرما برای یک شغل معین فقط برای یک بار صورت خواهد گرفت.

ماده 12 - قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می‌یابد:

الف - فوت کارگر.

- ب - بازنشستگی کارگر.
- ج - از کارافتادگی کلی کارگر.
- د - انقضای مدت در قراردادهای کار با مدت معین.
- ه - پایان کار در قراردادهایی که منوط به کار معین است.
- و - فسخ قرارداد کار از سوی کارفرما و کارگر در مواردی که در قرارداد کار مطابق این تصویب نامه پیش بینی شده است.
- ز - استعفای کارگر.
- ماده 13 - هر گاه اخراج کارگر به دلیل عدم رعایت آیین نامه انضباطی کار باشد می تواند به مرجع حل اختلاف پیش بینی شده در این تصویب نامه مراجعه نماید. مرجع مذکور بر اساس این تصویب نامه و آیین نامه های انضباطی مورد عمل کارگاه تصمیم لازم را اتخاذ خواهد کرد.
- ماده 14 - هر گونه تغییر در شرایط کار منوط به پیش بینی آن در قرارداد کار و شرایط و اوضاع و احوال کارگاه خواهد بود. هر گاه کارفرما بدون توجه به قرارداد کار و عدم جلب و موافقت کارگر شرایط کار را تغییر دهد به نحوی که از لحاظ میزان مزد و یا حیثیت به او لطمه و زیان آورد سازد، کارگر می تواند به مرجع حل اختلاف شکایت کرده و تقاضای خسارت نماید.
- فصل سوم - شرایط کار
- ماده 15 - به کارگماردن افراد کمتر از 15 سال تمام ممنوع است.
- ماده 16 - مدت کار روزانه کارگر بر اساس توافق دو طرف و به موجب قرارداد کار تعیین خواهد شد ولی در هر حال از 176 ساعت در چهار هفته تجاوز نخواهد کرد.
- ماده 17 - کار روز کاری است که زمان انجام آن از ساعت (6) تا (22) و کار شب کاری است که زمان انجام آن بین ساعت (22) تا (6) می باشد. کار مختلط، کاری است که بخشی از ساعات انجام آن در روز و قسمتی از آن در شب واقع می شود.
- ماده 18 - کار متناوب، کاری است که نوعاً در ساعات متوالی انجام نمی یابد، بلکه در ساعات معینی از شبانه روز صورت می گیرد.
- ماده 19 - کار نوبتی، کاری است، که در طول ماه گردش دارد، به نحوی که نوبتهای آن در صبح یا عصر یا شب واقع می شود.
- ماده 20 - هر گاه به موجب قرارداد منعقد، کار به صورت نوبتی و یا شبکاری انجام پذیرد مزایای پرداختی به این قبیل کارها بر اساس قرارداد کار و توافق کارگر و کارفرما و شرایط و اوضاع و احوال کارگاه تعیین خواهد شد.
- ماده 21 - استفاده از تعطیل هفتگی (جمعه)، مرخصی استحقاقی سالانه و تعطیلات رسمی بر اساس توافق دو طرف خواهد بود و هر گاه با موافقت کارگر این مرخصی ها به روز دیگری منتقل شود و یا استفاده نشود، مزایای پرداختی بر اساس توافق طرفین که قبلاً اتخاذ شده باشد خواهد بود.
- ماده 22 - علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز جهانی کارگر (11 اردیبهشت) نیز جزو تعطیلات رسمی کارگران به حساب می آید.
- ماده 23 - در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کار یا بازنشستگی و از کارافتادگی کلی کارگر و یا تعطیل کارگاه مطالبات مربوط به مدت مرخصی استحقاقی کارگر به وی و در صورت فوت او به ورثه اش پرداخت می شود.
- ماده 24 - مرخصی استحقاقی سالانه کارگران با احتساب روزهای جمعه جمعاً بیست روز است، سایر روزهای تعطیل جزو ایام مرخصی محسوب نخواهد شد. برای کار کمتر از یکسال، مرخصی مزبور، نسبت به کار انجام یافته، محاسبه می شود.
- ماده 25 - هر گونه اضافه کار در چهار هفته بیش از (176) ساعت مذکور در ماده (16) این تصویب نامه انجام یابد مستلزم پرداخت مزایایی است که قبلاً در قرارداد کار پیش بینی شده است.
- ماده 26 - حداقل مزد پرداختی در مناطق، کمتر از حداقل مزد قانونی کشور نخواهد بود.
- ماده 27 - برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.
- ماده 28 - در مواردی که با توافق طرفین قسمتی از مزد به صورت غیر نقدی پرداخت می شود، باید ارزش نقدی تعیین شده برای این گونه پرداختها منصفانه و معقول باشد.
- فصل چهارم - مرجع حل اختلاف
- ماده 29 - هر گونه اختلاف ناشی از اجرای مقررات این تصویب نامه و قرارداد کار که بین کارگر و کارفرما رخ دهد بدو از طریق سازش حل خواهد شد. هرگاه اختلاف از طریق سازش حل نشود، موضوع ظرف (10) روز از سوی هر یک از طرفین به هیأت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
- ماده 30 - هیأت مذکور در ماده فوق مرکب است از: کارفرمای ذی ربط یا نماینده تام الاختیار وی.

کارگر	دی‌ربط	یا	نماینده	تام‌الاختیار	وی.
- نماینده			سازمان		منطقه.
تبصره: هیأت رسیدگی طرف ده روز از تاریخ دریافت شکایات موظف است به موضوع رسیدگی و نظر		خود	را	اعلام	دارد.
ماده 31 - تصمیمات هیأت رسیدگی در صورت عدم اعتراض ظرف (10) روز از تاریخ ابلاغ به طرفین		لازم‌الاجرا	خواهد		بود.
ماده 32 - کارگری که قرارداد کارش از سوی کارفرما فسخ می‌شود می‌تواند ظرف (15) روز به هیأت مراجعه و تقاضای رسیدگی نماید.					
ماده 33 - هر گاه اخراج کارگر از سوی هیأت رسیدگی موجه تشخیص داده شود هیأت، اخراج وی را تأیید نموده و کارفرما را ملزم خواهد ساخت که در قبال هرسال خدمت حقوق (15) روز کارگر را به کارگر					بپردازد.
ماده 34 - هر گاه اخراج کارگر از سوی هیأت رسیدگی موجه شناخته شود*، کارفرما را مخیر خواهد کرد تا کارگر را به کار برگردانده و حقوق ایام بلاتکلیفی وی را بپردازد و یا آنکه در قبال هر سال خدمت حقوق (45) روز وی را به عنوان خسارت اخراج بپردازد. >>*پاورقی: به موجب نامه اصلاحی شماره 34601 مورخ 73.4.6 دبیر هیأت دولت عبارت "موجه شناخته نشود" به اشتباه "موجه شناخته شود" تحریر شده است.<<.					
ماده 35 - دبیرخانه شورای عالی مکلف است با توجه به شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی، آیین‌نامه نمونه انضباط کار را با هماهنگی وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان هر منطقه تهیه و برای اجرا در اختیار سازمان‌های مناطق آزاد قرار دهد.					
ماده 36 - کارفرمای هر کارگاه مستقر در منطقه، آیین‌نامه انضباطی کار خاص آن کارگاه را تهیه و پس از تأیید سازمان منطقه به مراحل اجرا خواهد نهاد. فصل پنجم - آموزش و کارپایی.					
ماده 37 - وزارت کار و امور اجتماعی، آمار و اطلاعات مورد نیاز مربوط به نیروی انسانی را با هماهنگی سازمان هر منطقه حسب مورد از کارگاه‌ها و مؤسسات واقع در مناطق آزاد تهیه می‌نمایند.					
ماده 38 - سازمان منطقه با صدور مجوز برای مراکز مشاوره شغلی و کارپایی غیر دولتی در مناطق آزاد خدمات لازم را از این طریق ارائه خواهد داد.					
ماده 39 - سازمان منطقه با هماهنگی و همکاری وزارت کار و امور اجتماعی - سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای) و با عنایت به ماده (9) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری -صنعتی متناسب با نیاز بازار کار نسبت به ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در منطقه اقدام خواهد کرد.					
ماده 40 - سازمان منطقه با هماهنگی واحد کار و خدمات اشتغال و کارفرمایان نسبت به معرفی افرادی که نیاز به آموزش دارند به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای اقدام خواهد کرد.					
تبصره: ضوابط مربوط به اعزام این قبیل افراد برای آموزش و چگونگی تشکیل دوره‌های آموزشی و غیره از سوی سازمان منطقه با همکاری واحد کار و خدمات اشتغال تنظیم خواهد شد. فصل ششم - اشتغال اتباع خارجی					
ماده 41 - کلیه کارفرمایان کارگاه‌های واقع در مناطق موظفند حتی‌الامکان نیروی کار مورد نیاز خود را از میان کارگران ایرانی تأمین نمایند. با این حال در کارگاه‌های مذکور می‌توان از خدمات، تخصص‌ها و مهارت‌های متخصصان تبعه کشورهای خارجی تحت شرایط مندرج در این تصویب‌نامه استفاده کرد. تبصره: در هر صورت نسبت کارگران خارجی نباید از ده درصد (10%) کل شاغلان هر منطقه بیشتر باشد.					
ماده 42 - پروانه اشتغال برای اتباع خارجی با رعایت ماده (41) و تبصره آن به تشخیص و درخواست سازمان مناطق و توسط واحد کار و خدمات اشتغال در منطقه صادر می‌شود.					
ماده 43 - اتباع خارجی که در مناطق آزاد به کار اشتغال می‌ورزند تعهد خواهند کرد که طی مدت اشتغال، به کارگران ایرانی تخصص‌های خود را آموزش دهند. چگونگی انتقال تخصص تبعه خارجی به کارگران ایرانی را سازمان هر منطقه تعیین خواهد کرد.					
ماده 44 - هر کارفرمایی که قرارداد کار با تبعه کشورهای خارجی منعقد ساخته، به هنگام پایان قرارداد کار و همچنین تبعه‌ای که قرار دادش پایان پذیرفته موظفند مراتب را به واحد کار و خدمات اشتغال سازمان هر منطقه اطلاع دهند.					
ماده 45 - کارگاه‌های مستقر در منطقه ملزم هستند فهرستی شامل نام، ملیت، تخصص، شغل و مزد دریافتی کارگران خود را هر شش ماه یک بار تهیه و به واحد کار و خدمات اشتغال سازمان هر منطقه اعلام دارند.					
فصل هشتم - تأمین اجتماعی					
ماده 46 - سازمان هر منطقه آزاد مکلف است رأساً یا با مشارکت سازمان تأمین اجتماعی					

و یا شرکت‌های بیمه نسبت به تأسیس "صندوق یا صندوق‌هایی" به منظور ارائه خدمات درمانی، غرامت دستمزد ایام بیماری، بارداری، ازکارافتادگی جزئی و کلی، بازنشستگی، فوت و سایر موارد مربوط برای کارکنان مشمول این مقررات در مناطق آزاد اقدام نماید. ماده 47 - آن دسته از کارگران شاغل در واحدهای واقع در مناطق آزاد که در گذشته مشمول قانون تأمین اجتماعی بوده و حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته‌اند و نیز کارگران مشمول مقررات این تصویب‌نامه که حق بیمه به صندوق پرداخته‌اند سوابق آنها محفوظ بوده و در موارد اشتغال بعدی می‌توانند سوابق خود را منتقل سازند. تبصره: ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به سوابق این گونه افراد و احتساب آن توسط سازمان مناطق و سازمان تأمین اجتماعی تهیه و به تأیید شورای عالی مناطق آزاد خواهد رسید.

ماده 48 - اتباع خارجی که در مناطق آزاد به کار اشتغال دارند می‌توانند همانند اتباع ایرانی از مزایای صندوق مربوط استفاده کنند.

ماده 49 - اتباع خارجی مجاز به کار یا اقامت در مناطق آزاد از حیث خدمات درمانی مشمول مقررات "بیمه‌گر" خواهند بود. به هر حال بیمه اتباع خارجی باتوجه به قراردادهای متقابل انجام پذیرد خواهد بود.

ماده 50 - ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به تعیین سرانه حق بیمه اتباع خارجی و نحوه تشکیل صندوق یا صندوق‌ها و مقررات حاکم بر آن و روابط صندوق‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و یا دیگر شرکتهای بیمه و چگونگی انتقال سوابق بیمه کارگران خارجی به کشور و سایر مسائل مربوط توسط دبیرخانه شورای عالی و سازمان تأمین اجتماعی تهیه و به تأیید شورای عالی مناطق آزاد خواهد رسید.

فصل هشتم - متفرقه
ماده 51 - مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در مناطق آزاد لازم‌الرعایه می‌باشد.

تأیید اکبر هاشمی رفسنجانی - رییس جمهور
این تصویب‌نامه در تاریخ 1373.3.8 به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. حسن حبیبی - معاون اول رییس جمهور

21 تیر: هجومی سه گانه برای "اصلاح" قانون کار به سود کارفرمایان

اخیرا سه موضوع به صورتی جداگانه و در عین حال هماهنگ برای حذف مقررات کار از زندگی کارگران از سوی دولت به جریان افتاده است موضوع نخست ارائه دوباره لایحه "اصلاح قانون کار پیشنهادی دولت دهم به مجلس در تاریخ 1395/4/13 و اعلام وصول این لایحه از سوی هیات رییس مجلس است. موضوع دوم طرح دوباره بررسی "شیوه نامه استاد شاگردی" از سوی وزارت کار و دعوت از نمایندگان تشکل های رسمی کارگری و کارفرمایی به نشست مشترک این نمایندگان با نمایندگان معاونت های اشتغال، تعاون و روابط کار وزارت تعاون کار و امور اجتماعی است که اولین نشست آن در تاریخ دوشنبه 1395/4/14 در وزارت کار برگزار شد و سومین موضوع بررسی تعمیم معافیت‌های مربوط به کارفرمایان مساجد و بقاع متبرکه به تمامی کارگاه‌های کوچک دارای پنج کارگر و کمتر تشکیل که جلسه شورای عالی کار در روز سه‌شنبه (22 تیرماه 1395) به آن خواهد پرداخت.

شنیده ها حاکی از آنست که موضوع تعیین تکلیف شیوه نامه استاد شاگردی در دستور کار معاونت های اشتغال، تعاون و روابط کار وزارت تعاون کار و امور اجتماعی قرار گرفته است. گفته می‌شود به دنبال درخواستی از برخی از استانداران از جمله استاندار آذربایجان شرقی در مورد تداوم اجرای این شیوه نامه و اختصاص حداقل یک "شاگرد" برای هر واحد صنفی از وزارت مربوطه ارسال گردیده که ظاهرا با عدم پاسخگویی این وزارت خانه، درخواست به معاون اول رییس جمهوری ارجاع داده میشود و آقای جهانگیری از وزارت کار می‌خواهد که با استانداران درخواست کننده همکاری های مقتضی را انجام دهند. بدین ترتیب از سوی وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی از تشکل های کارگری و کارفرمایی خواسته می‌شود تا نظرات خود را در این باره در جلسه ای که به همین منظور تشکیل میگردد بیان کرده تا تصمیم قطعی در باره این دستور العمل گرفته شود.

همچنین موضوع خروج کارگران گارگاه های دارنده تا پنج کارگر نیز با توجه به نص صریح ماده 191 مدت هاست موضوعیت ندارد ولی هر ساله تمدید می‌شود و دولت باید با آن بطور قطعی تعیین تکلیف کند. به همین خاطر دستور کار جدیدی پیش روی شورای عالی کار قرار دارد که عبارتست از تعمیم دادن آیین نامه معافیت کارگران بقاع متبرکه در کارگاه های کوچک دارنده تا پنج کارگر که آن نیز در دستور کار شورای عالی کار قرار گرفته است و چگونگی اجرای موضوع به استدلال هایی که از سوی طراحان آن در شورای عالی کار بیان خواهد شد، بستگی دارد.

اینکه طرح دوباره این موضوعات ره به کجا خواهد برد؟ بسته به آنست که دیدگاه های دولت یازدهم در باره مقررات کار چه باشد. واقعیت آنست که سال هاست تغییرات در قانون کار به سود لغو مقررات کار در دستور دولت های تا کنونی قرارداشته است و آخرین لایحه تغییرات نیز توسط وزارت کار دولت احمدی نژاد به مجلس ارایه شد که تاکنون مسکوت مانده بود اما بالاخره توسط دولت یازدهم با استناد به برنامه پنجم "توسعه" دوباره به مجلس ارائه گردیده و از سوی مجلس اعلام وصول شده است. این اعلام وصول آنها با توجه به اینکه تصویب برنامه ششم در راهروی دولت-مجلس در رفت و آمد است دو برخورد را به ذهن خواهد آورد؛ اول اینکه دولت مصمم است برای جذب سرمایه های خارجی و اعلام و اجرای استانداردهای سازی قوانین و رفع آنچه "مزاحمت های قانونی کسب و کار و تولید" نامیده میشود؛ این تغییرات را به بهانه اجرای برنامه پنجم به جلو اندازد و به این وسیله باادارا بودن حمایت جناح اصولگرا کنونی در مجلس (به عنوان حامیان برنامه پنجم دولت

اصولگرای دهم) از تصویب آن حمایت کنند و جناح "اعتدالی_اصلاح طلبی" نیز به دلیل حمایت از دولت رییس جمهور روحانی به تصویب آن سرعت بخشند. برخورد دوم هم ضمن توجه به قطعیت تغییرات؛ مسایل سیاسی پیش رو را هدف قرار داده و برای حفظ آرای احتمالی کارگران در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو برای شانه خالی کردن از فشارهایی که به خاطر اجرای برنامه پنجم لایحه اصلاح قانون کار را به مجلس ارایه داده است تا با مخالفت هایی که از سوی نمایندگان منتسب به کارگران و در راس آن علیرضا محجوب در کمیسیون کارگری مجلس و همچنین واکنش هایی که از سوی تشکل های رسمی صورت می گیرد با هدف خرید زمان تا انجام انتخابات و نتایج حاصل از آن به بهانه اجرای مفاد برنامه ششم توسعه در باره برنامه های کسب و کار و سیاست های ناشی از آن، لایحه بار دیگر به دولت بازگردانده شود. موضوعی که این گمانه در مورد برخورد دوم را تقویت می کند یکی گفتگوی علیرضا محجوب با خبر نگار خانه ملت و دوم نحوه برخورد معاونت های سه گانه اشتغال، تعاون و روابط کار در وزارت کار است که برای تعیین تکلیف بر سر موضوعات مورد اختلاف با پیشبرد سه جانبه گرایی در چهارچوب گفتگومانی شورای عالی کار بستگی پیدا می کند. در نتیجه ی چگونگی پیشبرد این موضوعات، آینده وزیر کار نیز در ابقا یا برکناری از پست وزارتی قابل توجه و درخور تامل است.

رمزگشایی طرح همزمان "شیوه نامه استاد شاگردی" و طرح "تعمیم معافیت های مربوط به کارفرمایان مساجد و بقاع متبرکه به تمامی کارگاه های کوچک دارای پنج کارگر و کمتر" با ارایه لایحه "اصلاح قانون کار" می تواند گمانه دوم را تقویت کند که در صورت بازگشت مجدد لایحه به دولت؛ امکان تداوم اجرای دوطرح دیگر با اندکی تغییرات و حتی علی الظاهر بصورت طرح آزمایشی دوباره، بی اثر بودن قانون کار در بخش عمده ای از روابط کارگری و کارفرمایی تضمین گردد.

در هر صورت این موضوع چالش برانگیز زمینه های تغییر و اصلاحی از مواد قانون کار را به موضوع مهم روز برای کارگران ایران بدل کرده است و با توجه به سیاست های جهانی نئولیبرالیسم در حذف مقررات کار و مخالفت های جدی ناشی از پیشبرد این سیاست ها؛ انتظار برخورد مسوولانه از جانب کلیه نهاد های گوناگون کارگری را طلب می کند.

نگاهی گذرا به پیشینه "استاد شاگردی"

در نیمه دوم سال 1392 کارزاری علیه این طرح ضد قانونی و ضد کارگری که در دولت احمدی نژاد تصویب و در چهاردهم شهریور سال 1391 توسط همان دولت جهت اجرا ابلاغ گردیده بود، شروع شد و اعضای کمیته راهبری کارزار علیه طرح استاد شاگردی طی نامه ای از وزیر کار دولت یازدهم خواستند تا این طرح را باطل اعلام کند. کمیته راهبری کارزار علیه «طرح استاد شاگردی» مصرانه خواستار ابطال فوری و بی قید و شرط «طرح استاد شاگردی نوین» و همچنین خواهان بررسی موارد به کارگیری این طرح و احقاق حقوق همه کسانی که ناگزیر از اجرای این طرح زیان دیده اند؛ شد.

هزاران کارگر از استان های مختلف با امضای طوماری به حمایت از ابطال شیوه نامه استاد شاگردی از اقدامات کمیته راهبری کارزار علیه طرح استاد شاگردی برخاستند. در همین راستا در نیمه اول سال 1393 شکایتی از وزارت کار دولت جمهوری اسلامی درباره اجرای این طرح از سوی نماینده کارگری حاضر در اجلاس سازمان بین المللی کار "ILO" به دبیر خانه آن سازمان تقدیم میگردد. پیامد این شکایت تضيیقاتی را برای مجمع عالی نمایندگان کارگران فراهم می آورد تا به آنجا که در یکم شهریور ماه 1393 رییس مجمع نمایندگان کارگران استان مازندران طی نامه ای به آقای یار احمدی رییس مجمع عالی نمایندگان و ارسال رونوشت آن برای 27 مجمع نمایندگی استانی سراسر کشور خواهان "استرداد ابطال طرح استادشاگردی مورد دعوی در مجامع بین المللی "ILO" می شود و این در حالیست که طرح استاد شاگردی در استان های کشور به منظور ارزیابی آزمایشی به کار گرفته شده بود در عمل شکست خورده و نتوانسته است به هیچ یک از اهداف تعریف شده، دست یابد و حتی یک مورد هم از بکارگیری موفق این طرح گزارش نشده است. با این همه باید پرسید حمایت استانداران از این طرح ضد کارگری و تقاضای آنان برای گسترش این طرح به همه واحدهای صنفی نشانه چیست؟ و اساسا آیا این طرح و دستور العمل های مشابه آن حتی اگر به قصد دور زدن قانون کار تصویب نشده باشند و یا از کانال قانونی توسط مجلس تصویب شده باشند؛ جز زیان برای کارگران و به تبع آن برای اقتصاد بیمار و صنایع ورشکسته چیزی را به ارمغان نخواهند آورد. برای یاد آوری آنچه تا کنون در ارتباط با این دستور العمل غیر قانونی و ضد کارگری بیان شده است کفایت ادله مخالفین این طرح را که در نامه سرگشاده به وزیر کار در مهر ماه 1392 نیز منعکس شده است بخوانیم:

- 1- طرح استاد شاگردی نوین «مصوب وزارت کار دولت دهم و هر طرح دیگری که وظایف دولت در قبال قانون اساسی و قانون کار را نقض کند از اعتبار ساقط و فاقد وجاهت قانونی است.
- 2- دولت موظف به اجرای بی کم و کاست قانون کار است و هرگونه تغییر در قانون کار باید طی لایحه پیشنهادی که ضمن رعایت سه جانبه گرایی و پس از موافقت شرکای اجتماعی در شورای عالی کار رسمیت می یابد را جهت تصویب به مجلس قانون گذار ارائه دهد. دولت نمی تواند به تصویب مصوبات مغایر با قانون کار و قانون اساسی (تحت هر عنوان) دست زند.
- 3- حتی در صورت لزوم تصویب هرگونه طرح، آیین نامه اجرایی، اصلاحیه، الحاقیه، دستورالعمل، شیوه نامه و غیره؛ این موارد باید در چارچوب وظایفی که قانون اساسی و قانون کار به عهده دولت گذاشته است اجرا شود.
- 4- «طرح استاد شاگردی نوین» خلاف اصل 28 و 29 قانون اساسی و مغایر با مقاله نامه های 105 و 142 سازمان بین المللی کار که دولت جمهوری اسلامی ضمن پذیرش؛ متعهد به اجرای آن شده، است. این طرح، کار بدون مزد را رواج داده و موجب بهره کشی فرد از فرد می شود که از مصادیق آشکار کار اجباری است.
- 5- این طرح نقض هرگونه مقررات در روابط کار و تأمین اجتماعی را درباره کارگران در هر شرایط سنی قانونیت بخشیده و اجرای آن امنیت شغلی و ایمنی و بهداشت کار را در واحدهای کار و تولید از بین می برد.
- 6- «طرح استاد شاگردی نوین» میحت پنجم از فصل سوم قانون کار (شرایط کار نوجوانان از ماده 79 الی ماده 84) و میحت اول فصل پنجم (کارآموز و مراکز کارآموزی از ماده 107 الی ماده 118) را نقض کرده و تاکید و صراحت دارد که شاگردان در مدت زمان آموزش از شمول قانون کار و قانون تأمین اجتماعی خارج بوده و موضوع در قرارداد طرح تصریح می گردد (بند 7 ماده 5 طرح مذکور)

7- «طرح استاد شاگردی نوین» لزوم انعقاد هر گونه قرارداد جامع و مانع بین طرفین را به کلی منتفی می‌داند و به بهانه آموزشی بودن طرح مقرر می‌دارد: «..... هیچ مبلغی تحت هر عنوان از جمله مزد و حقوق توسط استادکار به شاگرد پرداخت نمی‌شود.»

۸- در ابعاد ملی «طرح استاد شاگردی» در تعارض جدی با توسعه‌گرایی با محوریت توسعه انسانی است. فصل پنجم قانون کار امر آموزش و اشتغال توأمان و در راستای توسعه انسانی نیروی کار و به منظور اشتغال مولد تدوین و تصویب شده است. برابر ماده ۱۰۷ این قانون؛ وزارت کار مکلف است امکانات آموزشی لازم را در اجرای اهداف قانون اساسی و به منظور اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار و بالا بردن دانش فنی کارگران فراهم سازد. بدیهی است که آموزش و اشتغال از مهم‌ترین عناصر زیر ساختی توسعه اجتماعی و اقتصادی است. در تصویب و اجرای این دستور العمل، ضمن خود مختاری دولت در به کنار نهادن وظایف قانونی و تخطی از قانون اساسی به بهانه کاهش تصدی‌گری؛ گرایش قوانین به سود توسعه خنثی و بی‌اثر خواهد شد.

از آنجا که دولت موظف به اجرای قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است و اختیارات قانونی جهت تصویب آیین نامه، بخشنامه، اصلاحیه، الحاقیه و هرگونه دستورالعمل را جز در مواردی که قانون تعیین می‌کند؛ ندارد تصویب و ابلاغ این طرح (شیوه نامه!) خارج از اختیارات دولت دهم بوده است و ابطال آن تاکید بر قانون مداری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و به طریق اولی از وظایف دولت کنونی است.

پیشینه طرح خروج کارگران بقاء متبرکه از قانون کار

طبق مصوبه سال 73 هیات وزیران آیین نامه منوط به موسسات وقف عام غیر تولیدی است و براساس آن تمامی افرادی که به عنوان خدام و کارکنان بقاء متبرکه، مساجد، حسینیه ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی مشغول کارند برای دوره‌های پنج ساله‌ای که تاکنون مدام تمدید شده است. اساسی ترین مفاد این آیین نامه عبارتند از خروج کارگران این بخش ها از شمول :

ماده 25 (ممنوعیت فسخ یک طرفه قرارداد کار)،

ماده 26 (چگونگی تغییر شرایط کار کارگر)،

ماده 27 (چگونگی اخراج کارگر)،

ماده 31 (نحوه محاسبه سنوات پایان کار)،

32 ماده (محاسبه سنوات پایان کار کارگرانی که توانایی جسمی و روحی آنها برآثر انجام کار مورد توافق آسیب دیده است)،

41 ماده (محاسبه حداقل مزد کارگران)،

ماده 51 (تعیین حداقل ساعت کار روزانه)

وماده 58 (پرداخت 35 درصد مزد اضافی بابت انجام هر ساعت کار شبانه) قانون کار خارج شده‌اند.

اگر فعالیت های گسترده محافل سرمایه داری پنهان در پس نام سازمان های به ظاهر مردم نهادی (NGO) چون "خیریه نذر اشتغال" برای لغو مقررات کار و دور زدن قانون به بهانه ایجاد اشتغال برای گروه های محروم و ناتوان را هم در نظر بگیریم درخواهیم یافت که تغییرات در اساسی ترین مواد حمایتی قانون کار به شدت هرچه تمانتر پیگیری میشود و این در حالیست که این مقررات هم تا کنون آنگونه که شایسته است نیز اجرا نشده اند و هریک با اجرای ساست های خاصی از جمله حذف قوانین کار در مناطق آزاد تجاری، حذف قرارداد های رسمی در کارهایی که جنبه مستمر دارند و رواج قرارداد های پیمانی به بدترین شکل ممکن از جمله رواج قرارداد های سفید امضا و قراردادهایی با مدت کار معین از یکماه تا زیر یک سال، برقراری نظام دستمزدی مغایر با مفاد ماده 41 قانون کار، اجرای مداوم غیر قانونی خروج کارگاه های تا دارنده 5 کارگر از شمول قانون کار و اجرای " شیوه نامه استاد شاگردی نوین " که تصویب آن کاملا غیر قانونی بوده است همه و همه تاکنون موجب به یغما رفتن حقوق کار در ایران بوده است. و این موضوع با وجود فساد کلان در آنچه که "پرداخت های غیر متعارف" حقوق و مزایای کلان برای مدیران ارشد نشانه های رواج بیعدالتی و تبعیض در زیسته اقتصادی - اجتماعی کارگران و زحمتکشان است.

طرح دوباره شیوه نامه ضدکارگری استاد شاگردی و زمزمه های بی اثر کردن فصول و مواد بیشماری از قانون کار در روابط بین کارفرمایان و کارگران مانند حذف تعیین حداقل دستمزد و یا حذف مواد دیگری از قانون کار در باره کارگاه های دارنده تا 5 کارگر در مجموع نشانگر این واقعیت است که چنانچه از سوی کارگران مقابله ای جدی با مواردی از این دست صورت نگیرد در آینده نزدیک باید شاهد لغو و بی اثر شدن بسیاری از مقررات از روابط کار در ایران باشیم .

پذیرش لایحه "اصلاح قانون کار، تلاش برای رسمیت یافتن "شیوه نامه استاد شاگردی" و خروج کارگاه های دارنده تا پنج کارگر از اساسی ترین مواد قانون کار تدبیری که جز ناامیدی کارگران را در بر نخواهد داشت. پرسش اساسی از کارگزاران دولت یازدهم و سایر نهاد های ذی نفع اینست که با حذف چتر حمایتی قانون از سر کارگران و مزد و حقوق بگیران و در عین حال جلوگیری از برقراری سازمان های صنفی مستقل و آزاد کارگری در شرایطی که دست سرمایه داران و کارفرمایان برای تنظیم هرگونه روابط با کارگران باز است چگونه می‌خواهد به اجرای قانون اساسی به عنوان میثاق پذیرفته شده ملی دست زند ؟

ادامه دارد...

21 تیر: می‌خواهند مقررات حمایتی قانون کار را حذف کنند/ تحمیل بیش از پیش فقر و بی‌قانونی به کارگران

یک فعال کارگری معتقد است: بحث خروج کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار، در جهت حذف مقررات حمایتی قانون کار و به نفع سرمایه‌داران مطرح می‌شود.

عبدالله وطنخواه در ارتباط با طرح تسری معافیت‌های کارفرمایان بقاع متبرکه به کارگاه‌های کوچک زیر 5 نفر گفت: سالها پیش در دوران احمدی‌نژاد نیز این طرح در دستور کار قرار گرفت که به دلیل این که در دولت دهم تمدید نشد، وجاهت قانونی ندارد.

وی ادامه داد: با همه این‌ها در حال حاضر در بسیاری از کارگاه‌های کوچک زیر ده نفر شرایط شغلی بسیار نامساعدی حاکم است و مقررات قانون کار اجرا نمی‌شود. کارگران کارگاه‌های کوچک علاوه بر این که در بسیاری از موارد از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار محرومند، از حقوق صنفی حداقلی مانند حق ایجاد تشکلهای رسمی نیز بی‌بهره هستند.

وطنخواه ادامه داد: باید از مسئولان و پیشنهاددهندگان چنین طرح‌هایی پرسید که رهاورد این راهکارهای بدون خروجی چیست و چرا هیچ آماری از موفقیت این نوع معافیت‌ها در رونق اشتغال و کارآفرینی منتشر نمی‌شود.

این فعال کارگری با بیان این مطلب که هدف سرمایه‌داران و حامیان دولتی آنها احیای ماده 33 قانون کار نظام شاهنشاهی و تسهیل اخراج کارگران است افزود: برای پذیرفته شدن در سطح جهانی و کسب رضایت سرمایه‌داران بین‌المللی به تامین نیروی کار ارزان نیاز است و این تلاش‌ها برای اعمال اصلاحات ضدکارگری در قانون کار، در جهت رسیدن به همین هدف است.

وی با تاکید بر این که هدف غایی، حذف قوانین حمایتی از قانون کار است ادامه داد: می‌خواهند به کارگران حقنه کنند که تنها راه نجات، چشم دوختن به سرمایه‌داری جهانی و چشم پوشیدن از حقوق بنیادین صنفی است.

منبع: ایلنا-21 تیر

در حال تکمیل شدن.....

دوم آذرماه 1395

akhbarkargari2468@gmail.com